



The University of Manchester

[Pīrūzī (۱), Piruzi (1), پیروزی]

Source: *University of Manchester*

Contributed by: شورای نویسندگان

Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/10.2307/community.28166133>

JSTOR is a not-for-profit service that helps scholars, researchers, and students discover, use, and build upon a wide range of content in a trusted digital archive. We use information technology and tools to increase productivity and facilitate new forms of scholarship. For more information about JSTOR, please contact support@jstor.org.

Your use of the JSTOR archive indicates your acceptance of the Terms & Conditions of Use, available at <https://about.jstor.org/terms>



JSTOR

University of Manchester is collaborating with JSTOR to digitize, preserve and extend access to *University of Manchester*



لهستان :

بحران کاریگری
یا تضاد طبقاتی؟

اختصاصی پیروزی : سن موافقتنامه
کارگران اعتصابی لهستان با مقامات دولتی

قیمت ۹۰ ریال

شماره اول - مهرماه ۱۳۵۹

روز به روز

جکیده ای از رویدادهای
پنجم مهرماه شهرپور ماه
در ایران و جهان .

جنگ ایران و عراق

تاریخچه رویدادهای چندماه اخیر که به جنگ تمام عیار ایران و عراق منتهی شد .
برجوردهای موزی - رسته های اختلاف دو کشور - هجوم هوایی عراق به ایران .

دانشگاهها
همچنان
بسته میماند

همه در انتظار
«امنیت قضایی»

کردستان
در بن بست

خلق فلسطین بدام خود مختاری
صهیونیستی نمی افتد

سال
تحصیلی
آغاز میشود
اما...

ترکیه زیر سایه چکمه ها

اوپک ، فشار از درون و بیرون
رویدادهای نفتی شهریورماه همراه با نکته هایی از آمار رسی اوپک

با طرح هایی از :
کاسبر درم بخش ،
راسر و رولان موبور
(طراحان فرانسوی)

تعرض بگروهها مقدمه انحلال آنهاست؟

فهرست

حرف اول	صفحه ۱
جنگ ایران و عراق	صفحه ۳
روز به روز	صفحه ۱۰
همه در انتظار "امنیت قضایی"	صفحه ۲۷
اوپک، فشار از درون و بیرون	صفحه ۳۲
نکته‌هایی از آمار رسمی اوپک	
رویدادهای نفتی شهریور ماه	صفحه ۳۸
کردستان در بن‌بست	صفحه ۴۰
تعرض به گروه‌های سیاسی، مقدمه انحلال آنهاست ؟	
	صفحه ۵۰
گزارشی نافرجام از مسأله مسکن	صفحه ۵۵
با لغو سود ویژه دست کارگر از حساب‌های کارخانه کوتاه شد	
	صفحه ۵۹
سال تحصیلی آغاز میشود، اما	صفحه ۶۲
دانشگاه‌ها همچنان بسته میماند	صفحه ۶۶
طرح	صفحه ۷۳
ترکیه، زیر سایه چکمه‌ها	صفحه ۷۵
لهستان: بحران کارگری یا تضاد طبقاتی ؟	صفحه ۸۳
اعلام میکنم (شعری از سمیع‌القاسم)	صفحه ۹۱
خلق فلسطین به دام خودمختاری صهیونیستی نمی‌افتد	
	صفحه ۹۲
تقویم مهر ماه	صفحه ۱۰۱
با طرح‌هایی از :	
کامبیز درم‌بخش، رایزر و رولان توپور (طراحان فرانسوی)	



ماهنامه سیاسی - اجتماعی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره اول - مهر ۱۳۵۹

تلفن : ۸۳۸۸۶۳

حرف اول

دورانی با شکوه و سخت را می‌گذرانیم. با شکوه از آن رو که ملت بیدار و پویای ما، به همت مبارزهای همگین و پهلوانانه، سر از قرن‌ها ظلم و ظلمت بدر آورده و اکنون در روشنائی شعور و بلوغ خود، دشمن اصلی را باز شناخته و رو در روی آن ایستاده است. سخت، چرا که نبردی که ملت ما برای رهایی و سرفرازی خود، پابدان نهاده نبردی نابرابر با دشمنی کهنه کار است که هر چند سرانجام به پیروزی ما - و در نهایت همه توده‌های زحمتکش - می‌انجامد، توانی تهمتن آسا و ایثاری قهرمانانه می‌خواهد - که ملت ما، پیش از این نیز، از خود نشان داده است. کار ما با شکوه و مشکل است، چرا که از نخستین پنجه در افکندن‌ها با امپریالیسم و نوکران تاجدار آن پیروز بدر آمده‌ایم، اما دشمن اصلی همچنان در کمین است و سگ‌های او همچنان در جولان، با دندانهای هنوز تیز، هر چند فرسوده و در حال ریزش.

اکنون، زمان گل‌گشت و تماشا نیست که وقت جنگ است. و جنگ آگاهی و بیداری می‌خواهد و شناخت هر آنچه در پیرامون ما می‌گذرد. باید عقاب وار هر حرکت و جنبش و نیز هر خس و خاشاک جهان و زمان خویش را به وقت باز شناسیم تا بتوانیم ابزارهای لازم برای پیشبرد هر حرکت، و پالایش هر خس و خاشاک بدست خویش بسازیم و بکار ببریم.

اکنون که کشور ما در گیر مبارزه برای رهایی از بهره‌کشی و سلطه‌جویی است، و هر روز، گوشه و کنار آن صحنه جنبشی و حرکتی پویاست، و قوف بر آنچه در کشور و در خارج از آن می‌گذرد، لازم و حیاتی است. بر ماست که در کسب و بکارگیری این وسیله بکوشیم. از سوی دیگر، بدلیل همین حرکت و پویایی، رویدادهایی بر ما می‌گذرد که شاید انسان که باید بدان‌ها توجه نمیشود. در گرماگرم مبارزه، واقعیت‌ها و رویدادهایی

را ندیده می‌گیریم که شاید در آینده بکار آید و از چشم پوشی بر آنها پشیمان شویم. برماست که اینها را نیز نه فقط برای "ثبت در تاریخ" بلکه برای آموزش خود و آیندگان، گرد آوریم.

نشریه‌ای که در دست دارید، مجموعه‌ای از رویدادهای مهم یک ماهه کشور خودمان و دیگر کشورهای جهان است. در کنار آن، درباره بعضی مسائل که بنظر ما از مهم ترین بوده‌اند، شرح و بسط بیشتری داده و احیاناً، با هدف کمک به چاره‌یابی، نقطه نظر و تفسیر خویش را نیز ارائه کرده‌ایم. در گردآوری رویدادهای ماه، اتکای اصلی ما به وسایل ارتباط جمعی عمده کشور بوده است. این چنین بهره‌گیری از وسایلی که درباره بیطرفی و جامعیت آنها همواره حرفی هست، شاید نقصانی بزرگ بنظر رسد. اما با اعتقاد ما، استفاده از آنها برای بازشناسی وجوه گوناگون واقعیت‌ها، بسیار مفید است. و این تنها نه بدان خاطر که این وسایل ارتباط جمعی تنها وسائل موجود در دست ما هستند. بلکه از آن رو که واقعیت را، از هرکجا و بهر وسیله می‌توان دریافت، بشرط آنکه هدف تنها همین شناخت و کمک به گسترش آن باشد، هدفی که ما برای خود می‌شناسیم. از این گذشته، در این زمانه، که جهان ما بر شاخ و گاو وسایل ارتباط جمعی می‌گردد، بازتاب واقعیت‌ها، خود واقعیتی است که گاه بر نفس واقعیت سایه می‌افکند و جز خود ماهیتی را نمی‌نمایاند. پس، شناخت این بازتاب، بهمان اندازه که خود واقعیت، برای شناخت آنچه بر ما می‌گذرد ضروریست. بویژه آنکه بسیاری حرکت‌های سیاسی نه به اتکای واقعیت، که در رابطه با بازتاب واقعیت‌ها شکل می‌گیرد، بازتابی که خود نیز می‌تواند بهمانند بسیاری واقعیت‌ها، ساخته و پرداخته "حرکت‌های سیاسی" باشد.

اکنون. این حرف اول را با این امید بپایان می‌بریم که در آنچه بعنوان وظیفه خود بر شما داریم، موفق و پایدار باشیم تا آنجا که حرف آخر را نیز که خبر پیروزی "حقیقت" بر واقعیت و "مصلحت" باشد، در همین نشریه ثبت کنیم.

جنگ ایران و عراق

در آخرین ساعاتی که این نشریه برای چاپ آماده میشد، درگیری‌های ایران و عراق اوج بیسابقه‌ای یافت. در پی چند ساعت شایعات گوناگون در بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای عضو شورای دفاع ملی و نماینده امام در ارتش طی یک پیام تلفنی که از رادیو پخش شد، اعلام کرد که "هواپیماهای عراقی به چند پایگاه هوایی ایران حمله کرده‌اند و هم‌اکنون جنگ در زمین، هوا و دریا جریان دارد". خامنه‌ای از مردم خواست که منتظر پیام امام باشند. ساعتی بعد رئیس‌جمهوری تلویحا خبر حمله هواپیماهای عراقی به فرودگاه‌های ایران را تأیید کرد و گفت "صدام حسین امروز کوشید که به عنوان مقلد موشه‌دایان، فرودگاه‌های ما را مورد حمله قرار دهد، به تصور اینکه ما خام و بیخیالیم و هواپیماهای او می‌توانند فرودگاه‌های ما را بزنند و نیروی هوایی ما را فلج کنند، چیزی که شد هواپیماهایی بود که از دست داد و به هیچ‌کدام از پایگاه‌های ما آسیبی نرسید...". بنی‌صدر ضمن سخنان خود گفت چندی پیش عراق توسط سفیر فلسطین پیام داده است که می‌خواهد آنچه را در قرارداد الجزیره به ما داده‌شده

است باز پس بگیرد ولی ما گفتیم دروغ می‌گوید و کار آنها جزئی از یک توطئه گسترده بر ضد جمهوری ما است و ما برای مقابله با این توطئه آماده‌ایم. بنی صدر اضافه کرد: "حمله موفقیت‌آمیزی عصر امروز به ۲ پایگاه‌هوائی عراق صورت گرفت و تا این لحظه چهار ناوچه موشک‌انداز عراق در نزدیکی بوشهر غرق شده‌اند و ۴ هواپیمای جنگی از دست داده‌اند و در حمله امروز ایران دو هواپیما در فرودگاه مهرآباد از دست داد و یک هواپیما در حین عملیات". بنی صدر همچنین آماری از تلفات جنگ ارائه داد که برسنای آن از نیروهای عراق ۲۴۴ نفر کشته شده، ۱۱ هواپیمای میگ سرنگون شده، ۶ هلیکوپتر از دست رفته و ۲۱ تانک منهدم شده است و ۲ یگان شناور و یک ناوچه بسیار قوی عراقی‌ها نیز از دست رفته است و ۱۱ عراقی به ایران پناهنده شده‌اند. در مقابل ایران ۲۲ اسیر داده و ۳ هواپیما، ۳ قایق، یک هلیکوپتر و ۱۱ تانک از دست داده است.

مطبوعات نوشتند که در روز ۳۱ شهریور در حمله هواپیماهای عراقی به فرودگاه‌های بوشهر، کرمانشاه، تبریز، تهران، همدان، اهواز و سنندج جمعاً ۴۵ نفر کشته و گروه بیشتری مجروح شدند. در این عملیات ۳ میگ عراقی به تهران، ۶ میگ به اهواز، ۶ میگ به بوشهر، ۵ میگ به کرمانشاه و اسلام‌آباد، ۸ میگ به تبریز، ۴ میگ به همدان و ۳ میگ به سنندج حمله کردند که تعدادی از آنها سرنگون شدند. این حمله هوائی در حدود ساعت ۲ انجام گرفت.

این جنگ "تمام عیار" ایران و عراق در زمین، دریا و هوا نقطه اوج یکسال کشمکش‌های سیاسی و زدوخوردهای پراکنده مرزی است. در ابتدای سال گذشته، در پی انفجارانی که در تأسیسات نفتی ایران روی داد، نخستین موضعگیری‌ها بین ایران و عراق شکل گرفت. تبسار مدنی که در آن زمان استاندار خوزستان بود، بلافاصله، عراق را متهم کرد که در این عملیات خرابکارانه دست داشته است و از آن پس اختلاف و سوءظن بین ایران و عراق روز بروز بالا گرفت.

یکی از نقطه‌های اوج، در روند کشمکش‌های سیاسی بین ایران و عراق، قتل آیت‌الله سید محمدباقر صدر بود که در عراق و بدستور رژیم بعثی صورت گرفت. از همان زمان عراق بعنوان یک اقدام خصمانه شروع به اخراج ایرانیهای مقیم آن کشور کرد و طی چندماه تعداد این رانده‌شدگان از مرز ۳۸ هزار نفر گذشت.

زدوخوردهای مرزی بین ایران و عراق نخستین بار در هشتم خرداد ماه سال جاری در پی دستگیری هشت افسر و درجه‌دار و سرباز عراقی که به خاک ایران تجاوز کرده بودند آغاز شد. این هشت نفر توسط نیروهای ژاندارمری اعزامی از مرکز که در بخش موسیان مستقر بودند، بدون درگیری دستگیر شدند. با شروع درگیری‌ها در روز بعد، سه درجه‌دار ژاندارمری کشته شدند و یک نفر زخمی شده و ارتش عراق با پشتیبانی نیروی هوائی خود به پاسگاههای مرزی و شهر مهران با آتش توپخانه حمله کرد. در جریان این حمله یک پاسدار و ۲ غیر نظامی کشته و بیش از ۲۰ نظامی و غیر نظامی نیز مجروح شدند.

نیروهای عراقی همچنین رئیس یک پاسگاه، سه جوانمرد و سرنشینان یک پیکان و دو موتوسیکلت‌سوار را بعنوان گروگان با خود بردند.

درگیری‌های مرزی بلافاصله بعد از شروع گسترش یافت. ستاد مشترک ارتش ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که نیروهای عراقی از مرز عقب‌نشینی کرده‌اند و ارتش ایران دستور دارد که فقط دفاع کند. اما درگیری‌ها افزایش می‌یافت و تلفات زیادتر میشد. صادق قطب‌زاده وزیر خارجه در بیانیه‌ای اعلام کرد که "رژیم بعث عراق توجهی به اعتراض‌های ایران ندارد و ارتش جمهوری اسلامی باید قاطعانه حملات بعثی‌ها را درهم بشکند و مقابلاً به داخل خاک عراق حمله کند".

دو هفته بعد از این درگیری، روز ۲۴ خرداد، وزارت امور خارجه ایران از کاردار سفارت عراق در تهران خواست تا دو دیپلمات عراقی که هنگام دریافت اسنادی در ایران دستگیر شده‌اند در اولین فرصت کشور را ترک کنند. دولت عراق نیز به تلافی ۲ دیپلمات ایرانی را بعد از ضرب و شتم از خاک خود اخراج کرد. دو ایرانی که اسنادی را به دیپلمات‌های عراقی داده بودند چند روز بعد محاکمه شدند.

در روزهای پایان خردادماه، بعد از یک هفته آرامش نسبی، نیروهای ایرانی و عراقی دوباره درگیر شدند و دامنه برخورد‌ها تا مرز دهلران (که به حوزه‌های نفتی نزدیک است) گسترش یافت. یگفته اصغر ابراهیمی استاندار ایلام، چاه نفت سمبله در اثر حملات عراق دچار آتش‌سوزی شد. همانوقت درباره قتل دو دانشجوی ایرانی عضو انجمن اسلامی در لبنان، دکتر مصطفی جمران وزیر وقت دفاع ملی اعلام کرد که "قتل این دو بدست رژیم بعثی عراق صورت گرفته است و جنایتی دیگر از سلسله جنایت‌های صدام خونخوار است". مقارن همین روزها، نعیم حداد رئیس مجلس ملی عراق در مصاحبه با روزنامه کویتی الوطن اعلام کرد هرگونه پیشنهاد میانجی‌گری بین تهران و بغداد موکول به مذاکره درباره سم‌جزیره ایرانی تنگه هرمز است و چند روز بعد، در گرماگرم حملات توپخانه ایران و عراق علیه هم و علیرغم ماهها فحاشی بخش فارسی رادیو بغداد، صدام حسین در دوازدهمین سالگرد حاکمیت حزب بعث عراق گفت "عراق در جهت سیاست ناوابسته به شرق و غرب و عدم مداخله خود می‌خواهد با ایران روابط حسنه داشته باشد". او گفت "ما از مبارزه مردم ایران حمایت کردیم ولی رهبران جدید ایران با ما برخورد خصومت‌آمیز دارند".

دامنه حملات عراقی‌ها در روزهای آغاز مرداد به نفت‌شهر کشیده شد و گلوله‌های توپ عراقی چندین نقطه شهر را ویران کرد. در همان روزها طرح بسیج ملی نوار مرزی و شهرستان قصر شیرین با حضور پیرحسینی مشاور رئیس جمهور و حجت‌الاسلام محمد سرپرست بسیج ملی در قصر شیرین مورد بررسی قرار گرفت. تا این تاریخ بعثت عدم امنیت، منطقه مرزی قصرشیرین از بسیاری از سکنه خود خالی شده بود و کار در مناطق نفتی حاشیه مرز، مخاطره‌آمیز شده بود. درباره وضعیت چاههای نفت در مرز یک مسؤول سپاه پاسداران ایلام به خبرنگار کیهان گفت: "عراق برخلاف معاهدات بین‌المللی در ۸۰۰ متری چاههای نفت ایران چاه نفت حفر کرده و روزانه یک میلیون بشکه نفت از سفره نفتی زیرزمینی ایران بهره‌برداری میکند".

در هفته اول مرداد ماه، زدوخورد‌های مرزی تا اندازه‌ای کاهش یافت اما عملیات ایدائی در هر دوسوی مرز جریان داشت و قوای طرفین به حالت آماده‌باش درآمد. در هفته دوم مردادماه، درگیری‌های مرزی بالا گرفت و تاءسیسات نفتی دو طرف آماج

گلوله‌های توپ‌شد و خسارات جانی و مالی زیادی به بار آمد. از سوی مقامات محلی ایرانی به رئیس جمهور توصیه شد که درباره حملات عراقی‌ها نسبت به مناطق مسکونی اقدام به دادن اvertisement کند. در این ضمن خبر مسموم شدن ۱۶ روستائی ایرانی بر اثر آتاشمیدن آب مسموم شده بعد نازمای به منازعات داد. در تاریخ ۱۹ مرداد کیهان از قول یک مقام آگاه نظامی نوشت "انگیزه عراقی برای منازعه با ایران عدم اجرای بخشی از قرارداد ۱۹۷۵ بین محمدرضا پهلوی و صدام حسین است که بر مبنای آن قرار بوده نفت‌شهر و سوماروئنگاب به عراق واگذار شود و با شروع انقلاب ایران کار میله‌گذاری این مناطق ناتمام باقیمانده است".

آرامش قبل از توفان

در آخرین هفته مرداد، مقارن سفر رئیس جمهور به مناطق مرزی، آرامشی نسبی در مرز برقرار شد و مقامات ایرانی، صدور دستور تهاجمی رئیس جمهور را دلیل این آرامش دانستند. آرامشی که دیری نپائید. در روز ششم شهریور مطبوعات خبر از سرگرفته شدن شدید درگیری‌های مرزی را اعلام کردند. طی چند روز بعد، پایگاه‌های متعددی در دو سوی مرز زیر آتش توپخانه و تانک و موشک ویران شد. شهر قصرشیرین در این روزها زیر باران گلوله‌های عراقی قرار گرفت و ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند و در همین حال هواپیماهای شناسائی عراقی بطور مکرر به آسمان ایران تجاوز کردند.

روز دوازدهم مرداد، کیهان از منابع مرزی خبر داد که عراقیها برای ادامه درگیری با ایران یک ستاد جنگی در خانقین تشکیل داده‌اند و روز ۱۵ مرداد مقامات ایرانی اعلام کردند که در جریان جنگ، دو شهر خانقین و نفتخانه عراق خالی از سکنه شده است و تمام تاسیسات شهر زرباطیه منهدم شده و این شهرستان از ۳ قسمت در حال سوختن است. در نواحی قصرشیرین و مهران، مقامات ایرانی اعلام کردند که در حدود ۶۰ نفر زخمی و قریب به ۱۰ نفر کشته شده‌اند که اغلب غیرنظامی بوده‌اند. به گزارش کیهان، عراقی‌ها در این روز برای اولین بار از توپخانه سنگین و موشک‌های زمین به زمین استفاده کردند. همچنین گفته شد بیش از ۵ خودرو عراقی منهدم و بیش از صد نفر از قوای دشمن کشته شدند. ستاد عملیات مشترک غرب کشور طی اعلامیه‌ای عراق را از حمله به مراکز مسکونی و تجاوز به ایران برحذر داشت.

یک روز بعد فرمانده زاندارمری کرمانشاه، اعلام کرد در بین سلاحهای بدست آمده از قوای عراق، مهمات و سلاح‌های جنگی آمریکائی یافت شده و این نشان می‌دهد آمریکائی‌ها به عراق اسلحه و مهمات می‌دهند ولی بیشتر مهمات عراقی هاروسی است. همچنین گفته شد برای نجات جان مردم مرز نشین، پناهگاه‌های زیرزمینی و بتونی ارسوی جهاد سازندگی در دست ساختمان است. کیهان از قول منابع نظامی نوشت که هلیکوپترهای جنگی ایران در این روز وارد عملیات شدند و در ارتفاعات "آق‌داغ" نیروهای عراقی را درهم کوبیدند.

نخستین درگیری‌های هوایی

در روز ۱۸ شهریور برای نخستین بار نیروی هوائی ایران و عراق باهم درگیر شدند. در حالیکه روی زمین جنگ کاملی با شرکت توپخانه و تانک جریان داشت. عراق ۱۰ هلیکوپتر و ۳ هواپیمای جنگی بعنوان پشتیبانی از نیروهای خود به نوار مرزی قصر شیرین فرستاد که یکی از هلیکوپترها سقوط کرد. ۸ فانتوم نیروی هوائی ایران نیز در این عملیات شرکت داشتند. درباره برخورد جنگنده‌های هوائی ایران و عراق کیهان از قول فرماندار قصرشیرین نوشت

که "یک فانتوم نیروی هوایی در اثر اصابت موشک هواپیماهای عراقی سرنگون شد و یک هلیکوپتر ایرانی نیز در سرپل ذهاب سقوط کرد که کلیه غسرنشین آن کشته شدند" اما ستاد مشترک در اعلامیه ای خاطرنشان کرده که علت سقوط هواپیمای ایرانی در دست بررسی است . حاصل این برخوردها ده هانفر کشته و زخمی از نیروهای طرفین بود .

روز بعد اعلام شد که فرماندهان نیروهای ایرانی یک جلسه ۸ ساعته با شرکت مسوولان ستاد مشترک عملیاتی غرب کشور تشکیل داده اند و همزمان با این جلسه اعلام شد یک هلیکوپتر عراقی هنگام پرواز بر فراز نفت شهر ، هدف گلوله های ضد هوایی قرار گرفت و بزحمت در خاک عراق فرود آمد . ضیائی معاون استانداری ایلام گفت تاکنون چهار هلیکوپتر و دو بیگ عراقی در خاک ایران منهدم شده اند .

نیروهای عراقی در خان لیلی

به گزارش کیهان از قول منابع آگاه ، پیروی اولیه یک ستون از نیروهای بعثی مرکب از صد تانک و چند فرود هواپیما و هلیکوپتر در نقطه خان لیلی با حملات متقابل نیروهای ایرانی متوقف شد و نیروهای بعثی ۷ تانک و یک جیب اخبارات از دست دادند . روز ۲۰ شهریور ، فرمانده ژاندارمری گفت ۷ پاسگاه موزی که نقطه درگیری نیروهای جمهوری اسلامی و قوای دشمن بوده است تخلیه شده است . در مناطق موزی سازمان بسیج مستضعفین از کلیه افراد ۱۸ تا ۴۰ ساله که آموزش نظامی دیده اند خواست که خود را معرفی کنند .

ادعاهای عراق

نیمسار فلاحی جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش در گفت وگو با کیهان روز ۲۲ شهریور مجدداً اعلام کرد که "عراق بموجب قراردادی مدعی مالکیت ۶ پاسگاه موزی است و درباره عملیات جنگی تا منطقه خان لیلی ادعا میکند که این عملیات را در خاک خودش انجام داده است" .

روز بعد فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران گفت عملیات بازپس گیری ۲۰ کیلومتر خاک ایران از عراق در منطقه خان لیلی بزودی آغاز میشود . عراقی ها در همین روز گلوله با آران نواحی موزی بویژه منطقه قصر شیرین را بعد از چند روز از سر گرفتند . در این عملیات که شب هنگام نیز ادامه یافت ، چندین نفر از افراد ایرانی کشته و زخمی شدند .

وزارت امور خارجه ایران در پاسخ ادعاهای ارضی عراق ، طی یادداشتی که روز ۲۳ شهریور منتشر شد ، اعلام کرد "اقدامات عراق در ارتباط با حلسه و وزرای خارجه عراق ، آمریکا ، رژیم صهیونیستی و رژیم شاه است که قبل از انقلاب در مهرماه ۱۳۵۷ تشکیل شد و در آن طرح توطئه مشترکی برای خفه کردن انقلاب اسلامی ایران را ریختند " . در یادداشت وزارت خارجه ضمن رد ادعاهای ارضی عراق ، تأکید شد که "عراق تا آخرین لحظات با ملت ایران دشمنی کرده و بعد از انقلاب هم با تحریک کردها و خوزستان پیایه بهانه اقلیم گرائی ، آنان را علیه حکومت مرکزی شورانده است " . وزارت خارجه ضمن اشاره به کمک سربازان مصری به عراق و کشته شدن ۱۴۰ نفر از آنان ، به عراق توصیه کرد "بجای سرمشق قرار دادن مصر ، دست در دست ایران بگذارد و اگر دست نشانده ابرقدرتها نیست باز رژیم صهیونیستی مبارزه کند " .

سفر رئیس جمهور و نخست وزیر در ۲۳ شهریور به مناطق غرب کشور و شرکت آنان در یک جلسه ۱۲ ساعته امنیتی که با حضور فرماندهان نظامی تشکیل شد ، نشاندهنده حادثه شدن اوضاع بود . بنی صدر در این سفر اعلام کرد که "طرف مقابل جنگ با ایران در اصل آمریکا است" .

آغاز نبرد دریایی

روز ۲۴ شهریور برای نخستین بار خبر درگیری در مرز شلمچه واقع در نزدیکی خرمشهر منتشر و اعلام شد که در سه نقطه مرزی ماموران ایران و عراقی درگیر شدند. بدنبال این درگیری که چند ساعتی ادامه یافت، مرز شلمچه بسته شد و یک مقام سپاه پاسداران اعلام کرد در روز ۲۵ تله های انفجاری کار گذاشته شده است. در زود و حوردهای مرزی شلمچه برای نخستین بار یک ناوچه عراقی توسط خمپاره های ایرانی منهدم شد که کشتی های جنگی عراق آنرا کنار کشیدند.

جنگ در عین حال که به مناطق حساس نفتی ایران در خلیج فارس گسترش می یافت در شمال این مناطق با شدت جریان داشت. ستاد عملیات مشترک غرب اعلام کرد در "سریل ذهاب" دو میگ عراقی سقوط کرده اند و رئیس جمهور به دو درجه داری که این کار بوسیله آنان انجام شده بود، مدال و یک درجه ترفیع داد. در همین حین خبرگزاری پارس خبر داد که ۸ نظامی عراقی در روزهای اخیر به ایران پناهنده شده اند.

مخالفت با میانجیگری

در زمینه سیاسی، از سوی بعضی کشورهای خارجی و همچنین سازمان آزادیبخش فلسطین اقداماتی برای میانجیگری جریان داشت اما به گزارش کیهان، یک مقام مطلع اعلام کرد که ایران میانجیگری و وساطت کشورهای ثالث را قبول نخواهد کرد و با آتش بس که عراقی ها به آن نیاز دارند موافقت نخواهد شد. همین روزنامه ضمن درج خبر دعوت به صلح یک روزنامه معتبر الجزایری اظهار نظر کرده که کار ایران با رژیم صدام حسین هرگز با صلح و آشتی خانم نخواهد یافت. اخبار پراکنده ای که از رسانه های گروهی بخش میشد گویای شدت تخاصم بین طرفین درگیر جنگ بود. مطبوعات ایران از قول فرماندار ارومیه نوشتند که "مردم باید از مصرف روغن نباتی و سیگار عراقی بعلت مسموم بودن خودداری کنند. در همین روز (۲۶ شهریور) کمیسیون دفاع ملی طی اطلاعیه ای از رسانه های گروهی خواست تا اخبار نظامی را فقط از اداره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش بگیرند.

لقو یکجانبه قرارداد توسط عراق

روز ۲۶ شهریور صدام حسین تصمیم شورای انقلاب عراق را مبنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق رسماً اعلام کرد و یک روز بعد پایگاه های مرزی سابله و صفریه در دشت آزادگان اهواز مورد تهاجم عراقی ها قرار گرفت. قوای ایران در آتش متقابل چند پایگاه عراقی را منهدم کرد و یک چاه نفت به اسم "صدام" را به آتش کشید.

در پاسخ لقو یک جانبه قرارداد ایران و عراق در روز ۲۹ شهریور وزارت خارجه ایران بیانیه ای منتشر و ضمن آن تجاوز به حریم داخلی هر کشوری را محکوم کرده، در یادداشت وزارت خارجه گفته شد "دولت های استعمارگر غرب و اسرائیل همان کاری را می خواهند که عراق انجام میدهد". در پایان بیانیه تأکید شده که اگر رژیم عراق ادعائی داشت نه با توب و تانک، بلکه با استفاده از منطق سلیم و رابطه حسن همجواری باید وارد میشد. گزارش کیهان در همین روز شهر قصر شیرین در پی سه روز آرایش، مجدداً "هدف گلوله های توپخانه عراق قرار گرفت و از سوی دیگر یک قطار باری حامل مهمات عراقی به ۲۰ واگن بر اثر برخورد با مین بکلی سوخت.

ستاد مشترک ارتش طی بیانیه شماره یک خود در روز ۲۹ شهریور اعلام کرد: عراق جنگ زمینی و هوائی را به ایران تحمیل کرده است و ضمن برشماری تهاجمات نیروهای

عراق به خاک ایران یاد آور شد که پاسگاه های خان لیلی که از روز ۱۳ شهریور زیر آتش توپخانه عراق قرار داشته در روز ۱۶ شهریور سقوط کرده اند . در اعلامیه ستاد مشترک بعد از اشاره به تلفات سنگین عراقی ها و تلفات سبک ایران آمده است : " اکنون نبرد برای استرداد قسمتی از ارتفاعات مشرف بر خان لیلی و پاسگاه های منطقه ایلام شبانه روز در جریان است و لازم به توضیح است که نقاطی که اکنون عراق بر آنها سلطاست به موجب قرارداد ۱۹۷۵ در مقابل حل مسأله اروند رود مورد ادعای حکومت بعث می باشد و از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون این موضوع مورد اختلاف دو کشور است ."

روز ۳۰ شهریور درگیری های شدید بر سر تصرف منطقه "درگسکه" از توابع سومار قصر شیرین جریان داشت . بر اساس خبرهای رسیده ، ۷۰ تانک عراقی که در حال پیشروی بودند با دخالت نیروی هوایی ایران متوقف شدند و چهار تانک عراقی نابود شد . همچنین یک میگ عراقی با شلیک آتشبارهای ایرانی در خاک عراق سرنگون شد . عراقی ها در مسیر تصرف شده خود از خان لیلی تا زینل کش حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ تانک مستقر کردند . ستاد مشترک در اطلاعیه شماره ۵ خود بعد از برشماری درگیری هایی که در ناحیه آذربایجان غربی و کردستان روی داد به زدن خورد بین نیروهای ایران و عراق در منطقه پاسگاه خین ایران اشاره کرد که در روز ۲۹ شهریور روی داد و ضمن وارد آمدن تلفات و خسارات فراوان به عراق ، از نیروهای خودی نیز ۲ نفر کشته شدند و یک نفر مجروح شد .

گسترش نبرد دریائی

در اطلاعیه ستاد مشترک ارتش آمده است که در روز ۲۹ شهریور یک ناوچه عراقی در تلاقی اروند رود و نهر خین توسط آرپی جی هفت نیروهای ایران غرق شد و در درگیری های دریائی ، یک فروند کشتی عراقی ، دو فروند ناوچه موشک انداز و یک فروند ناوچه گارد ساحلی نیروهای عراقی به گل نشست . متقابلاً " قسمتی از ساختمان اداره بندر و کشتیرانی و ترمینال نظامی خرمشهر آسیب دید و ۱۵ نفر مجروح شدند . در این روز یک کشتی تجارתי ایرانی نیز هدف نیروهای عراقی قرار گرفت که قسمت زیر آن آسیب دید و به گل نشست و یک قایق ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران غرق شد عراقی ها دو ناوچه موشک انداز و دو ناوچه توپدار در دهانه اروند رود مستقر کردند . یک روز قبل یک کشتی روسی حامل اسلحه از طریق اروند رود به بصره رفته بود . عراق اعلام کرد که کلیه کشتی ها در داخل اروند رود بایستی با پرچم عراق حرکت کنند . کشتی های ایرانی و کشتی هایی که به مقصد بندرهای ایران حرکت میکنند کماکان با پرچم ایران در کانال حرکت میکنند و از این جمله است ۳ کشتی لایروبی و دو کشتی خارجی که عراقی ها به قسمت فرماندهی دو کشتی اخیر تیراندازی کردند . نبرد سنگینی در طول کانال اروند رود از دهانه کانال تا خرمشهر و همچنین مرزهای خشکی خوزستان جریان یافت و دامنه این تیراندازیها به ترمینال خرمشهر و فرودگاه آبادان نیز کشانده شد .

شدت و گسترش برخوردهای مرزی ، که کم کم به داخل کشور کشیده شد و با تهاجم هوایی عراق به چند فرودگاه کشور به اوج خود رسید ، چشم انداز جنگی تمام عیار بین ایران و عراق را ترسیم میکند که به احتمال زیاد ، در روزهای اول مهرماه هرچه شدید تر خواهد شد .

احتمالاً "با پیش بینی این گسترش جنگ بود که در هفته آخر شهریورماه ، افراد منقضی خدمت سال ۱۳۵۶ به خدمت فراخوانده شدند و رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح ، در ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی مستقر شد .

روز به روز

شنبه اول شهریور ۵۹

● خبرگزاری فرانسه از "یک منبع نزدیک به وزارت دفاع پاکستان" نقل قول کرده این کشور، "برای کمک به امنیت عربستان، یک لشکر خود را به این کشور می‌فرستد". به گفته خبرگزاری فرانسه، اولین واحد از این لشکرکه شامل ۴۰۰ افسر هندی و تکنیسین است، به عربستان رفته است. همین منبع گفته است که در ازای این کمک پاکستان، عربستان یک کمک یک میلیارد دلاری در اختیار پاکستان می‌گذارد. (کیهان)

● به گزارش علی‌اکبر معین‌فر، وزیر نفت، درآمد حاصل از فروش نفت ایران در مرداد ماه گذشته برابر ۵ میلیارد و ۶۸۵ میلیون ریال بوده است. به گفته او، فروش نفت در این ماه، روزانه معادل ۲۶ میلیون دلار بوده که هم‌آن با ارز آزاد (غیر تهرانی) بوده است. به گفته معین‌فر، در این ماه تولید نفت معادل ۱/۷۰۰/۰۰۰ بشکه در روز است، که در حدود ۷۰۰ هزار بشکه آن بصورت خام صادر میشود.

● بنا بر همین گزارش، جمع درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۵۹ حدود ۱۳ میلیارد دلار خواهد شد که از مبلغ بیش بینی شده در بودجه کل کشور، ده میلیارد دلار کمتر است. (جمهوری اسلامی)

● در مشهد، گریه هاری با ورود به بخش اطفال بیمارستان امام رضا، دست کودک خردسالی را تا آرنج خورد. (مطبوعات)

● ۵ مرد مسلح، با انبفورم نظامی به بانک ملی صحنه کرمانشاه حمله برده، یک میلیون ودیست و پنجاه هزار تومان را ربودند. (کیهان)

● در جریان یک درگیری در اطراف جواهرود، هفت پاسدار کشته و ۳ تن دیگر زخمی شدند.

● کابینه رجائی فردا به مجلس معرفی میشود (کیهان)
● دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، فعالیت مجاهدین خلق، سازمان چریکهای فدایی خلق، پیکار و حزب توده را، تا تعیین تکلیف این سازمان‌ها از سوی مجلس شورای اسلامی، در این دو شهر ممنوع اعلام کرد. دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر از قوای انتظامی و مردم خواست، "به هر نحو و به هر شکل، بطور جدی و سریع"، از فعالیت این گروهها ممانعت کنند. (جمهوری اسلامی)

● دولت رجائی اواسط این هفته به مجلس معرفی میشود (انقلاب اسلامی)

● دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر دستور خلع سلاح عمومی آبادان، حومه خرمشهر، ماهشهر، شادگان، جزیره مینو، اروندکنار، دارخوین و کلیه روستا های تابعه را اعلام کرد و به مردم آنها ۱۰ روز برای تحویل سلاحهای خود مهلت داد. (انقلاب اسلامی)

● به حکم دادگاههای ۴ شهر کشور ۱۸ نفر اعدام شدند.

● ۳ نفر در تهران، به جرم تهیه و توزیع مواد مخدر، سرعت و قهقهگی، ۶ نفر در خرم‌آباد به جرم خرید و فروش مواد مخدر، رواج فحشاء، ۲ نفر در آسدا آباد به جرم خرید و فروش مواد مخدر.

● در سبزواریک نفر به اتهام زانی محصنه و داشتن تریاک ۶ نفر به اتهام خرید و فروش مواد مخدر، (مطبوعات)

به گزارش مسؤول روابط عمومی ستاد عملیات عرب کشور، هنگامی که پاسداران از محل مأموریت خود در محلی بین "خان شور" و "وانی سر" برمیگشتند، اتومبیل آنها که یک آمبولانس بود مورد اصابت یک خمپاره قرار گرفت و منفجر شد. در این حادثه همچنین یک نفر از پاسداران به گروگان گرفته شد. (کیهان)

● افراد کومله، سه تن از پاسداران دستگیر شده را نیرباران کردند. (جمهوری اسلامی)

● بانک مرکزی اعلام داشت که "به منظور کمک به کارگران ایرانی و افزایش منافع بانک مرکزی، ارزش کارگران ایرانی شیخ نشین های خلیج فارس را به قیمت ترجیحی ۱۱۰ ریال برای هردلار خریداری میکند. این ارزها در بانک مرکزی به نرخ هردلار ۱۱۵ ریال، به دیگران فروخته خواهد شد. (جمهوری اسلامی)

● امارات متحده عربی، بخاطر ادامه اشغال سه جزیره ابو موسی - تنب بزرگ و کوچک وسیله ایران، به دبیر کل سازمان ملل متحد اعتراض کرد. این سه جزیره در سال ۱۹۷۱ بعد از خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس، به وسیله نیروهای ایرانی تصرف شدند. (جمهوری اسلامی)

● بنا به گزارش مقامات دیپلماتیک ایرانی از نیویورک: در حال حاضر بر اثر فشار کاخ سفید، هیچیک از روزنامه های واشنگتن و نیویورک حاضر به انتشار متن کامل گزارش جک اندرسن درباره نقشه حمله نظامی امریکا به ایران که به اسم رمز "جهش مثبت ۸۰" نامگذاری شده بود نیستند. به گزارش جک اندرسن: این توطئه قرار است پیش از نوامبر آینده (تاریخ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری) به مرحله عمل درآید. (جمهوری اسلامی)

یکشنبه دوم شهریور

● بموجب بخشنامه وزارت آموزش و پرورش، "بمنظور ایجاد تغییرات بنیادی همگام با سایر موسسات آموزش عالی" کلیه فعالیت های آموزشی در انستیتو

های تکنولوژی و مراکز تربیت معلم فنی و حرفه ای سراسر کشور بمدت یک سال تعطیل شد. (کیهان)

● گروهی از کارکنان رادیو تلویزیون در ارتباط با کودتای نافرجام اخیر دستگیر شدند. گفته شد که این عده در ارتباط با کودتا نزدیک به ۳۰ ساعت برنامه تلویزیونی تهیه کرده بودند. (کیهان)

● خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه انگلیسی "سندی تایمز" از ملاقات محرمانه ای میان "شاپور بختیار" و ارتشد غلامعلی اویسی خبر میدهد که "در جهت سرنگونی حکومت ایران مذاکرانی انجام داده اند."

روزنامه کیهان، این خبر را با تقسیری طولانی آورده که در آن، از جمله گفته میشود که "اگر مردم از عدم امنیت اجتماعی، قضایی، جانی و مالی در رنج باشند... احتمالاً به راحتی می توانند پذیرای کسی باشند که با زور اسلحه و کشتار و قتل و... کودتا برای ایجاد امنیت اقدام کند، سرگرد عباسی، یکی از فرماندهان نظامی حزب دموکرات کردستان توسط سه ناشناس درمپاد ترور شد. (کیهان)

● بانک کشاورزی استان تهران اعلام داشت که در چهار ماه سال جاری مبلغ یک میلیارد و ۲۸۳ میلیون ریال به ۵۷۷۸ کشاورز استان وام داده است. (کیهان)

● در فرودگاه مهرآباد، از یک روحانی که قصد سفر به سوریه داشت نزدیک شش کیلو و نیم طلای شمش کشف شد. (کیهان)

● در پی انتشار اطلاعاتی های "ستاد عملیات مشترک غرب کشور" در مورد احتمال حمله هوایی عراق، در سه استان کرمانشاهان، کردستان و ایلام حالت فوق العاده اعلام شد. (کیهان)

● سه نفر بجرم سرقت مسلحانه از بانک ملی کلاآباد اعدام شدند. (مطبوعات)

● یک عضو سازمان مجاهدین خلق دفتر اراک، در قم دستگیر شد و ۸ میلیون ریال پول نقد و برگهای اعانه کمک به سازمان مجاهدین که همراه او بود ضبط شد. (جمهوری اسلامی)

● وزارت کشور راهپیمائی کارگران صنعت جاپ را لغو کرد. بنا بود کارگران جاپ در بعد از ظهر همین روز، بعنوان اعتراض به لغو سود ویژه راهپیمائی کنند. (مطبوعات)

● روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از گزارش روابط

● ...طبق مدارکی که بدست آوردم شرکت آمریکایی هستون با همکاری و مجوز هایی که شرکت نفت ، گاز از تاریخ مرداد ۵۸ تا فروردین ۵۹ نزدیک به دویست دستگاه بلدوزر ، گریدر ، لودر ، غلطک ، جرنقیل ، دستگاه بت ، بیل مکانیکی و غیره ، از مرز ایران خارج کرده و به کشورهای آمریکا ، عربستان سعودی ، دبی و ... فرستاده است . " تکه‌ی از گزارشی منصور عجم ، مسئول ستاد عملیات عمرانی روسنای اهواز (جمهوری اسلامی)

دوشنبه سوم شهریور

● سپاه پاسداران اورمیه اعلام کرد که سرگرد عباسی ، بدست واحد ضربت این سپاه کشته شده است . (کیهان)

● نخست وزیر ۵ عضو اداره سیاسی حزب کمونیست لهستان برکنار شدند . (مطبوعات)

● در جلسمی با شرکت بنی‌صدر ، موسوی اردبیلی و مصطفی میرسلیم ، راههای تازه‌ی امنیت قضایی کشور بررسی شد . (کیهان)

● به دستور حاکم شرع بابل دفتر جنبش معلمین مسلمان ، ستاد مجاهدین خلق ، ستاد سازمان جریکهای فدایی خلق و دیگر گروههای سیاسی تا زمان تعیین تکلیف آنها توسط مجلس ، تعطیل و فعالیت آنها ممنوع اعلام شد . (کیهان)

● دکتر باهنر ، عضو ستاد انقلاب فرهنگی اعلام داشت که هیچگونه زمینه‌ای برای استخدام در آموزش و پرورش وجود ندارد و کلیه افراد مورد نیاز این وزارتخانه قبلاً از طریق مصاحبه استخدام شده‌اند . دکتر باهنر در هفته گذشته در مجلس اعلام کرده بود که ۳۰ هزار معلم تازه استخدام خواهند شد . (کیهان)

● دادگاه ویژه سینما رکس آبادان در این شهر تشکیل شد . (مطبوعات)

● ۱۱ نفر در دادگاههای انقلاب به اعدام محکوم شدند ، که حکم صادره بلافاصله اجرا شد ؛

در بندرعباس ۴ نفر به جرم خرید و فروش مواد مخدر ، لواط ، شورش در زندان ، قمار و عمل منافعی

عمومی ستاد غرب کشور می‌نویسد که در عملیات پاکسازی اطراف کامیاران " ۳۳ تن از مهاجمین کشته و ۴۰ تن تسلیم شدند " و تلفات نیروهای مشترک در این برخورد هایک کشته و ۴ زخمی بوده است ، این روزنامه ، که عملیات هلیکوپترهای کبرا در این عملیات را " چشمگیر " می‌خواند ، اطلاعاتی از ستاد عملیات غرب کشور را نقل می‌کند که " ... اکنون مناطق " چشمه سفید " ، گازرخانی ، گاوانه ، تخته زنگی ، گرگل و دهات حد فاصل آنها در محاصره شدید نیروهای ارتش و پاسداران است ، لازم است اهالی به محض شنیدن خبر مناطق مذکور را تخلیه یا ضد انقلابیون مهاجم را تحویل دهند ، در غیر این صورت تمامی مناطق نامبرده و حوالی آن به علت آلوده بودن ضدانقلاب ، در صورت لزوم از زمین و هوا منهدم خواهد شد .

● دادسرای انقلاب اسلامی ، فرماندار و سپاه پاسداران آمل در اطلاعیه مشترکی اعلام داشتند که از انتشار نشریات مضره در آمل جلوگیری خواهند کرد . (جمهوری اسلامی)

● چند انجمن و سازمان دولتی شهر آبادان ، از جمله سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر در تلگرامی خطاب به مجلس ، به تصویب اعتبارنامه علی‌اکبر معین‌فر وزیر نفت اعتراض کردند . (انقلاب اسلامی)

● اعتبارنامه علی‌اکبر معین‌فر ، وزیر نفت ، با ۱۵۳ رای از جمع ۱۹۵ رای در مجلس تصویب شد ، معین‌فر به همکاری با ساواک (نظارت بر احداث ساختمان های ساواک) دریافت مدال سلطنتی ، سوء مدیریت در شرکت نفت و اهمال در تصفیه و ایستکان رژیم گذشته متهم شده بود . (مطبوعات)

● اعتصاب غذای صدها بیکار اسپانیا ، وارد هفتمین روز خود شد . نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر در اسپانیا بیکارند . (جمهوری اسلامی)

● به حکم دادگاههای انقلاب اسلامی کشور ، ۸ نفر اعدام شدند ؛

دو نفر از خان های فارس به جرم قیام مسلحانه . سه نفر به جرم سرقت مسلحانه از بانک ملی کلارآباد ، در تنکابن اعدام شدند .

زن و مردی در آستارا ، به جرم قحط و فساد . در بندر انزلی یک نفر بجرم زانی محصنه (مطبوعات)

● غف - در اهواز، یک عراقی به جرم جاسوسی در لباس روحانیت - دو نفر در فسا به جرم پخش مواد مخدر - در اراک ۴ نفر به جرم انجام لواط. (مطبوعات)

● نقش دایره اسقفی ایران در کودتای اخیر، از سوی سپاه پاسداران اصفهان فاش شد. دایره اسقفی ایران، ماه مور توزیع دهها میلیون دلار آمریکایی، بین پرسنل ارتش و ضدانقلابیون بود. اکثر اعضای داخلی و خارجی این شبکه، دستگیر شده‌اند. (جمهوری اسلامی)

● بنی صدر: اگر دیدم این دولت، دولتی است که خط من را ندارد باید به مردم بگویم که این، دولت من نیست. نمیتود رئیس جمهور را مقید کرد که شما موافقت خود را یک روزه اعلام کنید. (جمهوری اسلامی)

● بدنبال دستگیری ۸ تن از رهبران سندیکایی السالوادور، مبارزات کارگری در سراسر کشور گسترش یافت. (جمهوری اسلامی)

● ۱۳ نفر در شهرهای مختلف ایران، بموجب رأی دادگاههای انقلاب اسلامی، تیرباران شدند:

یک فتودال اراکی به جرم وابستگی به رژیم پهلوی و شرکت در چند فقره قتل - ۱۵ نفر در اصفهان، در رابطه با کودتای نافرجام - یکنفر در تبریز به جرم داشتن هروئین - یک نفر به جرم خرید و فروش مواد مخدر در توسرگان. (مطبوعات)

● سه تن از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق، در خانه‌ای در عباس‌آباد تهران دستگیر شدند. از این خانه یک قبضه سلاح و ۹۴ فشنگ کالیبر ۳۸ کشف شد. (جمهوری اسلامی)

● یک خانه تیمی با ۹۴ قبضه اسلحه کمری کشف شد. (کیهان)

● رئیس مجلس شورا: اگر در چهارچوب قانون اساسی گروهها حاضر به فعالیت سیاسی سالم باشند و قانون را مراعات نکنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت نکنند. (جمهوری اسلامی)

● ۵۴ نفر از روستایاران متحصن در استانداری همدان به وسیله پاسداران بازداشت شدند. روستایاران همدان، خواستار دریافت حقوق مراد خود بودند. روابط عمومی استانداری همدان، طی اطلاعیهای اعلام کرد: "ما در جواب این افراد به آنها ابلاغ کردیم، حقوق آن عده که صادقانه یک ماه گذشته را در محل مأموریت کار کرده و گزارش کار ارائه‌دهند و شغل دیگری نداشته‌باشند، پرداخت خواهیم کرد." (جمهوری اسلامی)

● نقش دایره اسقفی ایران در کودتای اخیر، از سوی سپاه پاسداران اصفهان فاش شد. دایره اسقفی ایران، ماه مور توزیع دهها میلیون دلار آمریکایی، بین پرسنل ارتش و ضدانقلابیون بود. اکثر اعضای داخلی و خارجی این شبکه، دستگیر شده‌اند. (جمهوری اسلامی)

● بنی صدر: اگر دیدم این دولت، دولتی است که خط من را ندارد باید به مردم بگویم که این، دولت من نیست. نمیتود رئیس جمهور را مقید کرد که شما موافقت خود را یک روزه اعلام کنید. (جمهوری اسلامی)

● بدنبال دستگیری ۸ تن از رهبران سندیکایی السالوادور، مبارزات کارگری در سراسر کشور گسترش یافت. (جمهوری اسلامی)

● ۱۳ نفر در شهرهای مختلف ایران، بموجب رأی دادگاههای انقلاب اسلامی، تیرباران شدند:

یک فتودال اراکی به جرم وابستگی به رژیم پهلوی و شرکت در چند فقره قتل - ۱۵ نفر در اصفهان، در رابطه با کودتای نافرجام - یکنفر در تبریز به جرم داشتن هروئین - یک نفر به جرم خرید و فروش مواد مخدر در توسرگان. (مطبوعات)

سه‌شنبه چهارم شهریور

● ۸ وزیر کابینه، با نزدیک شدن معرفی کابینه جدید، کنار رفتند. (کیهان)

● فعالیت وزرای قلی تا شروع کار هیأت دولت جدید ادامه خواهد داشت. (انقلاب اسلامی)

● بموجب اطلاعیه "دانشجویان بیرو خط امام" آن گروه از گروهگانهایی که در شیراز، گرگان، زنجان و قزوین نگهداری میشدند به نقاط نامعلومی منتقل شدند. (مطبوعات)

● امام جمعه شیراز به مدیر کل مستعفی آموزش و پرورش فارس دستور داد که "بکار ادامه دهد و بیش از پیش در انجام امور کوشا باشد". (کیهان)

● ۳ تن از اعضای شورای اسلامی روستاهای خوزستان در جاده اهواز - اندیمشک توسط عده‌ای ناشناس کشته شدند. در اطلاعیهای که این شورا منتشر کرده فتودالهای منطقه بعنوان عامل قتل سه نفر معرفی شدند. (کیهان)

● زمینابوه بعنوان یکصد و پنجاه و سومین کشور عضو سازمان ملل متحد پذیرفته شد. (مطبوعات)

● در جریان پاکسازی تکاب (کرمانشاه) ۶ نفر در درگیری با سپاه پاسداران کشته شدند. (کیهان)

چهارشنبه پنجم شهریور

- یکی از وزیران دولت تبعیدی بولیوی اعلام کرد که از زمان کودتای ۱۷ ژوئیه این کشور تاکنون بیش از ۲ هزار نفر کشته یا مفقود شده‌اند. (کیهان)
- سید هادی خسروشاهی، رئیس هیأت امنای بنیاد مسکن اعلام داشت که حکم تخلیه کلیه خانه‌ها و زمین‌های تصرف شده توسط مردم، از سوی دادستان انقلاب صادر شده است. (اطلاعات)
- نماینده اهواز در مجلس: "هیچ خطی نباید در مقابل خط امام مطرح شود". (جمهوری اسلامی)
- خط من، خط من کردن هرگز مورد پذیرش نیست. (صح آزادگان)

پنجشنبه ششم شهریور

- رجائی پس از ملاقاتی نیم‌ساعته با امام خمینی گفت: برای تشکیل کابینهای صدرصد مکتبی فرصت خیلی بیشتری لازم بود. (کیهان)
- امام خمینی خطاب به کارکنان مؤسسه اطلاعات: "اگر رسانه‌های گروهی اصلاح شود، جامعه اصلاح میشود... یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی تفاوت باشند". (اطلاعات)
- ستاد مشترک: برای پس گرفتن هواپیمائی که با چهار خلبان به عراق فرار کرده بود اقداماتی صورت گرفت. عراق به ۴ نفر پناهندگی سیاسی داده است. (کیهان)
- به حکم دادگاههای انقلاب ۱۵ نفر اعدام شدند: ۷ نفر در اهواز در رابطه با کودتای نافرجام. ۳ نفر بجرم قاچاق مواد مخدر در تنگین. ۳ نفر به جرم قاچاق مواد مخدر در مشهد. ۲ نفر در قم به جرم قتل. (مطبوعات)
- انفجار بمب در مدرسه مصلاي یزد دو ظلمه را مجروح کرد. (کیهان)
- بمب‌بگ گزارش شهرداری تهران که برای رئیس جمهوری فرستاده شده، درگودهای جنوب تهران بیش از ۶۲ هزار نفر زندگی میکنند. از این عده ۱۲۳۶۰ نفر شاغلند، ۱۰۵۹ نفر معلول و ۱۱۶۷ نفر معناتند. (کیهان)

- کابینه رجائی یکشنبه معرفی میشود. (کیهان)
- جلسه‌بی هفت ساعته با شرکت رئیس جمهوری، حاج سید احمد خمینی، هاشمی رفسنجانی و محمدعلی رجائی در باره مسائل مربوط به هیأت دولت تشکیل شد. (انقلاب اسلامی)
- عزت‌الله سبحانی: هیأت‌های پاکسازی، بجای ضدانقلاب، مغزها و تخصص‌ها را تصفیه می‌کنند. (انقلاب اسلامی)
- مهاجمین مسلح در بوکان و مهاباد پانصد زن و کودک مسافر را به گروگان گرفتند. (کیهان)
- کیهان در تصحیح خبر دیروز خود نوشت که: "از ۳ چریک فدائی دستگیر شده فقط یک قبضه اسلحه کشف شده بود".
- به حکم دادگاههای انقلاب، سه نفر اعدام شدند: در تهران، یک زن و مرد به جرم قاچاق مواد مخدر. در تبریز، یک نفر به جرم سرقت مسلحانه (مطبوعات)
- در نظاهرات خشونت‌آمیز سیاهپوستان در فیلادلفیای آمریکا ۷ ماه مور پلیس زخمی شدند. نظاهرات برای اعتراض به قتل جوان سیاهپوستی توسط پلیس، برپا شده بود. (کیهان)
- در برخورد پلیس هامبورگ (آلمان) با نظاهر - کنندگان مخالف میتینگ انتخاباتی "فرانش‌زوزف اشتراوس"، نامزد حزب دست راستی دموکرات مسیحی برای صدارت عظمی، بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند. (کیهان)
- سرپرست وزارت بهداشتی: ایران نزدیک به ۲۰ هزار یزک کم دارد. (جمهوری اسلامی)
- نرخ اعلام شده دلار از ۱۰۵ به ۱۱۵ ریال افزایش یافت. (اطلاعات)
- کانون شوراهای کارگوی شرق تهران در نامه سرگشاده‌ای به نمایندگان مجلس و دادستانی کل کشور، اشغال شبانه محل این کانون را محکوم کرد و خواستار آزادی دوتن از اعضای دستگیر شده هیأت مدیره کانون شد. (کیهان)

● درگیریهای شدید مرزی میان ایران و عراق از سر گرفته شد. ایران برای اولین بار در این درگیریها از موشک استفاده کرد. (کیهان)

● ستاد مشترک غرب کشور در سه اعلامیه پی درپی به افراد مسلح کامیاران، نوسود و نودته اخطار کرد که اگر هرچه زودتر اسلحه را بزمین نگذارند از زمین و هوا سرکوب میشوند (کیهان)

● ۳۰ تن از اعضای کومله که قصد داشتند به نیروهای انتظامی تسلیم شوند در کامیاران ترور شدند. همچنین در آذربایجان غربی ۲۰ عضو حزب دموکرات کردستان در درگیری با نیروهای ارتش و پاسداران کشته شدند. (انقلاب اسلامی)

● رادیو تلویزیون مهاباد همچنان در دست گروههای مسلح است. (انقلاب اسلامی)

● مدیرکل گمرک غرب: صدها میلیون تومان کالای متروکه در گمرک غرب در خطر نابودیست. (کیهان)

● بدستور حجت الاسلام خلخالی در حدود ۵۰۰ دکه و رستوران پشت پارک ملت تهران با بولدوزر تخریب شد. (کیهان)

● به گزارش سازمان بنادر و کشتیرانی انزلی، در مرداد ماه گذشته نزدیک به ۷ هزار تن مواد غذایی و تسهیاتی در این بندر تخلیه شد. (کیهان)

● بدنبال تصفیه ۲۶ تن از کارگران کارخانه پوش رشت، و نظاهرات و برخورد های میان مخالفان و موافقان تصفیه کارخانه به حال تعطیل درآمد، استاندار گیلان گفت "اگر مجبور شویم کارخانه را تعطیل خواهیم کرد، زیرا در حال حاضر ماهانه بین چهار تا ۶ میلیون تومان ضرر میدهد". (انقلاب اسلامی)

● برای اولین بار، کارکنان کشت و صنعت هفت تپه از تیشکر الکل صنعتی تهیه کردند. (انقلاب اسلامی)

● به گزارش رادیو سوریه، یک وزیر عراقی به سوریه پناهنده شد. (کیهان)

● به گزارش یک روزنامه ایتالیایی، این کشور در حال مذاکره برای فروش ۱۲ ناو جنگی به عراق است. تجهیزات این ناوها را شرکت های آمریکایی تامین میکنند. (کیهان)

● افراد مسلح ۱۷ تن از رهبران کارگری گوانمالا را ربودند. (کیهان)

● در برخورد های سیاسی ترکیه ۳۰ نفر کشته شدند (کیهان)

● به دعوت شاه مراکش، سران مقتی های اعظم کشورهای عربستان، کویت، مصر، عراق و مغرب برای "مارزه بالانحرافات خمینی!"، کمیته بی تشکیل دادند، در بخشی از نخستین بیانیه این کمیته آمده است: خمینی می گوید، پیامبران برای تحکیم پایه های عدالت در جهان مبعوث شدند، ولی موفق شدند و حتی خاتم الانبیا پیامبر اکرم، در زمان خود به هدفش نرسید و موفق نشد... این گفته ها که به خمینی منسوب شده، با عقاید و مبانی دین مبین اسلام مغایرت صریح دارد... (جمهوری اسلامی)

● نوطنه کروگانگیری پاسداران توسط ایادی خسرو قشقائی عقیم ماند. (صبح آزادگان)

● گروهی مسلح با یستن جاده شیراز - کازرون و حمله به یک روستا، حدود ۲۸ اتومبیل را به غارت بردند. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز، ضمن تایید این خبر مهاجمان را طرفداران خسرو قشقائی خواند. (جمهوری اسلامی)

● سپاه پاسداران کردکوی، برای جمع آوری پوسترها، اعلامیه ها و نشریات، بیست و چهار ساعت به هواداران گروههای سیاسی مهلت داد. (جمهوری اسلامی)

● شورای تامین شهر میاندوآب به افرادی که بیش از ۵۰۰ نفر را گروگان گرفته اند ۲۴ ساعت مهلت داد که آنها را بی قید و شرط آزاد کنند. (جمهوری اسلامی)

شنبه هشتم شهریور

● بیانیه "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" تحت عنوان "ضرورت افشای موانع استقرار کابینه خط امام" انتشار می یابد. این بیانیه به ۱۰ مورد عملکردهایی که تقریباً بطور علنی "خط بنی صدر" نامیده شده، حمله می کند و آنها را "کارشکنی در راه استقرار کابینه خط امام" می نامد. (جمهوری اسلامی)

● بنی صدر با امام خمینی دیدار کرد. (کیهان)

● در درگیریهای اطراف سنندج و کامیاران ۱۰ پاسدار و "بیشمرگ مسلمان" کشته شدند. (کیهان)

سانتیاگو ، پایتخت شیلی ، دست به تظاهرات زده ، علیه ژنرال پینوشه ، دیکتاتور شیلی شعار دادند . این تظاهرات چند روز پیش از رفتاری صورت می‌گیرد که پینوشه قصد دارد برای استحکام رژیم خود برپا کند . (کیهان)

● ۱۶ هزار کارگر معدن در پرو اعتصاب دوازده‌ای علیه یک کمپانی آمریکایی را که از معادن پرو بهره‌برداری می‌کند ، بیایان بردند . (کیهان)

● رابرت موکابه نخست وزیر زیمبابوه ، دریایان دیدار خود از آمریکا ، از این کشور ، ۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار وام خواست . (کیهان)

● زه‌خورد های خونینی میان چریکهای چپ‌گرا و نظامیان ال‌سالوادور ، در شهر سوپاپانگو صورت گرفت . (جمهوری اسلامی)

● مطبوعات دولتی لهستان ، برای نخستین بار ۲۱ خواست کارگران اعتصابی "گداسک" را اعلام کردند ، داشتن سندیکی غیر دولتی از جمله این تقاضاهاست . (مطبوعات)

یکشنبه نهم شهریور

● کابینه رجائی معرفی شد . (کیهان)

● رئیس جمهور : اسامی وزرای اعلام شده در مجلس به تصویب من نرسیده است . (انقلاب اسلامی)

● ناطق نوری ، نماینده مجلس شورا : آقای بنی‌صدر نه تنها با من ، بلکه با اکثر کابینه مخالف است (صبح آزادگان)

● رئیس جمهور پس از ملاقات با امام گفت : امام تاکید داشت که اعضای دولت باید اعتقاد ، تخصص و لیاقت داشته باشند . (جمهوری اسلامی)

● دادستان انقلاب اسلامی قائم‌شهر استفاده از سلاح سرد و گرم را علیه گروهها مجاز اعلام کرد . (انقلاب اسلامی)

● در درگیریهای دیروز بین گروهی از هواداران مجاهدین خلق و مخالفان آنان در قائم شهر ، یک جوان هوادار مجاهدین کشته شد . (کیهان)

● دو زن به اتهام "همکاری با افراد مهاجم" در سنج تیرباران شدند . (جمهوری اسلامی)

● در درگیریهای نقاط مختلف غرب کشور ، ده نفر از مهاجمان کشته و ۳۵ تن دستگیر شدند . (جمهوری اسلامی)

● به حکم دادستان انقلاب ، ۲۶ دانشجوی دختر از خوابگاه دانشگاه مشهد اخراج و به بازداشتگاه شهربانی برده شدند . (کیهان)

● فعالیت گروههای سیاسی "مخالف" ، توسط سپاه پاسداران در کردکوی ممنوع شد . (جمهوری اسلامی)

● صالح باوند ، سرپرست حزب دموکرات در منطقه دره قاسملو اعدام شد . (جمهوری اسلامی)

● شش تن از چهره های سرشناس بازار اصفهان به اتهام رابطه با کودتا دستگیر شدند . (کیهان)

● نیروهای ایران و عراق مدت ۱۴ ساعت در مرز قصر شیرین نبرد کردند . (جمهوری اسلامی)

● یک کشیش باتهام جاسوسی در کرمان دستگیر شد . (کیهان)

● در رابطه با امتحان ارزشیابی از کلیه هنرآموزان هنرستانهای کشور ، هنرجویان هنرستان های چند شهر ، از جمله کاشان ، تبریز ، رشت ، و مشهد با ارسال تلگرامهایی به رئیس جمهور به این امتحان اعتراض کردند و آن را تفتیش عقاید خواندند . (کیهان)

● عبدالحسین جلالی ، نماینده نیشابور در مجلس : "ادامه گروگانگیری بنفع امریکاست . وضع کنونی به نفع ما نیست و فقط آمریکا می‌تواند از آن استفاده کند ." (جمهوری اسلامی)

● ستاد عملیاتی شیخ عزالدین حسینی در تهران کشف شد . (اطلاعات)

● به حکم دادگاههای انقلاب ۳۷ نفر اعدام شدند : ۱۱ نفر باتهام رابطه با کودتا در تهران ، ۷ نفر باتهام رابطه با کودتا در اهواز ، ۷ نفر باتهام قاچاق مواد مخدر در تهران ، ۵ نفر باتهام وابستگی به رژیم گذشته ، قتل و کشتار مردم در تهران ، دو نفر باتهام قاچاق در اراک ، ۲ نفر باتهام قاچاق در میانه ، سه نفر باتهام قاچاق درگنبد . (مطبوعات)

● حجت الاسلام خلخالی : ستاد مبارزه با مواد مخدر در مدت چهار ماه فعالیت خود ۳۰ تن تریاک ، ۶ تن حشیش و ۵۰۰ کیلو هروئین کشف کرده است .

● برای اولین بار پس از سرنگونی رژیم سالوادور آلنده در هفت سال پیش ، ده ها هزار نفر از مردم

● لازم را انجام و عاملان را شدیداً تحت تعقیب قرار خواهند داد. (کیهان)

● بدینال درگیری میان هواداران و مخالفان مجاهدین خلق، دفتر مجاهدین و دو کتابفروشی بوشهریه آتش کشیده شد و چند تن از هواداران مجاهدین بازداشت شدند. (جمهوری اسلامی)

● ۴ هوادار "بیگار" و "زمندگان" در اراک دستگیر شدند. (اطلاعات)

● انقلاب اسلامی، یکی از خبرهای بزرگ صفحه اول روز بیستی خود را بدینگونه اصلاح کرد: دادستان انقلاب قائم شهر اعلام کرده بود: در صورت حمله گروهها، مردم می‌توانند با سلاح گرم و سرد از خود دفاع کنند.

● ۱۵ مهاجم مسلح در اطراف کامیاران کشته شدند. (کیهان)

● عراقی قصر شیرین را بتوب بست. (کیهان)

● یک مقام مسئول دفتر مسکن: در تهران ۵۰ هزار واحد مسکونی خالی وجود دارد. (انقلاب اسلامی)

● بنی‌صدر: این رادیو، رادیوی تحریک است... تا چه روزی باشد که در جمع مردم تکلیف رادیو را معین کنم. (انقلاب اسلامی)

● بنی‌صدر در جواب بیانیه "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی": "اینها می‌خواهند حاکمیت زور را برقرار کنند" (جمهوری اسلامی)

● ایران در سال جاری ۳۰ هزار تن برنج از پاکستان وارد کرده است. (جمهوری اسلامی)

● بدینال کشف ۴ صندوق اسلحه و اختلاف بین پاسداران کمیته فرودگاه مهرآباد و پاسداران سپاه برسر دریافت آن، کلیه پروازهای فرودگاه قطع شد. سرپرست گمرک فرودگاه که خواهان کسب تکلیف از وزارت دفاع درباره اسلحه مکشوفه بود توسط پاسداران دستگیر شد و کارکنان فرودگاه بعنوان اعتراض دست از کار کشیدند. (کیهان)

● دادگستری امریکا از دادگاههای این کشور خواست تا هرگونه محاکمه علیه دولت ایران را تا زمانیکه گروهانهای امریکایی در زندان بسر می‌برند، به تعویق اندازد. گفته میشود ۲۰۰ پرونده از طرف کارخانه‌ها و موسسات امریکایی علیه ایران وجود دارد. (جمهوری اسلامی)

● گروهی از چریکهای مارکسیست گوانتالا شهر در ۳۱۵ کیلومتری پایتخت را بنصر درآورده، یک مینینگ یک ساعته در آن برپا کرده سپس به کوههای اطراف پناهنده شدند. (کیهان)

● یانزده تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق در صوبه سرا دستگیر شدند. (کیهان)

● کلیه کودکانستان های استان بزد تعطیل شد. (مطبوعات)

● متهم به شرکت در قتل عام مردم بهبهان: در بلا عام تبریاران شد. (انقلاب اسلامی)

● برزف شدیداً، بخاطر استقرار ناوگان جنگی آمریکا در سواحل ایران، به آمریکا اخطار کرد. (صح آزادگان)

● در حمله افراد مسلح به مهاباد ونقده - ۳ سرباز کشته و مجروح شدند. (اطلاعات)

● روشنفکران یهودی ایران: ما به آن معنی که صهیونیست ها می‌خواهند از یهودیت چماقی بسازند که خلق فلسطین را بکوبند، طرفدار یهودیت نیستیم (اطلاعات)

● به موجب یک قرارداد جدید، ایران روزانه ۵۰۰ تن سیمان (۵ روز در هفته) و مقادیری گوشت کوفتند از ترکیه وارد می‌کند، براساس این قرارداد، ایران در مقابل، نفت سیاه و گازوئیل به ترکیه صادر خواهد کرد. (جمهوری اسلامی)

● یک ستون از نیروهای مسلح دولتی که عازم روسناهای کامیاران بودند، در گردنه مروارد، مورد حمله افراد مسلح قرار گرفتند که در نتیجه ۶ یاسدار و پشمرکه سلمان مجروح شدند. (مطبوعات)

● سردبیر چپ‌گرای روزنامه "اللواء" وابسته به عراق در بیروت ترور شد. (مطبوعات)

دوشنبه ۱۰ شهریور

● مقامات مسئول قائم شهر به گروههای سیاسی ۳ روز مهلت دادند تا فعالیت‌های خود پایان دهند، در غیر اینصورت خود مسئول عواقب بعدی خواهند بود. (کیهان)

● رفت و آمد بیگانگان غیر مجاز از طریق هواپیمایی ملی ایران ممنوع اعلام شد. (مطبوعات)

● در پی مسافرت دستجمعی عده‌ای از ایرانیان به تل‌آویو، سپاه پاسداران هشدار داد که در صورت مشاهده اینگونه سفرها و مهاجرت‌های دستجمعی اقدامات

● چریکهای ال سالوادور به تلافی دستگیری ۱۷ کارگر اعتصابی برق به نیروگاه برق سویاپانگو حمله کردند. (کیهان)

سه‌شنبه ۱۱ شهریور

● نمایندگان مجلس در نامهای خطاب به کنگره آمریکا اعلام کردند: با بازگرداندن اموال شاه و بستگانش به ایران، راه برای حل بحران باز خواهد شد. (جمهوری اسلامی)

● بنی صدر: تحت این عنوان که شرایط، شرایط ۲۸ مرداد است، طرحی برای فیض امور کشور بوسیله یک نیروی مسلح وجود دارد. (انقلاب اسلامی)

● پس از دیدار هیاتی از کارشناسان هندی از تاسیسات نفت و پتروشیمی ایران، وزارت نفت اعلام داشت که هند و ایران در زمینه نفت و پتروشیمی همکاری می‌کنند. (کیهان)

● به گزارش روزنامه کیهان، از مرداد ماه گذشته تا این روز، ۳۸۲ نفر به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شده‌اند.

● ۲۴ تن از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق به اتهام دخالت در ایجاد بی نظمی در شهر بابلس به یک تا ۶ ماه زندان محکوم شدند. (جمهوری اسلامی)

● بجرم انتشار نشریات غیر مجاز، صحافی گوتسبرگ مصادره شد. (کیهان)

● به حکم دادستانی کل انقلاب، انتشارات "نوپا" و "رزم" توقیف شد. (کیهان)

● خانه تیمی سازمان چریکهای فدایی خلق در شهر گرگان توسط پاسداران تصرف شد. (جمهوری اسلامی)

● ۲۳ مرد مسلح در حمله به پادگان مهاباد کشته و مجروح شدند. (کیهان)

● مفتی زاده رسا، سمت مفتی کردستان را پذیرفت. (انقلاب اسلامی)

● ایران محکم ترین پایگاه موزی عراق را منهدم کرد. (کیهان)

● اتحادیه های کارگری انگلیس که نماینده ۱۲ میلیون کارگر هستند، در گردهم آیی سالانه خود بشدت به خط مشی اقتصادی و اجتماعی محافظه کارانه دولت انگلیس حمله کرده، هشدار دادند که در صورت لزوم، همه

اعضای خود را به اعتصاب فرا خواهند خواند. (کیهان)

● بموجب قراردادی که بین چین و فرانسه امضاء شده، یک شرکت معروف شراب سازی فرانسه شروع به تولید شراب در چین خواهد کرد. مقدار این تولید در آغاز یک میلیون شیشه شراب در سال خواهد بود. (کیهان)

چهارشنبه ۱۲ شهریور

● بنی صدر، رجائی و اعضای کابینه پیشنهادی او، برای ایجاد تفاهم جلسهای ۵ ساعته تشکیل دادند. در پایان این جلسه، رجائی گفت: "از نظر من مسائل لای تمایز است". (کیهان)

● بنی صدر در نشست مشترک "سازمان گسترش صنایع ملی گفت: "من از ابتدا نسبت به گروگانگیری نظر مخالف داشتم، زیرا درواقع این ماثیم که گروگانیم". (انقلاب اسلامی)

● بانک کشاورزی در اطلاعیه ای از کشاورزان خواست تا بدهیهای عقب افتاده خود را تا پایان شهریور ماه بپردازند تا از پرداخت جریمه دیرکرد معاف باشند. (انقلاب اسلامی)

● تبه استراتژیک "تنگ ترنابه" به تصرف قوای ایران درآمد. (کیهان)

● سرتیب فلاحتی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، طرح افزایش حقوق و رفع نابرابری در ارتش را، که از طرف وزارت دفاع به مجلس تقدیم شده، اعلام کرد. بموجب این طرح، رقم افزایش حقوق پرسنل ارتش سالیانه در حدود ۱۲ میلیارد تومان می‌شود. (کیهان)

● ۲۴ روستای آذربایجان غریبی از افراد مسلح پاکسازی شد. (کیهان)

● به حکم دادگاه انقلاب اسلامی کردستان، ۴۳ نفر به جرم همکاری با گروههای مسلح به زندان محکوم شدند. (طبوعات)

● سردبیر روزنامه "نامه مردم"، ارگان حزب توده برای ادای توضیح درباره مطالب روزنامه خود به دادستانی انقلاب احضار شد. (جمهوری اسلامی)

● توسط گروه ویژه ضربت انزلی که از قم فرستاده شده، کلیه پلازهای دولتی در بندر انزلی تعطیل شد. (کیهان)

همچنین ۱۵ نفر دیگر، در همین رابطه به زندان محکوم شدند. (مطبوعات)

● در ساری، یک نفر به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شد. (کیهان)

● به گزارش کیهان، در یک سال گذشته، از ۴۵ بانک در سراسر ایران، نزدیک به چهل میلیون تومان پول به سرقت رفته است.

● سروان کودنچی در درگیری با پاسداران شیراز کشته شد. (اطلاعات)

● در تظاهرات گروههایی از سیاهپوستان آمریکایی در ایالت لوئیزیانا، که برای اعتراض به قتل یک جوان سیاهپوست بدست پلیس برپا شده بود، ۲ مأمور پلیس زخمی شدند. (کیهان)

● جریکهای عضو جبهه آزادیبخش ملی مور در حمله به یک کامیون حامل مأموران امنیتی فیلیپین، ۶ مأمور را کشته، دو مأمور دیگر را زخمی کرده و اسلحه‌آنان را با خود بردند. (کیهان)

● مراسم چهلیم محمد تقی سهام با شرکت اعضاء و هواداران چند سازمان ساسی در بهشت زهرا برگزار شد. (جمهوری اسلامی)

● ۴ نظامی به جرم شوکت در کودنای بافرجام، در اهواز تیرباران شدند. (کیهان)

● یک مرد به جرم زنا در لنگرود اعدام شد. (کیهان)

● جریکهای اسپانیا یک زنیال ارتش این کشور را در بارسلون کشتند. (کیهان)

● جریکهای ال سالوادور یک مستشار آمریکایی را بقتل رساندند. (کیهان)

● در سال جاری ۱۶۰۰ نفر در ناآرامیهای ساسی ترکیه کشته شدند. (کیهان)

● لیبی و سوریه متحد می‌شوند. (کیهان)

پنجشنبه ۱۳ شهریور

شنبه ۱۵ شهریور

● وزارت امور خارجه از شوروی خواست تا کنسولگری خود در رشت را تعطیل و کنسولگری اصفهان را به سرکنسولگری تبدیل کند. (کیهان)

● در "سمینار بررسی بوروکراسی موجود در کمرک و ریشه‌کنی گرانی کالا" از حمله گفته شد: در سال بطور متوسط ۴۰۰ هزار نفر از طریق مهرآباد به خارج می‌روند که در حدود ۸۸ میلیارد ریال ارز از کشور خارج می‌کنند و بجای آن کالاهای غیرضروری وارد می‌کنند... هم‌اکنون در حدود ۲۴۰ هزار قلم کالا وارد کشور می‌شود که ۸۰ هزار قلم آن زائد و اضافی است... در سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم که ۸۵ درصد آن از کشورهای غربی و ژاپن، ۹ درصد از جهان سوم (که همان کالاهای غربی است) و ۶ درصد بقیه از کشورهای بلوک شرق بوده است. (جمهوری اسلامی)

● یک شبکه بزرگ خرید و فروش اسلحه در هنگ‌کنگ زاندارمری قم کشف شد. (انقلاب اسلامی)

● بجنوردی نماینده تهران، در جلسه علنی مجلس به

● بنی‌صدر: اگر در انتخاب آزاد بودم، یک لحظه در این مقام نمی‌ماندم. (کیهان)

● ایران پیشنهاد خرید اسلحه از شوروی را رد کرد و خواستار توقف ارسال اسلحه روسی به عراق شد. (انقلاب اسلامی)

● ۱۴ تن از هواداران مجاهدین خلق و سازمان جریکهای فدایی خلق، به اتهام ایجاد درگیری و آشوب در بوشهر دستگیر شدند. (کیهان)

● دادستانی کل انقلاب کلیه احکامی را که تا تاریخ ۱۲ شهریور از طرف این دادستانی در کلیه زمینهای دستگیری، تصرف خانه‌ها، بازرسی منازل، توقیف و غیره صادر شده، باطل اعلام کرد. (مطبوعات)

● محاکمه احمدرضا کریمی، دبیر سندیکای کارگران شرکت ساکا و کاندیدای مجلس شورا، به اتهام ایجاد اخلاف و اغتشاش در محیط کار، آغاز شد. (انقلاب اسلامی)

● قصر شیرین بار دیگر مورد حمله نوبخانه عراقی قرار گرفت. (کیهان)

● چند تن از بزرگان بیمارستان نمازی شیراز، به علت نپذیرفتن دو پاسدار مجروح دستگیر شدند. (اطلاعات)

● به حکم دادگاه ویژه سینما رکس آبادان، ۶ نفر بعنوان عاملان آتش‌سوزی این سینما اعدام شدند.

یکشنبه ۱۶ شهریور

● رجائی ۲۱ وزیر منتخب خود را به مجلس معرفی کرد. مجلس بحث درباره ۱۴ تن از وزیران را که رئیس جمهور با آنان مخالفتی نداشته آغاز کرد. (کیهان)

● قلاچی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش: "سه گانگون در ارتش مداخله می کنند: دستهای خارجی به پشتیبانی امریکا، گروههای سیاسی غیر قانونی و گروههای سیاسی قانونی". (کیهان)

● ۵۵ میلیارد ریال بودجه برای اجرای طرحهای انقلاب فرهنگی اختصاص یافت. (اطلاعات)

● نخستین شماره روزنامه "میزان" با امتیاز اسماعیل یزدی و به سردبیری عبدالعلی یازرگان انتشار یافت. ● از سوی جهاد سازندگی طرحی برای احداث پناهگاه های زیرزمینی بتونی در قصر شیرین در دست اجراست. (کیهان)

● در درگیریهای جاده بانه سردشت، ۲ نظامی کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند. (کیهان)

● در درگیریهای صائین در ۱۲ بهمن حزب دموکرات کشته شدند. (کیهان)

● در حدود ۲ هزار نفر از عشایر کرمانشاه، در ماهیدشت مانورهای نظامی و چریکی ترتیب دادند. (کیهان)

● مدیر روزنامه "اتحاد مردم" در نامه ای به دادستانی کل انقلاب شکایت کرد که دفتر این روزنامه توسط گروهی که خود را عضو "حزب الله" معرفی می کنند اشغال شده است. (کیهان)

● یک مقاله مطبوعاتی در کرمان به آتش کشیده شد. (کیهان)

● بدنبال بسته شدن یک مرکز گردهم آبی جوانان در زوربخ، در حدود ۳ هزار جوان سویشی شورش کرده، در خیابانها با پلیس درگیر شدند. (کیهان)

"بازاریان گردن کلفت" حمله کرد و گفت: "عده ای از این افراد در مقابل سه ماه که تعطیل کردند، بساز انقلاب باندازه یک سال و نیم مردم را غارت کردند." (کیهان)

● فضل الله محلاتی، نماینده امام در سیاه پاسداران: "از ده ماه بیش ناکنون بیش از ۵۰۰ پاسدار کشته شده اند که بیشتر در اثر نداشتن وسیله بوده است." (جمهوری اسلامی)

● نماینده شیراز در مجلس هشدار داد که خانها می خواهند حوادث کردستان را در فارس تکرار کنند. (جمهوری اسلامی)

● آیت الله مستطری: اگر تعطیل دانشگاهها طول بکشد و معلم و دانش در دانشگاهها نباشد فاجعه است. (انقلاب اسلامی)

● دادستان انقلاب قائم شهر فعالیت گروههای سیاسی را در این شهر ممنوع اعلام کرد. (انقلاب اسلامی)

● ارتش عراق با نوب و خمپاره ۳۰ نقطه قصر شیرین را ویران کرد و به بیش از صد خانه صدمه زد. (کیهان) ● انبارهای مهمات شهر زرباطیه، سه موضع توپخانه، چند پاسگاه، یک تانک و چند تپ عراق درهم کوبیده شد. (انقلاب اسلامی)

● دادگاه ویژه نظامیان در کردستان شروع به کار کرد. (کیهان)

● به حکم دادگاههای انقلاب در قزوین و آبادان سه نفر اعدام شدند: در قزوین، یک نفر به جرم رقت و آمد به عراق و حمل و توزیع اسلحه و یک نفر به جرم قیام مسلحانه علیه حکومت جمهوری اسلامی. در آبادان یک نفر به جرم عمل لواط. (کیهان)

● تعداد معاندان کشور بین ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نفر است. (اطلاعات)

● سادات در نطقی خطاب به کنگره اسنادان دانشگاه های مصر: "این من هستم که بدنبال امریکا میروم تا تسهیلات نظامی مصر را در اختیار آن کشور قرار دهم." (مطبوعات)

● کارتر: همیشه با ایجاد یک کشور فلسطینی مخالفت خواهم کرد. (کیهان)

● بدنبال چند هفته اعتصابات کارگری در لهستان، ادوارد گیرک دبیر اول حزب کمونیست این کشور کناره گیری کرد. (مطبوعات)

● در مراسم سالگرد گشتار ۱۷ شهریور، بنی‌صدر در اجتماع عظیم میدان شهدا شدت به "اقلیت‌ناچیزی" که به گفته او می‌خواهد حکومت را قبضه کند، حمله کرد. در این سخنرانی که موضوع آن از چند روز پیش توسط بنی‌صدر مشخص شده بود، آواز جمله گفت: "... اقلیت می‌کوشد رهبری نهادهای انقلابی، رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها را در دست گیرد... کسانی که می‌خواهند جو بسازند و به‌زور تحریک و خفقان حکومت کنند همه وسایل بیان را در دست دارند... امروز گروهی به‌نامند اشراف دوره جاهلیت قریش بخود حق می‌دهد کدغیم مردم شود". بنی‌صدر در پایان سخنان خود گفت که "من نظریه اینها را افشا کردم، اگر اصلاح نشوند، نوبت به اسم و رسم آنها می‌رسد". (مطبوعات)

● طبق دستور امام خمینی که به همه دادگاههای ارتش ابلاغ شد، از این پس: تعقیب افراد ارتش باید، به اطلاع فرمانده شخص متهم باشد. اگر سهم از فرماندهان ارتش باشد، باید توسط فرمانده کل قوا امضاء شود.

● دادگاههای غیر ارتشی هیچ وجه حق دخالت در امور فوق را ندارند. (مطبوعات)

● به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز ۴ نظامی بجرم شرکت در توطئه کودتا تیرباران شدند. (کیهان)

● هفت مرد بهائی در یزد بجرم "جاسوسی و خیانت به ملت مسلمان ایران" اعدام شدند. (کیهان)

● یک زن زنکار در تبریز و یک مرد بجرم قتل در قم تیرباران شدند. (کیهان)

● در ارومیه یک نفر بجرم ایجاد رعب و وحشت در منطقه و توهین به مقدسات و قتل یک نفر اعلام شد. (کیهان)

● بر اساس قراردادهایی که با استرالیا منعقد شده، سالانه ۴۰ تا ۵۰ هزار تن گوشت از این کشور خریداری میشود. (انقلاب اسلامی)

● وزارت کار به سندیکاها غیرفعال اخطار کرد که ناهر چه‌زودتر وضع خود را مشخص کنند. (انقلاب اسلامی)

● دفتر نشریه "امت" در کرمانشاه به آتش کشیده شد. (انقلاب اسلامی)

● جنگنده‌های هوایی ایران و عراق وارد نبرد شدند. (کیهان)

● رجایی، دکتر بهشتی و رفسنجانی در بیاناتی طولانی و تند و تقریباً بی‌پرده، به سخنرانی بنی‌صدر در روز ۱۷ شهریور جواب دادند. رفسنجانی از جمله گفت: "دلم می‌خواست ایشان صریح نام آن اقلیت را می‌بردند... در واقع این یک اعلان جنگ بود که من به خودم حق میدهم با اجازه امام، آن سائلی را که مردم باید بدانند، بگویم...". دکتر بهشتی از جمله گفت: "... مادر قانون اساسی چنین چیزی نداریم که ملت به ایشان (رئیس جمهوری) رای داده باشند و این ارزش قانونی پیدا کرده باشد...". (مطبوعات)

● ۱۰۴ نماینده مجلس، خواستار حضور رئیس‌جمهور در مجلس شدند تا راجع به بیانات خود در روز ۱۷ شهریور توضیح دهد. (مطبوعات)

● ۹ عامل اخلاق و اعتصاب در کارخانه پوشش رشت بازداشت شدند. این عده بعنوان اعتراض به اخراج چند تن از همکاران خود، دست به اعتصاب زده بودند. (کیهان)

● در رابطه با کشف یک خانه تیمی در سبزواری، ۵ هوادار مجاهدین خلق دستگیر شدند. (کیهان)

● حاکم شرع خوزستان، فعالیت گروههای سیاسی در این استان را تا زمان تعیین تکلیف آنها توسط مجلس ممنوع اعلام کرد. (کیهان)

● حاکم شرع نوشهر و جالوس، فعالیت گروههای سیاسی را در این دو شهر ممنوع کرد. (انقلاب اسلامی)

● جاده‌های سفر و بوکان برای مقابله با مهاجمان بسته شد. (کیهان)

● یک گامیون ارتشی حامل ۷ نظامی و یک غیر نظامی در نزدیکی چاه بهار مورد هجوم اشرا قرار گرفت و هشت سرنشین آن کشته شد. (کیهان)

● در حمله افراد مسلح به کمیته انقلاب اسلامی نقده ۳ پاسدار کشته شدند. (کیهان)

● ظاهری استاندار آذربایجان غربی: دولت هیچ کنترلی بر ادارات نواحی کرد نشین ندارد. (کیهان)

● ۷ نظامی به جرم شرکت در گشتارهای ۱۷ شهریور و ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در تهران اعدام شدند. (مطبوعات)

و در رابطه با مناقشات "بنی‌صدر - حزب جمهوری اسلامی". از هر دو طرف بشدت انتقاد و آنها را به آرایش دعوت کرد. او از جمله گفت: "شما که جنگ اعصاب راه می‌اندازید... شما که سرصند با هم اختلاف پیدا می‌کنید... شما هم طاعتید" (مطبوعات)

● بنی‌صدر در سخنرانی بر مزار آیت‌الله طالقانی: "تحقیق کنید، اگر دیدید افرادی که با نام این یا آن سازمان (علیه سخنان ۱۷ شهریور من) موضع گرفتند از یک گروهند، معلوم میشود که حق به جانب من است"، (انقلاب اسلامی)

● دولت رجائی در نخستین جلسه خود تصویب کرد "برای جلوگیری از بوروکراسی و کاغذبازی"، حسابی در بانک مرکزی بنام دولت باز و مبلغ یک میلیارد تومان بعنوان تنخواه‌گردان در آن واریز شود تا پس از گذراندن هر تصویب‌نامه که بودجه آن تصویب شده مستقیماً از آن حساب پرداخت شود. (جمهوری اسلامی)

● سندیگای هنرمندان و کارکنان متأثر به تعطیل و تصرف چند تالار متأثر اعتراض کردند. (کیهان)

● حاکم شرع کاشان به شهربانی و پاسداران اطلاع داد که باید از برخی هرنوع نشریه سازمان مجاهدین خلق، تا تعیین تکلیف سازمان توسط مجلس، جلوگیری کنند. (انقلاب اسلامی)

● برای بررسی اوضاع مناطق مرزی ایران و عراق، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر دفاع وارد کرمانشاه شدند. (میزان)

● حمله نیروهای عراق به مرز خرمشهر دفع شد. (کیهان)

● فلاحتی، جانشین رئیس‌سناد ارتش، عراق درمورد ۶ باسگاه مرزی ایران ادعای مالکیت دارد. (کیهان)

● به حکم دادگاههای انقلاب در ۵ شهر کشور ۲۳ نفر اعدام شدند: در تبریز ۶ نفر به جرم اعدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران و عضویت در حزب دموکرات، یک نفر به جرم شرکت در کشتار افراد ارتش و پاسداران، یک نفر به جرم قاچاق مواد مخدر و فساد، ۹ نفر در کرمان بجرم قاچاق مواد مخدر ۴۰ نفر در لنگرود بجرم قاچاق، یک نفر در رودسر بجرم قاچاق، یک نفر در قم بجرم قتل. (مطبوعات)

● پس از ماهیها خشونت و ناآرامی سیاسی در ترکیه، رهبران نظامی این کشور با یک کودتای ظاهرآ

● باگستری درگیریهای مرزی ایران و عراق، نیروی شدیدی میان فائزهای ایران و میک های عراق در گرفت، چهار هلوکوترو سه میک عراقی درمرز سقوط کرد. (کیهان)

● سفارت انگلیس در تهران تعطیل شد. (میزان)

● ۲۴ هزار زندانی سیاسی در کره جنوبی به اردوگاههای کار اجباری فرستاده شدند. (کیهان)

پنجشنبه ۲۰ شهریور

● کابینه ۱۴ وزیری رجایی با ۱۶۹ رأی موافق، تصویب شد و بلافاصله شروع بکار کرد. (مطبوعات)

● آیت‌الله دستغیب، امام جمعه شیراز: "خوانین فارس مشغول جمع‌آوری اسلحه و تجمع‌اند و تیمسار احمد مدنی در آخرین لحظات ترک کشور با آنان تماس گرفته است". (کیهان)

● با اوج‌گیری درگیریهای مرزی ایران و عراق، افراد بین ۱۸ تا ۴۰ ساله مناطق مرزی به خدمت احضار شدند ۸۴ میک و هلوکوترو عراق سرنگون شد. اکثر مردم قصر شیرین شهر را ترک کرده‌اند. (کیهان)

● به حکم دادگاههای انقلاب ۶ قاچاقچی در شهرهای دامغان، ساوه، رودسر، اصفهان، مشهد و رشت و یک رهبر جماعتداران در اصفهان اعدام شدند. (کیهان)

● اتحاد سوریه و لیبی رسماً اعلام شد. تا یک ماه دیگر گفتگو برای تشکیل دولت مشترک آغاز میشود. (کیهان)

شنبه ۲۲ شهریور

● دکتر باهنر کارنامه شورای انقلاب را اعلام کرد. به گزارش او: تا سال ۵۸ در حدود ۷۰/۸ درصد ارکل صنایع بخش خصوصی به مالکیت دولت و بخش عمومی درآمد. ۱۲۰۰ مدیر جدید برای کارخانهها در نظر گرفته شد. (مطبوعات)

● امام خمینی در دیدار با رجائی و وزیران کابینه، او

بی‌خون‌ریزی قدرت را به دست گرفتند، پارلمان متحله قانون اساسی معلق و رهبران دولت و حزب‌ها بازداشت شدند. (کیهان)

در یک همه‌پرسی اجباری و به شدت کنترل شده، پینوشه دیکتاتور شیلی قانون اساسی پیشنهادی خود را با ۶۷/۶ درصد موافق به تصویب رساند. بموجب این قانون، رژیم نظامی به رهبری پینوشه تا سال ۱۹۸۹ ادامه می‌یابد. (کیهان)

دوشنبه ۲۴ شهریور

۱۰۰ میلیارد ریال اعتبار عمرانی به استانهای کشور اختصاص یافت. (کیهان)

بهنگام بحث درباره نامه جوابیه مجلس به نامه نمایندگان کنگره آمریکا، چند نفر از نمایندگان از جمله دیالمه آیت، معادیخواه به عبارت "دولت ملی و قانونی دکترومصدق" اعتراض کرده دولت مصدق را غیرملی و غیر قانونی خواندند (مطبوعات)

هادی غفاری نماینده مجلس خواستار بررسی این مساله شده چرا ۸۰ میلیون تومان پول نقد، در شعبه بانک ملی مهاباد وجود داشت (مطبوعات)

عزت‌الله سجایی: "انقلاب اسلامی مادر در روز بروز وفاداران و موافقان دانش و تجربه را از دست میدهد" (انقلاب اسلامی)

جامعه اسلامی دانشگاهیان، نسبت به توطئه چپ و راست برای اخلال در آغاز سال تحصیلی هشدار داد (انقلاب اسلامی)

رئیس مجلس اعلام کرد که بررسی سرنوشت گروگانها از فردا در مجلس آغاز میشود (اطلاعات)

فلاحی، جانشین رئیس سندمسترک ارتش: "ما قرارداد ۱۹۷۳ در مورد مرزهای ارضی خود با عراق را قبول نداریم و یک کیلومتر از خاک خود را به کسی نخواهیم داد." (اطلاعات)

خوابگاه دانشجویان تربیت معلم اشغال و دانشجویان ساکن آن، اخراج شدند (کیهان)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نام ۱۴ کتاب خود را که "طاغوت زدائی" شده اند اعلام کرد و از همه کتابخانه‌ها خواست تا آنها را جمع آوری کنند. از جمله این کتابهاست: زال و رودابه، زال و سمیرغ، بچه‌چطور بدنیامی‌آید، گیل‌گمش، شطرنج (جمهوری اسلامی).

یکشنبه ۲۳ شهریور

سامان خمینی در جواب تلگرامهای آیات عظام درباره اختلاف میان مسوولین امور: "اختلاف ریشه‌داری در کار نیست" (جمهوری اسلامی)

حجت الاسلام مشکینی، مدیر کل آموزش و پرورش لرستان اعلام داشت "تا نصفه کامل و دگرگونی در تمام آموزش و پرورش، از اول مهرماه رنگ مدارس دستان بصدافرنمی‌آید" (کیهان)

در حمله دیروز نیروهای عراق به شهر مرزی مه‌ران، دو هلیکوپتر عراقی سرنگون ۳۶ تا نگ و خودروی عراقی منهدم شد (انقلاب اسلامی)

یک سبک دیگر عراق سرنگون شد (جمهوری اسلامی)

سپاه گاه مرزی ایران از عراق پس گرفته شد (کیهان)

حزب اسلامی "الدعوه" عراق دو ایستگاه نفتی کرکوک را منفجر کرد (کیهان)

در درگیریهای غرب کشور ۷ پاسدار، جوان مرد و پیشمرگ کشته شدند (کیهان)

تیمسار باقری (رئیس سازمان هواپیمائی کشوری) هنگام فرار از کشور دستگیر شد. (جمهوری اسلامی)

تیمسار باقری جهت انجام ماه موبیت اداری عازم پاریس بوده است. (انقلاب اسلامی)

به گزارش "سازمان پیشمرگان مسلمان کرد" ابراهیم یونسی، استاندار سابق کردستان دستگیر شد (جمهوری اسلامی)

۸۰ میلیون تومان پول نقد از بانک ملی شعبه مهاباد ربوده شد. طاهری استاندار آذربایجان غربی گفت که ربابندگان از اعضای حزب دموکرات کردستان بوده‌اند (انقلاب اسلامی)

- فرار مسعود رجوی از ایران به پاریس، ملاقات رجوی با بختیار در پاریس، پست مسعود رجوی در کودتای نافرجام (آزادگان)

- عراق زیر آتش جنگنده های ایران عقب نشست، نبرد در سبزه شهدت گرفت، آتشبارهای ایران دومین دیگر عراق را سرنگون کردند، (کیهان)

- سه میگ عراق سرنگون شد، (جمهوری اسلامی)

- بنی صدر: "دشمن (عراق) عمده اطلاعات و اخبار خود را از رادیو تلویزیون ما می گیرد"، (کیهان)

- ۸ مهاجم مسلح در یکی از روستاهای تکاب کشته شدند، (انقلاب اسلامی)

- یک هواپیمای مسافری آمریکا ربوده و به کوبا برده شد، در سال جاری مسیحی، این دوازدهمین هواپیماست که به کوبا برده میشود (کیهان)

- برای آرام کردن کارگران اعتصابی، شورای نظامی کودتاگر ترکیه حقوق کارگران را ۷۰ درصد اضافه کرد (کیهان)

- ضیاء الحق، رهبر نظامی پاکستان، به کودتاگران ترکیه تبریک گفت (مطبوعات)

- کار برپا برداخت ۷۵ میلیون دلار کمک به دولت نیکاراگوئه موافقت کرد (مطبوعات)

سه شنبه ۲۵ شهریور

- با آغاز رسیدگی مجلس به کارگروگانها تصمیم گرفته شد که کمیسیون ویژه ای در این زمینه تشکیل شود (کیهان)

- هاشمی رفسنجانی: برای آزادی گروگانها، آمریکا باید سیاست گذشته اش در ایران را محکوم کند (کیهان)

- توطئه: رادیو آمریکا و گروهکهای وابسته برای تعطیل مدارس (جمهوری اسلامی)

- دهها میلیون تومان سوء استفاده در ایران ناسیونال کشف شد (اطلاعات)

- ۹ نفر در تهران بجرم رابطه با کودتا تیرباران شدند، (مطبوعات)

- یک زن اصفهانی: "مابذلیل همکاری با روزنامه انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش استخدام نکردند"، (انقلاب اسلامی)

- مسعود رجوی و موسی خیابانی، از رهبران سازمان

مجاهدین خلق، در کنفرانسی مطبوعاتی به شایعه پراکنی روزنامه صبح آزادگان پاسخ دادند. رجوی و خیابانی، با ارائه اسنادی اعلام داشتند که توطئه کودتای ۲۸ تیر را پیش از این تاریخ کشف و به امام و رئیس جمهوری اطلاع داده اند، (مطبوعات)

- ۹ مهاجم به ستون نظامی در جاده مهباد کشته شدند، (کیهان)

- اسناد از آذربایجان غربی: در سرقت ۸۰ میلیون تومان از بانک ملی مهباد، کارکنان بانک با ربا بندگان پول ارتباط داشته اند (کیهان)

- ارتش عراق در سه جبهه از ایران سختی شکست خورد قصر شیرین و اطراف آن بار دیگر مورد حمله قرار گرفت (کیهان)

- منطقه خان لیلی که در تصرف عراق بود آزاد شد، (انقلاب اسلامی)

- روزنامه "مردم" چین، دورشته حیف و میل اموال عمومی به مبلغ کل ۱۶۳۰ میلیون دلار را افشا کرد، (کیهان)

چهارشنبه ۲۶ شهریور

- در نامه ای به مجلس، رئیس جمهور و ستاد انقلاب فرهنگی، ۶۵ استاد دانشکده فنی خواستار بازگشتی دانشگاهها شدند (کیهان)

- بررسی مساله گروگانها به کمیسیون ویژه مجلس واگذار شد (جمهوری اسلامی)

- دادستان انقلاب اسلامی زنجان فعالیت و تظاهرات گروههای سیاسی را در این شهر ممنوع و فعالیت درباره آنها را به تصمیم مجلس موکول کرد (کیهان)

- پاسداران منطقه ۸ تهران از یک خانه تیمی تعدادی کتابهای کمونیستی کشف کردند، در این رابطه دو برادر دستگیر شدند (کیهان)

- دفتر "جاما" (جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران) توسط عده ای که خود را حزب الهی می نامیدند اشغال شد (انقلاب اسلامی)

- با ادامه پاکسازی مناطق مهباد و سردشت و تجمع ضد انقلابیون در مرز شوروی، شوروی قسمتی از مرزهای خود را برای تردد ضد انقلابیون باز گذاشته است (انقلاب اسلامی)

— افراد مسلح ۱۵ نفر از اعضای جهاد سازندگی ماکو را گروگان گرفتند (انقلاب اسلامی)
 — شرکت تعاونی تاکسیرانان اعلام داشت که تاکسی‌ها حق نصب دستگاههای بخش صوت در اتوبوس خود را ندارند (کیهان)
 — آناستازو سوموزا . دیکتاتور فراری نیکاراگوئه بدست گروهی از افراد مسلح در پاراگوئه کشته شد . (مطبوعات)
 — مجلس نمایندگان امریکا ، بودجه نظامی بسابقه ۱۷۵ میلیارد دلاری این کشور را تصویب کرد (کیهان)

شنبه ۲۹ شهریور

— بمنظور رهبری عملیات نظامی ، رئیس‌جمهور در ستاد مشترک ارتش مستقر شد . روستاهای مرزی خرمشهر تخلیه شد (انقلاب اسلامی)
 — کلیه مواضع شهر میباد بتصرف نیروهای انقلاب درآمد (جمهوری اسلامی)
 — آیت‌الله منتظری دانش‌آموزان و والدین آنها را به راهپیمایی و برگزاری نماز وحدت در روز اول مهرماه دعوت کرد (مطبوعات)
 — محاکمه محمدرضا سعادت ، عضو سازمان مجاهدین خلق ، که بنا بود امروز تشکیل شود تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاد (انقلاب اسلامی)
 — یک هیات اقتصادی سوروی برای خرید نفت و گاز بتهران آمد (جمهوری اسلامی)
 — امام جمعه تهران به گروههای سیاسی هشدار داد که اگر دست از توطئه برندارد نیروهای اسلامی را به جان آنها خواهد انداخت (انقلاب اسلامی)
 — کنسولگری شوروی در ریت تعطیل ، کنسولگری این کشور در اصفهان تبدیل به سرکنسولگری شد . (مطبوعات)
 — در رابطه با پیشنهاد سازمان آزادبخش فلسطین به میانجیگری بین ایران و عراق ، رجائی نرت وزیر گفت : " میانجیگری را درحقیقت عراق را به موضع انسانی و اسلامی ببرد قبول داریم " (اطلاعات)

— بدستور امام خمینی ، آستانه مقدسه قم وموقوفات مربوط به آن از اوقاف جدا شد (انقلاب اسلامی)
 — مراکز حماس میباد به تصرف ارتش و پاسداران درآمد . تلویزیون میباد ودفتر حزب دموکرات از جمله این مراکز است . (کیهان)
 — قوای ایران بر مرزهای غرب کشور مسلط شد . درگیریهای مرزی ایران وعراق ادامه دارد . (کیهان)
 — برای جلوگیری از پیشامدهای ناگوار ، اکثرخانههای نوار مرزی خرمشهر تخلیه شد . (کیهان)
 — یک نفر در نوشهر بحرم لواط و یک نفر در ماکو بحرم قاجاق مواد مخدرتیرباران شدند (کیهان)
 — چریکهای ال سالوادور با دو موشک ضد تانک به سفارت امریکا در سان سالوادور حمله کردند (کیهان)

پنجشنبه ۲۷ شهریور

— درگیریهای مرزی به استان خوزستان کشیده شد . (انقلاب اسلامی)
 — ایران در جنبه جنوب ، مواضع عراق را درهم کوبید . دو روستای مرزی عراق از سکنه خالی شد (کیهان)
 — دولت عراق ، قرارداد تعیین حدود مرزی ایران و عراق را ملغی کرد . با لغو این قرارداد ، عراق حاکمیت برشمال‌العرب را از آن خود اعلام کرد (کیهان)
 — دکتریهشتی : " اشغال لانه جاسوسی آنقدر گرانبها بود که تحمل هربوع خسارت دیگر از این بابت ، در راه آن آسان است واصولا ما در پرتو این اقدام سودهای اقتصادی هم برده‌ایم " (جمهوری اسلامی)
 — نیروگاههای اتمی بوشهر و اهواز به مجتمع های صنعتی وآموزشی تبدیل میشود . ۵۰ میلیارد ریال از ماشین‌آلات موجود درنیروگاهها در اختیار جهاد سازندگی ودیگر ارگانها قرار گرفته است . (اطلاعات)
 — کمیسیون دفاع مجلس شورا تصمیم گرفت که ماده واحدهای درمورد معافیت نظامیان از پرداخت مالیات حقوق به مجلس تقدیم کند (کیهان)
 — محاکمه ۳ تن از هواداران جمعیت کردهای مقیم مرکز ، به اتهام حمل دارو در جنگ های سنج پاپان یافت . رای دادگاه بعدا اعلام خواهد شد . (انقلاب اسلامی)

— دادگاه محمد رضا سعادتی فردا ، بدون حضور تماشاگران ، تشکیل میشود (مطبوعات)

— گروهی از ارامنه ، بعنوان اعتراض به کودتای ترکیه ، دربرابر سفارت این کشور در تهران تظاهرات کردند (مطبوعات)

— یک هیات عالیرتبه دولت امریکا در این هفته چند جلسه محرمانه با چند تن از سران کشورهای اروپائی در باره ایران تشکیل داده است (انقلاب اسلامی)

— دوفتر به جرم قاچاق در تهران اعدام شدند . (کیهان)

— در درگیریهای دیروز قائم شهر ، یک نفر کشته و هشتصد نفر زخمی شدند . این درگیریها ، بدنبال جمع آوری پوسترها و نشریات گروههای سیاسی از سطح شهر ، روی داد (انقلاب اسلامی)

— ۴۰ میلیارد ریال برای تامین مسکن کارمندان دولت اختصاص یافت (کیهان)

— رئیس کل بانک مرکزی : بیکاری از ۳/۵ میلیون نفر در ۹ ماه پیش به ۱/۵ میلیون نفر در ماه گذشته کاهش یافته است (میزان)

— امارات متحد عرب اعلام داشت که از این پس به مصر نفت نخواهد فروخت ، چون مصر نفتی را که میخرد به اسرائیل می فروشد (کیهان)

— پس از تصمیم کارخانه اتومبیل سازی قیات به اخراج ۱۵ هزار کارگر ، کارگران صنایع فلزات ایتالیا دعوت به اعتصاب عمومی کردند (کیهان)

— در درگیری میان طرفداران جوشوانکومو و طرفداران رابرت موکابه در زمبابوه ، ۶ نفر زخمی و ۲۲ نفر دستگیر شدند . (انقلاب اسلامی)

— بنی صدر در مقاله "روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد" — ۱۲ شهریور : "کسی که علم ندارد و مسئولیت هم می پذیرد مکتبی نیست " (انقلاب اسلامی)

— چمران : "اگر کسی بدون تخصص مسئولیت کاری را بپذیرفت تقوی هم ندارد " (میزان)

— ابراهیم یزدی ، در جواب انتقاداتی که در مجلس از سیاست وزارت خارجه در زمان او شده بود گفت : " از وزیر خارجه مملکت انتقاد میشود که چرا با دیپلماتهای خارجی ملاقات کرده ، اما کسانی که در مقام وزارت نبودند به چه مجوزی با هنری پرکت (معاون وزیر خارجه امریکا) ملاقات کردند ؟ ایشان با آقای بهشتی و بعضی از مدرسین حوزه علمیه قم ملاقات کردند . " (کیهان)

— دولت انگلیس تجار خود را به ادامه بازرگانی با ایران تشویق می کند (میزان)

— به گزارش تلویزیون ورشو ، اعتصاب در ۱۶ کارخانه و معدن لهستان هنوز ادامه دارد (انقلاب اسلامی)

— اعتصاب کارگران راه آهن برلن در آلمان شرقی وارد سومین روز خود شد (انقلاب اسلامی)

دوشنبه ۳۱ شهریور

— نیروی دریایی ایران تاسیسات نظامی و ناوگان عراق را به توپ بست . بلندی های نوسود در کنترل کامل قوای ایران قرار گرفت . (کیهان)

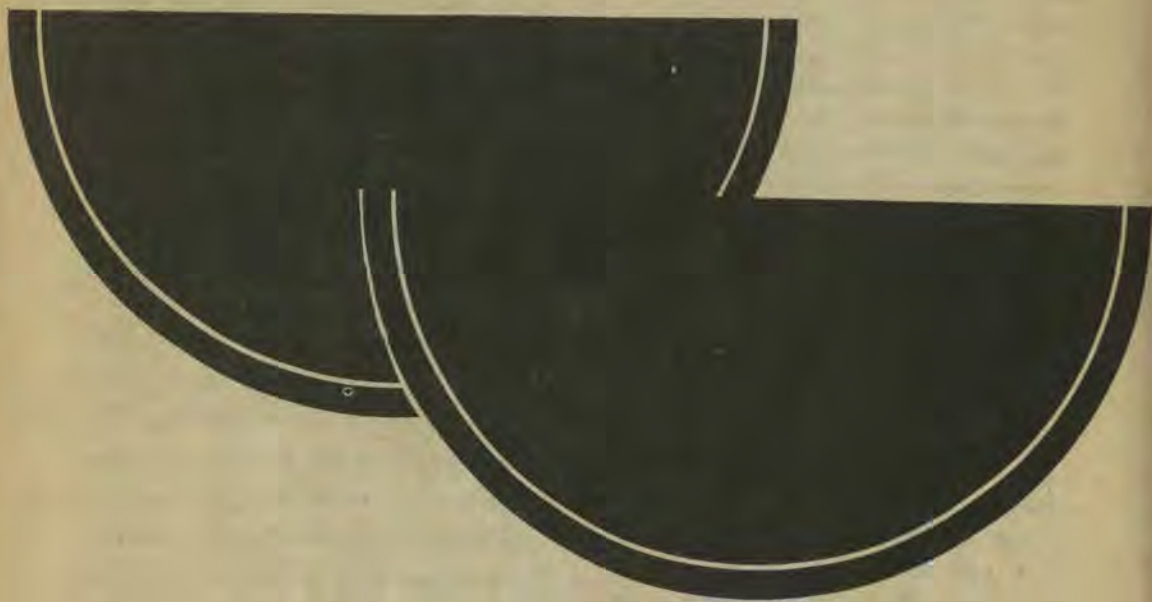
— با اوجگیری جنگ ایران و عراق ، چند پایگاه در داخل خاک ایران هدف نیروی هوایی عراق قرار گرفت . رئیس جمهور در پیام تلویزیونی خود تأیید کرد که دو هواپیمای ایرانی در فرودگاه مهرآباد منهدم شد . بنی صدر همچنین اعلام داشت که ۱۱ هواپیمای عراقی توسط نیروهای ایرانی منهدم شد . (سیمای جمهوری اسلامی)

— توپخانه ایران جاه نفت عراق را به آتش کشید . (اطلاعات)

— با پایان یافتن مهلت خلع سلاح ، درگیریهای مهاباد شدت یافت (کیهان)

— مخزن بزرگ نفت سفید ارومیه ، بدنبال انفجاری شدید ، آتش گرفت . (کیهان)

همه در انتظار «امنیت قضایی»



دادگاه در حکم نهایی خود اعلام داشت که اتهام سوم تا دهم برای دادگاه محرز است. درباره اتهام دوم دلایل معتبر وجود ندارد. درباره اتهام اول هم چون قتلها در گذشته دور انجام یافته بود و (در اوج قدرت میراشرفی ها) دادسرای راتبرئه کرده بود، لذا دادگاه انقلاب اسلامی نسبت به این مورد اظهار نظر نکرد. — کیهان ۲۹ شهریور —

● دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر اسماعیل-قزاقه جرم داشتن ۲۵ گرم هروئین و یک قیضه کارد کمربندی و داشتن سابقه متد در خرید و فروش مواد مخدر و شرارت به اعدام محکوم کرد که حکم اجرا شد. — کیهان ۱۳ شهریور —

● در قوچان احمد-پ با اتهام سعی کامل در تحکیم رژیم منحلّه-طاغوت، حیف و میل بیت المال، سرکوبی تظاهرات حق طلبانه مردم مسلمان، همکاری

پیروزی ۲۷

● دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان ابوالحسن (کیوان) میراشرفی را به حبس ابد در شهرستان اهواز و ۱۵۰ ضربه شلاق محکوم کرد. اتهامات او عبارت بود از: ۱- قتل بهمن حکمی و اردشیر میرهادی ۲- تجاوز بدختران کارگر ۳- ارتباط با خارجیان و تشکیل جلسات عیش و نوش با آنان ۴- ارتباط مستقیم با دربار و خاندان کثیف پهلوی ۵- حیف و میل اموال عمومی بوسیله ارتباط با دربار ۶- تجاوز به حقوق کارگران کارخانه قدس (تاج سابق) ۷- ترتیب مجلس جشن برای مراسم دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ۸- جلو گیری از اعتصاب کارگران کارخانه در اوج قیام ۹- تشکیل مجالس مکرر عیش و نوش و شربخواری ۱۰- ایجاد رعب و وحشت بوسیله گماشتن افراد فاسد و بی رحم در راه کارگران و قرار دادن تخته و شلاق در محیط کار.

آنها از ضابطه‌های مشخص و سراسری نیست. بلکه، همچنین سنگینی بیش از حد جرائم و در مقابل ازفاق بیش از حد به بعضی متهمان - که اغلب از نخبگان سرمایه‌داران و اشخاص سرشناس هستند - سرعت

غیر عادی تشریفات قضایی تا زمان صدور حکم - بخصوص در مورد اعدامها - عدم امکان متهم به یاری جوئی از وکیل - علیرغم نص صریح قانون اساسی - عدم توجه به تریب لازم برای اثبات جرم - که بویژه در فقه اسلامی شدت و به وسعت تعیین و تدوین شده - و بسیاری ملاحظات دیگر است که شاید همه آنها را بتوان در یک حمله ساده و بی‌برایه خلاصه کرد و گفت که در این احکام، قانون اساسی جمهوری اسلامی اغلب بزیرو گذاشته میشود.

گونه‌گونی احکام دادگاههای مختلف کشور، که در مورد اتهام‌های مشابهی گاه تفاوت‌هایی بین فقط چند ضربه شلاق تا حتی اعدام را بوجود می‌آورد، یکی از مهم‌ترین دلایل بروز آن "نا انسی قضائی" است که این روزها، بویژه از زبان مقامات مسئول، درباره آن شدت اظهار نگرانی شده است. این نا انسی، بویژه برای واقعیت متکی است که وجدان فرد، در برابر جرائی که احتمالا ممکن است از او سر بزند، و یا برای داوری درباره افرادی که جرمی از آنان سر می‌زند، بی‌هیچ وجه توان تصمیم‌گیری فاطمی ندارد. و در نتیجه، آن نظم درون هر کسی، که باید برز میان بدیها و خوبینیا را مشخص کند، مخدوش میشود. اما اگر از این مقوله پیچیده فلسفی درگذریم، نا انسی قضایی، این پیامد مستقیم را دارد که تکلیف فرد را در فعالیت‌های اجتماعی او نیز نامشخص و در نتیجه او را از شرکت فعالانه و آزادانه در زندگی اجتماعی باز میدارد.

تفاوت احکام در مورد جرائم مشابه همچنین این پیامد مستقیم را دارد که فرد را نه فقط نسبت به مجربان دستگاه‌های قضائی، بلکه حتی نسبت به منشا قوانین مشکوک و بدبین می‌کند. این چنین برداشتی بویژه زمانی حاد میشود که تفاوت بیان احکام، چه به‌عمد و چه به تصادف، ناشی از بعضی تبعیض‌های ضمنی اجتماعی - طبقاتی، حرفه‌ای، قومی - جلوه کند. و به صراحت باید گفت که چندین مورد از احکام دادگاههای کشور، یک چنین برداشتی را حتی برای بی‌غرض‌ترین افراد ممکن کرده است. در موارد متعددی، که تازه‌ترین آن، مورد یک سرمایه‌دار بسیار شناخته شده - و بسیار "طاغوتی"!^۱ اصفهانی است، حکم دادگاه درباره جرائم متعدد متهم، قابل مقایسه با احکام مشابه یا بسیار خادتری که در مورد متهمان بی‌نوا یا ناشناسی صادر شده، نیست. این نکته بارها گفته شده

با ساواک منحل و سوء استفاده از دست و مقام و شامل اصلی حمله، جماعت‌داران به حمام زمانه نوجان به حکم دادگاه مفسد فی الارض شناخته شد که با توجه به دفعه امام به بازده سال حبس و ۴۰۰ ضربه شلاق درجه‌دار نوبت و مصادره کلیه اموال غیر منقول محکوم شد، - کیهان دوم شهریور -

● در ساری سه نفر بجرم حمله به بانک سپریاران شدند. - کیهان دوم شهریور -

آنچه در بالا آمد تنها چهار مورد از موارد بیشمار احکام دادگاههای مختلف کشور است که در ماه گذشته صادر شده است و تناقض و ناهماهنگی میان آنها، نه در چشم خبرگان حقوقی و قضائی، بلکه حتی برای ساده‌ترین مردم نیز آشکار است. بحث در این عدم هماهنگی، که بویژه در موارد متعدد اعدام، جبران ناپذیر نیز هست، کم‌کم از افواه عموم و محافل قرائت رفته و اکنون توسط مقامات بلند پایه کشور و در نشست‌های رسمی نیز بصورت یک مسأله مهم اجتماعی مورد گفتگو قرار می‌گیرد. بی‌آنکه هنوز هیچ مرجع قضایی در انتظار تدوین یا اجرای قوانین و مقررات هماهنگ کننده احکام دادگاهها، نوانسته باشد جلوی صدور و اجرای این گونه مجازاتها را بگیرد.

آنچه تا مدتی پیش، بدلیل سکوت دستگاههای ارتباط جمعی و کتمان مقامات رسمی تنها بصورت شایعه عنوان میشد و گه‌گاه از فرط وخامت بنظر میرسید که شایعاتی ساخته و پرداخته ضد انقلاب باشد، اکنون، گه‌گاه حتی از زبان مقامات بلند پایه کشور رسا عنوان میشود و آهنگی بسیار هشدار دهنده می‌یابد. رئیس جمهوری در یکی از یادداشت‌های روزانه خود در "انقلاب اسلامی" از لیست بازده نفر محکومان یک دادگاه کرمانشاه سخن گفت که در زیر آن، حاکم شرع حکم داده بود که "۱۰ نفر بالا را اعدام کنید".

آیت‌الله دستغیب، امام جمعه شیراز در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان، رسا و علنا به خطاهای حاکم شرع شیراز اعتراض کرده است.

آنچه چشم‌انداز نظام قضایی کشور را، دستکم در زمینه صدور و اجرای احکام، این چنین نگران کننده کرده، تنها گونه‌گونی احکام، و عدم پیروی

و بومیج و نصیح‌گسانی است که با زیرپا گذاشتن این محدوده‌ها، به حقوق دیگران تجاوز می‌کند. بدین‌شکل این اصل اساسی حاکم بر نظام قضایی، بلافاصله بررسی علل و انگیزه‌های اجتماعی وقوع جرایم، و در نتیجه کوتش برای رفع این علل و جلوگیری از تائیر آنها بر فرد را ایجاب می‌کند. بنابراین، تاکید بر اینکه پیش از مجازات خاطیان باید شرایط و ادارنده فرد به خطاکاری از میان برداشته شود، تنها یک شعار آرمانخواهانه نیست، بلکه واقعیتی است که هر حکومت انقلابی باید آن را بتواند یکی از اصولی‌ترین وظایف خود دنبال کند. در انتظار آن‌روز که حکومت‌ها به این وظیفه عظیم خود عمل کرده باشند، بی‌روی از این اصل دستکم باید این وظیفه را برای نهاد های قضایی مطرح کند که راه را بر هرگونه عملکردی که احکام قضایی را به رنگار حسی انتقامجویی - چه فردی و چه اجتماعی - بیالاید سد کنند و گرنه، تسلط چنین حسی بر وجدان جامعه، جز آنکه انتقامجویی را رابطه‌ای دوطرفه کند، و در نهایت به افزایش جرائم بيفزاید، اثر دیگری نخواهد داشت.

آنچه در زیر می‌آید، چند نمونه دیگر از محاکم دادگاههای کشور، نقطه نظرهای بعضی از شخصیت های اجرایی و قضایی، و بعضی فعالیت هایی است که در این زمینه، در ماه شهریور گذشته صورت گرفته است:

● سوم شهریور - مسائل امنیت قضایی کشور با حضور رئیس جمهور و شرکت دادستان کل، سرپرست وزارت کشور و سرپرست شهرداری کل کشور مورد بررسی قرار گرفت. در پایان سمینار دادستان کل کشور، آیت الله موسوی اردبیلی به خبرنگاران گفت: "حضرت امام هم امر عدم دخالت قوای مختلف در کار یکدیگر را دستور فرموده‌اند و برای همه واجب شرعی است و اگر عمل نمی‌کنند، بحث دیگری است."

- رئیس جمهور در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "قانون باید حکومت کند نه گروه و دسته و این راه خروج ازین پست است... عده‌ای می‌خواهند قانون را کنار بگذارند و خودشان حکومت کنند و این تضادها سقوط جمهوری را بدنبال دارد... آنها که می‌گویند قوا باید حکومت بکنند از نظر من مکتبی نیستند... آنها یا نمی‌دانند و یا ضد مکتبند، در مکتب اسلام فقط قانون حکومت دارد... قانون که حکومت نکرد هرکس زورش چربید او حاکم است"، بنی صدر در مورد نقیض عقاید در آموزش و پرورش و اینکه طرفدارانش را استخدام نمی‌کنند گفت: "این همان تقابل قواست. این کارها قانونی نیست و ضابطه اسلامی هم نیست."

را نیز باید تکرار کرد که حتی در مورد اتهام های مشابه اشخاص مشابه نیز، از شهر به شهر کشور قضاوت‌ها متفاوت بوده و در مواردی، تفاوت‌های عظیمی میان آنها دیده شده است.

سرعت بیش از حد تشریفات قضایی نیز یکی از مهم ترین مسائل بوجود آورنده این نا امنی و اغتشاش قضایی است. فاصله میان زمان دستگیری یک متهم و اجرای حکم درباره او، گاهی از چند ساعت تجاوز نمی‌کند. و این امر بخصوص در مورد دوگروه، یکی متهمان به قاچاق مواد مخدر و دیگری متهمان به "اقدام علیه جمه‌وری اسلامی" "کرار" مشاهده شده است. این سرعت خارق‌العاده، بلافاصله دو مساله اساسی وابسته به تشریفات قضایی را مطرح می‌کند. اول مساله استفاده از وکیل مدافع است که ناتوانی که از گزارشهای مربوط به دادگاهها برمیآید، می‌توان گفت که تقریباً در هیچ دادگاهی، حضور وکیل مدافع متهم - حتی وکیل تسخیری - مشاهده شده است. و نیازی به گفتن ندارد که درخواست وکلی برای متهم، برخلاف آنچه گاهی عنوان میشود، یک "بدعت ناشی از غریزدگی" و یا یک "لوکس ارفرنگ آمده" نیست، بلکه در رابطه با اکثریت قاطع متهمان دادگاهها که ممکن است حتی جملات واصطلاحات ذکر شده در دادگاه را بدرستی درک نکنند، ضروریست.

مساله دیگری که مستقیماً به سرعت صدور احکام دادگاهها مربوط میشود این است که چنین سرعتی، بهیچ وجه برای فراهم آوردن شرایط اثبات وقوع جرم، کافی نیست. و این امر، بویژه در رابطه با فقه اسلامی جلب توجه می‌کند که می‌دانیم تا چه حد موسکافی و وسواس در تحقیق بپروان ثبوت جرم را واجب می‌داند. بطور مثال، یکی از جرایمی که بطور رایج در دادگاههای مختلف به صدور و اجرای حکم اعدام منتهی میشود، جرم زناست که تقریباً همه کس از شرایط بسیار دقیقی که باید وقوع آن را ثابت کند - بشود، اعتراف متهم، شرایط زمان و مکان ارتکاب، ... مطلع است و نیاز به ذکر آن نیست.

از اینهمه گذشته، وضع کلی حاکم بر دادگاهها، مساله مهم دیگری در رابطه با روح قوانین جزایی، و انگیزه اجتماعی مجازات را مطرح می‌کند. انگیزه اصلی قوانین عادلانه، نه انتقام جوئی از خاطیان بلکه تعیین محدوده کردارهای فرد در رابطه با جامعه

از دادستانی انقلاب بهامضای این جانب یا دکتر دادستانی غیر از حکم نصب دادستان و بازرس و دادیار دادسراهای انقلاب کشور اعم از حکم جلب، دستگیری، تصرف خانه ها، بازرسی منازل، توقیف و غیره نسبت به افراد سازمانها، وزارتخانه ها، کمیته، سپاه، بنیاد تا تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹ فاقد اعتبار اعلام می شود. - از این تاریخ به بعد هیچ حکمی در موارد مذکور مطلق و بدون ذکر مدت اعتبار صادر نخواهد شد و حکمی که مدت اعتبار آن گذشته باشد باطل و اگر بدون ذکر مدت صادر شده باشد جعلی است"

● ۱۶ شهریور - دکتر کانونیان رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران در گفت و گو با انقلاب اسلامی: "قاضی باید تمام صورتهای اجتماعی، مصالح، احساسها و عواطف متهم و مجرم را در نظر بگیرد، در اسلام این همه تأکید بر روی شرایط قاضی میشود، عدالت و جهان بینی اش، معلوماتش از نظر قضایی به خاطر همین که ابتکار بسیار مشکل است... قاضی ای که در مصلی به جرم روزه خوردن آنهم در آیدارخانه دادگستری نه درانظار عمومی، حد زده شده... به نظر من این تلاق را حکومت قانون خورده است و این عمل، عملی است ضدانقلابی".

● ۱۸ شهریور - تبریز - نیم تاج - م به جرم زنا محسنه و اشاعه فحشای منکر که برای چندمین بار تکرار شده بود پس از اجرای حد شرعی به اعدام محکوم و حکم اجرا شد.

- نیاوند: در دادگاه انقلاب اسلامی نیاوند ۹ نفر به حبس های ۳ تا ۴ ماه محکوم شدند (۱) محمدسقی یانجام ایجاد رعب و وحشت و ضرب و جرح ۱ سال حبس تعزیری (۲) الله حسین - ف به جرم نگهداری ۷۹۰ گرم تریاک ۲ ماه حبس نا دیبی و ۵۰ ضربه شلاق.

(۳) حسین - ف به جرم حمل و نگهداری ۲۳۵۰/۳ کیلو گرم تریاک ۲ سال حبس نا دیبی و ۷۰ ضربه شلاق، (۴) واحد - خ و علی - ی به جرم حمل اسلحه غیرمجاز شکاری و کلت دولتی هریک به ۲ سال حبس تعلیقی و ضبط اسلحه (۶ و ۷) مراد - م و محمدولی - س به جرم حمل دو قبضه اسلحه کبری دولتی و غیر دولتی هریک به یک ماه حبس و ضبط اسلحه.

۸ و ۹) اصطلح - و علی - م به جرم حمل دو قبضه اسلحه تکلول و دولول هریک به ۲ سال حبس تعلیقی و ضبط اسلحه محکوم شدند.

- یزد: به حکم دادگاه انقلاب اسلامی یزد ۷ بهائی به جرم جاسوسی به مرگ محکوم شدند که حکم اجرا شد بنا بر اطلاعیه دادرسی انقلاب اسلامی - یزد "تلایل اثبات جرم بسیار بود که نمونه بارز آن گزارشات اداره مرکز اسناد ملی انقلاب اسلامی ایران است که محفل بهائیان یزد را یک ارگان جاسوسی میدانند."

- تهران: دکتر بهشتی در گفتگو با انقلاب اسلامی: کیفر در اسلام سه جنبه دارد یکی حمایت از قانون و حمایت از حقوق و حمایت از معیارهای اسلامی

● چهارم شهریور - به گزارش "انقلاب اسلامی" در سنجش افکاری که وزارت کشور بعمل آورد هفتاد درصد مردم از فقدان امنیت نگرانی شدید داشتند. - تبریز: یک قاچاقچی بجرم حمل ۱۵۰ گرم هروئین، سابقه خرید و فروش و قاچاقچی گری اعدام شد.

- برازجان: کمیته انقلاب اسلامی برازجان اتهاماتی را که جندی پیش عده ای از اهالی دهکده از توابع دانشسرای طی اطلاعاتی نیست به اعمال غیر - قانونی این کمیته عنوان کرده بودند تکذیب کرد. کمیته برازجان عنوان کرد که جهت حمله به مسجد و خانه ها و دستگیری افراد مشکوک حکم داشته است.

● ششم شهریور - محمد مهدی جعفری نماینده برازجان در رابطه با اعمال کمیته این شهر گفت: "به من خبر داده اند که افراد کمیته مزبور به خانه ها، سناد و مراکز گروهها ریخته، افرادی را زده اند و به زندان انداخته اند... تمام تأکید کمیته برازجان بر این است که ما از مقامات قانونی حکم داشته ایم ولی حکم باید بطور مشخص و در زمان معین صادر شود و فردی که باید گرفتار شود و یا خانه ای که باید مورد بازرسی قرار گیرد کاملاً مشخص باشد حال آن که در این حکم هیچکدام از این مسائل رعایت نشده است.

- تهران: دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر بریاست حجت الاسلام خلخالی سه نفر قاچاقچی را به اعدام محکوم کرد که حکم بلافاصله اجرا شد.

● نهم شهریور - گلزاده غفوری در مجلس: "جامعه باید شرایط را طوری برای افراد فراهم بیاورد که اندیشه و شرایط تجاوز پیدا نشود... نه اینکه شما هیچ امکانی برای هیچکس فراهم نکنید و در صورت ارتکاب جرم بخواهید او را مجازات کنید."

● دهم شهریور - دادگاه انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر سیاهک - ب را بجرم خرید و فروش مواد مخدر به دو سال حبس نا دیبی و علیرضا - ع را بجرم همکاری با رژیم محط پهلوی و ارتکاب جنایات متعدد به مضاد کلبه اموال منقول و غیر منقول و علی - ج از وابستگان رژیم سابق را بجرم فعالیت ضد انقلابی در خارج، به مضاد کلبه اموال منقول مستضعفین و غنایا "بج سال زندان، و یوسف - س را بجرم روابط نامشروع و ضد اخلاقی به صد ضربه شلاق و چهل روز حبس نا دیبی محکوم کرد.

● ۱۳ شهریور - اطلاعاتی از طرف دادستان کل انقلاب بدین مضمون صادر شد: "تمام احکام صادره

● ۲۲ شهریور - قم: بدنبال آزادی متهم به قتل باسدار منزل آیت الله شریعتمداری و احضار مجدد وی ارسوی دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، دادستان انقلاب قم طی بیانه‌ای به دادگاه انقلاب تبریز اعتراض کرده احضار متهم آزاد شده دادگاه انقلاب قم را برخلاف اصل احترام و استقلال مراجع قضائی دانست و خواستار آزادی فوری متهم شد.

● ۲۳ شهریور - شیراز: آیت الله سید عبداللّه شیرازی در نامه‌ای نقطه نظرهای خویش را پیرامون اوضاع کنونی کشور بیان داشت و در قسمتی از این نامه ضمن برشمردن اعمال بسیار خوب انجام شده درجانبه در ارتباط با فضاوت آمده است که: "... اتهامات و اشاعات باطل، مجازاتها و قصاصات بسیاری بلکه صادرات اموال و اعدامهای بی خلاف مقررات شرع و حتی موازین انسانیت انجام گرفته و میکرد و ضوابط شرعی در بسیاری از موارد ملاحظه نشده و نمی شود که قسمتی از آنها را خود اولیه امور نیز اعتراف و بیان نموده اند."

● ۲۴ شهریور - کاشان: به حکم دادگاه انقلاب اسلامی کاشان رضا - ی، ۴۷ ساله، متاهل به اتهام زمانی محصنه به ۱۵ ضربه شلاق و اعدام محکوم گردید که حکم صادره اجرا شد.

● ۲۵ شهریور - تهران - در پی دستگیری مرتضی خویش خواه نماینده دادستانی در ایران ناسیونال به اتهام سوء استفاده های کلان در فروش اتومبیل های ایران ناسیونال، دیروز، افراد مسلح کمیته مدرسه صدر به دادگاه ویژه امور صنفی حمله کردند و درحالی که دادگاه مشغول رسیدگی به سوء استفاده های نمایندگان ایران ناسیونال بود، با اهانت به حاکم شرع، دادگاه ویژه را به حالت تعطیل درآوردند.

● ۲۶ شهریور - نوسهر: سلیمان - م به جرم لواط توسط دادگاه انقلاب اسلامی نوسهر به اعدام محکوم و حکم صادره اجرا شد.

- نیشابور: به حکم دادگاه انقلاب اسلامی نیشابور ۱۰ نفر به جرم فروش مواد مخدر و زنا به ۳۰ تا ۲۴۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

- ماکو: دادگاه انقلاب اسلامی تبریز صفرعلی سع را به جرم خرید و فروش مواد مخدر به اعدام محکوم کرد.

● ۳۱ شهریور - آبادان: دادگاه انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر احکام زیر را در مورد سه متهم صادر کرد ۱- سید عباس هادیانم فعالیت مؤثر در گانون فرهنگی خلق عرب و اقدام علیه جمهوری اسلامی محکوم به ۴ سال حبس نا دینی ۳- عامر به اتهام فعالیت مؤثر در گانون فرهنگی خلق عرب و همکاری با ولید عبدالقادر (جاسوس عراقی در کنسولگری عراق) و فعالیت علیه جمهوری اسلامی محکوم به ۱۰ سال حبس نا دینی ۳- رحیم عم به اتهام همکاری با رژیم عراق و حمل و توزیع اسلحه غیرمجاز بمنظور ایجاد اغتشاش در منطقه محکوم به ۱۰ سال حبس نا دینی -

و اوتی های والای اسلامی که در مکتب اسلام بیان شده است، دوم بیدار کردن یک انسان مجرم و سپیگاری که بهر دلیل به بیراهه کشانده شده و به تباهی گرائیده است، سوم ایجاد حرمی نیرومند برای توانین اجتماعی و برقراری امنیت همراه با قاطعیت و فوریت مجازات به همین جهت مجازاتی که در قانون جزائی اسلام هست غالباً مجازاتی است که فطری و قوری و قابل اجاست - بسی آنکه بار سنگینی چون زندانها و دارالتدبیه را با همه مشکلاتشان بر جامعه تحمیل کنند.

● ۱۹ شهریور - تهران: احمد - الف با اتهام سرقت مسلحانه در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز به یک سال زندان با احتساب ایام بازداشت قبلی و استرداد مبلغ یکصد هزار ریال ماه خود را آفای خدا بخش - م محکوم شد.

- مشهد: دادگاه انقلاب اسلامی مشهد رسیدگی به پرونده انتهایی یک روحانی نما و چهار سارق مسلح را پایان داد.

۱- شیخ اسماعیل نمازی روحانی نما متهم به وابستگی شدید به رژیم منقر گذشته و سوء استفاده های مادی و منوی به طرق مختلف و در نتیجه کتب اموال سرشار از طریق کاروان داری حج و توسل به مقامات پوتالی وقت به دو سال حبس جنجالی و خلع لباس و مصادره نیمی از مزارع ناهرود به نفع ستمخیزان آن منطقه و یک میلیون تومان وجه نقد به نفع انجمن حمایت زندانیان مشهد و نیز مصادره یک باب خانه در مشهد محکوم شد که حکم صادره به لحاظ کبر سن به مدت ۳ سال تعلیق شد.

چهار نفر دیگر به جرم سرقت مسلحانه و شرکت در اخذ مال به عنف، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز و قطع آب روستاییان و تهدید با جاقو به پنج سال و دو سال زندان محکوم شدند.

- کرمانشاه: کارکنان دادگاه انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب کرمانشاه به علت وجود اعمال نفوذ در آزادی مسئول سپاه پاسداران ماهیشت دست از کار کشیدند، مسئول سپاه پاسداران به علت سوء استفاده از حکم آیت الله خلخالی در سباز به مواد مخدر و کارهای ناشایست دیگر از کار برکنار و تحویل زندان داده شده بوده اما با سوء استفاده از نفوذ خود فقط چهار ساعت در زندان ماند و حتی یکی از مجرمین زندان را هم با خود از زندان خارج کرد.

● ۲۵ شهریور - تهران: یک آشوری در نامه‌ای به مجلس و رئیس جمهور از اینکه عده‌ای باسدار به خانه‌اش رفته‌اند و صفحات موسیقی و بیانونی او را با خود برده‌اند شکایت کرد، وی مدعی شده است که سرپرست پاسدارها پس دادن نوارهایش را مشروط به هدیه کردن کلبه دستگاههای صوتی اش به سازمان آنها کرده‌است.

اوپک

فشار از درون ویرون



کنفرانس دوروزموزرای ۱۳ کشورعضواوپکروز۲۶شیربور
دروین پایان یافت ، انگیزه تشکیلکنفرانس تصمیم
در مورد (۱)کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک
(۲) کاهش تولید نفت خام (۳) فرمول تعیین قیمت
نفت (۴) روابط اوپک با کشورهای جهان سوم وموقعیت
صندوق اوپک بود کهجز مورد اول در سایر موارد
توافقی صورت نگرفت وقرار شد توصیه هائی دراین
زمینه ها تسلیم سران کشورهای شرکت کننده در
کنفرانس سران اوپک دریغداد شود که روز ۱۳ آبان
گشایش خواهد یافت .

وزرای نفت اوپک در ۲۲ مهرآینده جلسه دیگری
تشکیل خواهد داد ، تنها موردی که درکنفرانس وین

وحدت اوپک عملا ازهم پاشیده است
غرب ازسه طریق قیمت نفت را کنترل
می کند

متفقا" در باره آن موضعگیری شد تحریم رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی بود.

دریابان کنفرانس، معین فر رئیس هیأت نمایندگی ایران گفت پیشنهاد ایران تعیین سیاست دراز مدت اوپک بر مبنای نرخ تورم وارد شده به کشورهای تولیدکننده و میزان توسعه اقتصادی آنها بود اما عربستان و عراق پیشنهاد کردند میزان تورم در کشورهای صنعتی مبنای تعیین نرخ نفت صادراتی باشد.

با آنکه گفت و گوها پشت درهای بسته انجام گرفت خبرگزاری‌ها اطلاعات دقیقی درباره جناح بندی اعضای اوپکو و جزئیات مباحثات مخابره کردند. به گزارش این خبرگزاری‌ها دو جناح طرفدار ایران و طرفدار عربستان از آغاز کار مقابل هم قرار گرفتند و در حالیکه جناح ایران متشکل از لیبی، الجزایر و ایران خواهان کاهش تولید نفت عربستان بودند، سعودیها کاهش تولید نفت خود را به کاهش قیمت آن از ۳۴ دلار به ۳۰ دلار محول کردند.

به گزارش خبرگزاری‌ها، علیرغم تصمیم اکثریت اعضای اوپک مبنی بر تشکیل کنفرانس سران در بغداد، رئیس هیأت نمایندگی ایران اعلام کرده است که به احتمال زیاد ایران در این کنفرانس شرکت نخواهد کرد چون عراق قصد بهره‌برداری سیاسی از کنفرانس بغداد را دارد. معین فر قبلاً گفته بود عراق و عربستان با تولید ۳ میلیون بشکه بیش از گشت طبیعی بازار، در نظم بازار جهانی نفت اختلال کرده‌اند.

در مورد کمک به کشورهای جهان سوم که خریدار ۲۰ درصد نفت اوپک هستند پیشنهاد ایران این بود که ۱۰ درصد از درآمدهای حاصله از افزایش قیمت نفت خام در یک صندوق مشترک واریز شود تا کشورهای جهان سوم با مراجعه به آن، متناسب با نفت خریداری خود کمک بلاعوض دریافت کنند، اما در این مورد هم مخالفت‌های عربستان که در صورت تصویب چنین طرحی مجبور به پرداخت مبلغ قابل توجهی به صندوق می‌شد، کار را به بن‌بست کشاند.

با این حال، معین فر هنگام بازگشت از وین به خبرنگار تلویزیون گفت علیرغم عدم توافق رسمی، عربستان تحت تأثیر جو کنفرانس قبول کرده است که قیمت نفت خود را از ۲۸ دلار به ۳۰ دلار افزایش دهد و ثانیه مه‌ماه نسبت به کاهش تولید اقدام کند.

وجوه اختلافی اوپک

در ۲۲ خرداد گذشته کنفرانس اوپک قیمت پایه نفت را ۳۲ دلار تعیین و مقرر کرد که بر اساس مرغوبیت نفت، این قیمت تا ۳۷ دلار قابل افزایش باشد. همچنین قرارداد عربستان و عراق برای جلوگیری از سقوط قیمت، صدور نفت خود را کاهش دهند، چندهفته بعد از این تصمیم

عربستان کماکان نفت خود را به قیمت هر بشکه ۲۸ دلار فروخت و از گزارش‌های منابع مختلف چنین بر نمی‌آید که تولید نفت خود را کاسته باشد و حداقل روزی ۹/۵ میلیون بشکه روانه بازارهای نفتی میکند. سایر کشورهای اوپک و از جمله ایران قیمت نفت خود را تا آنجا که می‌توانستند بالا بردند. جدول زیر آخرین قیمت نفت کشورهای اوپک را نشان می‌دهد.

ایران	۳۵ دلار	(هر بشکه نفت خام سبک)
کویت	۳۵ دلار	(" " ")
نیجریه	۳۷ دلار	(" " ")
عربستان	۲۸ دلار	(" " ")
لیبی	۳۷ دلار	(" " ")
الجزایر	۳۸ دلار	(" " ")
اندونزی	۳۱/۵ دلار	(" " ")
عراق	۳۲ دلار	(" " ")

قیمت نفت ایران دوماه قبل از کنفرانس اوپک یعنی در فروردین گذشته برای هر بشکه ۲/۵ دلار افزایش یافت و به ۳۵ دلار رسید ولی خریدار عمده نفت ایران یعنی ژاپن، که روزانه بیش از ۵۰۰ هزار بشکه یعنی ۱۰ درصد نیاز نفتی خود را از ایران می‌خرد این افزایش را بپذیرفت و در نتیجه صدور نفت ایران به ژاپن قطع شد.

بعد از ایران، در اردیبهشت گذشته عربستان سعودی و پس از آن سایر کشورهای اوپک قیمت نفت خود را در حدود ۲ دلار افزایش دادند و برخی از آنها نیز مبنای محاسبه خود را به مانند ایران روز اول آوریل تعیین کردند. معین فر وزیر نفت ایران در این مورد گفت " ما اولین کشوری بودیم که افزایش قیمت نفتان را اعلام کردیم ولی کشورهایی که اکنون افزایش قیمت را اعلام میکنند و آن را به گذشته تعمیم میدهند کارشان اخلاقی نیست و اساس اعتماد بین کشورهای خریدار و فروشنده را متزلزل میکنند ". یک کارشناس نفتی در این مورد می‌گوید که اوضاع بازار نفت آنچنان پیچیده و تابع عوامل گوناگونی است که هر حرکت و تغییر جهت اگر بدون مطالعه کافی صورت گرفته باشد حالت اشتباه یک شطرنج‌باز، در برابر حریف ماهری را پیدا می‌کند که می‌تواند از کوچکترین اشتباه طرف مقابل خود، بهره‌گیرد.

مکانیسم امپریالیستی کنترل قیمت نفت

غرب صنعتی برای کنترل قیمت نفت، مکانیسمی بوجود آورده که به سه قطب متکی است: قطب اول و تعیین کننده این مکانیسم در اختیار داشتن بخش بزرگی از تولید نفت یعنی نفت عربستان سعودی و سایر کشورهای دست نشانده است که کاملاً تابع

سیاست کشورهای امپریالیستی هستند - قطب دوم "ذخیره سازی" نفت در انبارهای عظیم کشورهای صنعتی است که به آنها اجازه میدهد در یک فاصله دو - سه ماهه بدون واردات نفت به حیات عادی خود ادامه دهند و قطب سوم کنترل سطح مصرف نفت و "صرفه جویی" است که از افزایش نیاز نفتی تا حد مقدور جلوگیری میکند و در نتیجه تقاضا برای نفت در بازار جهانی کنترل میشود -

تولید نفت اوپک که در سال ۱۹۷۷ بمیزان ۳۴ میلیون بشکه در روز بود در سال ۱۹۷۹ روزانه ۳۱/۳ میلیون بشکه شد - عربستان و عراق که پس از سقوط رژیم پهلوی، برای کمک به ایران داوطلب کاهش تولید خود شده بودند هیچوقت به تعهد خود عمل نکردند - خمرگزاری پارس به نقل از منابع عربی در ماه گذشته خبر داد که تولید نفت عربستان بطور رسمی در سال ۱۹۷۹ بمیزان ۱۳ درصد افزایش یافت - در مورد عراق، روزنامه انقلاب اسلامی به نقل از "پترولیوم ویکلی" نوشت که این کشور در ژانویه ۱۹۸۰ روزانه ۳/۵ میلیون بشکه نفت تولید کرده که نسبت به سال ۱۹۷۵ - ۱/۵ میلیون بشکه - بیشتر است -

«سیا» آمارهای نفت را کنترل میکند

در مورد ذخیره سازی و صرفه جویی نگاهی به اخبار ماه گذشته نشان میدهد که هم اکنون انبارهای نفت کشورهای غربی لبریز از نفت است - روزنامه صبح آزادگان یازدهم شهریور به نقل از مجله "پترولیوم ویکلی" نوشت که ذخائر کشورهای غرب "جمعاً" به ۵/۸ میلیارد بشکه بالغ شده و اروپا ۱۲۰ روز زاین ۱۱۰ روز و آمریکا ۷۵ روز مصرف خود را ذخیره کرده اند - اطلاعات ۲۴ شهریور به نقل از همان مجله نفتی علت بر شدن این انبارها را عرصه «۷۵ هزار بشکه نفت اضافی در روز به بازار نفت دنیا ذکر کرده است، در حالی که بعضی از منابع دیگر این عرصه اضافی را تا ۳ میلیون بشکه تخمین میزنند - با آنکه این آمارها که بیشتر از جانب خود کشورهای غربی عرضه میشود می تواند دور از واقعیت باشد، با توجه به خبری که روزنامه انقلاب اسلامی ۲۳ شهریور ماه از قول روزنامه "واشنگتن استار" درباره صرفه جویی نفت نقل کرده معلوم میشود که کشورهای غربی می توانند با عنوان کردن مطالب غیر واقعی و کوچک و بزرگ کردن اخبار، فضای بازار نفت را به نفع خود تغییر دهند - واشنگتن استار نوشته است که ارقام مربوط به صرفه جویی و ذخیره نفت توسط وزارت انرژی آمریکا و "سیا" منتشر میشود و با میزان واقعی مطابقت ندارد - "سیا" اعلام کرده است که در سه ماهه اول سال ۱۹۸۰، مصرف نفت آمریکا ۱۰/۶،

۳۴ - سیروزی

آلمان فدرال ۸/۹ درصد، ژاپن ۵/۳ درصد، فرانسه ۱۲ درصد و انگلستان ۱۵/۶ درصد کاهش نشان میدهد - اما در همین زمینه یک مجله دیگر خارجی نوشته است تقاضا برای نفت از ۹۸/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۹ به ۹۷/۸ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰ کاهش یافته است که این چیزی در حدود یک درصد است و با آمار منتشر شده توسط "سیا" تفاوت دارد -

کشورهای امپریالیستی عوار دست کاری در آمار و ارقام، با استفاده از حاکمیت خود بر رسانه های گروهی یک فشار تبلیغاتی دائمی بر کشورهای تولید کننده نفت وارد می آورند که تا بهر آن در تضعیف روحیه مقامات کشورهای اوپک (با توجه به نظامهای استبدادی حاکم بر اکثر این کشورها که طرف گفتگوی امپریالیسم، "شیخ" ها هستند و نه مردم شیخ نشین) انکار ناپذیر است - غرب میگوید تمام مشکلات ناشی از تورم و بحران های اقتصادی خود را ناشی از قیمت نفت قلمداد کند و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه را وادار به حبشه گیری در مقابل کشورهای نفت خیز کند در حالیکه ظلمکاران ۲۸۰ میلیارد دلار بدهی کشورهای رو به توسعه تا سال ۱۹۸۰، همین کشورهای امپریالیستی هستند و کل صادرات نفت اوپک به کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در سال در حدود ۲۸ میلیارد دلار یعنی ۱۰ درصد بدهی آنان به غرب است - در کنار تمام فشارهای تبلیغاتی، کشورهای امپریالیستی همچنان از مکانیسم یاد شده استفاده میکنند - مثلاً هرگاه در یک شرایط اضطراری، صدور نفت ایران به ژاپن قطع شود در مرحله اول ژاپن فرصت دارد که برای مدت کوتاهی با استفاده از نفت انبار شده وضع عادی خود را ادامه دهد و در مرحله دوم با توجه به تولید کنندگان دست نشاندگان استخراج نفت آنان را که محتاج زمان است افزایش داده و کسر نفت خود را از آنجا جبران کند و در عین حال اقداماتی هم برای کاهش مصرف نفت و در جهت صرفه جویی انجام دهد - در همین حال، کوشش کشورهای امپریالیستی و ویژه آمریکا برای هر چه بیشتر در اختیار گرفتن حوزه های نفتی، بدلیل دست نشاندگی کتورهائی چون عربستان، ناکنون موفقیت آمیز بوده است -

«نفت دزدی»

تولید نفت عربستان بنابه آمار غیر رسمی ۱۰/۲ میلیون بشکه در روز است و تا سال ۱۹۸۱ به ۱۲ میلیون بشکه بالغ خواهد شد، بخش زیادی از این نفت از حوزه های مشترک نفتی استخراج می شود و در نتیجه ثروت کشورها نیز از همین راه به یقما میروند - یک نمونه از این "نفت دزدی"، نصب سکوی حفاری در نزدیکی برین فاصله یعنی چهار کیلومتری خط مقسم آب های ایران و عربستان سعودی است که در ماه گذشته توسط شرکت های

امریکائی و ظاهرًا "بنفع عربستان احداث شد". در رابطه با همین مسأله وزیر نفت ایران درباره گذشته اعلام کرد که هر جا ایران فروش نفت خود را قطع کرده عراق و عربستان جای آن را پر کرده اند. وجود همین منابع مشترک، ولیزوم توسل به مانیورهای انحرافی برای ادامه "سوا" استفاده از آنها میبایست دیدگی از انگیزه های مهم انفجار لوله های نفتی و عدم امنیت جابه های نفت در مرز ایران و عراق باشد که روی منابع نفتی مشترک حفر شده است. در ماه گذشته، تا سیاست نفتی ایران و عراق چندین بار منجر شد.

هفتمین اجلاس سران اوپک در بغداد و

روند سیاسی شتاب «نفت»

اجلاس سران اوپک که قرار است روز سیزدهم آبان در بغداد تشکیل شود از آن رو که چند روز قبل از کنفرانس سران عرب تشکیل میشود حائز اهمیت ویژه ایست. اما مقامات ایرانی از چند هفته پیش تلویحا "اعلام میکنند که در این اجلاس، رئیس جمهوری ایران شرکت نخواهد کرد. معین فر در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز ۱ شهریور گفت با توجه به روش خصمانه عراق و انفجاراتی که در خاک ما انجام میدهد در کنفرانس در سطح عالی شرکت نخواهم کرد. او در جای دیگری گفته بود "آقای بنی صدر هم در نظر ندارند در این کنفرانس شرکت کنند". در همین مورد علی شمس اردکانی سفیر ایران در کویت و یکی از اعضای هیأت نمایندگی نفت ایران در ویس، در مصاحبه ای با روزنامه انقلاب اسلامی ۲۳ شهریور اظهار عقیده کرد: "کنفرانس سران وقتی باید تشکیل شود که تفاهم های کمی و آلا روی مسائل نفتی فراهم آمده باشد و تا آنجا در مسایل مسائل فی مابین توافق باشد، وقتی تصمیمات کوتاه مدت اوپک اجرا نمیشود، تصمیم دراز مدت معنایی ندارد. در کنفرانس گذشته، تصمیمات سران با کوششهای بودیدین رئیس جمهور فقید الجزایر، اصول روابط اوپک و کشورهای صنعتی را معلوم کرد ولی کشورهای اوپک برخلاف آن اصول قدم برداشته و بر میدارند و کنفرانس سران اوپک جز اینکه وسیله ای برای تبلیغ سران بغداد باشد نخواهد بود و در این مورد لیبی و الجزایر هم با ما همفکراند". شمس اردکانی همچنین گفت "غیر سیاسی اعلام کردن سلاح نفت، دوستان اسرائیل را اطمینان خاطر میدهد ولی مایاید به کشورها نفت خیز بقولانیم که نفت اسلحه است و این با شعار و با سازا سکر نیست بلکه مذاکره و فشار سیاسی لازم است".

مسأله دیگری که باعث اختلاف نظر بین کشورهای اوپک شده موضوع کمک به کشورهای جهان سوم است. اعضای اوپک در سال ۱۹۷۶، صندوقی به این منظور

ایجاد کردند که تاکنون ۱۸۶ فقره وام جمعی مبلغ ۷۶۶ میلیون دلار به کشورهای جهان سوم پرداخته است. کل دارائی این صندوق ۸۰۰ میلیون دلار است که چند ماه پیش عربستان با افزایش آن مخالفت کرد. مقامات عربستان ده ها میلیارد دلار ذخایر خود را بصورت "قرض الحسنه" در بانکهای آمریکا میگذارند ولی با افزایش مقداری جزئی در صندوق اوپک مخالفتند. سهم ایران در صندوق اوپک قبل از انقلاب ۲۰۲ میلیون دلار بود که بعدا به ۵۷ میلیون دلار کاهش یافت.

سیاری از مقامات نفتی کشورهای اوپک، شکل فعلی صندوق کمک اوپک را نمی پذیرند. شمس اردکانی در این مورد میگوید: "صندوق اوپک وسیله ای در دست حکومت های مرتجع شده است که سیاست های آمریکا را علیه کشورهای مستضعف دنبال کنند".

موضع ایران در کنفرانس وین این بود که کشورهای جهان سوم خودشان گرداننده صندوق باشند و هر کشور فروشنده نفت با توجه به میزان نفتی که به آنها میفروشد درصدی بعنوان مابه التفاوت قیمت به این صندوق واریز کند. نماینده بحریه در کنفرانس وین یک طرح سه ماده ای ارائه کرد که بر مبنای آن: (۱) کشورهایی که بازاداری دارند باید امکانات سرمایه گذاری خود را وقف جهان سوم کنند.

(۲) همانطور که به مسأله فلسطین پرداخته میشود به مسأله آفریقای جنوبی هم پرداخته شود. (۳) مذاکرات شمال و جنوب باید با شرکت همه جناحها انجام یابد و بطوری نبود که بین کشورهای اوپک و کشورهای در حال توسعه جنبه بندی شود.

صادرات نفت ایران

عدم خرید نفت ایران توسط ژاپن صادرات نفت ایران را در ماههای گذشته ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد و بودجه ایران را که عمدتا "بر اساس درآمد نفت تنظیم شده بود متزلزل کرد. افزایش قیمت نفت ایران یک دوره ۲۰ روزه قبل از قطع صدور راهم در بر میگرفت که موسسات ژاپنی طی آن ۱۶/۵ میلیون بشکه نفت تحویل گرفته بودند ولی حاضر به پرداخت مابه التفاوت قیمت نبودند اما چند هفته بعد برای جلوگیری از اقدامات قانونی ایران در ژاپن، تصمیم به پرداخت این مبلغ گرفتند.

بعد از قطع صدور نفت به ژاپن شایعاتی درباره اینکه ایران خواستار مذاکره با ژاپن در مورد صدور مجدد نفت شده منتشر شد که وزیر نفت تکذیب کرد و نیز شایعاتی مبنی بر کاهش قیمت نفت منتشر شد. در ۲۹ تیرماه هفته نامه "پترولیوم ویکلی" لندن اعلام کرد که قیمت نفت ایران بخاطر انعکاس مشکلات اقتصادی داخلی، در حوزه فروزان (فریدون) از هر

"	تبریز	۸۰	هزار بشکه در روز
"	شیراز	۴۵	هزار بشکه در روز
"	اصفهان	۱۱۵	هزار بشکه در روز
"	کرمانشاه	۱۵	هزار بشکه در روز

در روز ۱۷ شهریور گذشته بحث دوم پالایشگاه اصفهان با ۸۰ هزار بشکه در روز گشایش یافت که ظرفیت آن بمقدار ۱۰۰ هزار بشکه می‌رسد و اعلام شد زمستان امسال کمبود نفت نخواهد بود.

پتروشیمی ایران و ژاپن و مذاکرات طولانی

از جمله قراردادهایی که در رژیم سرنگون شده پهلوی منعقد شد و به مرحله اجرا درآمد، طرح مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن در بندر امام خمینی (شاهپور سابق) بود. ۸۵ درصد این طرح که در حدود ۳ میلیارد دلار هزینه داشته اجرا شده که پیرای قیام بهمن ماه هیرمان بایساری از طرحهای دیگر متوقف شد. سرمایه گذاری در این مجتمع به ست ۵۰-۵۰ بین ژاپن و ایران تقسیم شده است و در صورت بهره برداری ۸۰ درصد محصولات آن به خارج صادر خواهد شد.

در پی مذاکرات طولانی که بین مقامات ایرانی و ژاپنی انجام شد بالاخره در ۲۴ تیرماه اعلام شد که آخرین دور مذاکرات به نتیجه رسیده و ژاپنی ها اعلام کرده اند با تمام قوا و در اسرع وقت کار را دنبال کنند. فیلا ژاپن اجرای این طرح را در گرو روابط دوستانه بین دو کشور قرارداده بود و توافق یاد شده کمی بعد از مسافرت یک هیأت یوگسلاو که برای همکاری در زمینه پتروشیمی به جنوب آمده بود انجام گرفت. بنظر میرسد مقامات ایرانی از زوئه همکاری با کشورهای خارج از بلوک غرب در مذاکرات استفاده کرده اند. وزیر نفت ایران در این زمینه گفت "بعضی یک شوک

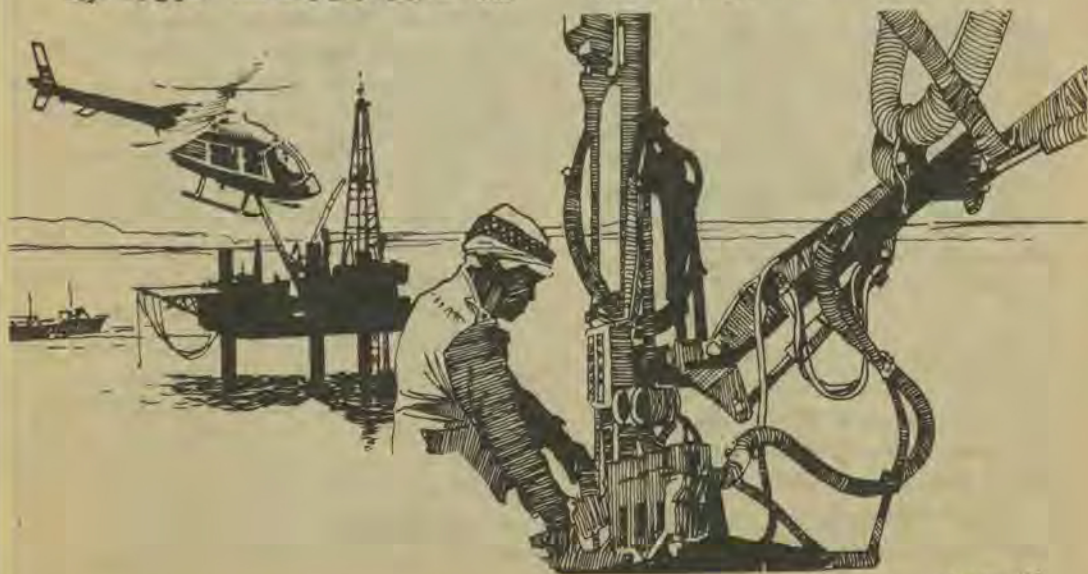
بشکه ۲۴/۵۷ دلار به ۳۳/۵۷ دلار وقت حوزه ابودر (اردشیر) از هر بشکه ۳۳/۳۷ به ۳۲/۳۷ دلار کاهش یافته است. همین فرض تاءید این موضوع اضافه کرد " اما قیمت نفت خام سبک ایران هیچ تغییری نکرده و به همان قیمت ۳۵/۳۷ دلار بفروش میرسد. " باتوجه به سخنان وزیر نفت که چهار روز قبل گفته بود صادرات نفت ایران نسبت به ماه قبل ۲۵ درصد افزایش یافته است، میتوان نتیجه گیری کرد که ایران با کاهش قیمت نفت دو حوزه یاد شده با مشتری های جدیدی قرارداد فروش منعقد کرده است. در ماه گذشته همچنین مذاکراتی برای فروش نفت به شوروی انجام گرفت و یک قرارداد مبادله برزی بین استاندارد آذربایجان غربی و مقامات استان آغری ترکیه منعقد شد که بر مبنای آن روزانه ۵۰۰ تن سیمان و گوشت گوسفند در مقابل نفت سیاه و گازوئیل به ایران تحویل میشود. در پی این خبر، بخشنامه ای از سوی رئیس جمهوری صادر شد مبنی بر اینکه معامله نفت و گاز فقط از وظایف وزارت نفت است. در آخرین روزهای ماه گذشته معین قزاعلام کرد روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام و ۳۰۰ هزار بشکه نفت کوره صادر میشود. جدول فروش نفت ایران در ماههای گذشته بدین شرح است:

فروردین	یک میلیارد و ۵۶۲ میلیون و ۱۹۴ هزار دلار
اردیبهشت	یک میلیارد و ۱۷۱ میلیون و ۳۲۰ هزار دلار
خرداد	یک میلیارد و ۷۰۷ میلیون و ۶۰۲ هزار دلار
تیر	۸۶۴ میلیون و ۲۱۳ هزار دلار

مرداد

شهریور

مصرف داخلی نفت تا تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۵ یک میلیون و ۶۵۰ هزار بشکه در روز است که به شرح زیر تولید میشود. پالایشگاه آبادان ۶۱۰ هزار بشکه در روز تهران ۲۰۰ هزار بشکه در روز



که بخواه درصد سهام پتروشیمی را دارد مایل نیستیم که همه کارشناسان زاینی باشند، و هم او در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز دهم شهریور گذشته گفت عملیات ۳ واحد پتروشیمی بمدر خمینی با شرکت ۵۷ کارشناس زاینی شروع شده و امید می‌رود که ظرف یکسال این طرح خاتمه یابد. او گفت با وجود کنار رفتن من از وزارت نفت، در مجلس شورا ناکید شده که پروژه پتروشیمی بغیر هرچه بیشتر ادامه یابد.

در تاریخ ۲۲ شهریور، روزنامه اطلاعات نوشت تاکنون ۸۴۰ زاینی به ایران آمده‌اند و مرحله اول پتروشیمی ایران در مرداد ماه آینده آماده بهره برداری می‌شود. محصولات کارخانه پتروشیمی ۲۵ درصد برای مصرف داخلی و ۷۵ درصد برای صادرات است و برای تولیدات پلاستیک، سود، لاستیک، و حللال‌های شیمیایی و همچنین انواع رنگها، مواد اولیه تولید می‌کند. هم اکنون عربستان سعودی نیز یک طرح مشترک پتروشیمی با آمریکا را در دست اجرا دارد و خبرگزاریهای خارجی خبر داده‌اند که چند طرح دیگر پتروشیمی بین آمریکا و عربستان در دست مذاکره است.

در ماه گذشته یک هیأت هندی نیز به ایران آمد و در گفت و گو با مقامات ایرانی اعلام کرد که علاوه بر پتروشیمی، هند آماده همه گونه همکاری با ایران است.

فروش نفت و گاز به شوروی

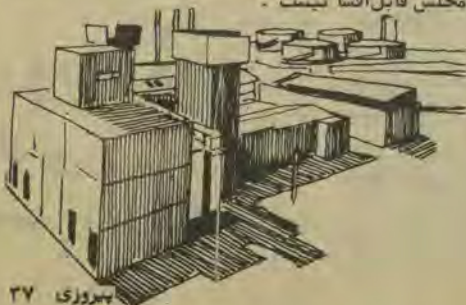
مشکل بزرگ صنعت نفت در زمینه لوازم یدکی از جمله مسائل بود که در مصاحبه مطبوعاتی معین فراز آن یاد شد. وزیر سابق و رئیس فعلی کمپسیون نفت مجلس گفت "با وجود تهیه مقادیری از وسایل، باز هم به خارج نیازمندیم". معین فر چند هفته پیش گفته بود که مشکل لوازم یدکی را می‌توان با مراجعه به کشورهای دوست عربی حل کرد و وی در باره فروش گاز و نفت به شوروی، گفت شورویها خواسته‌اند هیأتی به آن کشور برود و ما اعرام هیأت را منوط به توافق قیمت گاز بر مبنای هر تنی بو ۴ دلار کرده ایم (روز ۲۹ شهریور یک هیأت ۶ نفره از شوروی وارد ایران شد تا ضمن شرکت در نمایشگاه بین المللی در باره خرید نفت و گاز نیز مذاکره کند) معین فر گفت کمبود تولید نفت به پیچوجره ارتباطی به کمبود کارشناسی ندارد و ما حتی می‌توانیم به کشورهای دیگر کارشناس اعزام کنیم.

گاهش درآمد نفت و تأثیر آن بر بودجه

معین فر درباره تولید پیش‌بینی شده در بودجه بر مبنای ۲ میلیون بشکه نفت در روز و اینکه در حال حاضر این رقم کاهش یافته است گفت "باتوجه به

تحریم اقتصادی و محدودیتهای بازرگانی خودمان علیه مصرف کالاهای لوکس، در صورت فروش دویست میلیون بشکه نفت در روز هم توانایی خرج کردن ارز حاصله نیست و تبدیل نفت به دلار در این شرایط از نظر اقتصادی استیفاء است. با این محاسبات با توجه به توانایی جذب واردات کالا، باید اور تهیه کنیم که این توانایی حداکثر ۱۰ میلیارد دلار در سال است و تا آخر مردادماه سال جاری ما ۶ میلیارد یا بیشتر از محل دلار اور تهیه کرده ایم و برنامه ما بر اساس تهیه ۱۳ میلیارد دلار که براتب بیشتر از نیازمان است قرار دارد و بنابراین هیچ بحران اقتصادی از این بابت نیست. اما بعلا مشکلات ناشی از تحریم اقتصادی که از ماه له نفت جداست، سازمان برنامه و بودجه، بودجه اضطراری تهیه کرد که در آن درآمد نفت از ۲۳ میلیارد دلار به ۱۳ میلیارد دلار کاهش یافت و ما این میزان و حتی بیشتر از این میزان را براحتی در اختیارشان خواهیم گذاشت ولی محدودکننده کارها واردات کالاست و نه مزیانی که در بودجه می‌گذارند و اگر امروز ما بگویند که کالای صنعتی و غیر مصرفی بیشتری را میتوان وارد کرد و مشکل محاصره اقتصادی در کار نیست ما بلافاصله مبالغ بیشتری در اختیارشان خواهیم گذاشت صادرات نفت در حال حاضر (۱۰ شهریور) ۷۰۰ هزار بشکه در روز است."

معین فر درباره ذخایر مشترک نفت با کشورهای عراق، عربستان، و ابوظبی گفت تقبیل نفت ما مربوط به حوزه های انحصاری داخلی میشود و ما تولید خود را در منابع مشترک کاهش نداده ایم و کوشش میکنیم در آن نقاط حداکثر بهره برداری را بکنیم. او گفت قراردادهای نفتی همه نقدی و غیر نهاتری است و نوع ارزی را که ما بخواهیم دریافت میکنیم، معین فر گفت عملیات اکتشاف نفت مانوسه یافته است و در حال حاضر هیچگونه عملیات اکتشافی با شرکت های خارجی نداریم اما در صورت لزوم قادر خواهیم بود که عملیات اکتشافی را انجام دهیم. معین فر در خاتمه مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که یک طرح ۵ ساله در مورد نفت تدوین شده که از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ را در بر میگیرد ولی تا قبل از تصویب در مجلس قابل افشا نیست.



۳۷ شهریور

نکته‌هایی از آمار رسمی اوپک

بناسبت بیستمین سال تاسیس اوپک، اخیراً آمارى توسط دبیرخانه اوپک در وین منتشر شد که گوشه‌هایی از آن به شرح زیر است:

● کشورهای عرب عضو اوپک ۳۴ درصد تولید نفت جهان را در دست دارند. ذخایر نفتی این کشورها ۵۲/۴ درصد کل ذخایر دنیا است.

● ۷۵ درصد صادرات اوپک به کشورهای پیشرفته، ۲۰ درصد به جهان سوم و ۵ درصد به کشورهای سوسیالیستی است.

● یک سوم انرژی جهان در ایالات متحده آمریکا مصرف می‌شود.

● ۴۵ درصد انرژی جهان توسط نفت، ۳۰ درصد از ذغال سنگ، ۱۸ درصد از گاز طبیعی، ۲/۵ درصد از انرژی اتمی و ۶ درصد (به تازگی سه برابر شده) توسط نیروهای هیدروالکتریک تأمین می‌شود.

● سهم دولت‌های صاحب نفت، کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های نفتی از هر بشکه نفت:

سهم دولت خریدار نفت	سهم کمپانی‌های نفتی	سهم کشور فروشنده نفت (اوپک)	
در ایتالیا	درصد ۳۸/۳	درصد ۲۰/۸	درصد ۴۱
در انگلستان	درصد ۳۰/۸	درصد ۴۰/۶	درصد ۲۸/۶
در فرانسه	درصد ۲۱/۸	درصد ۲۶/۸	درصد ۵۱/۴
جمعاً در اروپای غربی	درصد ۲۸/۴	درصد ۲۹/۸	درصد ۴۱/۸

● غرب نفت را به صورت ۳۰۰۰ نوع کالای شیمیائی و صنعتی به ۷۰۰ برابر قیمت نفت خام دوباره به شرق می‌فروشد.

● شرکت‌های نفتی از رهگذر تفاوت قیمت نفت به قیمت اوپک و بازار آزاد در سال ۱۹۷۶ در هر بشکه کمتر از یک دلار سود بردند که در سال ۱۹۸۰ این سود به ۹/۷۵ دلار رسید. در سال ۱۹۷۹ بخاطر رویدادهای ایران این سود به ۱۳/۹۶ دلار رسید. سود خالص شرکت‌های نفتی در نیمه اول سال ۱۹۷۹ در مقایسه با ۱۹۷۸ - ۳۰۲ درصد شد در حالی که تفاوت قیمت اوپک ۳۱ درصد بود.

درآمد سرانه در کشورهای مختلف:

۱- درآمد سرانه عربستان	۱۶/۰۰۰ دلار
۲- درآمد سرانه ایتالیا	۳/۹۰۰ دلار
۳- درآمد سرانه انگلستان	۵/۰۰۰ دلار
۴- درآمد سرانه ژاپن	۶/۰۰۰ دلار
۵- درآمد سرانه فرانسه	۸/۳۰۰ دلار
۶- درآمد سرانه کانادا	۸/۵۰۰ دلار
۷- درآمد سرانه ایالات متحده	۹/۸۰۰ دلار

رویدادهای نفتی شهر یورماه

غرب بکار افتاده است (هفته نامه اخبار اقتصادی خاور میانه)
۳- شهریور - کیهان: رژیم نظامی فیلیپین ارسال برونج به ایران را تحریم کرد. (ایران ارسال نفت به فیلیپین را قبلاً تحریم کرده بود.)
۳ شهریور - جمهوری اسلامی:

۳ شهریور - انقلاب اسلامی: شورای مرکزی کارکنان خطوط لوله و مخازن صنعت نفت طی نامه‌ای به بنی‌صدر از شرایط دشوار کار خود، قطع کمک هزینه مسکن و دلسردی ناشی از آن یاد کردند.
۲ شهریور - کیهان: ۸۰ درصد درآمد اوپک بصورت سرمایه در

هنگام طرح اعتبار نامه معین فر وزیر سابق نفت، در مجلس چندین از نمایندگان ضمن اشاره به شرکت او در احداث ساختمان های ساواک به بعضی از همکاران عالی رتبه او در صنعت نفت و سابقه وابستگی ایشان به رژیم گذشته اعتراض کردند. یکی از نمایندگان به اخراج نمایندگان شورای اسلامی کارکنان و بکار گرفتن "چپی ها" در صنعت نفت توسط معین فر حمله کرد.

معین فر ضمن پاسخ به مجلس گفت "عده ای قداره بند و جاقو کش بنام انجمن اسلامی در صنعت نفت گرد آمده بودند و آنهار را اخراج کردم دادگاه انقلاب هم اینها را گرفت و موفقی که برادرانم آقای رفسنجانی و بهشتی اصرار داشتند که اینها آزاد شوند گفتم در کار قضائی دخالت نمیکنم." معین فر همکاری خود را با اشخاص مورد اعتراض تکذیب کرد و نقش خود را در رژیم گذشته در پاره ساختمان ساواک و سایر موارد ناشی از ضرورت های اداری دانست و همکاری در این زمینه را تکذیب کرد. اعتبارنامه معین فر با ۱۵۳ رای موافق، ۲۵ رای مخالف و ۱۷ رای ممتنع تصویب شد.

۱۰ شهریور - سخنگوی وزارت نفت: طی دوماهه تیر و مرداد ۹۲۳ نفر توسط کمیسیون پاکسازی صنعت نفت اخراج، بازخرید و بازنشسته شدند.

۱۱ شهریور - جمهوری اسلامی: معین فر درباره خبر یک نشریه خارجی مبنی بر فروش ۷۱/۴۰ میلیون دلار نفت به آمریکا در ماه آوریل (فروردین) واردیهشت گذشته گفت مبلغ مذکور مربوط به نفت پیش فروش شده به آمریکا بوده است.

۱۲ شهریور - جمهوری اسلامی: ۴۰ درصد درآمد نقدی شورای در

خارج ناشی از فروش روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت به کشورهای غیرکمونستی است.

۱۵ شهریور - انقلاب اسلامی: عربستان با خرید ۴۰ درصد بقیه سهام آرامکو، این شرکت نفتی را تصاحب کرد. آرامکو کنترل بیش از ۹/۵ میلیون بشکه نفت روزانه را در دست دارد. ۱۶ شهریور - انقلاب اسلامی: آمریکا قسمت نفت خود را یک تا دو دلار کاهش داد. شرکت های نفتی استاندارد اوپل قیمت هر بشکه نفت را از ۳۸ الی ۴۵ دلار به ۳۶ الی ۴۴ دلار تنزل داد. آمریکا حدود ۴۰ درصد نفت تولیدی خود را در بازار آزاد میفروشد.

۱۸ شهریور - میزان: دکتر اسپهبد از اعضای هیات نفتی نمایندگی نفتی ایران در اوپک گفت کنفرانس وزیران نفت به اصرار ایران و علی رغم بی میلی عربستان در وین تشکیل شد.

۲۰ شهریور - انقلاب اسلامی: ۷۰ کشور جهان سوم دارای نفت و گاز هستند ولی فقط ۲۲ کشور اقدام به بهره برداری از منابع خود کرده اند.

۲۲ شهریور - کیهان: دکتر باهنر هنگام گزارش اقدامات شورای انقلاب گفت بعد از انقلاب ۶۰۰ کارشناس خارجی از قسمت های مختلف شرکت نفت اخراج شدند، کلیه قراردادهای درمورد استخراج نفت در فلات قاره با کمپانیهای خارجی لغو و قرارداد با کنسرسیوم لغو شد و... قیمت نفت از ۱۲/۷۵ دلار قبل از انقلاب به ۳۲ و گاه ۳۵ دلار رسید. دکتر باهنر گفت عمل استخراج و حفاری با خود ایرانیهاست و تاکنون چند چاه جدید به دست کارشناسان ایرانی حفر شده است.

۲۳ شهریور - کیهان: صندوق

بین المللی پول اعلام کرد بعلت دو برابر شدن قیمت نفت در سال ۱۹۷۹ جهان با تورم بیسابقه ای روبروست. کشورهای نفت خیز در سال جاری ۱۱۵ میلیارد دلار مازاد ارز خواهند داشت درحالی که سال گذشته این رقم ۶۰ میلیارد دلار بود.

۲۳ شهریور - کیهان: هیات پارلمانی ژاپن ضمن بازدید از عراق درباره همکاری دو کشور در زمینه صنعت نفت مذاکره کرد.

۲۴ شهریور - اطلاعات: کویت اظهار تمایل کرده که به پروژه ۸۰۰ میلیون دلاری پالایشگاه نفت اندونزی که خود سهم عمده در آن دارد کمک بیشتری بکند.

اطلاعات ۲۶ شهریور - معین فر سرپرست هیات نفتی ایران در اجلاس اوپک در وین، هنگام مشاهده کاغذی که به دوربین فیلمبرداری یک خبرنگار تلویزیونی نصب شده و روی آن نوشته بود "ارنش آزادبخش ایران" به سمت دوربین رفت و کاغذ را پاره کرد. (خبرگزاریهای دنیا عکس این صحنه را به همه جا مخابره کردند و اطلاعات هم آن را چاپ کرد)

کردستان در بن بست

مسأله کردستان آنچنان پیچیده شده که حل فوری آن
- بویژه از طریق نظامی - ممکن بنظر نمی‌رسد.

نشده و همچنان از جمله مسایلی است که توجه عمومی را بخود جلب کرده است. مسئولان دولت تاکنون رسماً علت جمع شدن این همه پول را در بانک ملی مهاباد اعلام نکرده‌اند، اما حزب دموکرات مدعی است که معاون فرمانده تیپ مهاباد که به دموکراتها ملحق شده وجود این پول را به آنان اطلاع داده است. گرچه این اولین بار نیست که در کردستان ایران آتش جنگ فروزان شده ولی کیفیت جنگ، ابعاد و گسترش کمی و کیفی آن، همراه با درگیر شدن طبق گسترده‌ای از نیروها و ارزیابی آن نشان می‌دهد که مسئله کردستان پیچیده‌تر از سال پیش است و در نتیجه علیرغم پیش بینی‌ها و درگیریهای وسیع و همه‌جانبه نظامی بنظر نمی‌رسد که بزودی خاتمه یابد.

دولت و رئیس جمهوری از یکسو و گروههای مسلح منطقه بارها اعلام کردند که خواهان پایان یافتن جنگ و خونریزی در کردستان هستند - ولی هر کدام برای پایان این جنگ شرایطی را پیشنهاد کرده‌اند که امروز حتی طرح آن مورد قبول طرفین دعوا نیست.

تحریم مذاکره و عواقب آن

پس از نخستین قطعنامه نمایندگان مجلس در مورد تحریم هر نوع مذاکره با گروههای سیاسی درگیر در کردستان دیگر حتی تکرار مجدد این شرایط نمیتواند مصون از حملات تبلیغاتی گسترده‌ای باشد. دومین جنگ کردستان که از اوایل بهار گذشته و ابتدا از دره قاسملو در آذربایجان غربی آغاز شد، بسرعت گسترش یافت و به دنبال کشتار ده‌گانه "قلاتان" که از نوع فاجعه "قارنا" بود آتش جنگ از شمال تا جنوب کردستان را دربرگرفت.

دراواخر سال گذشته بود که حزب دموکرات هیأتی از اعضا کمیته مرکزی خود را با یک طرح ۶ ماده‌ای

با ورود ارتش به دو شهر مهاباد و سردشت و استقرار نیروهای نظامی در نقاط مختلف این دو شهر، پس از ۵ ماه جنگ مجدد در کردستان شهرهای کردنشین زیر کنترل ارتش و پاسداران قرار گرفت، گزارش خبرنگاران و سایل ارتباط جمعی از آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان نشان می‌دهد: منطقه همچنان در تلاطم جنگ است و سر شدت درگیریها در نقاط مختلف افزوده شده است. ابعاد درگیریهای منطقه چنان گسترش یافته که بنظر می‌رسد پایان دادن به این مسئله بسادگی ممکن نباشد.

در دو ماه گذشته مهاباد مرکز اصلی بحران منطقه بود و مردم شهر، ارتش و گروههای سیاسی با اقدام به مذاکره، در موارد مختلف کوشش کردند شهر مهاباد به کانون دیگری برای درگیریها تبدیل نشده و فاجعه سهندج و سقز و بانه در این شهر تکرار نشود. طی دو ماه گذشته و قبل از آنکه ارتش در شهر مستقر شود چند بار شهر مهاباد مورد حمله قرار گرفت ولی هر طرف دیگری را متهم به شعله‌ور کردن آتش جنگ در شهر کرد. اما بردباری و اجتناب از گسترش دامنه جنگ در مهاباد موجب شد که ارتش و پاسداران تقریباً بدون هر نوع درگیری در نقاط حساس متمرکز شوند.

۲۴ ساعت قبل از ورود ارتش به شهر مهاباد و استقرار آن در مناطق حساس، حزب دموکرات بدون هیچ نوع درگیری صندوق بانک ملی مهاباد را از ۸۰ میلیون تومان موجودی آن حالی کرد.

علیرغم درگیریهای شدید کردستان و حضور گروه‌های مسلح در شهرهای مختلف بانکها و مراکز مالی در یکسال و نیم گذشته از امنیت کامل برخوردار بودند (اطلاعات ۳۰ و ۵۹/۱/۳۱)

وضع این ۸۰ میلیون تومان پول نقد هنوز روشن

۴۰ بهر روزی

برای مذاکره با شورای انقلاب و رئیس جمهور به تهران فرستاد. این طرح ۶ ماده‌ای در اصول با طرح ۲۶ ماده‌ای اصلی که وسیله هیات نمایندگی خلق کرد مرکب از حزب دموکرات، کومله، سازمان جرگه های فدایی خلق (شاخه کردستان) و شیخ عزالدین حسینی تدوین و پیشنهاد شده بود، اختلاف فاحشی داشت با اینوصف نرزش حزب دموکرات آنچنان نمود که بتواند برای حل مسأله‌ها دولت بر روی طرح (خودگردانی) پیشنهادی هیات حسن نیت دولت به مذاکره بنشیند. سخنرانی رئیس جمهور در سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران (۱۲ فروردین) جوی بوجود آورد که زمینه حل صلح‌آمیز مسأله کردستان را از طریق مذاکره و با شرایطی که گروههای صلح کرد میخواستند کاملاً غیرممکن ساخت.

جنگ دوم کردستان روز ۲۹ فروردین از سقز آغاز شد. در همین زمان مردم سنج و گروههای مسلح از حرکت یک سون نظامی از سنندج به سوی سقز مناعت کردند. در اردیبهشت ماه، سراسر شهرهای کردستان در آتش جنگی تمام عیار میسوخت که بالاخره ارتش وارد تعدادی از شهرها شد و گروه های مسلح از این شهرها خارج شدند.

همزمان با خروج گروههای مسلح کرد از شهرها دو انشعاب در دوسالمان عمده سیاسی درگیر در کردستان صورت گرفت. اقلیتی منشعب از حزب دموکرات، رهبری این حزب را متهم کرد که مانع نقوذ عوامل مشکوک در خود، نشده است. این اقلیت خواهان حل مسئله کردستان از راه مذاکره و براساس پیام ۲۶ آبان امام خمینی شد. ولی شدت درگیریها، گسترش آن و مشخص شدن صفوف نیروها در کردستان سبب شد که اقلیت منشعب که مدعی بود خواهان تضعیف گرایشهای ناسیونالیستی در حزب دموکرات و فراهم آوردن زمینه حل صلح‌آمیز مسئله است و نتواند در بین توده مردم و نیروهای مسلح حزب، پایگاهی برای خود فراهم آورد. شایان تذکر است که علیرغم این حرکت صلح‌طلبانه، دولت نیز از پیشنهاد این اقلیت استقبال نکرد و تنها از این انشعاب بعنوان یکی از نتایج پیروزی‌های ارتش در جنگهای جبهه‌ای شهری یاد کرد.

گسترش جنگ و کیفیت آن به نحوی بود که تنها اعلام یک آتش‌بس همه جانبه و سراسری از هر دو طرف نمیتوانست موقعیت این جناح را تثبیت کند. تنها نتایجی که این انشعاب فراهم آورد زمینه تبلیغاتی جدیدی برای حزب توده بود که همواره کوشش داشت خود را به حزب دموکرات نزدیک کند ولی از جانب حزب میل ورغبتی به آن نشان داده نمیشد. انشعاب چند تن از اعضای کمیته مرکزی

حزب دموکرات دست حزب توده را باز کرد که بسیار تند به اکثریت حزب ورهبر آن عبدالرحمن قاسملو حمله کند.

عدم توجه به تمام کوششهایی که برای برقراری صلح در کردستان شده بود، موجب شد که جنگی که انتظار میرفت پایان باید به سرعت رو به گسترش یابد.

هنگامی که نیروهای نظامی وارد شهرهای کردستان شدند از مطالب روزنامه و رادیو تلویزیون چنین استنباط میشد که جنگ کردستان خاتمه یافته و گروههای مسلح آنچنان دچار تنگنا و پراکندگی و انشعاب شده‌اند که بزودی انسجام خود را باز خواهند یافت و بسادگی نمیتوانند تجدید سازمان کنند تا به حملات متقابل دست بزنند. اما دیری نگذشته بود که درگیریهای گسترده در سراسر منطقه از سر گرفته شد و به مناطقی مانند صائین قلعه و تکاب در آذربایجان غربی و روستاهای کامیاران که در سال گذشته خارج از صحنه جنگ بودند کشیده شد.

تقریباً در همین زمان، انشعابی در درون سازمان جرگه‌های فدایی خلق صورت گرفت. بدینال این انشعاب طرح شعار "صلح عادلانه در کردستان و حکیم صفوف همه نیروها برای مبارزه با امپریالیسم توسط "اکثریت" سازمان و اقدام آن به آزاد کردن تمام گروگانهایی که در اختیار داشت نیز با پاسخ مناسب روبرو نشد.

امسال برخلاف سال گذشته همزمان با ورود نیروهای نظامی به شهرها دولت دست به تغییرات وسیع و گسترده‌ای زد و علاوه بر انحلال آموزش و پرورش کردستان، گروه کثیری از کارمندان ادارات مختلف و معلمان به اتهام همکاری با گروههای سیاسی مسئول "تصفیه" شدند. همچنین گروه زیادی دستگیر و تعدادی هم اعدام شدند. با اینهمه چشم‌اندازی فراهم نشده که زمینه پایان یافتن جنگ را بوجود آورد. چنانکه از اول شهریور جنگ با شدت تمام و در ابعاد وسیعی کردستان را دربرگرفت.

به نوشته مطبوعات خبری درگیریهای کردستان در ماه شهریور تقریباً در تمام مناطق جریان داشته ولی در این میان منطقه پاوه، کامیاران، صائین قلعه و مهاباد در استانهای کرمانشاهان، کردستان و آذربایجان غربی شاهد درگیریهایی بود که در غین شدت از لحاظ گسترش بی سابقه بوده است.

درگیریهای شهریور

نخستین و مهمترین حادثه شهریور هنگامی روی داد که افراد گروههای مسلح با مسلسل و خمپاره، آمولانس حامل پاسداران را در منطقه جوانرود مورد

حمله قرار دادند. در جریان این حمله ۷ پاسدار کشته و ۳ تن زخمی شدند و کنگر از پاسداران به اسارت افراد مسلح درآمد (کیهان ۵۹/۶/۱) فرماندار پاوه استفاده از آمبولانس را تنها به خاطر نبودن ماشین جیب و آمبولانس روپاز اعلام کرد و گفت:

"ما هر روز گروهی از عزیزان و کسان خود را از دست می‌دهیم و معلوم نیست تا کی باید این وضع ادامه داشته باشد و مسئولین جوابگوی نیازهای ما نباشند." (کیهان ۵۹/۶/۲)

به دنبال این درگیری در منطقه پاوه ستاد مشترک غرب کشور اعلام کرد:

"محاصره بخش باینگان که از نقاط سوق‌الجیشی کردستان می‌باشد شکسته شده و محاصره‌کنندگان با تلفات سنگینی عقب‌نشسته‌اند." (کیهان ۵۹/۶/۵) با این حال درگیری در باینگان تا آخرین روزهای شهریور ادامه یافت و باینگان و نوسود و نودته صحنه شدیدترین درگیریها بود. بخش سوق‌الجیشی نوسود و نودته در شهریورماه همچنان در دست حزب دموکرات و کومله بود و به نوشته کیهان "نوار مرزی نوسود به محل تجمع گروههای مسلح گرد تبدیل شده است." (کیهان ۵۹/۱۰/۶)

سال گذشته به دنبال استقرار گروههای مسلح در نوسود و محاصره اقتصادی پاوه و نوسود، گروهی از اهالی شهر به پاوه و کرمانشاه مهاجرت کردند که ۱۶۰ نفر از این عده به کرمانشاه رفته‌اند و در اردوگاه تیپ نوهد کرمانشاه آموزش نظامی وایدتولوژیک می‌بینند تا در هنگام حمله ارتش و پاسداران به این شهر و پاکسازی، آنان را همراهی کنند (کیهان ۵۹/۶/۲)

از دیگر حوادث منطقه پاوه و اورامانات طی یکماه گذشته، حمله گروههای مسلح به شهر پاوه بود که از چند نقطه روی دانه‌کیهان گزارش داد (۵۹/۶/۹) در حمله افراد مسلح به شهر پاوه چندین نفر از آنان کشته شده و ۵ قبضه کلاشینکوف و تعدادی فشنگ به دست نیروهای نظامی افتاد.

گزارش مطبوعات ایران که بیشتر از خبرگزاری پارس و روابط عمومی ستاد عملیات غرب نقل شده نشان می‌دهد که در مجموع درگیریهای پاوه، باینگان، جوانرود، اورامانات از اول تا ۲۹ شهریور ۱۲ نفر از پاسداران و "بیشمرگان مسلمان" کشته و ۸ نفر زخمی شدند. در این درگیریها به گروههای مسلح تلفات سنگینی وارد آمد و ۵ قبضه کلاشینکوف به دست نیروهای دولتی افتاده است. (آمار دقیق کشته شدگان گروههای مسلح اعلام نشده است.) دومین منطقه‌ای که صحنه درگیریهای مختلف

و گسترده‌ای بوده، منطقه میوان و کامیاران و سنج است. پس از چند بار حمله گروههای مسلح به ستون های نظامی در جاده سنج - کرمانشاه، ستاد عملیات غرب کشور در روز دوم شهریور ماه طی اطلاعیه‌ای از مردم چهار روستای کامیاران درخواست کرد که: "روستاهای خود را ترک کنند و با ضد انقلابیون را تحویل دهند تا سرکوبی این افراد آسیبی به آنها وارد نیابد. در غیراینصورت مناطق چشمه سفید، گاوانه و تخت‌زنگی، گرگل تا گازراخانی و حوالی آنها به علت آلوده بودن به ضد انقلاب از زمین و هوا میهدم خواهد شد."

اطلاعیه ستاد عملیات مشترک غرب کشور زمانی اعلام شد که ارتش و پاسداران از حیات مختلف برای دستگیری افراد مسلح به روستاهای کامیاران حمله کردند و ارتش با کمک هلیکوپترهای کبرا و نیروهای پیاده به حملات گروههای مسلح پاسخ میدادند (کیهان ۵۹/۶/۶). خبرنگار کیهان در کرمانشاه نوشته است: در درگیریهای اطراف کامیاران صدها تن از مهاجران کشته و ده تن از آنان از جمله دو دختر مجروح شدند. گروههای مسلح منطقه در تماسهای خود با رادیوهای خارجی و در خبرهای خود این ادعاها را رد کردند و مدعی شدند ارتش از زمین و هوا به روستاهای منطقه کامیاران حمله کرده است و تعداد زیادی از روستائیان کشته و زخمی شده‌اند.

در ششم شهریور در جریان عملیات پاکسازی منطقه کامیاران بر اثر انفجار مین یک افسر و دو درجه‌دار کشته و ۴ تن مجروح شدند. ارتش برای پاکسازی به منطقه رفته بود. در پاکسازی محور کامیاران، گازراخانی جاده های توپریزه و کوله‌دره به تصرف ارتش درآمد و تلفات سنگینی به گروههای کومله - فدایی و دسکرات وارد آمد (کیهان).

از سوی دیگر در یک درگیری دیگر که در روستای مارنج و موجش کامیاران اتفاق افتاد ۳ "بیشمرگ مسلمان" و یک پاسدار کشته شدند.

روابط عمومی سپاه پاسداران کرمانشاه اعلام کرد که در درگیریهای ارتفاعات کامیاران ۷ نفر از افراد این سپاه کشته شدند و اسامی آنان را اعلام داشت. (کیهان ۵۹/۶/۸). درگیری در منطقه کامیاران در شهریور ماه سال جاری گسترش یافت و عملیات نظامی ارتش به طور مداوم ادامه داشت. به نوشته روزنامه ها در این جنگها تلفات سنگینی به افراد مسلح وارد آمد. در حمله یک ستون نظامی که برای تقویت نیروهای مستقر در کامیاران از سنج عازم این شهر بود ۱۵ نفر از افراد مسلح کشته شدند

و تعدادی از پاسداران جراحات سطحی برداشتند
(کیهان ۵۹/۶/۱۵).

درگیری در کامیاران و نقاط دیگر نزدیک به آن در
شهریورماه با شدت ادامه داشت و ارتش برای پاکسازی
مناطق از زمین و هوا وارد عمل شد - (کیهان ۵۹/۶/۱۵)
با این حال درگیری کامیاران تنها به این موارد
محصور نبود و علاوه بر این درگیریهای دیگری نیز
اتفاقی افتاد که ما نتوانستیم از طرف مقامات رسمی
اطلاعات دقیقی بدست آوریم و در یکی از این
درگیریها سروان پاکنیت و چند نفر دیگر کشته
شدند . شهر مریوان که از چهار ماه پیش به دست
ارتش و پاسداران افتاده است همچنان یکی از صحنه
های درگیری است . گرچه شهر مریوان روزها آرام
است ولی راههای منتهی به شهر و روستاهای اطراف
در کنترل افراد مسلح است . بر جردی فرمانده سپاه
پاسداران سنندج گفته است : برای رساندن آذوقه
از سنندج به مریوان پاسداران مجبورند یک ستون
نظامی اعزام کنند و تازه پس از تحمل خسارات
جانی و مالی موفق به این کار می شوند .

(ویژه نامه کردستان - جمهوری اسلامی صفحه ۲۱)
روزهای آخر مرداد ماه و روزهای اول شهریورماه
ستونهای حامل آذوقه به مریوان مورد حملات
گروههای مسلح قرار می گرفتند - این حملات غالباً
در گردنه گاران صورت می گرفت و با تلفاتی از هر دو
طرف همراه بود . ستونهای حامل مواد غذایی در روز
های آخر شهریورماه توانستند چندبار بدون درگیری
وارد مریوان شوند .

در دوم شهریور ماه در یک درگیری که بین
پاسداران و افراد مسلح روی داد یک نفر از پاسداران
بنام صادقی کشته شد و ۱۵ نفر از افراد
مسلح کشته ، مجروح و دستگیر شدند . از سوی دیگر
یک اتوبوس حامل آذوقه نیروهای صنفی در گاران
مریوان روز هفتم شهریورماه مورد حمله افراد مسلح
قرار گرفت ولی با مقاومت نیروهای دولتی ۳۵ نفر
دستگیر و ده قبضه اسلحه کشف شد .

درگیریهای پراکنده در مریوان همچنان ادامه
دارد و در آخرین درگیری در گاتی سنان مریوان
یک نفر از افراد کومله کشته و دویسر زخمی شدند .
فیلا در اوایل شهریور ماه در "الکت" و "دزیان"
دو روستای تابع مریوان درگیریهایی بین افراد مسلح
و پاسداران روی داد که ۲ نفر کشته و ۸ تن دستگیر
شدند . از این افراد مقداری مهمات به دست آمد
(کیهان ۵۹/۶/۲).

سنندج و درگیریهای کردستان

شهر سنندج که در جریان جنگهای اول کردستان
در اردیبهشت ماه آسیب فراوان دید همچنان صحنه

ناآرامیها و برخوردهای است که به طور پراکنده
در گوشه و کنار شهر و غالباً شبانه روی میدهد .

گرچه شدت درگیریها و ابعاد آن وسیع نیست ولی
مسائل سیاسی شهر و حملات افراد گروههای مسلح
به آن همچنان بوضع شهر اثر می گذارد . هنوز
وضع شهر کاملاً به حالت عادی بازنگشته و به علت
حملات شبانه عبور و مرور در کنترل پاسداران و
"بشمراگان مسلحان کرد" است . تعداد زیادی از
کارمندان ادارات و معلمان اخراج شده اند و رئیس
آموزش و پرورش سنندج اعلام کرده است : "مدارس
ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه همزمان باز نمی شود و
افتتاح این مدارس تا آبانماه سال جاری طول می کشد .
تعداد دستگیریها و اعدامها در شهر سنندج بیشتر
از دیگر نقاط است و تاکنون چندین نفر محکوم به
اعدام شده و بیش از ۲۰۰ نفر در زندان سنندج
هستند . تعداد اعدامها در ماه شهریور کمتر از
ماههای تیر و مرداد بوده است و سختگوی دادگاه
انقلاب کردستان اعلام کرد : شایعه وجود ۱۵۰۰
زندانی در سنندج صحت ندارد .

رازی زاده حاکم ترع گفت : "فقط حدود ۲۳۰ نفر
در زندانهای سنندج می باشند که ۲۵ نفر آنان
دختران وابسته یا هوادار گروهها می باشند " . وی
شایعه شکنجه زندانیان بخصوص دختران را به شدت
تکذیب کرد . (کیهان ۵۹/۶/۱۶)

رازی زاده قبلاً یکبار اعلام کرده بود : لزوم
تنفید احکام اعدام و صادره وسیله سوراغالی قضایی
ریگی به دادگاه انقلاب کردستان ندارد و احکام
دادگاه انقلاب کردستان مستقلاً اجرا میشود .
(جمهوری اسلامی - ۵۹/۶/۲۵)

دادگاه انقلاب اسلامی کردستان اعلام کرده
است : در شهریور ماه فقط دودختر پرستار اعدام
شده و ۵۵ نفر به حبسهای کوتاه مدت محکوم شده اند ،
(کیهان ۵۹/۶/۹ و ۵۹/۶/۱۲)

در شهریور ماه سه نفر در شهر بانه اعدام شدند
که یکی از آنان از روحانیون بنام یانه بود که هنوز
علت اعدام و نحوه محاکمه آنان روشن نشده است .
گروههای مسلح مدعی هستند که علاوه بر این سه تن
چندین نفر دیگر اعدام شده اند که در هیچ دادگاهی
محاکمه نشده اند و حکم اعدام آنان را سپاه پاسداران
صادر و اجرا کرده است ولی هنوز سپاه در این مورد
رسماً مطلبی اعلام نداشته است .

گروههای مسلح که تهدید کرده اند در برابر
هر اعدام ، یک نفر از گروگان ها را اعدام می کنند
ادعا کرده اند بیش از ۲۵۰۰ نفر زندانی سیاسی کرد
وجود دارد که در زندان های منطقه و اوین و زندانهای
دیگر در تهران نگهداری میشوند . اما این مسئله

پرووی ۴۳

تیس درگیری این منطقه هنگامی روی داد که افراد مسلح به مقر سیاه پاسداران در دیواندره حمله کردند. در این درگیری ۲ تن از نیروهای دولتی کشته و ۳ نفر مجروح شدند. در این حمله که ۱۲ ساعت طول کشید تلفات سنگینی به مهاجمان وارد آمد. (کجهان ۲۷ و ۵۹/۶/۳۱) در یک درگیری دیگر در اطراف دیواندره ده تن از افراد مسلح کشته، زخمی و دستگیر شدند. (۵۹/۶/۸)

طی ماه شهریور چندبار افراد مسلح وابسته به گروهها به چند خانه در شهر سستج حمله کردند. منزل امام جمعه سستج و حاج سمود تهمان یکی از «پیشروگان مسلمان کرد» و «بواسطه تابعیت خانه اساندار کردستان از حمله امنیتی بود که مورد حمله قرار گرفت». دراین حلات دو فرزند امام جمعه سستج و یکی از دختران حاج سمود تهمان مجروح شدند و یک نفر دیگر کشته شد.

در شهرهای دیگر

بی از شهرهای کامیاران و سنندج ، سقز و بانه نیز
همواره در معرض حملات گروههای مسلح بود .
این حملات غالبا شایه انتقامی افتاد و مرکز سپاه
پاسداران در کانون درگیریها بود . فرماندار سقز در
دو گفتگوی جداگانه با خبرنگاری پارس اعلام کرد :
" راهبای سقز - بوکان و سقز - بانه برای جلوگیری
از نفوذ عوامل گروههای مسلح بر روی آنان بسته
شده است و هیچگونه رفت و آمدی اعم از وسایل نقلیه
و عابرین پیاده از این مسیر امکان پذیر نیست " .
(کیهان ۱۹ و ۲۵ / ۵۹ / ۶) - وی گفت گروههای مسلح
با سلاحهای سنگین و سبک به مراکز استقرار نیروهای
دولتی حمله کرده اند و احتمالا تلفات سنگینی
داشته اند . در این حمله به نیروهای دولتی تلفاتی
وارد نیامد و به گفته فرماندار اهالی دومحله سقز علیه
گروهها شعار داده اند . طی یک ماه گذشته
افراد " سازمان پیشمرگان مسلمان " سقز و سیله افراد
سلاح کشته شده اند (کیهان ۱۸ / ۵۹ / ۶) -

کتاب کانون درگیریهای منطقه غرب

حتی کتاب و صائب قلعه (شاهیندژ) از نواب
 میاندوآب که درگیری‌های اسامی بطورکامل به آن
 گسترش یافت، طی یکماه گذشته یکی از مراکز عمده
 درگیری‌ها بوده است. در این درگیری‌ها چندین نفر
 از افراد نیروهای دولتی کشته شدند و به نوشته
 روزنامه‌ها به گروه‌های مسلح درگیر با نیروهای دولتی
 تلفات سنگینی وارد شد. شهرهای کتاب و شاهیندژ

در سال گذشته از آرایش نسبتاً کاملی برخوردار بودند ولی امسال نبردهای خونینی در این دو بخش اتفاق افتاد که دهها نفر جان خود را از دست دادند، و صدها خانوار آواره شده و به شهرهای بوکان، میاباد و سقز کوچ کردند. سیر حوادث در شهریور نبرد میان گروههای مسلح و نیروهای دولتی در این منطقه ادامه داشته و دامنه این درگیریهای داخلی به میاندوآب و بوکان نیز کشیده شده است.

در اوایل شهریور فرماندار میاندوآب اعلام کرد: «در پی درگیری شدید بین پاسداران و افراد مسلح در حوالی گردنه ساروق از توابع تکاب یک پاسدار بنام بهزاد اسدی کشته شد و دوش مجروح شدند. فرماندار گفت در این درگیری به افراد مسلح نیز تلفاتی وارد آمده که تعداد آن مشخص نیست. پاسداران انقلاب اور میهنیز اعلام کردند که به شهر شاهیندژ از طرف گروههای مسلح حمله شد و به خانه های مسکونی تلفاتی وارد آمد. (کیهان ۲ شهریور) شدت درگیریهای منطقه شاهیندژ و تکاب بحدی بود که سپهرنگ فرماندار میاندوآب در همان هنگام اعلام کرد: عناصر مسلح غیرقانونی به روستاهای میاندوآب نفوذ کرده و مشکلات میاندوآب ناشی از نفوذ این گروههاست. وی اضافه کرد: اجرای طرحهای مهم منطقه را در مراکز استان به بیمانکاران غیربومی واگذار میکنند و این عده هم به بهانههای مختلف طرحها را نیمه تمام گذارده اند و حاضر به اتمام آن نیستند. فرماندار میاندوآب گفت: عدم جذب بیمکاران، عدم اقدام قاطع در زمینه اجرای ۴۰ طرح عمرانی و عدم واگذاری و نبودن زمین عامل بسیاری از مشکلات منطقه است. وی افزود: ۲۴۰ خانوار روستایی تکاب آواره شده اند و باید دولت فکری به حال آنان کند. (کیهان ۲/۶/۵۹)

کیهان روز ۴ شهریور اعلام کرد ۶ نفر از افراد گروههای مسلح در جریان عملیات پاکسازی اطراف تکاب کشته شدند و سه قبضه کلاشینکوف بدست آمد. روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اطلاعیهای اعلام کرد: «عدهای مهاجم به مقر سپاه پاسداران در شاهیندژ حمله کردند که در این حمله عدهای از اهالی محل زخمی شدند. عملیات پاکسازی منطقه تکاب ادامه دارد و روستاهای قیرهسون (قبیلهسون)، بدرآباد، کهریز و دوزخ دره از عناصر ضدانقلاب پاکسازی شدند.» (۵۹/۶/۶ - کیهان)

(توضیح: مراجعه به نقشه منطقه کردستان نشان میدهد که چهار روستای فوق در اطراف سقز می باشد و در این مورد اشتباه شده است.)

در همین روز کیهان اعلام کرد: «بر اثر انفجار سه انومبیل حامل گروهی از افراد مسلح حزب دموکرات ۲۰ عضو این حزب کشته و حدود ۳۰ تن مجروح شدند. این عده برای آموزش با مواد منفجره عازم "سی کندی" در جاده مریوان بودند و در ایستگاه جاده با نیروهای ارتش و پاسداران برخورد کردند.» (کیهان ۵۹/۶/۶)

(توضیح: ۲: در نقشه راه مریوان به شهرهای دیگر روستای سی کندی وجود ندارد ولی برای اجتناب از دخل و تصرف در خبر آن را بهمان صورت نقل کردیم. سی کندی در منطقه تکاب می باشد.)

پس از درگیریهای پراکنده افراد حزب دموکرات پاسداران مستقر در سی کندی را محاصره کردند ولی با رسیدن کمکهای نظامی افراد حیا پاسداران توانستند ۴ دموکرات را به قتل برسانند که جزایه ده تن از آنان به تکاب برده شد. از این عده سه قبضه سلاح و یک عدد آر - پی - جی ۷ بدست آمد. به دنبال این حمله شهر شاهیندژ و دوروستای تابعه به نامهای نیکی آباد و باش بلاغی مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت که در نتیجه آن ۳ نفر کشته شدند، از تلفات افراد مسلح گزارشی در دست نیست (کیهان ۵۹/۶/۲۵)

مدنی قبل از این درگیریها بهرنگی فرماندار میاندوآب اعلام کرده بود نیروهای ارتش و پاسداران گردنه ساروق و ۲۴ روستای دیگر تکاب، شاهیندژ و میاندوآب را از وجود افراد مسلح پاکسازی کرده اند و بیست کیلومتر در محور تکاب - صائین قلعه پیشروی کرده اند. بهرنگی افزود: افراد مسلح گروههای غیرقانونی که مسلح به سلاحهای سنگین بودند با دادن تلفات سنگینی عقب نشسته اند. این درگیریها ۱۵ روز طول کشیده بود و دو سرباز کشته و از اهالی روستای "بارعزیز" که آواره شده و در بوکان بودند خواسته شد بعد از پاکسازی روستا وسیله پاسداران و نظامیان به روستای خود بازگردند. (۱۲ شهریور کیهان)

۵ روز بعد از اعلام این مطلب از طرف فرماندار میاندوآب وی اعلام کرد بخشدار محمودآباد شاهیندژ و فرمانده پیشمرگان مسلمان کرد که به دست افراد حزب کومله افتاده بودند کشته شده اند. فرماندار میاندوآب برای این دو نفر در روز عزای عمومی اعلام کرد (کیهان ۵۹/۶/۲۲)، بهرنگی فرماندار میاندوآب یک هفته پس از حوادث دهه دوم شهریور به اوضاع شاهیندژ و تکاب را آرام اعلام کرد ولی گفت عملیات پاکسازی ادامه دارد.

ستاد مشترک عملیات غرب کشور نیز اعلام داشت: انومبیل حامل افراد نظامی و پاسداران در

اطراف تنگاب با سیم برخورد کرده و ۴ نفر از جمله دو افسر ارشد، یک ستوانیکم و یک گروهبان بکم شهید شدند و یک سروان ارتش نیز جراحاتی برداشت. (کیهان ۳۱ شهریور). این عده مشغول شناسایی منطقه بودند.

در گزارش دیگری در کیهان ۲۹ شهریور آمده است: روستاهای احمدآباد، نیکی‌آباد و سه روستای دیگر از توابع شاهیندژ قبل از این حادثه مورد حمله قرار گرفت و نیروهای نظامی این حملات را که با اسلحه سبک و سنگین صورت گرفت دفع کردند. قبل از این حمله یک رموی ارتشی که حامل افراد مسلح حزب دمکرات بود در مسیر بوکان با نیروهای دولتی برخورد کرد و بیشتر سرنشینان آن در برخورد کشته شدند.

در آخرین روز ماه شهریور، نیروهای نظامی و پاسداران ۱۵ کیلومتر از جاده منتهی به شهر بوکان را که تا امروز (۳۱ شهریور) ارتش در آن مستقر نشده است پاکسازی کرده و جلو رفته‌اند. این پیشروی ادامه دارد (۳۱ شهریور - کیهان).

مهاباد درگیر جنگی شدید

شهر مهاباد که مرکز بیشتر گروههای سیاسی کردستان در آنجا قرار داشته است همچنان گاون اصلی بحران کردستان است و چنین بنظر می‌رسد که حل و فصل مسایل هم بالاخره دور از این نقطه نباشد.

در تیرماه امسال هنگامی که ارتش تقریباً در اکثر شهرهای کردستان مستقر شد، از گروههای سیاسی خواست که از مهاباد خارج شوند و اداره امور شهر به پاسداران و ژاندارمری داده شود. حزب دمکرات و دیگر گروههای سیاسی کوشش کردند که از تکرار فاجعه سندیج در مهاباد جلوگیری بعمل آید و جنگ به داخل شهر کشیده نشود به همین جهت دولت و گروههای سیاسی و نمایندگان مردم که به مذاکره نتسسه بودند توافق کردند هیچ فرد مسلحی در شهر آمد و رفت نداشته باشد و انتظام شهر را افراد مسلح مرزی - الطرفین بعهده داشته باشند و در مقابل ارتش و پاسداران وارد شهر نشوند. اما این توافق، دیری نپایید و چندبار به سوی پادگان و شهر مهاباد تیراندازیهایی شد که گروهی کشته و مجروح شدند. دولت و گروههای سیاسی هر کدام دیگری را متهم به شعله‌ور کردن جنگ در مهاباد کردند. هنوز مسئله اداره انتظامی شهر حل نشده بود که سرگرد عباسی فرمانده نیروهای نظامی حزب دمکرات ترور شد. گرچه حزب دمکرات تاکنون کشته‌های زیادی داده است ولی کشته شدن سرگرد عباسی وسیله چند نفر از پاسداران که از مدتها قبل به داخل

حزب نفوذ کرده و وانمود کرده بودند که با حزب همکاری می‌کنند ضربه سختی بود.

کشته شدن سرگرد عباسی جو شهر را متشنج و مردم را تحریک و برای جنگ آماده کرد. در این حال مهندس ظاهری استاندار آذربایجان غربی چند روز بعد از انتصاب به این سمت حقوق تمام کارمندان دو شیر بزرگ کردنشین مهاباد و بوکان را قطع کرد. این اقدام استاندار که در ماه مرداد صورت گرفت رنجو بدبینی را در محیط شهر فراهم آورد و زمینه گسترش جنگ از نقاط دیگر به مهاباد و بوکان را آماده کرد. روز دوم شهریور ماه بود که استاندار آذربایجان غربی اعلام کرد ارتش از فردا وارد مهاباد می‌شود و در داخل شهر به کشت می‌پردازد. اما این اظهار استاندار آذربایجان غربی بدون رعایت توافق طرفین، در مهاباد اجرا نشد و ارتش روز سوم شهریور وارد مهاباد شد. در یازدهم شهریور ماه اعلام شد "۳۳ مهاباد در حمله به پادگان مهاباد کشته و مجروح شدند" در این حمله دوسرباز کشته و مجروح شدند. گروههای مسلح کرد این خبر را تکذیب کردند و اعلام داشتند افراد مقتول و مجروح از اهالی شهر بوده و ارتش و پاسداران از پادگان و مراکز استقرار خود شهر را زیر آتش گرفته‌اند. (کیهان ۵۹/۶/۱۰)

"حزب دمکرات از طریق رادیوی خود که در اطراف مهاباد مستقر کرده و شهر را زیر پوشش خود قرار داده است اعلام کرد که: در شهر نخواهد جنگید ولی مسئولان سپاه پاسداران عنوان کردند: "به روز پیش تالکی که برای تعویض عازم ارتفاعات شهر بود با خمپاره مورد حمله قرار گرفت و در درگیری ارتش و پاسداران با پیشرگان حزب دمکرات ۸ تن کشته و ۳۱ تن زخمی شدند" (کیهان ۵۹/۶/۱۶)

"شهر مهاباد از مدتها پیش از اوج درگیریهای اواخر شهریور ماه در انتظار حوادث ناگواری بود و پیشرگان حزب دمکرات و گروههای دیگر از شهر خارج شده بودند. به علت قطع حقوق تمام کارمندان دولت ادارات شهر از اوایل شهریور تعطیل شد و امتحانات تجدیدی مدارس به عقب افتاد. مردم و بویژه کارمندان در تنگنا بودند و صدها خانوار مشکلاتی داشتند. یک شهروند مهابادی در گفتگوی با خبرنگار کیهان گفته است: دولت باید از نارضایتی تراشی و در نهایت ضدانقلاب سازی جلوگیری کند." (کیهان ۵۹/۶/۱۶)

در روز ۲۳ شهریور ماه حزب دمکرات شعبه بانک ملی مهاباد را از مبلغ ۸ میلیون تومان موجودی آن خالی کرد. گفته میشود حزب دمکرات این کار را به خاطر دریافت دو میلیون تومان پول خود

که در این بانک بوده برداشت کرده است و هنوز معلوم نیست در مورد بقیه پول چه تصمیمی دارد. هنوز مسئله ۸۰ میلیون تومان پول حل نشده بود که افراد مسلح به یک ستون نظامی و پاسداران که عازم مهاباد بودند حمله کردند. در این حمله ۹ نفر از افراد مسلح کشته شدند ولی تعداد تلفات نیروهای دولتی گزارش نشده است. دوهفته قبل از این جریان نیز در حمله به پادگان زاندارمری مهاباد یک سرباز کشته شد. (کیهان ۹ و ۲۵/۶/۵۹)

بدنبال حرکت این ستون و ستونی دیگر از طرف میاندوآب که با ۲۴ ساعت توقف در خارج شهر مهاباد وارد شهر شدند، ارتش به طور کامل بر سر اسر شهر تسلط شد و در مراکز مختلف استقرار یافت (کیهان ۱۵۹/۶/۲۶)

صبح پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۲۴ ساعت بعد از استقرار ارتش در شهر درگیری میان افراد مسلح و نیروهای دولتی آغاز شد و تقریباً لایسقط تا چند روز ادامه یافت. به علت مسدود بودن راههای ورودی و خروجی مهاباد و قطع ارتباط تلفنی با این شهر ظاهراً امکان به دست آوردن خبرهای دقیقی از درگیریهای مهاباد امکان پذیر نبوده است. گزارش کیهان حاکی است تا روز ۲۹/۶/۵۹ در درگیریهای نظامی که

ساعتها به طول انجامید یک پاسدار کشته و دو نظامی و چهار پاسدار مجروح شدند. (کیهان ۲۹/۶/۵۹) ۴۸ ساعت بعد از حوادث و درگیریهای مهاباد، کیهان اعلام کرد: درگیریهای مهاباد با پایان خلع سلاح شدت یافت. و درگیریهای مسلحانه که تا شب شنبه ادامه یافت موجب کشته شدن ۵ تن از پرسنل نیروهای جمهوری اسلامی ایران و مجروح شدن ۶ نفر شد. به گفته معاون استانداری آذربایجان غربی تلفات سنگینی به افراد مسلح وارد آمد. افراد مسلح از ساعت ۲ تا ۴/۵ بعد از نیمه شب به نیروهای دولتی حمله کردند و درگیریهای پراکنده شهر را دربر گرفت. در یکی از حملات که با آتش نیروهای نظامی روبرو می شد یک خمپاره به داخل ایستگاه تلویزیون مهاباد افتاد و سه درجه دار مجروح شدند. در این حمله به افراد مسلح تلفاتی وارد آمده است. درگیریهای پراکنده در مهاباد و اطراف آن در تمام روزهای شهریور ادامه داشت ولی وسعت گرفتن ابعاد درگیریهای ایران و عراق حیران منطقه را تحت تاثیر قرارداد و اخبار آن کمتر در روزنامهها درج شد. روز ۳۱ شهریور همزمان با یورش عراق به چند پایگاه نظامی و فرودگاه در کشورمان، در تهران این شایعه قوت گرفت که کردها و دولت برای پایان دادن به درگیریها و اعلام آتشبس به هنگام جنگ ایران و عراق موافقت کرده اند. گرچه این خبر قوت

گرفت ولی یک خبرنگار ایرانی که با استاندار آذربایجان غربی صحبت کرده بود اعلام کرد: براساس نظرات استاندار آذربایجان غربی توافق برای اجرای آتشبس بین فرمانده تپ مهاباد و گروههای سیاسی بوده است که بدون نظر فرمانده لشکر ۶۴ آذربایجان غربی صورت گرفته است. وی این آتشبس را بلا اثر اعلام داشت. به دنبال بختی این خبر گفته شد که در شهر مهاباد درگیریهای شدید ادامه دارد و ناگهان گروه کثیری کشته و مجروح شده و عده زیادی آواره شده اند.

از سوی دیگر در شهریور ماه شهرهای نقده، بیرانشهر، اشنویه و اورمیه و خوی و ماکو و روستاهای اطراف از نقاط درگیری بوده است. در این ماه مجموعاً بیش از ۲۵ درگیری در این نقاط روی داد که نزدیک به ۱۶ نفر کشته و ۵۵ مجروح بجای گذاشته است. در این درگیریها تلفات وارد به افراد گروههای مسلح بسیار سنگین اعلام شده و اطلاع دقیقی در دست نیست. و نزدیک به یک هزارلیقه اسلحه در پاکسازی منطقه بدست آمده است. بعضی از این درگیریها به نقل از کیهان چنین است:

— افراد مسلح به یک کامیون حامل آرد در جاده استنویس بیرانشهر حمله کردند که ۲ سرباز کشته و ۴ نظامی به گروگان گرفته شدند. از افراد مسلح ۵۰۰ نفر فستق و گلوله های آر — پی — جی — ۷ به جا ماند. (۵۹/۶/۲۵)

— افراد مسلح با خمپاره به سوی بقعه آتشکشوند و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و پاسداران پاسخ دادند در این حمله یک نفر کشته و یک نفر مجروح شد. (۵۹/۶/۲۵)

— بر اثر انفجار یک مین در حوالی "قاربا" ۷ مسافر مجروح شدند و در درگیری بین نیروهای مستقر در اشنویه و افراد مسلح ۲ جوان کشته و یک نفر زخمی شدند.

— در ماه گذشته بیرانشهر با کمبود مواد سوختی روبه روه. یک مین در درون یک پایگاه "تیلوان" در نقده کشف و خنثی شد. (۵۹/۶/۲۳)

— ستاد عملیات زاندارمری خوی در اخطاری شدید به ستار مامدی و ۷ نفر اخطار کرد که خود را تسلیم کنند. از این عده سه نفر از عشیره مامدی میباشند. (۵۹/۶/۲۲)

— روز ۲۶ شهریورماه در مسیر نقده به اشنویه بر اثر انفجار مین یک خودرو زاندارمری آسیب دید و چهار سرنشین آن زخمی شدند. در همان روز بر اثر انفجار مین در گردنه نقده — اشنویه یک مینی بوس آسیبی فراوان دید و یک استوار ارتش و یک جوان کشته و زاندارمری کشته و ۲۳ نفر مجروح شدند.

— در پاکسازی ۲۹ روستای نرده ۲۷۹ قبضه سلاح با مهمات جمع آوری شد .

— یک گروه مسلح راه را برپانزده نفر اعضای جهاد سازندگی خوی بسته و دودستگاه وانت بار متعلق به جهاد سازندگی را تصرف کرد . (۵۹/۶/۲۷)

— افراد مسلح در روز ۲۹ شهریورماه به اورومیه حمله کردند و یک ساندویچ فروشی شهر منفجر شد .

— استاندار آذربایجان غربی اعلام کرد : افراد مسلح به شهرستان نرده و نیلوان حمله کرده و پس از مقاومت نیروهای دولتی عقب نشستند . (۵۹/۶/۲۶)

— فرمانده ژاندارمری آذربایجان غربی اعلام کرد : ساعت ۲۴ روز شنبه ۲۹ شهریور تا ۴ بامداد روز بعد پاسگاه ژاندارمری نیلوان اشوبه مورد حمله قرار گرفت و تلفات حادثه هنوز از هیچ طرفی مشخص نیست .

— کارخانه قند اورومیه برای دومین شب متوالی مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت ولی تلفاتی به همراه نداشت . در این حمله به چند خانه آسیب وارد شد . (۵۹/۶/۳۱)

— در دودرگیری که در اشوبه و سه راه محمدیار نرده صورت گرفت از نیروهای دولتی ۷ نفر زخمی شدند . (۵۹/۶/۳۱)

— بر اثر انفجار ، یک مخزن نفت اورومیه آتش گرفت و طعمه حریق شد . این مخزن کنجایش یک میلیون و ۲۰۰ هزار لیتر نفت سفید داشت . به دنبال این حادثه و رسیدن بنزین به شهر ازدحام شدیدی در شهر برای بنزین وجود داشت . (۵۹/۶/۳۱)

— در یک درگیری مسلحانه که بین گروه ضربت ژاندارمری آذربایجان غربی و افراد سنارمادی اتفاق افتاد ۴ نفر از افراد سنارمادی کشته و دو نفر مجروح شدند در این درگیری ۲ قبضه کلاشینکوف به دست افراد ژاندارمری افتاد . در این حمله ۳ تن از افراد گروه ضربت نیز زخمی شدند که حال دوش از آنان رضایت بخشی است . افراد سنارمادی قبلاً به ستونهای ژاندارم حمله کرده بودند و قصد داشتند مجدداً به پاسگاه "سنجی" حمله کنند . (۵۹/۶/۲۰)

— سرهنگ تاج الدینی فرمانده ناحیه ژاندارمری آذربایجان غربی اعلام کرد : افراد مسلح به پایگاه عملیاتی "چپانه" نرده حمله کردند . در این حمله تلفاتی به افراد پایگاه وارد نیامد . از تلفات افراد مسلح اطلاعی در دست نیست . (۵۹/۶/۱۱)

— در حمله افراد مسلح سنارمادی به ستون اعزامی به پاسگاه سنجی سلماس یک جوان مرد کشته و یک استوار ژاندارمری مجروح شد . (۵۹/۶/۱۰)

— در حمله افراد مسلح به مقر پاسداران کمیته انقلاب اسلامی نرده در حوالی تپه ناصری اشوبه ۳ پاسدار شهید و یک نفر مجروح شد . مهاجمین یک پاسدار

به گروگان گرفتند . از تلفات افراد مسلح اطلاعی در دست نیست .

— در انفجار اتومبیل بست پیرانشهر در نزدیکی پاسگاه دو آب نرده دوش از کارمندان بست پیرانشهر مجروح شدند و به اتومبیل آسیبهایی وارد شد . (۵۹/۶/۱۹)

سردشت آخرین شهر تصرف شده

بعد از مهاباد سردشت آخرین شهری بود که به تصرف نیروهای دولتی درآمد . روز چهاردهم شهریور یک ستون نظامی مرکب از ارتش ، پاسداران و پیشمرگان مسلحان کرد برای پاکسازی جاده بانه از بانه عازم سردشت شدند . نیروهای نظامی سال گذشته به هنگام حرکت از این مسیر شاهد دودرگیری بسیار شدید بودند .

این ستون در مسیر خود به سردشت با درگیریهای سختی مواجه شد که در مطبوعات با اخبار ضدونقیض انعکاس یافت . دویروز بعد از اعزام این ستون در کیهان (۱۶ شهریور) اعلام شد که در درگیری جاده بانه — سردشت که بین گروههای مسلح و واحد عملیات غرب کشور بوقوع پیوست ۲ نظامی شهید و ۵۰ نفر دیگر مجروح شدند . در این حمله تلفات سنگینی به گروههای مسلح وارد آمد . روزنامه انقلاب اسلامی روز ۱۶ شهریور به نقل از خبرگزاری پارس و اطلاعاتیستاد مشترک عملیاتی غرب کشور نوشت در حمله گروههای مسلح به این ستون ۲۱ نفر از افراد ستون کشته و جندتن زخمی شدند .

فرمانده پادگان سردشت در گفتگو با کیهان (۱۸ شهریور) اعلام کرد درگیری در اطراف راه سردشت — بانه همچنان ادامه دارد و نیروهای نظامی با قاطعیت تمام مشغول پاکسازی منطقه از افراد مسلح اند .

وی گفت تلفات افراد مسلح آنقدر زیاد است که آنان قادر به جمع آوری اجساد نشده اند و مقداری اسلحه و مهمات به دست آمده است . وی گفت که از روز شنبه ۱۵ شهریور ۲۴ ساعت بعد از درگیری فقط یک نفر از نیروهای نظامی مجروح شده است . همزمان با ادامه پیشروی ستون به سوی سردشت ستاد مشترک عملیاتی غرب کشور با انتشار اطلاعیه ای به اهالی روستاهای بانه — سردشت اخطار کرد "که اسلحه های خود و مهاجمان را به ستون اعزامی تحویل دهند و در صورت تیراندازی به ستون به شدت از زمین و هوا سرکوب خواهند شد ."

کیهان در روز بیستم شهریور تقریباً یک هفته پس از آغاز عملیات اعلام کرد : " در ادامه پاکسازی سردشت افراد مسلح از این شهر به کوهها عقب نشسته اند و ستون اعزامی به پیشروی خود

اما راه کوهستانی بانه - سردشت که از میان جنگلهای غرب کشور میگذرد و از راههای سوقالجیشی است آنچنان حساس است که ارتش برای عبور از این راه ۶۵ کیلومتری بارها با افراد مسلح درگیر شد . ارتفاعات منطقه سردشت در ۲۵ شهریور ماه به تصرف نیروهای ارتش درآمد و افراد در آن مستقر شدند . در جریان تصرف ارتفاعات دو غیرنظامی مجروح شدند و خسارات زیادی به شهر وارد آمد . روز قبل ستاد مشترک غرب کشور اعلام کرد : ستون اعزامی به سردشت با موفقیت همچنان به راه خود ادامه میدهد . استاندار آذربایجان غربی هم اعلام کرد : " در سردشت درگیریهایی به وجود آمده و براساس گزارشات غیر رسمی این درگیریها همچنان ادامه دارد و دو برادر باسدار به شهادت رسیدهاند" . حرکت ستون اعزامی به سردشت نزدیک به سه هفته ادامه یافت و خبرهایی که وضع این ستون را- شخص کند به طور پراکنده منتشر می شد .

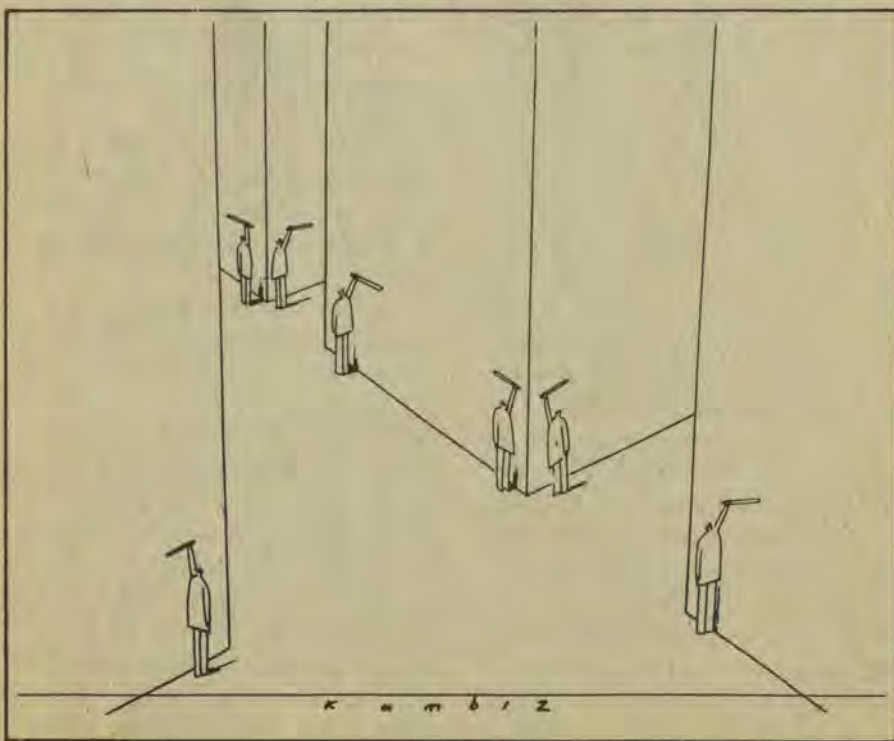
روز ۲۵ شهریور ماه کیهان اعلام کرد : جنازه ۱۸ تن که در حوادث سردشت کشته شده بودند . برای دفن به تهران منتقل و تشییع شد .

اما درگیری در اطراف سردشت همچنان ادامه یافت و افراد ستون به پاکسازی روستاهای مسیر

سردشت-بانه مشغول بودند . سپاه پاسداران مرکز روز ۲۶ شهریور ماه اعلام کرد : یک تپه در اطراف سردشت که از نظر سوقالجیشی دارای موقعیت حساس و بسیار مهم بود به تصرف افراد ستون درآمد و ستون نظامی بر منطقه مسلط شد . در جریان تصرف این تپه نیروهای ارتش یک تانک گروههای مسلح و انبار مهمات را منفجر کردند . در این درگیریها ۷ پاسدار کشته و ۲ سرباز مجروح شدند ، به دنبال حرکت این ستون از طرف بانه به سوی سردشت گروههای گرد مدعی شدند که این ستون به محاصره آنان درآمده و تجهیزات و آذوقه آنان منفجر شده است ، اما خبرهایی که منتشر شد این خبر را رد کرد . به دنبال اوج درگیریهای ایران با عراق مسئله حرکت این ستون تحت الشاع قرار گرفت و به نظر میرسد که درگیریها در منطقه فروکش کرده است . فرماندار سردشت روز ۲۷ شهریور اعلام کرد : " سردشت در چند روز اخیر آرام بوده و از هیئتی از معتمدین محلی خواسته شده که از گروههای مسلح بخواهند که از کشاندن نبرد به شهر سردشت خودداری کنند . این هیأت قرار است با مقامات دولتی هم گفتگو کند . بر اثر تیراندازی به شهر سردشت خسارات مالی فراوانی به شهر وارد شده است " . (کیهان)

تعرض به گروه‌های سیاسی مقدمه انحلال آنهاست؟

تهاجم علیه سازمانهای سیاسی و هواداران آنها در شهریور ماه ابعادی تازه یافت. پیش از آن، با حملات مستمر به دفاتر گروه‌ها در تهران و شهرستانها که عموماً "توسط عده‌ای مشهور به "حزب‌اللهی" صورت میگرفت و غالباً "تعداد کثیری مجروح و گاهی حتی کشته از خود برجای می‌گذاشت" فعالیت‌های سیاسی علنی گروه‌ها متوقف شد، بی‌آنکه چهره این مهاجمین برای مردم شناخته شود و یا مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. سازمانهای مورد هجوم عده‌ای از آنان را بعنوان عاملان شبکه‌های سیا و ساواک نام می‌برند و برای ادعای خود دلایلی نیز همراه با عکس افراد مهاجم ارائه میدهند. از طرف دیگر عده‌ای از مسئولان امور، مهاجمان را "مردم" می‌دانند که باعتقاد بسیاری از ناظران، جای حرف بسیار دارد، چراکه براساس سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی دفتر ریاست جمهوری بیشترین درصد مردم برای از میان بردن توطئه‌ها "وحدت مردم" را ضروری دانسته و تنها یک درصد مثلاًشی کردن گروههای سیاسی را تجویز می‌کنند و با فرض محال اینکه همه این یک "درصدی‌ها" در حمله به دفاتر گروه‌ها و سازمانها دست داشته باشند این سؤال مطرح میشود که آیا این یک درصد حق دارند خارج از مجاری قانونی عمل کنند؟



پس از تشکیل مجلس انتظار این بود که موقعیت گروههای سیاسی مشخص و به عرضات خود سرانه به آنها خاتمه داده شود ، اما برعکس ، حمله به دفاتر و هواداران گروهها در شهرستانها شدت یافت بطوری که در این برخوردها کسانی کشته و بسیاری زخمی شدند .

در چند شهر کشور ، حکام شرع و دیگر مقامات مسئول ، ظاهراً با انگیزه فرونشاندن ناآرامی ها ، فعالیت گروههای سیاسی را تا زمان تعیین تکلیف آنها توسط مجلس ، ممنوع اعلام کرده اند . سوالی که در این زمینه مطرح میشود این است که درحالی که تعیین تکلیف گروهها به مجلس محول میشود ، چرا حکام شرع و پیش از این اقدام مجلس ، خود به تعطیل فعالیت آنها اقدام کرده اند ، در حالی که براساس اصل ۲۶ قانون اساسی "حزب ، جمعیت ها ، اتحمن های سیاسی ، صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند ، مشروط بر اینکه اصول استقلال ، آزادی ، وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند . هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت ."

همزمان با حمله مستقیم به گروههای سیاسی ، فعالیت های تبلیغاتی برای "جوسازی" علیه بعضی از گروهها نیز افزوده شده ، و این کار چنان گسترشی یافته است که اخیراً "کودگانی که در غرب کشور به استقبال رئیس جمهور آمده بودند ، در پایان تکبیر ، شعار دادند "مرگ بر منافقین با آرم مجاهدین"

مثال دیگری از این گونه "جوسازی" ها گفته های یک افسر کودتاجی است که در تلویزیون ادعا کرد که پیش از کودتا با بعضی از سازمان های سیاسی بتوافق رسیده بودند ، درحالی که یکی از این سازمان های مورد اتهام ، یعنی مجاهدین خلق یادآوری کرد که بنابیتاید رسمی رئیس جمهور ، درگرفت کودتا کمک کرده است .

دو تن از رهبران مجاهدین ، در یک مصاحبه مطبوعاتی در جواب اتهامات افسر کودتاجی ، مدعی شدند که گفته های افسر کودتاجی که بهنگام دستگیری خود یک پاسدار را بقتل رسانده ، براساس توافقی بوده تا او را از مجازات بربانند .

پس از اظهارات افسر کودتاجی ، بعضی روزنامه ها گفته های او را بزرگ کردند و کار بدانجا کشید که یکی از روزنامه های صحیحاً تئتری درشت خبراز "قرار رجوی (یکی از رهبران مجاهدین) به پاریس و ملاقات او با بختیار" داد . خبری که واکنش فوری سازمان نامبرده و شخص مورد اتهام را بدنبال آورد و در ضمن موجب شد که روزنامه "مجاهد" ، ارگان این سازمان ، پس از چند هفته تعطیل ، دوباره با انگیزه جوابگویی به این اتهامات ، انتشار یابد . همچنین ، یکی از نمایندگان مجلس ، با استناد به گفته های افسر کودتاجی و فرمان امام خمینی که اشد مجازات را برای کودتاگران خواسته است ، تلویحاً "خواستار اعدام بعضی از رهبران گروههای سیاسی شد .

درحالی که گسترش "جوسازی" علیه گروههای سیاسی ، خود بخود نگرانی هایی را بوجود آورده ، اظهارات این نماینده مجلس به این نگرانی افزوده است که ممکن است گسترش این جونا درون مجلس ، در تعیین تکلیف مجلس درباره گروهها اثر گذارد و احیاناً "زمینه ای برای غیرقانونی اعلام کردن آنها شود .

یک نگرانی دیگر ، که توسط بسیاری گسان عنوان میشود این است که در شرایط حاد کنونی ، با توجه به این واقعیت که دشمنان کشور و بویژه امپریالیسم آمریکا بیش از هرکس دیگر از اختلافات داخل کشور سود می برند ، ممکن است که عمال آمریکا با استفاده از تجارت طولانی امپریالیسم در این زمینه ، در تشدید اختلافات داخلی کشور بکوشند و آن را تا حد تعارض گسترش دهند . یک چنین چشم اندازی ، بسیاری از مردم را ، علیرغم اینکه به این یا آن سازمان علاقه ویا حتی نسبت به آن مخالفت داشته باشند ، دچار نگرانی کرده است . نظری به جمع بندی رویدادهای شهریور ماه در این زمینه ، این نگرانی را توجیه می کند :

صومعه سرا : روز گذشته عده ای به مخالفت با گروههای سیاسی در شهر براه افتاده و پوستره های گروههای سیاسی را در سطح شهر پاره کردند .

دوم شهریور - بابل : بدنبال درگیری های چند روز پیروزی ۵۱

♦ اول شهریور - آبادان : بدستور دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر تا تعیین تکلیف گروههای سیاسی ، فعالیت سیاسی مجاهدین خلق ، چریک های فدائی خلق ، پیکار و حزب توده ممنوع اعلام شد .

قبل میان هواداران مجاهدین خلق و عده‌ای مهاجم و تحصن بازاریها حاکم شرع تا تعیین تکلیف گروه‌ها از سوی مجلس، فعالیت آنها را ممنوع اعلام کرد.

قم: یکی از هواداران مجاهدین خلق بنام ابوالقاسم توکلی در قم بازداشت شد. مقداری پول نقد و برگه‌های جمع‌آوری اعانه برای سازمان، همراه او بود.

روستای دیرجان: یکی از طرفداران سازمان چریکهای فدائی خلق بنام علی باز چپانیازلو توسط پاسداران به گلوله بسته شد.

● سوم شهریور - نور: در پی حمله عده‌ای به هواداران مجاهدین، چند نفر زخمی و تعدادی دستگیر شدند.

تهران: حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی گفت: دستور دادستان آبادان و خرمشهر در مورد منع فعالیت گروه‌های سیاسی به لحاظ مصالح خاصی بوده است که آنجا مطرح بوده و جنبه کلی ندارد.

● چهارم شهریور - بندرگز: نظاهراتی به‌عنوان از جوانی که به علت فروش نشریه "بازوی انقلاب" دستگیر شده بود برپا شد. بدنبال این نظاهرات عده‌ای با سلاح‌های سرد به دفاتر فروش کتابها و نشریات مجاهدین، توده و چریکهای فدائی حمله کردند.

● ششم شهریور - اسلامشهر: در حمله عده‌ای به کتابفروشی یکی از فروشندهگان نشریه "بازوی انقلاب" فروشنده مجروح و گوش وی با چاقو بریده شد.

تهران: دکتر بهشتی در یک مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با فعالیت سیاسی گروه‌ها گفت: بی‌شک باید بکوشیم که به شرایط عادی و سالم اجتماعی برسیم و یکی از آثار این شرایط عادی همین خواهد بود که گروه‌ها در چهارچوب قانون اساسی امکان فعالیت داشته باشند. اما باید توجه داشت که وقتی شرایط فوق‌العاده بیش می‌آید در شرایط فوق‌العاده، تصمیمات فوق‌العاده اتخاذ می‌شود.

صومعه‌سرا: بدنبال اجتماع عده‌ای از هواداران مجاهدین خلق جهت پس گرفتن مقر جنبش ملی مجاهدین، ۱۵ هوادار مجاهدین توسط سپاه پاسداران دستگیر شدند.

هشتم شهریور - تهران: صلاح‌الدین بیانی نماینده خواف در مجلس در نطق خود پیرامون

۵۲ پیروزی

آزادی جمعیت‌های سیاسی گفت: "ما این آزادی را برای آنها پذیرفته‌ایم چرا این آزادی نقض می‌گردد. اگر نمی‌خواهیم، قانون را عوض کنیم. کردکوی: سپاه پاسداران کردکوی با انتشار اطلاعاتی مردم را جهت گردهمایی به مسجد جامع این شهر دعوت کرد. در پایان این گردهمایی اعلام شد که "از سوی دادستانی ما باید از فعالیت گروه‌های سیاسی جلوگیری کنیم".

تهران: گروهی از مردم خیابان هرنندی پس از تجمع در مسجد بیرون آمده و با دادن شعار ساط فروش کتاب و نشریه گروه‌ها را بیم ریخته، پس از آن اعلام کردند که اجازه تبلیغات مسموم به احدی نخواهند داد.

قائم‌شهر: در یک درگیری میان هواداران مجاهدین خلق و عده‌ای مهاجم، یک هوادار مجاهدین بنام "محمود گل‌عمو زاده" در اثر ضربه چاقو درگذشت. درگیری هنگامی آغاز شد که عده‌ای به ساط فروش نشریات مجاهدین حمله کردند.

● نهم شهریور - قائم‌شهر: دادستان انقلاب اسلامی قائم‌شهر با صدور اطلاعاتی اعلام کرده که در صورت حمله از طرف گروه‌ها مردم مجازند با سلاح گرم و سرد از خود دفاع کنند.

● دهم شهریور - تهران: حجت‌الاسلام غفاری نماینده مجلس در نطقی گفت: من نمیدانم این گروه‌های سیاسی از جان ملت چه می‌خواهند. مجلس باید خیلی سریع تکلیف آنها را روشن کند. کدامشان حرف قانونی دارند. کدامشان ندارند. در قائم‌شهر از طرف مجاهدین خلق اعلامیه‌ای را دیدم که در مورد حکومت جمهوری اسلامی و نماز جمعه بصورت طنز مانکن‌های دختر و پسرشان سودست گرفته بودند تا مردم بخوانند.

قائم‌شهر: بدنبال درگیری دو روز قبل میان هواداران مجاهدین خلق و عده‌ای مهاجم که منجر به کشته شدن ۱ نفر از هواداران مجاهدین شد از سوی دادستان انقلاب، فرماندار و دیگر مسئولان شهر به گروه‌های سیاسی ۳ روز مهلت داده شد تا دست از فعالیت بردارند.

کرگان: دادستانی انقلاب اسلامی کرگان فعالیت سیاسی مجاهدین خلق، فدائی خلق، پیکار و حزب توده را تا تعیین تکلیف آنها از سوی مجلس اعلام کرد.

مشهد: استاد علی تهرانی، در تلگرافی خطاب به امام خمینی، ضمن اشاره به حملاتی که به گروه‌های سیاسی میشود، گفت: "تقاضای ملت مسلمان آگاه ایران

این است که برای حفظ چهره اسلام و انقلاب اسلامی از او وارد شدن لکه های بیشتر ، از مقابل مردم با هم نهی فرمائید و در صورتی که لازم باشد دستور دهید آن کتب و نشریات را ممنوعه اعلام کنند و توسط وزارتخانه های مربوطه کنترل نمایند و بگذارند جاب شود و در صورتی که لازم نباشد کاری با آنها نداشته باشند .

ساری : دادستان های انقلاب اسلامی قائم شهر - نوشهر - جالوس - نور و آمل طی انتشار اطلاعیه هایی هرگونه فعالیت تبلیغاتی هواداران گروه های سیاسی را تا تعیین تکلیف آنها از سوی مجلس شورای اسلامی ممنوع اعلام کردند .

۱۲ شهریور - مابل : به حکم دادستانی انقلاب اسلامی مابل ۲۴ تن از هواداران مجاهدین به اتهام برهم زدن نظم عمومی در بایلسو به ۱ تا ۶ ماه حبس تأدیبی محکوم شدند . ۱۸ نفر از محکومین به زندان قصر انتقال یافتند .

۱۳ شهریور - بوئسهر : بدینال برخورد های پراکنده میان عدهای مهاجم و هواداران گروه های سیاسی چهارده نفر از هواداران مجاهدین و فداییان خلق بازداشت شدند و چند دکه کتاب فروشی نیز به آتش کشیده شد .

رشت : یکی از هواداران چریکهای فدائی خلق بنام حسن صالحی توسط رگبار گلوله که از درون یک بیگان سبز رنگ شلیک شده بود به قتل رسید .

۱۸ شهریور - کرمانشاه : دفتر نشریه امت وابسته به جنبش مسلمانان سازش به آتش کشیده شد و وسایل آن به سرقت برده شد .

صومعه سرا : حجت الاسلام خلخالی در یک سخنرانی گفت : هیچ آرم ، پرده ، پوستر و پانوشتهای از گروه های چپ در هیچ جای شهر نباید دیده شود .

۱۹ شهریور - سبزوار : در پی دستور دادستان انقلاب اسلامی سبزوار ۵ نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق دستگیر شدند .

اهواز : با صدور اطلاعیه ای از سوی حاکم شرع خوزستان فعالیت گروه های سیاسی تا تعیین تکلیف آنها ممنوع اعلام شد .

نوشهر : حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی نوشهر و جالوس فعالیت گروه های سیاسی در این دو شهر را ممنوع اعلام کرد . حاکم شرع در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت : استاندار مازندران طی نامه ای به فرماندار نوشهر جو نامساعد این استان را تشریح و درخواست منع فعالیت گروه های سیاسی را کرده .

۲۰ شهریور - کاشان : در مراسم بزرگداشت آیت الله طالقانی ناظم زاده حاکم کاشان به شهربانی و سپاه اخطار کرد که تا تصمیم نمایندگان مجلس باید از یختن هرگونه کتاب و پوستر سازمان مجاهدین خلق جلوگیری کنند .

۲۲ شهریور - تهران : کمیته انقلاب اسلامی سطح ۹ اعلام داشت که بعثت مشخص نبودن وضع گروه ها در زمان فعلی به پرونده درگیری خیابانی با این گروه ها هیچیک از مقامات مسئول رسیدگی نمی کنند . و از ساکنین حوزه استحفاظی خود خواست که در مواقع درگیری خیابانی با گروه ها ، مسئله را به شکلی که صلاح میدانند فیصله دهند .

تهران : دادستانی کل انقلاب اسلامی مرکز اعلام داشت که هفته آینده ، پس از یک سال و نیم بازداشت ، محاکمه محمدرضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق با اتهام حاسوسی برای بیگانه آغاز میشود .

تهران : وکیل محمدرضا سعادت ، در نامه ای به دادستان کل کشور خواستار به تعویق افتادن وقت محاکمه و دعوت نامبرده برای مطالعه پرونده و ملاقات با موکل خود شد .

۲۳ شهریور - تهران : حجت الاسلام غفاری نماینده مجلس با استناد به گفته های سروان رکنی افسر کودتاگر گفت : " دیروز در محاکمه عوامل کودتای دیدید که نقش سازمانها را افشا نمودند از آن جمله سازمانها ، سازمان مجاهدین خلق بود " . و بطور ضمنی برای رهبران این سازمان تقاضای اعدام کرد .

۲۴ شهریور - تهران : روزنامه " آزادگان " ادعا کرد که سعود رجوی به یاری فرار کرده و با اختیارات تماس گرفته است .

تهران : مسعود رجوی و موسی خیابانی از رهبران سازمان مجاهدین خلق در یک مصاحبه مطبوعاتی خواستار مناظره تلویزیونی با سروان رکنی ، حجت - الاسلام غفاری و گردانندگان " آزادگان " شدند .

۲۵ شهریور - تهران : دفتر " جاما " بوسیله عدهای مهاجم اشغال شد .

۲۶ شهریور - تهران : دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران در پاسخ به لاهیجی وکیل مدافع سعادت اعلام کرد که محاکمه سعادت در موعد مقرر انجام خواهد شد .

◆ ۲۷ شهریور - زنجان: دادستان انقلاب اسلامی زنجان اعلام کرد که از این پس تا تعیین تکلیف گروههای سیاسی به وسیله مجلس، هرگونه فعالیت سیاسی آنها در این شهر ممنوع است.

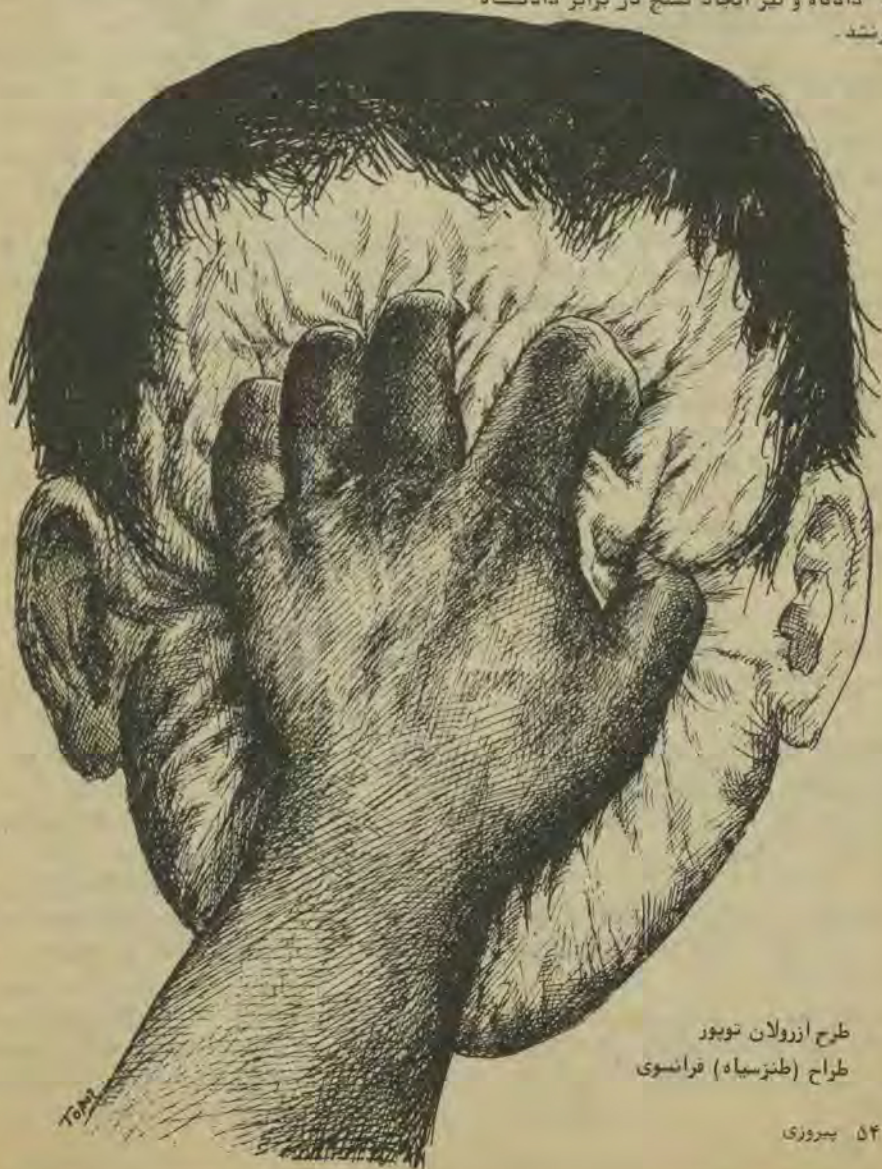
◆ ۲۸ شهریور - تهران: امام جمعه تهران به گروههای سیاسی هشدار داد که اگر دست از توطئههای خود برندارند نیروهای اسلامی را به جان آنها خواهد انداخت.

◆ ۲۹ شهریور - تهران: محاکمه محمد رضا سعادت که قرار بود امروز تشکیل شود به علت عدم حضور رئیس دادگاه و نیز ایجاد تنج در برابر دادگاه برگزار نشد.

◆ ۳۰ شهریور - قائم شهر: در پی حمله به دهکهای نشریات گروههای سیاسی، درگیریهای شدیدی در این شهر اتفاق افتاد. این درگیریها حداقل یک کشته و ۸۰۰ زخمی از خود به جای گذاشت.

◆ ۳۱ شهریور - تهران: سازمان مجاهدین خلق طی اعلامیه‌ای به انتصاب آقای موسوی تبریزی به سمت قاضی دادگاه سعادتى شدیداً اعتراض نموده و آنرا بقضی صریح اصل ۵۷ قانون اساسی (تفکیک قوا) دانست.

دادستانی کل انقلاب اعلام داشت که محاکمه سعادتى، فردا بدون حضور تماشاگران برگزار میشود.



طرح از رولان تویور
طراح (طنز سیاه) قرانسوی

حرف زدن با مردم دوباره مشکل شده، بی اعتماد و کم حرف شده‌اند. وقتی برای تهیه‌گرانی به‌میان مردم میروی، همه با شک و تردید به تو نگاه می‌کنند، وقتی می‌خواهند حرف دلشان را برایت بگویند، به این طرف و آنطرف نگاه می‌کنند تا غریبه‌ای حرفهایشان را نشنود، آزادانه حرف نمی‌زنند، حتی حاضر نیستند اسامیان را به تو بگویند، عده‌ای تو را، که خودت را روزنامه‌نگار معرفی کرده‌ای، مزدور، قلم به مزد و وابسته یا دستگاهی خطاب می‌کنند، بعضی تو را ضد - انقلاب، حریک، منافق و ... می‌خوانند - سرآخروم به تو می‌گویند: "اصلاً من و تو و جده‌این کارها ... اصلاً" میدوسی جیه، گفتن مواظب توطئه‌گرها باشین، گفتن حالا وقت این کارها نیست، گفتن "... و خیلی که اصرار کنی داد و بیداد راه می‌اندازند، و آنهایی که سرشان برای زدوخورد درد می‌کند، دورت جمع میشوند، بعد نیست کارت به کمیته بگشد.



در فکر تهیه‌گرانی از چند و چون مسأله‌مسکن بودیم، و بخصوص از وضع آنهایی که در آپارتمانهای صادره‌شده جا داده شده‌اند، خواننده بودیم که به خیلی از مستضعفین در شمال شهر، خانه داده‌اند و شنیده بودیم که جابجایی این خانواده‌ها، بعضی مشکلات اجتماعی تازه‌ای را برایشان ایجاد کرده که قابل بررسی است. شنیده بودیم که اگر نان‌آور خانه قبلاً "فاصله خانه تا محل کارش را در عرض نیمساعت طی میکرده حالا باید حداقل یکساعت و یا بیشتر راه برود. شنیده بودیم که اگر خاتم خانه قبلاً "مايحتاج روزانه را از میدان تره‌بار نزدیک منزل ارزانتر از مغازه‌دارها می‌خریده حالا باید همیای شمال شهریهابه سوپرمارکت برود و همان مايحتاج را گرانتر از مغازه‌دار بخرد. شنیده بودیم که جابجایی اینها خرجشان را اضافه کرده و بعضی‌هاشان را واداشته است تا با حرج‌ترانی سر و وضعشان را تغییر بدهند. فکر می‌کردیم که این جابجایی گروههای بزرگی از مردم، و قرار گرفتنشان در چهارچوبی ناآشنا و ناهمگون، مسائلی را بوجود می‌آورد که از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی قابل توجه است. فکر می‌کردیم که شاید با کنجکاوی در این زمینه، بتوان به بافتن راه‌حلهایی برای حل اینگونه مشکلات کمک کرد. شنیده بودیم که درگیری -

پهروزی ۵۵

مايحتاج
گزارشی از
مسأله‌مسکن

های این گروه با شمال شهرها، گاهی حتی به زردخورد نیز گسیده شده است. از معنی "جوک" هایی که درباره نحوه زندگی این مردم فقیر در شمال شهر ساخته شده، و بوضوح بوی کثرت نظری پولدارانه، نوادپرستی "طاغوتی"، و تنفر طبقاتی غنی از فقیر، از آن به مشام میرسد، بخوبی برمی آید که رابطه معضی از شمال شهرها با همسایگان تازه شان نماید خیلی "دوستانه" باشد. رفته بودیم تا این را از نزدیک ببینیم. این را نیز می دانیم که همه این مشکلات به هیچ وجه نباید مانع از آن شود که خانه های "طاغوتی" و مصادره شده شمال شهر، به مردم فقیر و بی مسکن داده شود. رفته بودیم که شاید گزارش جامع ما، بتواند مقدّمای برای بررسی و جاریه جویی مشکلات ناشی از این نقل و انتقال باشد.

به خیابان دکتر شریعتی رفتیم، به آپارتمانهایی که نش خیابان استاد مطهری است. به ما گفته بودند که این ساختمان یکی از ساختمانهای مصادره شده است. جلو ساختمان که بنظر میرسد در اصل برای استفاده اداری ساخته شده، شلوغ بود و شلوغی خبر از یک درگیری میداد. معلوم شد که از طبقه دوم یکی از آپارتمانها به سر فروشندهگان کتاب و نشریه ای که کنار این ساختمان بساط پهن کرده بودند، آب جوش ریخته اند. یکی از اهل ساختمان می گفت: "خوب شد که آب ریختن، اصلاً" دختر و چه به کتابفروشی". بحث داغ بود و وقتی داغتر شد که یکی از ساکنان آپارتمانها گفت: "به ما گفتن ندارین منافقین اینجا بساط بذارن، ما هم نمیداریم، و گرنه همینم که بهمون دادن ازمون میگیرن". بحث ادامه داشت و بر تعداد جمع لحظه به لحظه اضافه میشد. بعضی می گفتند که: "این عمل، هم خلاف اسلام است، و هم خلاف قانون اساسی" و عده ای هم با تائید می گفتند که "امام گفته که اینها از کافرها خطرناکترند باید مواظبان بود".

بحث را به حال خود گذاشتیم و وارد محوطه ای باز شدیم که آپارتمانها در وسط آن قرار داشت. بجهه مشغول بازی بودند، دخترها به دنبال هم می دویدند، چندتا بچه "بیخ دیواری" بازی میکردند. به شیشه های چند پنجره عکس امام را چسبانده بودند.

صدای زنی میانسال از پنجره یکی از آپارتمانها بلندتر از قبل و فال بچه ها و بحث سیاسی کنار خیابان به گوشمان خورد:

— آهای... آقا اینجا چیکار دارین، واسه چی اومدین تو؟

— اومدیم برای تهیه یک گزارش.

— به کی میخوای گزارش بدی، اصلاً" برای چی میخوای اینا رو بدونی، نکته تو هم از اونائی (اشاره به

جوانهایی که بساط کتابفروشی پهن کرده اند). — نه، والله برای روزنامه سی خواص.

— اصلاً" من هیچ چیز نمیدونم، حوصله دارین... پنجره را بست و رفت. از بله های میانی ساختمان بالا رفتیم و وارد راهرویی تاریک شدیم. در اولین آپارتمان را زدیم. زن جوانی در را باز کرد. گسره جارقدش را سفت کرد و پرسید:

— با کی کاردارین؟

— چند سؤال دارم، اگه ممکنه جواب بدین. — سؤال از چی؟

— سؤال از وضع زندگیتون و تفاوتش با گذشته. — راستش آقا به ما گفتن به اینا که از وضع زندگیتون میپرسن جواب ندین، اینارو میپرسن برای نوطشه. گفتن جوابشو ندادین و گرنه...

— وگرنه چی خانم؟

— هیچی بابا...

در راست، از ساختمان بیرون آمدیم. بحث ریختن آب جوش هنوز داغ است. اما خوشحسانه هنوز به درگیری نگشوده.

به آن طرف خیابان میرویم که سه مغازه یغالی، لبنیاتی و سوپر مارکت در کنار هم قرار گرفته اند. ساکنان آپارتمانها هر روز برای خرید مایحتاج خود به این مغازه ها مراجعه می کنند. از صاحب یکی از مغازه ها در مورد قدرت خرید ساکنان آپارتمانها می پرسیم. با تائید بر اینکه اسمی را در هیچ کجا نقل نکنیم می گوید: "راستش ما بیشتر از اینا دشت میکنیم تا بقیه اهل محل، اینا اونقدر هم مستضعف نیستند که میگی، وضعیتون تا اونجا که ما می بینیم الحمدلله بد نیست هر چند که سر و وضعیتون به خورده به مستضعفین میره...". هنوز حرف صاحب مغازه تمام نشده که مرد نسبتاً جوانی که پهلوی من ایستاده، وسط حرف او میبرد: "آقا، مستضعف منم، مستضعف منم که خونه و زندگی ندارم. من که هرچی رفتم بخیر مستضعفین، جواب میره بالا بهم دادن، میخوام شغلش را ببرم که خودش میگوید: "صبح تا شب نو آهنگری اونطرف خیابون کار میکنم، چندرغاز میگیرم که پول اجاره خونه هم در نیامد... اونوقت به اون که هم تلویزیون دارن، هم لوسر، هم بیگان صد... هزار تومن، هم تاکسی صد و بیست هزار تومن، خونه میدن اما به من جواب سربالا میدن. مگه من مستکرم، من که همه جیمو نو انقلاب دادم... نمیدونم والله، شاید ضد انقلاب و خودم نمیدونم، میدونین چیه اینا مستضعف نیستند، اینا همونایی هستن که با رفتن تو... اصلاً" بابا، مارو چه به این کارها، بهتره که بیشتر از کوبنمون حرف نزنیم، بیو می بینی میان خرمنو میگیرن...". کارگر آهنگر حرصش را ادامه نمی دهد، خریدش را

می‌کند و می‌رود، اما حرفهایش ما را به فکر فرو میبرد و کسی گنج می‌کند. صاحب مغازه می‌گوید: "آقا مستضعف اونیایی هستن که تو کودهای زندگی می‌کنن، که تو زاندها و حلی آباد هستن، اونا هستن که هیچی ندارن نه من و شما و اینا... با ناباوری به حرفهایش گوش میدهم، گویی به ناباوری مان پی میبرد، با انگشت سیاه آنطرف خیابان و دکه محقری را که درست کنار آپارتمانها قرار دارد نشان می‌دهد و می‌گوید: "چرا راه دور برم آقا، همین بیرمود و که از دار دنیا هیچی جز اون دکه نکستی نداره می‌بینی؟ روزی که این "مستضعفین" با کمیته ریختن تو این آپارتمانها، التماس کردند که به اتاق ناقابل هم به اون بدن، اما کسی محلس نداشت، اگر خونهای بدن باید به این بیرمود بدن، به اون گود نشین بدن نه اینکه...". دستی به ریش می‌کشد و به طرف ترازو می‌رود تا مشتریانش را راه بیاندازد... خدا حافظی میکنیم و بیرون می‌آیم

* * *

تا امید نمی‌شویم، با برس و جو سراغ یکی دیگر از آپارتمانهای مصادره شده مستضعف نشین را میگیریم، دو ساختمان را به ما نشان میدهند که در همین خیابان دکتر شریعتی، نزدیک ساختمان وزارت بهداشت است، یکی چسبیده به آن و دیگری بالاتر از آن، به ساختمانی که جنب وزارت بهداشت است می‌رویم. ساختمان بلندی است که می‌گویند مال یکی از ادارات ساواک بوده است. ساختمانی نسبتاً قدیمی است که درست روبروی یک مجموعه آپارتمانی بزرگو مدرن و با تمام وسائل خودنمایی می‌کند. صاحبان این خانه ها (که به ساختمان تهران الکتریک معروف است) آپارتمانهایشان را چندان ارزان نخریده‌اند، تفاوت سطح زندگی در این مجموعه مسکونی و ساختمانی که متعلق به ساواک بوده و مصادره شده خیلی بیشتر از اندازه عری خیابان دکتر شریعتی است. آنطرف خیابان همه گونه تسهیلات فراهم است، اما اینطرف از هیچکدام از آن تسهیلات خبری نیست و فقر را به خوبی میتوان در چهره بچه‌هایی که کنار خیابان می‌پلکند و یا در لباسهایی که در بیشتر بالکن‌ها بر روی طنابها پهن شده است، احساس کرد. اینجا دیگر بچه‌ها محوطه‌ای برای بازی کردن ندارند، در کوچه‌ای هم که بین این ساختمان و وزارت بهداشت قرار دارد دیگر جایی برای جست و خیز و بازی نیست. در دو طرف کوچه ماشین پارک شده‌است، رفت و آمد هم زیاد است. از پله‌ها بالا می‌رویم، در دیوار بیشتر به سیاهی می‌زنند، گویی که سالهاست رنگ نخورده‌است. به طبقه اول که می‌رسیم وارد راهرویی می‌شویم که چند چراغ خوراکی‌پزی در آن قرار دارد

اینجا از آشپزخانه‌های چوبی ساخت فرنگستان که در آپارتمانهای آنطرف خیابان وجود دارد، اثری نیست. به دری که نیمه باز است می‌زنیم، زنی با بجهای در بغل جلو می‌آید، نگاهی به سرتاپای ما می‌اندازد، می‌گوید: "بله آقا؟ سلام می‌کنیم، یا حوترویی جواب می‌دهد، وقتی می‌گوئیم برای تهیه گزارش آمده‌ایم، ما را به اتاقش دعوت می‌کند، اتاق محقر رنگ و رو رفته‌ای است. رختخوابها در گوشه ای روی هم چیده شده است. ساوری در کنار اتاق می‌خوشد. قرص رنگ باخته و تار و پود رفته‌ای کف اتاق را پوشانده است. زن بچه را که خوابیده است بزمین می‌گذارد و می‌پرسد: "خب آقا، بالاخره تکلیف ما چی شد؟" تعجب می‌کنیم، گویی ما را با دیگری عوضی گرفته است، می‌پرسیم: تکلیف چی؟ می‌گوید: "مگر از بنیاد شهید نیامده‌اید؟" و وقتی جواب نه را از ما می‌شنود برای چند لحظه به فکر فرو می‌رود و بعد می‌پرسد: "برای چه گزارشی آمده‌اید؟"، می‌گوئیم: "برای تهیه گزارشی از مشکلات مستضعفینی که صاحب خانه شده‌اند" می‌گوید: "چه صاحبانهای آقا، مارو موقتاً اینجا آوردم، وعده کردن که خونه بدن، اما هنوز ندادن، قرار بوده مقرری بدن، اما هنوز کهنوزه ندادن... اینم تمام زندگیمه که می‌بینی، خودت تا آخرتو بخون" - در می‌زنند، پیش از آنکه در را باز کند به من می‌گوید: "دیکه چیزی نپرس و برو، اینجا آدمای فضولی پیدا میشن، واست دردسر درست میکنن الانه‌س که واسه منم حرف در بیان، شایدم از اون وقت تا حالا گوش وایساده باش."

به طرف در می‌رویم، جوانک ۱۸-۱۷ ساله‌ای او را به اسم صدا می‌کشد، در را باز می‌کند و قبل از اینکه گفتگویی بین آنها سر بگیرد ما از اتاق بیرون می‌رویم. بوی غذا فضای راهرو را پر کرده است. بچه‌ها ما را که می‌بینند سر به سرمان می‌گذارند. از ساختمان بیرون می‌آئیم.

* * *

به ساختمانی که کمی بالاتر است می‌رویم. جلوی ساختمان، کنار پیاده‌رو یک ساط میوه‌فروشی است، که سبزی و پیاز و سیب‌زمینی هم دارد. صاحبش یکی از ساکنان آپارتمان است که هم گسب و کاری برافشانداخته و هم به گفته خودش قیمت‌ها را طوری تعیین کرده‌است که مستضعفین ساکن ساختمان که نمی‌توانند از میوه - فروشی‌های محل با آن قیمت‌های بالا جنس بخرند، زیاد در مضیقه نباشند، می‌گوید: "چون دکانی ندارم و خودم هم وضع اینارو خوب بفهمم، آنقدر سود می‌خوام که زندگی بخور و نمیرم بگذره، اجحاف سححاف توکارم نیست" از مشکلاتش که می‌پرسیم، جواب می‌دهد: "خدارو شکر مشکلی به اونصورت ندارم، نون بخور و

بخصوص زمانی که بحث دارد عمقی پیدا میکند و میشود گهری را باز کرد.

* * *

بحث با مسئولان هم عیناً همین مشکل را دارد به سراغ مقامات بلند پایه بنیاد مستضعفین می رویم، تا آمار رسمی بخواهیم و از برنامه ریزها و معیارهای جابجایی و اعطای مسکن توسط این بنیاد و دیگر بنیادهایی که در این زمینه فعالیت می کنند مطلع شویم. سرو وضع ما را بررسی می کنند، از سوابق ما از موضع ما و از هدفمان می پرسند اما یک کلمه هم از آنچه ما می خواهیم، نمی گویند. در مقابل اصرار ما، که دلیل این همه اکراه و "کم لطفی" را می پرسیم می گویند: "ممکن است اطلاعاتی که به شما می دهیم سراز نشربات ضد انقلاب در آورده و بر علیه خودمان مورد سوء استفاده قرار گیرد..."

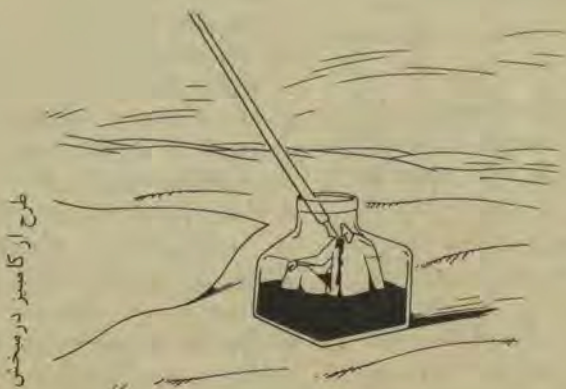
برای تیرنه خود از اتهام ضد انقلاب، بحث چندانی نمی کنیم. کارت خبرنگاری "رسمی" خود را هم دیگر نشان نمی دهیم، چون در جریان تهیه همین گزارش (نافرجام) هم فهمیده ایم که اعتباری ندارد. فقط میگوئیم "شما که دارید کار خودتان را می کنید، ظاهراً زحمت هم می کشید و از نتیجه کار خودتان هم راضی هستید چه اشکالی دارد که حتی "ضد انقلاب" هم آمارهای شما را بدانند؟"

جوابمان لیخن دیست و سکوئی که معنای "خدا حافظ دیگر عرضی ندارم" را می دهد... کار ما دوباره مشکل شده است...

تمیزی است که ما به اون راضی هستیم". می خواهیم سؤال دیگری از او بکنم که جوانی جلو می آید و می پرسد: "اینارو واسه چی میرسی آقا؟"، نکته میخوای بدی روزنومه "گار"، هان؟" صدایش را آنقدر بلند می کند که چند نفر دیگری هم دوروبر ما جمع می شوند، قبل از اینکه جوابی از ما بشنود، روبه جمعیت می کند و با اشاره به ما می گوید: "اینکه هس از وضع زندگی می پرسن پدافشهایی دارن، مگه ما انقلاب کردیم که وضع زندگیمون خوب بشه؟"، ما انقلاب کردیم که اسلام بیاد، انقلاب نکردیم که شما هر غلطی دلتون میخواد بکنن" - با حرفهای این جوان که میوه فروش می گوید: "از ساکنین همیسن ساختمان است"، باز وضع خراب و کار ما مشکل میشود. بحث موافق و مخالف بالا می گیرد. بحثی با سالم و توام با جروب بحث های بی فایده شروع میشود، بدون آنکه کسی یساده باشد که بحث، اصلاً، - برای چه و توسط چه کسی شروع شده همه فراموش می کنند که شاید می شد با گفتگویی ساده، به جایی رسید و مسائل ای را روشن کرد.

* * *

به چند ساختمان دیگر در خیابانهای زرتشت، انقلاب، ملاصدرا، قائم مقام فراهانی، نیاوران و... سر میزنیم که وضعی کم و بیش شبیه به مشاهدات قبلی مان دارند، اما به آنچه می خواهیم نمی رسیم. پرس و جوهایمان با درحد مسایلی جزئی و سطحی باقی می ماند و یا اینکه توسط ناز و اوردی قطع میشود.



طرح ار کا سیر در سخن

بالغو سود ویژه دست کارگر از حسابهای کارخانه کوتاه شد



سود ویژه نه يك « میراث طاغوتی »، بلکه حق مسلم کارگران بود - سود ویژه به کارگران امکان میداد که از عملکرد کارخانه خود مطلع شوند.

بررسی شده است. اما برای اینکه این دلایل بطور مشروح برای کارگران بازگو شود لازمست همه وزارتخانهها و سازمانهایی که در این مورد بررسی کردهاند میزگردی در وزارت کار تشکیل داده نتایج آنرا در اختیار جراید و کارگران قرار دهند.

مهندس سحابی دلایلی را که برای حذف سود ویژه از طرف وزارت کار عنوان شده است به شرح زیر بیان می کند: "بین ۸۰ تا ۹۰ درصد صنایع متعلق به دولت است و اکثریت کارخانهها و کارگاههای موجود سود ده نیستند و هزینههای خود را از بودجه دولت تأمین می کنند. از طرف دیگر قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانهها اصلی طاغوتی است و یکی از اصول چند گانه انقلاب امریکایی شاه مخلوع بود و این قانون بهر حال باید از سیستم اقتصادی ایران حذف می شد."

لایحه سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی در ۱۷ دی ۱۳۴۱ تصویب شد و در

پیروزی ۵۹

خواهد کرد.

با مقایسه سود ویژه و قانون تأمین منافع کارگران آنچه ظاهراً حذف شده ۲۰ درصد سود ویژه - است که اساساً به کارگران تعلق می گرفت و در پایان هر سال مبلغی با این عنوان به آنها پرداخت می شد. بموجب قانون سود ویژه، علاوه بر پرداخت ۲۰ درصد سود ویژه، معادل دو ماه دستمزد بعنوان عیدی و پاداش به کارگران پرداخت می شد و این مبلغ بطور متوسط معادل ۴ ماه دستمزد بود، اما بر اساس قانون جدید مجموع این مزایا به نصف تقلیل می یابد و برای دستمزدهای بالای ۸۵۰۰ تومان معادل کمتر از یک ماه می شود. و این در شرایطی است که افزایش ساعات کار و گرانی ارزاق و افزایش قابل ملاحظه مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم فشار چند جانبه ای را بر این طبقه تحمیل می کند.

مهندس سحابی مدیرکل اداره "سهم کردن کارگران" وزارت کار در این باره می گوید: "دلایل حذف سود ویژه از جوانب مختلف

شورای انقلاب در روز سه شنبه ۷ مرداد گذشته در آستانه انحلال خود اعلام کرد که تاریخ ۵۹/۹/۱ قانون سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی و کلیه ملحقات و منضمات آن و جداول و پیمانههای دستجمعی و توصیه نامدهای ناشی از قانون مزبور لغو و بلا اثر اعلام میگردد. بجای آن "کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون ملغی شده مذکور مکلفند برای جبران عواید کارکنان خود کلاً از بابت حق - سهم ناشی از اجرای قانون مذکور و نیز عیدی و پاداش سالیانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد برای ۱۲ ماه کار در سال به هر یک از کارکنان خود پرداخت نمایند که این ۶۰ روز حقوق نباید از ۸۵۰۰ تومان تجاوز کند."

بدینگونه، قانونی که به کارگران امکان می داد بالقوه در اداره امور کارخانه دخالت داشته باشند، جای خود را به قانونی داد که منافع کارگران را آنطور که کارفرما تشخیص می دهد، "تأمین"

واکنش کارگران

باشد، می‌پذیرد. نظر دوم که سود ویژه را تملک سوارات آگاهانه و دیگر کارگران در برابر سرمایه‌داران می‌داند و آنرا بعنوان وسیله‌ای سیاسی - اقتصادی بحساب می‌آورد. قانونی که به کارگران اجازه می‌دهد به نحوی حتی ناقص بر امور کارگاهها نظارت داشته باشند.

جنبه مادی سود ویژه

یک کارگر تولید پوناک می‌گوید: "پرداخت قسمتی از دستمزد بصورت عمده، یادداشت سود ویژه و غیره این امکان را به کارفرما می‌دهد که هر وقت که مایل بود آنرا حذف کند. بما می‌گویند اکثر کارخانه‌ها ملی شده و سود آن به بیت المال می‌رود. اما باید بگوئیم کارخانه‌ها در حرف ملی شده نه در عمل، طاغوسی‌ها به خصوص در کارخانه‌های کوچک هنوز فعال هستند و در شرایطی که فعالیت کارخانه‌های بزرگ کم شده و سرمایه‌گذاری‌های کوچک وسعت گرفته، استثمار در بخش‌های خصوصی کوچک تشدید شده است. ضمن اینکه شرکت‌های دولتی مثل دخانیات، واحد، شهرداری و راه‌آهن که قبلاً هم سود ویژه نمی‌دادند قسمت خدمات خود را بشدت بالا بردادند."

یک کارگر نساجی می‌گوید: "سود ویژه قسمتی از دستمزدهاست و لغو آن یعنی کاهش قسمتی از دستمزد ما که این قدمی در جهت استثمار بیشتر ماست."

وزیر کار در جواب کارگرانی که به سود ویژه اعتراض دارند گفته که "خود برادران و خواهران کارگر هم می‌گویند که این قانون به نفع کارگر نبود. ما هم همین‌را می‌گوئیم بنسبها ما این شهادت را داشتیم قانونی را که سودی برای مستضعفان نداشته لغو کنیم." در جواب آقای وزیر کار باید بگوئیم که علت اصلی اینکه این قانون به نفع کارگران نبوده در نفس این قانون نیست

لغو سود ویژه واکنش اعتراض آمیز بسیاری از کارگران را بدستال داشت. گروه‌های کارگری، با انتشار قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌هایی اعتراض و ناخشنودی خود را نشان دادند. همه کارگران معترض در این مورد توافق داشتند که لغو سود ویژه بعنوان بخشی از دستمزد آنان، در شرایطی که تورم گرانی و کمبود کار بر آنان فشار می‌آورد و در حالیکه اقدام اساسی برای حل مسائل اقتصادی جامعه انجام نگرفته، مشکلات مالی‌شان را دامن می‌زند.

کارگران یکی از کارخانه‌های مونتاز وانت یار، ضمن اعتراض به لغو سود ویژه اعلام کردند که "سوراهای کارگری باید در تصویب اینگونه لوایح شرکت داشته باشند. چرا گروهی که اصلاً کارگر را نمی‌شناسند، برای ما تصمیم می‌گیرند، بعلاوه دولت باید کسری بودجه‌اش را از سرمایه‌داران و بازرگانان تأمین کند، نه از ما. کارگرها".

سوراهای اسلامی کارگران نیز طی اطلاعیه‌ای "لغو سود ویژه را اهانت مستقیمی به همه کارگران دانستند." سوراهای اسلامی به عدم نظر خواهی از کارگران و سوراهای در نحوه لغو قانون سود ویژه و نیز جایگزینی آن با قانونی که کاملاً بنفع سرمایه‌داران است اعتراض کردند.

در باره لغو سود ویژه که زمزمه‌اش از یکسال قبل با عنوان "طاغوت‌زدایی" و یا مقابله با بحران اقتصادی مطرح شده بود و سرانجام بشکل لایحه قانونی در آمد، کارگران نظرات گوناگونی ارائه می‌کنند بطور عمده آنها را به دو بخش می‌توان خلاصه کرد:

نظر اول که جنبه مادی سود ویژه را مطرح می‌کندو بهمین علت جبران آن را بهر شکلی که

سال بعد، یعنی در اولین سال اجرای آن بنسبها ده هزار نفر کارگر سود ویژه گرفتند و در سال ۱۳۵۲ این رقم به گفته دولت وقت به حدود ۱۹۰ هزار تن رسید. در سال ۱۳۵۴ قرار شد سود ویژه بر اساس تولید و اضافه تولید و کاهش ضایعات پرداخت شود و کارگران حداکثر تا ۴۰ درصد در منافع خالص کارگاه شریک شوند. بر اساس آماري که از طرف رژیم سابق انتشار یافت در سال ۱۳۵۴، حدود ۳۸۸ هزار نفر کارگر (در ۷۸۳۱ کارگاه) مشمول قانون سود ویژه بودند که این رقم تا بیش از سقوط رژیم به حدود سیم میلیون نفر بالغ شد.

با اجرای این قانون تمام کارگاههای مشمول با هر تعداد کارگر باید طرح سهیم کردن را در کارگاه عملی می‌کردند.

نحوه پرداخت سهم کارگران بدین ترتیب بود که معمولاً آخر هر سال یا نیم سال یا سه ماه بهمانی بین کارفرما و کارگران بسته شود و وجوه مورد توافق بین کارگران تقسیم و پرداخت گردد. برای تقسیم این وجوه معمولاً ضوابط زیر مورد استفاده قرار می‌گرفت: پرداخت سود ویژه به نسبت دستمزد، به نسبت سابقه خدمت سابقه خدمت و دستمزد، بطور مساوی یا برحسب ضریب حقوقی کارگران. این مبلغ از ۴۵ روز حقوق شروع شد و به ۶ ماه نیز رسید.

سود ویژه، کارگران تولیدی مونتاز (مانند: اتومبیل وسایل منزل و پارچه بافی و...) را در برمی‌گیرد.

برخی کارخانه‌ها سود ویژه و برخی سود ویژه وعیدی دریافت می‌کردند که رقم ایندو گروه نسبتاً مساوی است. کارگران خدمات (ساختمانی، آب، برق، راه‌آهن، ذوب‌آهن و نفت) سود ویژه دریافت نمی‌کردند.

بلکه در اجرای ناقص آنست. این قانون همیشه طوری اجرا شده که کمترین آسیب ممکن را به سودگران برساند. علاوه آقای وزیر قانونی را لغو می کنند که اجرای کامل آن سودکارگران است. ایشان می توانند حمایت خود را در تغییر قانون کار و بخصوص ماده ۳۳ این نشان بدهند!

نظارت بر منافع کارخانه ها

کارگران در برابر این حرف سولان وزارت کار که می گویند "بخشی کارخانه ها در حال حاضر ضرر می دهند و ما چون مصلحت شما را می خواهیم سود ویژه را به این دلیل حذف می کنیم" پاسخ - های متفاوتی می دهند. برای گروه نخست که به جنبه مادی سود ویژه توجه دارند این سخن کافی است. ما به لغو سود ویژه اعتراضی نداشته باشیم. اما گروه دوم عدم سود دهی کارخانه ها را امری موقتی می دانند و معتقدند از آنجا که سرنوشت آنان به کارگاه های پستان گره خورده باید آینده آنان نیز در نظر گرفته شود.

یک کارگر موناژ کامیون می گوید: "سود ویژه دو جنبه داشت که در زمان رژیم شاه فقط به یک جنبه آن، و آنهم بطور خیلی ناقص عمل می کردند. اجرای کامل قانون سود ویژه دخالت کارگران در حسابرسی مراکز تولیدی را ایجاب می کرد. اول باید روشن می شد سود کارخانه چقدر است تا سود ۲۰ درصد آنرا معین کرد و به کارگر داد. اما اجرای این جنبه از قانون سود ویژه همیشه با مخالفت شدید کارفرما و دولت روبرو می شد. کارفرما با حساب سازی مطلق را بعنوان سود سالانه معرفی می کرد و رقمی را بعنوان ۳۰ درصد آن به کارگران می داد. آنهم بعد از کسر بسیاری هزینه های نامشخص. بدین ترتیب فقط جنبه کوچکی از قانون سود ویژه، آنهم بصورت ناقص و

سپیم و بدون دخالت و یا نظارت کارگر اجرا شده است. در حالیکه زوئی است که جنبه مداخله کارگران در کم و کیف سود کارخانه برای آنها اهمیت اساسی داشته و جنبه مادی آن از اهمیت بسیار کمتری برخوردار بوده.

بعد از سقوط رژیم و ایجاد شوراهای کارگران حس کردند که می توانند به خواست خود در مورد حسابرسی سود کارخانه ها هم برسند.

اما با لغو سود ویژه می شود گفت که کارگرها در این زمینه نه تنها پیشرفتی نکرده، بلکه حتی به عقب تر هم برناب شده اند و هیچ امکان دخالت و نظارت در کار موثرشان را ندارند. "قانون نامه منافع کارگران" در عین حال که این امکان را از کارگر گرفته که بتواند از کم و کیف حسابهای کارخانه مطلع شود، از نقطه نظر مادی هم برای کارگرها عقب گردی است که منافع آنها را هم، بخصوص در این دوره مشکل گرانی و کمیابی ارزاق، ناامن می کند.

یک کارگر با سابقه چاپ به هر دو جنبه سود ویژه نظر دارد و می گوید: "با سرازیر شدن تکنولوژی غرب احتیاج به کارگر یا مزد کم بیشتر شد. شاه سابق با اصلاحات ارضی خیلی از دهقانها را به شهرها کشاند، کارگران با مزد کم و ساعت کار زیاد شروع بکار در کارخانه ها کردند. رژیم سابق برای حفاظت بیشتر از ابزار کار و ایجاد دلستگی کارگر و تولید بیشتر، سود ویژه را درست کرد. وقتی سود ویژه مطرح شد هزینه زندگی بالاتر رفت - مثل همه وعده های افزایش حقوق - کارفرما هیچوقت مطلق را که خودش بعنوان بیست درصد سود خالص کارگاهها محاسبه می کرد بطور کامل، سرمورد و بدون سرو صدا و دعوا پرداخت نمی کردند. علاوه کارگران هیچوقت خودشان ناظر این محاسبات برای

نماین بود کارگاه و در نتیجه تعیین ۲۰ درصد بعنوان سود ویژه نبودند و این رقم همیشه برای آنها تنگ و مبهم بود.

بعد از انقلاب و ایجاد شوراهای کارگرها به این نتیجه رسیدند که می توانند در محاسبات مربوط به سود و زیان کارخانه دخالت کنند. چرا که وعده ها و شعارها این بود که کارخانه ها مال کارگران است و طبیعی بود که کارگران بتوانند به حساب و کتاب خودشان برسند. و این در واقع ناجیزترین سهم کارگر از انقلاب بود.

شورای انقلاب به بیان بحران اقتصادی و رکود از یک طرف و طغوت ردايي از طرف دیگر، سود ویژه را لغو کرد. به این ترتیب دیگر هیچ کارگری نمی تواند بخاطر تعیین سود ویژه در پیونده های کارخانه سرکشی کند.

یکی از ارگانهای دولتی سعی کرد با تسلیفات به لغو سود ویژه جنبه صرفا اقتصادی بدهد و در این کار چنان موفق شد که حتی روزنامه های گروههای مخالف هم جنبه اقتصادی لغو این قانون را بصورت حذف نسبی از دستمزد کارگر بزرگ کردند. درحالی که قانون سود ویژه جریبی از حقوق سیاسی کارگران بود که در جریان انقلاب به آن عمق داده شد و کارگر رابه دخالت بیشتر در سرنوشت خودش امیدوارتر کرد.

یک کارگر یخچال سازی می گوید: "من مساله بحران اقتصادی و رکود قطعی کارخانه ها را انکار نمی کنم، اما هنوز معتقدم که در مورد لغو سود ویژه، همان ساءله دخالت کارگرها بیشتر مطرح بوده تا مسائل پولی مربوط به کارخانه ها. کما اینکه بعد از لغو سود ویژه، در خیلی از کارخانه ها بیشتر موابای کسر شده کارگرها دوباره پرداخت شده است."



سال تحصیلی جدید در حالی آغاز شود که وضعیت مؤسسات آموزشی، چه در زمینه‌های فنی و عملی و چه در زمینه‌های انسانی و اجتماعی، دستخوش بحران و گنگی است. بازگشایی دبستانها و دبیرستانها در سال تحصیلی ۵۹-۶۰، با توجه به نامخص بودن چگونگی و زمان گشایی دوباره دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، اهمیت ویژه‌ای دارد و این سؤال را مطرح می‌کند که برای افساد فعالیت‌های آموزشی ابتدایی اقتضای دوباره دانشگاهها را تسهیل و تسریع خواهد کرد و یا برعکس، بحران ناشی از تعطیل دانشگاهها، به مدارس و بویژه دبیرستانها - با حدود ۱۰ میلیون دانش‌آموز سرایت خواهد کرد؟

سال تحصیلی آغاز میشود، اما...

با تعطیل بسیاری از مدارس، کمبود کتاب درسی و نامعلومی
وضع آموزگاران، چشم‌انداز سال تحصیلی بحرانی بنظر میرسد

کمبود کاغذ، عدم چاپ و توزیع بموقع کتابهای درسی و روش نبودن وضع مدارس از نظر مدیریت و کادر آموزشی، تصمیم به تعطیل فعالیت هواداران سازمانها، حزبها و گروهها در مدارس، بپاکنده کردن گروهی از معلمان و دانش‌آموزان از مدارس به بنیادهای خودسرانه و شیوه‌های غیر اصولی تفتیش عقاید، دوسره شدن وقت کار مدارس، منحل شدن تعدادی از آموزشگاهها و استخدام بی ضابطه و غیر اصولی آموزگاران تازه از همه میهن‌پرست‌ها بودن درهای دانشگاه، از جمله مسائلی است که مؤسسات آموزشی کمابیش سراسر کشور را دچار نابسامانی کرده است.

یکی از مهمترین مسائلی که بر بحران کنونی نظام آموزشی کشور دامن می‌زند و بر مجموعه نارسایی‌های مادی و فنی این نظام، بعد انسانی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را می‌افزاید، تصفیه‌های خودسرانه است که از مدتها پیش در مؤسسات آموزشی کشور جریان داشته، و گذشته از اثری که بر روحیه آموزگاران - و همچنین دانش‌آموزان داشته - باعث جفافانده نظام آموزشی راجع شده است، بی آنکه بافت

سوءولان دولتی با روحهای خوشبینانه بدین سؤال جواب میدهند و خوشبینی خود را با تدبیرها بی‌توجه می‌کنند که در جهت افزایش فعالیت‌های آموزشی و حل مشکلات موجود، ولو بصورت موقتی و در جهت بحران زدایی، اتخاذ شده است (گاهی تعطیلات عید به ۵ روز، استخدام سریع ۳۰ هزار معلم تنها از راه مصاحبه، توصیه به مدارس برای استفاده از کتابهای سال پیش برای حل مشکل کمبود کتاب...) اما با نطری سطحی به واقعیت‌هایی که از حلال اخبار و گزارش‌های رسمی - و احیاناً از زبان همین مقامات خوشبین - خود می‌نمایند، به سادگی می‌توان دریافت که چشم‌انداز آموزش و پرورش در سال جاری، بحرانی است.

از سال پیش مدارس کردستان - مناطق کردنشین آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام به صورت تعطیل در آمده است. وزارت آموزش و پرورش، سازمان آموزش و پرورش کردستان را منحل کرد. در استان لرستان نیز، با آغاز سال تحصیلی مدارس رسماً تعطیل خواهد ماند.

کارآمد تازه‌ای را جانشین آن کند. این تصفیه‌ها بویژه از آن جهت زیان‌آور بوده که در درجه‌اول گروه‌های کنیری از آموزگاران صادقی و کارآمدی را هدف قرار داده که با اتهام های واهی عقیدتی یکناری گذاشته شده‌اند. در حالیکه به تصفیه عناصر فاسد و وابسته به رژیم گذشته بسیار کمتر توجه شده و در خیلی موارد، اینگونه افراد با تغییر روش و بسا پنهان شدن در پس نقاب "دیانت" و "مکتب" بر سر کار مانده و حتی ارتقا سمت نیز یافته‌اند.

کار "تصفیه" آموزگاران و دبیران، و شیوه‌های بسیار شکوکی که در این راه مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدانجا کشیده که بسیاری از مسوولان و مقامات بلندپایه دولتی، و حتی رئیس جمهور نیز به آن اعتراض کرده‌اند.

تصفیه معزها و تخصص‌ها

مهندس عزت‌الله سبحانی نماینده تهران، در جلسه علنی مجلس به دنبال طرح تعدید مهلت اجرای قانون پاکسازی گفت:

مسأله پاکسازی امر مهمی است و اول انقلاب ما این مسأله را شنیدیم و امیدوار شدیم ولی به علت اینکه ضوابط مشخصی برای آن وجود نداشت در عمل دیدیم افرادی که متفکر هستند بجای ضد انقلاب تصفیه شدند و هم‌اکنون نیز در دستگاه‌های اداری بجای تصفیه عناصر ضدانقلاب بعضی از معزها و تخصص‌ها تصفیه می‌شوند.

مهندس یارگان در مقاله‌ای با عنوان "نهضت ضد ایران" شیوه نسنجیده پاکسازی ادارات را شنیداً محکوم می‌کند و می‌گوید "پاک‌رانی" جایگزین پاکسازی شده است. یارگان می‌نویسد: "این پاکسازی نیست، پاک رانی است و تخلیه ادارات از هر مطلع و منخصص و هر کسی که سرش به تنش می‌ارزد... بزودی هر کسی که سری به تن دارد."

با همه این انتقادات و نگرانی جامعه‌شناسان و شیوه‌های ارتجاعی تصفیه عناصر آگاه، در ۱۵ تیرماه گذشته آموزش و پرورش تهران در اطلاعیه‌ای در ۱۴ ماده ضمن تأکید به لزوم رعایت موازین اسلامی در مدارس دستور داد تا ادارات مربوطه کسانی را که "در کسوت مقدس معلمی و در حمایت انقلاب خونین اسلامی به صید معزهای کودکان معصوم نشسته خوراک حزبی و غیر اسلامی خود رایج خورده‌اند" می‌دهند شناسایی کرده و قاطعانه آموزش و پرورش را از لوٹ وجود آنها پاک کنند. در ماده ۴ این دستور العمل آمده است: "افراد مکتبی و لایق را شناسایی و به تناسب در پست‌های حساس به کار گمارند و به تقوی قبل از سابقه کار و تجربه اهمیت دهند. ظواهر مذهبی و حریم شرع اعم از لباس و برخورد و عمل شنیداً مراعات شده و افراد

بی اعتنا برکنار شوند

کمبود معلم ماهر و کارآموزده همواره یکی از مسایل و مشکلات عمده آموزش و پرورش بوده است. با اتخاذ روش جایگزینی "تقوی" بجای مهارت، کارآیی، تجربه و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش با وضع ناسامانتری روبرو خواهد بود. گروهی از مسوولان آموزش و پرورش با مستمسک قرار دادن اطلاعیه ۱۳ ماده‌ای بسیاری از مدیران دلسوز، معاونان کارآموزده و دبیران وظیفه‌شناس و آگاه را به نحو بسیار زننده‌ای یا پاکسازی می‌کنند و یا با رفتارهای نسنجیده‌ای که از غرض‌ورزی‌های شخصی و گروه‌گرایی سرچشمه می‌گیرد، تحقیر می‌کنند و آنها را از اشتغال به وظیفه خود دلسرد می‌کنند. یک فرهنگی در این زمینه می‌گوید:

"سال پیش جوانی را برای تدریس تعلیمات دینی به دبیرستانی که من نیز در آن تدریس می‌کردم فرستادند، این جوان با همه تقوایی که رئیس ناحیه آموزش و پرورش در او سراغ داشت، نتوانست در کار تدریس موفق شود. از روز دوم تدریس تعداد دانش‌آموزان کلاس ۵۰ نفری او به ۱۰ نفر و بعد به ۴ نفر تقلیل یافت. مدیر مدرسه ناچار ویرا در اختیار ناحیه آموزش و پرورش قرار داد. در مدرسه دیگری این جوان موفق نبود و طی گزارشی به ناحیه عذرش خواسته شد، اما همین جوان در شهریورماه به سمت رئیس بزرگترین دبیرستان ناحیه منصوب شد."

آموزگار دیگری می‌گوید: سال پیش کتابهای فارسی، تاریخ و علوم اجتماعی بویژه دانش‌اجتماعی و جامعه‌شناسی رشد اقتصاد و اجتماعی دیرپدست دانش‌آموزان رسید. دبیر جامعه‌شناسی برای اینکه در اوضاع و احوال حساس جامعه بتواند کلاسها را دایر نگه‌دارد با مراجعه به اداره‌های مختلف و سازمان چاپ و نشر کتاب‌های درسی نسخه‌ای از فصل اول کتاب جامعه‌شناسی سالهای اول، دوم، سوم و چهارم اقتصاد را که مشترک بود تهیه کرد و آنرا تکثیر کرده در اختیار دانش‌آموزان قرار داد و به تدریس این فصل پرداخت. نتیجه کار این دبیر برای دانش‌آموزان جالب بود، چرا که در امتحان نهایی حتی یک نفر از ۱۱۰ شرکت کننده این مدرسه تجدیدی نشدند. من و همه دبیران یقین داشتیم که از چنین دبیری قدردانی می‌شود، ولی در تابستان بدنبال اعزام چند جوان بی تجربه و ناآگاه از مسایل آموزش و پرورش، این دبیر تنها به خاطر محبوبیتی که بین دانش‌آموزان داشت در اختیار آموزش و پرورش ناحیه قرار گرفت تا به جای دیگری اعزام و در حقیقت تبعید و با پاکسازی شود."

محیط آموزش و پرورش که همواره بر "روابط عاطفی" و انسانی معلم و شاگرد متکی بوده،

هم اکنون به خاطر اعمال شیوه‌های پلیسی تفتیشی عقاید حائلی ناخوشایند و بالقوه انفجار آمیز را خود گرفته است. ثبت نام دانش آموزان اغلب با تفتیش عقاید توأم است. در هفته های اخیر، پاکسازی، آموزگاران دافنه وسیعی پیدا کرد. کنار گذاشتن این آموزگاران و اعلام اساسی آنها در کنار نامهای افراد فاسد و ایستاده بر زمین گذشته موحی از اعتراض و نارضایتی در بین معلمان، دانش آموزان و خانواده هایشان بوجود آورد. این تصفیه ها همچنین استخدام آموزگاران تازه از راه رسیده با یک گزایش خاص حزبی و نفیض عقاید داوطلبان معلمی همچنان مورد بحث محافل و خانواده هاست. نحوه استخدام آموزگاران حتی در مجلس نیز مطرح از آن شدت انتقاد شده است.

استخدام ۳۰ هزار معلم

دکتر باهنر در پاسخ انتقاد چند تن از نمایندگان مجلس از تفتیش عقاید داوطلبان معلمی گفت: ... آیاماجاز هستیم وقتی که می خواهیم معلم انتخاب کنیم بی در و دروازه هر که را شد انتخاب کنیم؟ ما این را بهیچ وجه نمی پذیریم. بنابراین امسال که در حدود ۳۰ هزار معلم جدید می خواهیم انتخاب کنیم ناگزیریم که این افراد را شناسایی کنیم. دکتر باهنر سپس اضافه می کند برای شناسایی معلمان جدید، گروه های مصاحبه بوجود آمدند و از افراد داوطلب معلمی در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سؤال در مسائل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی بعمل آمد. به گفته او "البته ممکن است بعضی از گروه های مصاحبه کننده در بعضی از شهرها اشتباهاتی بکنند و نگرانی های داشته باشند، که اگر گزارش این اعمال برسد، پس از بررسی جلوی آنها خواهند گرفت."

داوطلبان مردود شده در این مصاحبه ها که دکتر باهنر به آنها اشاره داشت مدعی هستند که انتخاب افراد برای شغل معلمی از این داوطلبانی صورت می گیرد که مجری سیاست حزب جمهوری اسلامی باشند، اگر افراد دیگری گزایشی غیر از این داشته باشند مردود می شوند. این عده از قول معلمان شاغل می گویند: تغذیه ای مثل رئیس اداره آموزش و پرورش شهر یا ناحیه، مدیر کل ادارات مختلف، مدیران مدارس متوسطه و ابتدایی به افرادی تعلق دارد که پیرو حزب جمهوری اسلامی یا مورد حمایت عضوی از این حزب باشند. به همین دلیل کم نیستند افراد فرصت طلبی که رنگ عوضی کرده اند و ادارات آموزش و پرورش و مدارس را زیر تسلط انحصار گرایانه خود در آورده اند.

ایرج شگرف نخی سرپرست وزارت آموزش و پرورش در پی اعلام خبر استخدام ۳۰ هزار معلم و شناسایی آنها که از سوی حجت الاسلام باهنر در مجلس

عنوان شده بود گفت: " صحبت های حجت الاسلام باهنر بیشتر در این مورد بوده است که گزینش و استخدام معلمان با معیارهای جدیدی اجزای شود و اصولاً معلم در نظام اسلامی ارزش والا دارد و نمی توان کودکان را بدست هر فردی یا هر نوع طرز تفکری سپرد و بطور کلی وزارتخانه بخصوص از نظر ایدئولوژیک باید اطمینان یابد معلمی که سر کلاس می رود آیا خود از نظر ایدئولوژی دارای ارزش ها و معیارهای قابل قبول و صحیح اسلامی هست یا خیر؟"

کمبود کتاب درسی

گذشته از این مسائل انسانی، یک سلسله مسائل فنی نیز فعالیت سازنده آموزش و پرورش در سال جاری را مختل می کند که کمبود کتابهای درسی یکی از عمده ترین این مسائل است. این کمبود به علل ریشه های تحصیلی مربوط می شود و با توضیحاتی که مسؤلان وزارت آموزش و پرورش داده اند، چندین ماه طول خواهد کشید که همه دانش آموزان، به همه کتابهای درسی مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند.

به گفته مدیر کل دفتر چاپ و توزیع کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش، برای دوره ابتدایی ۲۴ عنوان کتاب با تیراژ ۳۱ میلیون جلد مورد نیاز است. ولی از این تعداد کتاب تنها ۱۴ عنوان با ۱۴ میلیون تیراژ تولید شده است. با توجه به اینکه بیشتر دانش آموزان ایران در دوره ابتدایی درس می خوانند بیش از ۶۰ درصد دانش آموزان ابتدایی کتاب نخواهند داشت. از ۲۴ عنوان کتاب ۱۰ عنوان آن یا ناخیر چاپ و توزیع خواهد شد. با توجه به اینکه برای چاپ ۱۴ میلیون کتاب دوره ابتدایی بیش از یک سال وقت صرف شده، معلوم نیست چاپ ۱۷ میلیون کتاب دیگر این دوره، چقدر طول خواهد کشید. از همین رو، وزارت آموزش و پرورش در آخرین روز های شهریور به مدارس ابلاغ کرد که می توانند بطور موقت از بعضی از کتابهای سال پیش استفاده کنند.

دوره راهنمایی وضع ناسامان تری دارد. کتابهای فارسی، علوم، تاریخ و تعلیمات اجتماعی این دوره از ۱۵ مهرماه به بعد توزیع خواهد شد و ۳۲ صفحه از کتابهای تاریخ و تعلیمات اجتماعی به صورت جزوه در اختیار معلمان گذاشته خواهد شد. از طرف دیگر از کتابهای قدیمی فارسی و علوم سالهای مختلف راهنمایی به طور موقت می توان استفاده کرد. در مورد دوره متوسطه از ۱۹ عنوان کتاب سال اول نظری تنها ۱۰ عنوان آن بنا به گفته مسؤل چاپ و توزیع کتابهای درسی آماده توزیع است و ۹ عنوان دیگر در مرحله بعد توزیع خواهد شد. از این تعداد بطور موقت می توان از کتابهای فارسی، آئین نگارش، حساب و

جبر، هندسه، ریست‌شناسی، رشته علوم تجربی، شیمی و اکولوژی سال قبل استفاده کرد، ولی کتابهای دانش اجتماعی و عربی سال قبل قابل استفاده نیست و دانش آموزان ماهها بدون کتاب خواهند ماند.

در سال دوم نظری نیز همه کتابهای درسی آماده توزیع نیست و شاید تا نیمی از سال گذشته کتابهای درسی تکمیل نشود. همزمان با آغاز سال تحصیلی ۱۹ عنوان از کتابهای سال دوم توزیع می‌شود و بقیه در مرحله دوم در دسترس محصلان قرار خواهد گرفت. کتابهای سال سوم و چهارم نظری نیز کامل نیست.

تعطیل مدارس در دو استان کشور

از جمله مسائل دیگری که بربحران سیستم آموزش و پرورش کشور دامن زده و بسیاری از خانواده ها را درباره وضع تحصیل فرزندانشان دچار بلا تکلیفی کرده، تعطیل معضی مراکز آموزشی بدلائل متعددی است که در اغلب موارد، از ضابطه شخص و موقعی پیروی می‌کند. در گونه و کنار شنیده می‌شود که این یا آن مدرسه، بدلیل وابسته بودن مدیر یا صاحب ساختمان آن، و یا بدلیل نافرمانی گروههایی از دانش آموزان آن، کلاً تعطیل شده است.

از این گذشته، هم‌اکنون در دو استان کشور، مدارس رسماً تعطیل اعلام شده تا در فرصت دیگری افتتاح شود.

حجت الاسلام اسحق مشکینی مدیر کل آموزش و پرورش لرستان روز ۲۳ شهریور ماه در یک مصاحبه با خبرنگار کیهان در خرم‌آباد گفت:

" تا زمانی که رویای مکتبی جهت واحد های آموزش و پرورش شهرستانها و مناطق تابعه استان و مقاطع تحصیلی دبستان، راهنمایی و دبیرستان در نظر گرفته نشود و کلاس بازآموزی و ایدئولوژی و تعلیم روش قرآن برای معلمان و تشکیل کلاسهای مدیریت برای مدیران جدید و انتخاب معلمان و راهنمایان تعلیماتی به پایان نرسد، مدارس همچنان

تعطیل خواهد ماند."

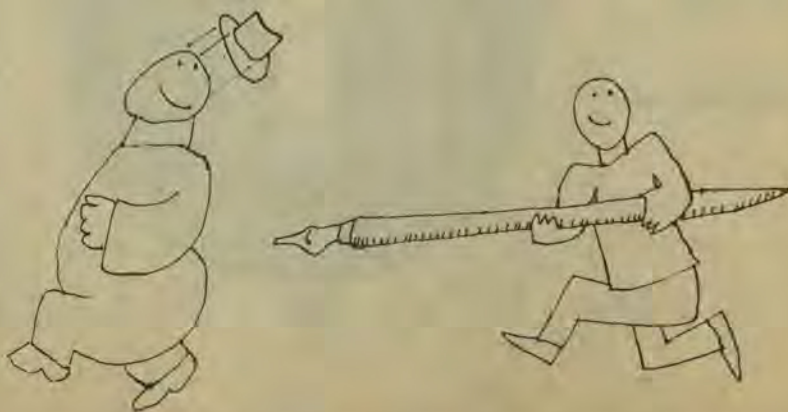
وی اضافه کرد: " طرح تعطیل مدارس استان لرستان قلاً به آقای رجایی نخست وزیر و وزیر آموزش و پرورش و همچنین مشاوران وی ارائه شده است."

کلیه مدارس و ادارات آموزش و پرورش کردستان نیز تعطیل و بازگشایی آنها به ایجاد شرایط مناسب‌تری محول شده است.

استخدام معلم برای کردستان که سازمان آموزش و پرورش آن منحل شده است وضعیت خاصی دارد. ارسطو نمائنده نام‌الاختیار وزارت آموزش و پرورش در کردستان می‌گوید: نتایج امتحان گذر آموزشی کردستان تا اواخر مهرماه - یک ماه بعد از آغاز سال تحصیلی - اعلام می‌شود. معلمان جدید باید به هیچیک از گروههای ضد انقلاب وابستگی نداشته باشند و باید تاییدیه‌ای نیز از یکی از ارگانهای انتظامی منطقه مانند سپاه پاسداران یا سازمان بيسمرگان مسلمان ارائه کنند. دانش آموزان و اولیاء آنان نیز باید به‌مقام ثبت نام تعهد بیاورند که در جو اسلامی حرکت کنند، در غیر اینصورت خاطیان از مدرسه اخراج می‌شوند و در صورت گسترش آموزش و پرورش بار دیگر منحل می‌شود.

ارسطو در مورد تکلیف محصلان استان کردستان می‌گوید: در سال تحصیلی گذشته مقدار بسیار کمی درس آنهم فقط در سطح ابتدائی خوانده شد. مدارس راهنمایی و دبیرسناها اصلاً درس نخوانده‌اند بنابراین فقط از دانش آموزان ابتدائی برای ارتقاء بکلاس بالاتر امتحان بعمل می‌آید و این امتحان برای محصلان دوره راهنمایی و دبیرسناها اصولاً نتیجه‌ای ندارد و برگزار نخواهد شد.

نماینده وزارت آموزش و پرورش در کردستان درباره پرداخت حقوق معوقه ماههای تیر، مرداد و شهریور معلمان گفت: " آن کسانی که متعهد و مسلمان باشند و دعوت بکار شوند، در صورت نیاز حقوق معوقه نیز به آنان پرداخت می‌شود."



به طور بنیادی مسائل فرهنگی و از جمله نظام آموزشی کشور را دگرگون سازد. کلیه طرحها و برنامه های آموزشی وزارت علوم برای بررسی مجدد و اخذ هرگونه تصمیم به شورای انقلاب فرهنگی داده شده است. دکتر عبدالکریم سروش عضو و سخنگوی "شورای انقلاب فرهنگی" نیز درباره ماهیت و چگونگی "انقلاب فرهنگی" می گوید: "آن چیزی که لازم است امروز در دانشگاه های ما به آن توجه شود، نیاز به شناخت سه معرفت است: معرفت علمی، معرفت فلسفی و معرفت مذهبی. برای آنکه این مهم انجام شود، نباید تفکر علمی و فلسفی را محدود کنیم بلکه باید درک علمی را بالا ببریم تا به درک بیشتر مذهب برسیم."

دانشگاه ها و موسسات آموزشی عالی از ۱۵ خرداد به صورت تعطیل درآمد و این تعطیل همچنان ادامه دارد. حسن حبیبی عضو شورای انقلاب فرهنگی پس بینی می کند که "اگر کار همین طور پیش برود در اوایل سال ۶۰ تنها قادر خواهیم بود که دانشکده های پزشکی و دندانپزشکی را دایر کنیم، دیگر اعضای شورای انقلاب فرهنگی نیز با حسن حبیبی هم عقیده اند و بازگشایی دانشگاهها را در آینده نزدیک امکان پذیر نمی دانند."

دکتر حسن حبیبی در مورد کار ستاد انقلاب فرهنگی می گوید: "این ستاد به منظور سه هدف تشکیل شده است، یکی تعیین خط مشی فرهنگی و به طور

ده ها هزار دانشجو، صدها هزار داوطلب شرکت در مسابقه ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، هزاران نفر از اساتدان و کارکنان دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و میلیون ها ایرانی که به نوعی، سرنوشتشان با دانشگاهها گره خورده، منظر بازگشایی دانشگاهها هستند. اینک که بیش از ۲۰ ماه از آغاز تحولات بزرگ و سریع اجتماعی بهمن ماه ۵۷ می گذرد و دومین سال تحصیلی در رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده، دانشجویان از راهیابی به دانشگاهها محروم هستند، گذشته از این محرومیت که خود زیانیهای بزرگ فرهنگی را به دنبال دارد، نفس بینکاری و بی برنامه ماندن نیروی فعال و با فرهنگ کشور نیز ضررهای بزرگتری دارد که اکنون گریبان جامعه ما را گرفته است. حوادثی که از اواخر فروردین ماه بعنوان "انقلاب فرهنگی" و یا به قول رئیس جمهور "بعثت فرهنگی" آغاز شد، بزودی دامنه وسیعی گرفت و در مدت کوتاهی ۲۲۰ دانشکده، دانشگاه و مدرسه عالی را به تعطیل کشاند که بازگشایی آنها هنوز معلوم نیست. به قول دکتر جعفری معاون آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی: "تا اعلام نتایج بررسی های شورای انقلاب فرهنگی هیچ تصمیمی درباره دانشگاهها گرفته نخواهد شد و تا حل بنیادی مسائل دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی، شورای انقلاب فرهنگی به کار خود ادامه خواهد داد. انقلاب فرهنگی آغاز شده تا

دانشگاهها
همچنان
بسته
می ماند



محدودتر خط مئی آموزشی کشور، دیگری تهیه برنامه‌های آموزشی کشور برای دوره قبل از ابتدائی تا سطح آموزش عالی و حتی بعد از آن در جارجوب خط مئی، سوم انتخاب و تربیت اسناد جهت تدریس، این برنامه‌ها و احکام این‌گزارها نیز در یک ماه و دو ماه و یا زمان کوتاهی می‌رسند.

در هفده می‌ماه بعد از دیدار اعضای هیأت انقلاب فرهنگی با امام خمینی اعلام شد: "امام کار و طرح‌های هیأت انقلاب فرهنگی را تأیید کردند و دستور دادند تمام ارگانها از جمله رئیس‌جمهوری و دولت با هیأت انقلاب فرهنگی همکاری کنند."

دکتر عبدالکریم سروش سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی درباره تعطیل طولانی دانشگاه‌ها در مصاحبه با

عظیوعات گفت: انقلاب فرهنگی معتقد است به عوض کرس مبتدائی هم‌اکنون فرهنگی اجتماع که یکی از آنها دانشگاه و مؤسسات آموزشی است، سروش در پاسخ به این سؤال که "با آن نحو اسلامی کردن دانشگاه‌ها که شما مطرح کردید ما حالا حالا‌ها نمی‌توانیم دانشگاه داشته باشیم، آیا شما به عواقب این تعطیلی بلند مدت مراکز آموزشی اندیشیده‌اید" گفت: "در سخنان امام هم آمده بود که تطویل نکنید تعطیلی دانشگاه‌ها را البته معجل هم نکنید و سب‌بار و باری بی‌فهرجهت نباشد که هر چند سالی شده‌کشد. ما نظرم آن است و خود می‌دانیم مراکز آموزشی مخصوصاً آموزش علمی را با توجه به نیازهای مملکت نمی‌تواند به‌طور نامحدود و نامعینی تعطیل کرد."

بیکاری و جوانان

دکتر سروش درباره بیکاری جوانان گفت: ملائکتی آنها از نظر کار امری است که خیلی با شورای انقلاب فرهنگی ارتباط پیدا نمی‌کند، چون حداقل اگر ۶۰ هزار نفر تسلیت آماده برای کشور داشته‌باشیم، دانشگاه‌ها حدود ۴۰ هزار نفر را می‌تواند بپذیرد و بقیه همچنان پشت کنکور باقی خواهند ماند و باز بسته بودن دانشگاه‌ها تأثیر خیلی اندکی بر این امر دارد."

در اواسط شهریور آیت‌الله منتظری درباره جمعیت قدر مورد سریعتر باز شدن دانشگاه‌ها به "شورای انقلاب فرهنگی" توصیه‌هایی کرد و از اینکه "سؤال" شورای انقلاب فرهنگی "مسئله‌های زیادی دارند انتقاد کرد. سخنگوی شورای در پاسخ به گفته‌های آیت‌الله منتظری گفت: با آیت‌الله منتظری تماس گرفتیم و متوجه شدیم که تمام مشکلات را به ایشان نگفته‌اند ولی همان‌طور که ایشان قبلاً "نیر امام فرمودند تعطیل دانشگاه‌ها نباید طولانی شود ولی در بازگشایی آنها هم نباید حیات عجله کرد که کاری نیم بند صورت گیرد، دکتر سروش درباره بیکاری اسناد و در پاسخ به این سؤال که شایع است که اول مهرماه اسناد

دانشگاه‌های مناطق دیگر منتقل می‌شوند و اسنادانی که به یک حزب خاصی وفادار نیستند تصفیه می‌شوند گفت: "قبلاً" این موضوع را تکذیب می‌کنم و اصلاً چنین مواردی مطرح نبوده و نخواهد شد.

از سوی دیگر در جلسه‌ای که در مدرسه قضیه قم، با عنوان "حوزه، دانشگاه و انقلاب فرهنگی" برگزار شد، تعطیل دانشگاه‌ها تا زمان اجرای طرح انقلاب فرهنگی خواسته شد. در این جلسه گروهی از دانشجویان، طلاب حوزه‌علمیه قم و گروهی از اسناد دانشگاه شرکت داشتند. جلسه دیگری در دانشگاه ملی با شرکت ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور، وزیر علوم و عده دیگری از دست‌اندرکاران دانشگاهی برگزار شد. بیشتر شرکت‌کنندگان در این جلسه مخالف تعطیل دانشگاه‌ها بودند. دکتر بنی‌صدر در این جلسه گفت: انقلاب فرهنگی این نیست که دانشگاه‌ها را ببندیم. معنای "انقلاب فرهنگی" این است که ماهیست در تحصیل باشیم. در بیست و ششم شهریور ماه دکتر با هر عضو شورای انقلاب فرهنگی گفت: برای برنامه ریزی سیستم آینده کشور و کمک به این سیستم از تمام دست‌اندرکاران و متخصصان علوم تعلیم و تربیت تقاضای همکاری می‌شود."

در همین زمان دکتر حبیبی در مورد بازگشایی دانشگاه‌ها و نحوه ادامه کار آنها گفت: بنا بر تصمیم ستاد انقلاب فرهنگی فعلاً در رسته‌های پزشکی و دندانپزشکی دانشجویانی که فقط ۶ ماه از تحصیل آنان باقی مانده می‌توانند در صورت ادامه دهند تا فارغ التحصیل شوند و با برنامه‌هایی که در حال مطالعه است احتمالاً تا ابتدای سال ۶۰ دانشکده‌هایی از قبیل پزشکی قادر به شروع کار خواهند بود. و باید در روستا جدید دانشگاهی آغاز سال تحصیلی و نحوه واحد بندی و نرم نیز تعبیر کنند و مانند گذشته نباشد.

حجت الاسلام ربانی املی که مسئول تصفی و تزکیه دانشگاه‌ها در ستاد انقلاب فرهنگی است در مصاحبه ۲۵ شهریور خود در مورد پاکسازی دانشگاهیان گفت: "یک هیأت جدیدی انتخاب خواهند که ضی‌ادامه پاکسازی به‌برورده افراد پاکسازی شده معترض به رسیدگی خواهد کرد. زیرا در پاکسازی‌های انجام شده در گذشته در بعضی موارد، دخالت غرض‌ورزی‌های شخصی و تسویه حساب‌های خصوصی موجب خدشه دار شدن امر مهم پاکسازی شده است. چنانچه در بعضی از موارد خود اعضای هیأت پاکسازی نیز مستحق پاکسازی هستند."

حجت الاسلام ربانی املی درباره هیأت‌های جدید پاکسازی گفت: "این هیأت ضمن ادامه پاکسازی مسئول برقراری امنیت قضائی، مالی و جانی در محیط دانشگاه خواهد بود و قضاوت در برخی از موارد مانند ضدیت با انقلاب به عهده دادگاه‌های انقلاب گذاشته شده است."

دکتر علی شریعتی در مورد ادغام دانشگاهها و مدارس عالی کشور گفت: در گذشته تصمیم بر این بود تا تهران به یک دانشگاه بزرگ و هفت دانشکده که شامل ۵۴ مؤسسه آموزش عالی است تبدیل شود. ولی در بررسی های بعدی طرحهای دیگری پیشنهاد شد که احتمالاً "هر کدام از این هفت دانشکده نیز در یکی از دانشگاههای تهران ادغام می شود".

یک دانشکده و ۴ استاد

دکتر حسن حسینی در مصاحبه ۲۵ شهریورماه گفت: "پس تا ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ دانشگاه، دانشکده، مؤسسه آموزش عالی در ایران وجود دارد که اصولاً تعدادی از آنها بی حساب و بدون توجه به ضوابط تأسیس شده است. حتی در تهران یک دانشکده که حدود ۶۰۰ دانشجوی لیسانس و فوق لیسانس دارد تنها ۴ استاد ثابت در استخدام دارد و از این قبیل مؤسسات در ایران زیاد وجود دارد".

در آخرین روز شهریور ماه جهاد دانشگاهی - دانشگاه ملی اعلام کرد: "در اجرای برنامه های جهاد دانشگاهی واحدهائی از این دانشگاه آماده انجام کارهای سازمان ها و ارگانهای انقلابی و مردم است. از جمله این نهادها جایگاه دانشگاه ملی و لابراتوار عکاسی است. دفتر معماری و مرکز زبان دانشگاه نیز آماده دادن خدمات به نهادهای انقلابی است".

اعضای شورای عمومی هیأت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران طی نامه ای به رئیس جمهوری، مجلس شورای اسلامی، وزارت علوم و سناد انقلاب فرهنگی و مطبوعات بارگشائی فوری دانشگاهها را خواستار شده و ضمن درخواست تصفیه دانشگاه از عناصر و راسته به رژیم گذشته و سلب کمیت های تصفیه مسخ انتشار دانشگاهی، هرگونه نفیض و تصفیه عقیدتی را که برخلاف قانون اساسی صورت گیرد، محکوم کردند. ۵۶ استاد امضاء کننده این نامه معتقدند: "بارگشائی دانشگاه نه تنها مانع انقلاب آموزشی و فرهنگی نیست، بلکه تنها راه حلی است، که میتواند مسأله را از بن بست فعلی بیرون آورد. علم منحصر به علوم طبیعی نیست و علوم اجتماعی چنانچه تربیتی یافته متکی باشد، برده ها را از روی مناسبات نابرابر اجتماعی بر میدارد و راه رسیدن به سوی جامعه ای متعالی را به ما نشان خواهد داد. دانشگاه میتواند با ایفای نقش خود به عنوان مربی، محققان و افراد مورد نیاز کشور را تربیت کند".

دکتر ملکی سرپرست سابق دانشگاه تهران درباره تعطیل دانشگاهها می گوید: "سائل دانشگاهی بستگی به مسائل خارج دانشگاه دارد و جدا از آنها نیست، گذشته از این باید بینیم هدف از این کار چیست که

می خواهند ۲ ماه، ۶ ماه یا ۲ سال دانشگاهها را تعطیل کنند، اگر این با برنامه مدون و فکر شده عملی شود، کسی مخالف آن نیست. اول باید بینیم که برنامه آینده مملکت چیست و کشور سوسی چه نوع جامعه ای می رود آیا جامعه ماسریه داری خواهد بود یا جامعه ای توحیدی یا...، ناوقتی که این مسائل معلوم نشود ما نمی دانیم بر سکی که می خواهیم تربیت کنیم چه بر سکی است و اصولاً ناوقتی که ندانیم نیاز ما چقدر است، خطری نمی توانیم برای پذیرش دانشجوی بر سکی برنامه ریزی کنیم. در مورد مسائل دانشگاهی باید کسانی طرح بدهند و کسانی اظهار نظر کنند، که با این مسائل آشنا باشند و گرفته های خواهند شد که چندی پیش دیدیم".

بسیاری از مردم نیز می گویند در حالیکه کشور ما دستخوش توطئه امپریالیسم آمریکا و جنگ خونس با عراق است، محتاج به اتحاد و نظام هستیم - به عراق است، محتاج به اتحاد و نظام هستیم، دانشگاه به خاطر خصلت آگاهی بخش خود که همیشه در دفاع از آزادی و مبارزه با استبداد و دیکتاتوری در خط مقدم جبهه بیگاری می کند، در این راه می تواند بسیار مؤثر باشد. مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از بیگاری، کم کاری، گرانی، گران فروشی، احتکار و مدیریت غلط و بسیاری مسائل دیگر ایجاب میکند که هر عمل انقلابی در جهت تصفیه، منجر به افزایش بی نظمی نشود. در این موضوع که اساس برنامه های درسی دانشگاهها و مدارس باید تغییر کند حرجی نیست اما همه این تغییرات را می توان باید در خارج و یک سیاست عملی انقلابی انجام داد. و این کار را می توان، همزمان با ادامه کار دانشگاهها در خارج و یک انقلابی و سکی بر سورها، به حق رساند.

پوش به دانشگاهها و تجاوز به حریم آنها، ورود قوای امنیتی به دانشگاهها و زیر پا گذاشتن استقلال آنها که دانشجویان و اساتدان به خاطر آن قربانی های فراوانی داده اند و تادیبه گرفتن سورها های دانشجویی و اسنادی و کارمندی دانشگاهها که از دست آورده های انقلاب بودند، نمی تواند چاره ساز در دردهای فرهنگی و آموزشی باشد. اگر وسایل ارتباط جمعی در زیر سانسور فشار از سر آزاد خبر و تفسیر واقعی مسائل و حوادث بازمانند و دانشگاهها و کانون های آگاهی بخشی تعطیل شوند و بوده های مردم به خاطر نداشتن توان لازم جهت ارزیابی درست فضا از راه تحریک عصبی در برابر هم قرار داده شوند، امپریالیسم خود بخود به هدف رسیده است.

دگرگونی وضع دانشگاهها و برنامه های درسی و ضوابط اخلاقی آن باید بر اساس هدفهای مشخصی باشد که یک جامعه انقلابی برای رهایی از اسارت فرهنگی، علمی

ولنی جامعه به آن نیاز دارند و نه بر پایه تعصب های سطحی
عراسی و اعتقادی که احیاناً به برخورد و خشونت نیز
کشیده شود.

رئیس مصطفی ویزکمه که از آغاز سال تحصیلی ۵۸ در
دانشگاهها و مراکز آموزشی شروع شده بود، با پیام نوروزی
امام خمینی درباره انقلاب فرهنگی، وسعت و
سرعتی تازه یافت. امام خمینی در این پیام از خطه
گفت: "باید انقلابی اساسی در نظام دانشگاههای سراسر
ایران به وجود آید، تا اسانیدی که در ارتباط با شرق و
با غرب اند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود،
برای تدریس علوم عالی اسلامی، اکثر ضررات
مهلکی که به این اجتماع حورده است از دست اکثر همین
روشنفکران دانشگاه رفته ای است که همیشه خود را
بزرگ می دیدند و می بینند."

بیانات امام، بحث هایی را چه در محافل فرهنگی
و دانشگاهی، و چه در میان مردم بدنبال آورد که همه
آنها به چگونگی اجرای انقلاب فرهنگی مربوط میشد،
چرا که با توجه به شرایط موجود، لزوم انقلاب فرهنگی
مورد قبول همگان و زمینه ها پس مورد انتظار بود.
اما حوادثی که در روز ۲۶ فروردین در دانشگاه تبریز
اتفاق افتاد، این بحث ها را قطع کرد و جریان تازه ای
را بوجود آورد که سرعت در دیگر دانشگاهها بیفتاد.
تعطیل دانشگاه تبریز بدنبال درگیریهای صورت
گرفت که در جریان سخنرانی حجت الاسلام هاشمی
رفسنجانی در بازار اجتماعات دانشکده پزشکی دانشگاه
تبریز ۲۶ فروردین ماه - اتفاق افتاد. با سوءالانی
که از هاشمی رفسنجانی بعمل آمد، جلسه سخنرانی
متشخص و بدنبال آن گروهی با شعار "دانشگاه اسلامی
ایجاد باید گردد" ساختمان مرکزی دانشگاه را اشغال
کردند. پس از آن بدنبال درگیری های شدیدی که روی
داد، بازار تبریز در جاندازی از اشغال گران ساختمان
مرکزی به صورت تعطیل درآمد و به دعوت جامعه
روحانیت مبارز تبریز به سوی دانشگاه راه پیمائی شد و
در دانشگاه تبریز نماز وحدت به امامت آیت الله مدنی
برگزار شد. پس از اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه،
رئیس و معاون دانشگاه تبریز از سمت خود استعفا
کردند و رئیس دانشگاه در مصاحبه ای با مطبوعات گفت
که عمل اشغال وسیله اقلیتی صورت گرفته است و افزود
"زندگی ۱۴۰۰۰ نفر را نمی توان تابع احاسات ۲۵۰
نفر کرد."

شورای دانشگاه تبریز در همین رابطه بیانیه ای
صادر کرد و گفت: "... این اقدام ظاهراً به دنبال
تنجانی در جلسه سخنرانی حجت الاسلام رفسنجانی
در بازار دانشکده پزشکی صورت گرفت. لازم به تذکر
است که برگزاری این سخنرانی بدون اطلاع سوءولان
دانشگاه و طی اطلاعیه های بدون امضا بوده است -
متعاقب تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه به وسیله

گروه های فوق و دعوت از مردم با بخش اطلاعیه های
شماره یک و دو و سه عده ای را حجت بستمانی از تصرف
ساختمان مرکزی راهی دانشگاهها کرده اند، که در
پس آنها متاعه افراد مسلح به سلاحهای سرد و گرم
وجود داشتند. تعدادی از این افراد پس از ورود به
دانشگاه با حمله به واحدهای آموزشی و ایجاد
خسارت های مالی در ساختمان دانشکده های ادبیات،
فنی و علوم و از بین بردن کتابخانه های دانشجویی به
ضرب و شتم شدید و دستگیری دانشجویان اقدام کردند."
در پی اشغال دانشگاه تبریز، موج حمله به
دانشگاهها وسعت بیشتری گرفت و در تهران، مشهد،
سیراز، رشت، اهواز، سیستان و بلوچستان و ...
برخورد های خشونت باری اتفاق افتاد که موجب کشته شدن
عده ای و مجروح شدن عده بسیاری شد.

درگیریهای تهران

بدنبال تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز
حمله به دانشگاه تهران از دانشکده های آغاز شد و در
اندک مدتی تمام دانشکده ها و مدارس عالی تهران را
دربار گرفت و برخوردهای عناصر میاحم و دانشجویان
شدت یافت، درگیری های خشونت بار با دانشکده در همه
مؤسات آموزشی عالی دیده می شد و در دانشگاه ملی،
دانشگاه ملی تکنیک و دانشگاه تربیت معلم شدید تر
بود و موجب مجروح شدن عده زیادی و کشته شدن چندین
نفر دستگیری ده ها نفر شد.

قبل از اشغال دانشگاه تبریز، از جانب "دانشجویان
مسلمان" سندی اقامت و منتشر کنندگان این سند ادعا
کردند که "بوی اشغال دانشگاهها از بیستی توطئه طرح شده
بود که بموجب آن ۱۹ رگان تشکیلی به نام های سناد
مرکزی، روابط عمومی، شورای هماهنگی، انتظامات
عملیات سارندگی، تدارکات تحقیقات و برنامه ریزی
وظائف اشغال و تعطیل دانشگاهها را به عهده داشته
است." بدنبال افشای این مطلب انجمن دانشجویان
مسلمان در اطلاعیه خود نوشت: "طرح این توطئه در
ساختمان هفت طبقه ای در پشت سفارت سابق آمریکا
ریخته شده و سردمداران این جریان ابتدا ۱۰ نفر
بوده اند و پس از چندی حدود ۲۰ نفر دیگر به جمع آنان
اضافه شده اند و در نظر دارند با شعار اصلاح نظام
آموزشی و تصفیه و پاکسازی محیط دانشگاهها، محیطی
مملو را امنی و هرج و مرج بوجود آورند."

سه روز بعد از اشغال دانشگاه تبریز، حجت
الاسلام خامنه ای در خطبه های نماز جمعه به گروههایی
که وضع دانشگاه ها را بهم میریزند و علیه جمهوری
اسلامی توطئه میکنند هشدار داد و گفت: "امروز در
دانشگاههای سراسر کشور گروههایی نمی خواهند
بگذارند که دانشگاه کار درست و رسالت واقعی خود را
به این ملکت انجام دهد. دانشجویان مسلمان ما

دیگر تحمل این را ندارند که ساد گروه های مسلح ضد اسلامی، سازماندهی را در داخل دانشگاهها بکنند، دانشگاههایی که با خون ملت بکشته می شود - مرکزی می شود برای اینکه چند نفر قداره بند علیه جمهوری اسلامی آتجا بنشینند عدهای را به ترکین صحرا بفرستند، عده ای را به کردستان، بعدادار بیاورند مراسم ساز جمعه گروههایی از ساز گزاران به سوی دانشکده علم وصنعت، پلی تکنیک ودانشگاه تربیت معلم راهپیمائی کردند و جمعه شب بنام "شورای انقلاب" در ارتباط با مسائل دانشگاهها صادر شد. در این بنام اعلام شد که دانشگاهها از ۱۵ خرداد به صورت تعطیل درمی آیند و به دانشجویان ۲ روز مهلت داده شد تا دفاتر خود را برجینند و اگر نایابان روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه دفاتر بخلیه شود، شورای انقلاب و رئیس جمهور برای برجیدن این دفاتر مردم را فرا خواهند خواند. در بند دیگر این اعلامیه تاکید می شود: اما این تصمیم هرگز به معنی عدم رعایت جو آزاد وسازنده فکری در چارچوب قانون اساسی نیست ولی وجود این دفتر ها که در هیچ جا و در هیچ انقلابی به این کیفیت سابقه ندارد، عملاً موجب درگیری و ناسامانی و آسیب دیدن جو آزاد و

سازنده برخورد آراء و افکار گردیده است. در ساعات اولی که این بنام صادر شد، تصور می رفت که مسأله دانشگاهها به نحو سلامت آمیزی فیصله یابد ولی برعکس بهاجم به دانشکدهها وموسسات آموزش عالی شدت گرفت. اغلب دانشکدهها محل برخورد های خشنوبار شد. خیابان ۱۶ آذر ودیگر خیابانهای اطراف دانشگاه سه شانه روز محل مقاومت دانشجویان و درگیری با گروههای مهاجم بود. خشونت تیراندازی، بوری، حمله و گریز در خیابانهای داخل دانشگاه تا ساعت ۴ باعداد روز سه شنبه ۲ فروردین ادامه یافت. در این ساعت نمایندگان رئیس جمهور، کمیته ها، شورای سرپرستی دانشگاهها و دانشجویانی که حاضر به بخلیه دفاتر خود شده بودند، در چگونگی ترک محل به توافق رسیدند و به دنبال آن خیابانهای دانشگاه اردانشجویان خالی شد. بعضی از این دانشجویان می گفتند: «تعبیر نظام آموزشی پس از قیام بارها وسیله شوراها و دانشگاهها خوانده است. ولی همیشه در مقابل این حواست برحق دانشجویان و دانشگاهیان موافقی تراشیده شده است اگر منظور از تعبیر نظام آموزشی، برجیدن ضوابط و محتوای امپریالیستی برنامهها باشد تمام قشرهای دانشجویی با آن موافق هستند ولی اگر منظور از تغییر نظام آموزشی از بین بردن آزادی های سیاسی، برجیدن شوراها، نابود کردن استقلال دانشگاهها باشد، دانشجویان در برابر آن به شدت مقاومت خواهند کرد».

۷۵ پیروزی

بنی صدر درگرمای گرم برخورد های دانشگاهی در سالهای در روزنامه انقلاب اسلامی به تاریخ ۳۱ فروردین نوشت: "... ما که خود ۴۰ سال تجربه کار و فعالیت در محیط های دانشجویی داریم می دانیم که در محیط دانشجویی استقلال در تصمیم گیری کاری به غایت مشکل و بلکه محال است. موضوع آنکه وجود گروههای متعدد و جوسازی از مشخصات محیط دانشجویی است، کسانی که بخواهند این محیط را در اختیار داشته باشند، باید بگذارند جو را دیگران بسازند. بنابراین هر گروه می گوید جو دانشجویی را خود سازد... در این وقت است که کار از مجرای صحیح خارج می شود و در محاربی که فشارها ایجاد میکنند می افتد. بنابراین باید به هوش بود و با تمام قوا کوشید تا کارها از مجرای قانونی انجام یابد و اگر نه دانشگاه را از دست رفته باید سیرد. برای ما جای تردید نیست که اگر تصمیم شورای انقلاب به اجرا در نیاید دانشگاه دیر یا زود سنگر مخالفان خواهد شد؟ بنی صدر در دوم اردیبهشت یعنی چند ساعت پس از پایان گرفتن برخوردهای دانشگاه از استقرار حاکمیت دولت سخن گفت و ضمن تسکیر از همه گروههایی که تصمیم شورای انقلاب را پذیرفتند گفت: "استقلال سیاسی در حدود قانون اساسی آزاد است و هیچکس نباید مزاحم فعالیت هیچ گروهی بشود. ۲- تعبیرات بنیادی نظام آموزشی نیز از جانب همگان پذیرفته شده است و اینک که حاکمیت دولت مستقر می شود، اینکار از مجرای صحیح خوش باقاعیت و سرعت دنبال می شود. ۳- در دانشگاه جدید فعالیت آزاد و سازمان دانشجویی منتخب دانشجویان از امکانات فعالیت صنفی برخوردار خواهد شد، دانشگاه همواره باید محل بحث آزاد، ادعا و ابتکار علمی تلقی شود."

«لکوموتیوی که دیگران برآه انداختند»

بنی صدر در ششم اردیبهشت ماه در مصاحبه ای که در روزنامه "انقلاب اسلامی" چاپ شد، در حالی خود را از "استفرا حاکمیت دولت" واضحتر ابراز کرد. بنی صدر در پاسخ به این سؤال که: "آیا این جنحالی که جدیداً در دانشگاه به وجود آمده است، فکری کنید تهدیدی برای دولت شماست؟" گفت: "ما با تهدیدی بود ولی بعداد این که عکس العمل مردم معلوم شد، "تهدید" شد "تنبیت". بنی صدر در توضیح مطلب گفت: "دشمن دوستی وضعیت را این جور برای من تعبیر کرد که یک لکوموتیوی به حرکت درآمد و داشت سرعت می گرفت و شما (بنی صدر) بریدید درون لکوموتیو و آن را مهار کردید."

در حالیکه رئیس جمهور خود را سوار بر "لکوموتیوی که دیگران برآه انداختند" موفق می داند شورای سرپرستان دانشکدههای دانشگاه تهران طی اطلاعیه ای

اتصال دانشگاهها و ورود قوای انتظامی را به مؤسسات آموزش عالی محکوم می کند. در این اطلاعیه که روز دوشنبه اول اردیبهشت منتشر شده، چنین آمده است: "ما اتصال دانشگاهها و ورود قوای انتظامی را به آن و روبرو قرار دادن جوانانی را که دروازه گون ساختن نظام پسین سهم مهم و اساسی دانستند به صلاح نظام آموزشی و شایسته آرمانهای اسلامی و اساسی نمی دانیم و ضرب و شتم دانشجویان را محکوم می کنیم. دانشگاه تهران از انقلاب ایران مردم ستم دیده و آگاه آن لقب منکر آزادی را آسان بدست نیاورده است و این اهانت را که نظام حاکم بر این موده علمی در حفظ نظام امپریالیسم آمریکاست، نمی پذیرد. مایوسه در راه حیران نقایص بوده ایم و اکنون نیز آماده ایم با تعبیرهای بنیادی را در جهت خواستها و نیازهای عمومی محقق سازیم. ولی اینگونه نقایص را که کم و بیش در همه سازمها خود دارد مستلزم این نمی دانیم که دانشگاه را روبروی مردم قرار دهند و بجای مشورت و جاردجویی از مسوولان دانشگاه با ما به ساز دشمن رفتار کنند."

محمد علی رجائی وزیر آموزش و پرورش وقت در ۳۱ فروردین بدینال نسخه دانشگاهها در صاحبهای می گوید: "استفاده از بیت المال در جهت یک گروه خاص در مراکز آموزشی درست نیست. اگر این گروه سیاسی را مردم انتخاب کرده اند بنابر این می توانند از امکاناتی که مردم داده اند، استفاده کنند. اما در غیر اینصورت این گروه نباید از امکانات عمومی مملکت استفاده کنند. رجائی در زمینه کشاندن شدن حرکت دانشگاهها به مدارس گفت: "این مدارس را به آن سطح نمی بینم که به این جریانها کشیده شود. زیرا در دانشگاهها کیفیت درسی و عملکرد گروهها فرق میکند. در مدارس این گروهها حضور ندارند. چه برسد به اینکه مدارس را تعطیل کنند."

در پی رویدادهای تهران ۱۴م کانون جمعیت و گروه تحت عنوان "کانونهای دموکراتیک" اعلامیه ای خطاب به مردم صادر کرده و "صادر امور" را "مسوول" فجایع دانشگاهها دانست و از آنها خواستند تا پاسخگوی خواستهای زیرین باشد: "۱- آمرین و عاملین فجایع روزهای اخیر معرفی و محاکمه شوند. ۲- دانشجویان، اساتدان و کارکنان دستگیر شده دانشگاهها هر چه زودتر آزاد شوند. ۳- استقرار نظام شورائی و آزادیهای سیاسی در دانشگاهها تضمین شود." در این اعلامیه که به امضای جمعیت حقوقدانان، کانون نویسندگان ایران، کانونهای مستقل دانشگاهیان صنعتی شریف، دانشگاه ملی ایران، دانشگاه شیراز، کانون مستقل معلمان تهران، کانون فارغ التحصیلان و چند کانون دیگر رسیده آمده است:

"... دانشجویان انقلابی، که یکسال و چند ماه پیش، خوسان در صاف نازیم و ایستاد به امپریالیسم صحن دانشگاهها را سرخ کرده بود، این بار به پهنانه تغییر نظام آموزشی و به دست ارگانهای سرکوب و پاندهای سیاه به خاک و خون کشیده شدند... دانشگاهها را در زمانی "کانونهای فساد" می خوانند که به مرکز افشای حقایق تبدیل شده اند. و ارتباط مردم و دانشجویان، در راه رشد آگاهیهای سیاسی و اجتماعی روز بروز گسترده تر می شود..."

"... امروز کسانی زیر پوشش، "انقلاب فرهنگی" به دانشگاهها می نازند که در این یکسال و چند ماه پس از قیام، سرسختانه مانع هر تغییر بنیادی در جامعه و فرهنگ بوده اند و برای حقوق انقلاب فرهنگی هر سرکوب شوراها، دانشجویان، تعطیل دانشگاهها، تخریب مراکز علمی و فرهنگی و ترور افکار و زور و چماق و سرسره و گلوله، راه و وسیله ای دیگر نمی شناسند و مسأله پاکسازی را تنها به عنوان پوشش جهت تصفیه عناصر انقلابی مطرح می کنند."

از سوی دیگر گروهی از انجمنهای اسلامی طی اطلاعیه ای ضمن تأکید بر ضرورت "انقلاب فرهنگی" اعلام کردند: "ما آگاه بودیم که دانشگاه تنها ما نیست و این از مردم بریده های بدون پایگاهها که از دانشگاه رانده شوند، قادر به هیچ کاری نیستند. انجمنهای اسلامی دانشجویان نیز در اول اردیبهشت ماه در قطعنامه راه پیمایی خود نوشتند: "... اصل ترین پایگاه فرهنگی امپریالیسم آمریکا دانشگاه است و تا زمانی که این پایگاه درهم کوبیده نشود، نمی توان به عدم حضور آمریکا در درون ایران مطمئن بود. لذا با تمام توان سعی در انهدام این پایگاه داخلی شیطان بزرگ خواهیم کرد. جوسبانی موجود، تنها و تنها مولود و معلول نظام حاکم برداشته است و انقلاب اساسی در نظام دانشگاهی خود به خود جو ناسالم را سالم و پاک خواهد کرد."

در این حال رئیس جمهور در ۳۱ فروردین گفت: "چگونه میخواهید دولتی را که خودی در مرکز کشور او را به چیزی نمی شمرد، دشمن در مرزها جدی بگیرد. حل مشکل تغییرات فرهنگی نیز، با این روشها ممکن نمی گردد. بر ماست که با صراحت بگوئیم وقتی نیروهای که انقلاب کرده اند، خود به قانون و قراری که به وجود آورده اند پای بند نشوند، بوی کودتا جو را آکنده خواهد کرد." روزنامه انقلاب اسلامی در سر مقاله اول اردیبهشت خود صریحتر مسأله را می شکافد و اختلاف نظر دو جناح از مسوولان در باره مسأله دانشگاه را برملا میکند: "گرداندهای جناحی از یک گروه سیاسی، به دستیاران خود تعلیم داده است که نباید گذشت یفی صدر موقی شود بدین پیروزی ۷۱"

قرار، عده‌ای در پشت بسته اند، تا کنترل حرکت را در دست بگیرند، و به خیال خود، با تعطیل عمومی کشور شرایط ناگامی بنی صدر را فراهم بیاورند. آنها که از پشت سرمی خواهند "انقلاب فرهنگی" چین را در ایران کپی کنند، و گمان میکنند با این انقلاب او (بنی صدر) را از سر راه برمی دارند و یا ضعیف می کنند آشکارا، به وطن خود خیانت می کنند".

در این ضمن، بدنبال اطلاعیه ۲۹۴ فروردین شورای انقلاب که نظام آموزش دانشگاهی کشور را، "طاغوتی" خوانده بود، نشریه "جنبش" در هفتم اردیبهشت ماه تحت عنوان "نظام آموزش طاغوتی و شورای انقلاب" نامهای از یک دانشگاهی را چاپ کرد. در این نامه آمده است: "هریک از دانشگاههای ما بخصوص دانشگاه تهران هر روز صحنه مبارزه بر سر مردم بر ضد رژیم شاهنشاهی بوده است. از آنها که آگاهانه یا از سر چهل سعی در کوبیدن این سنگ آزادی و مخدوش کردن گذشته افتخار آموختن آنرا دارند، باید این سؤال ساده را کرد: چه شد که ۹ تن از سیزده نفر اعضای شورای انقلاب اسلامی ایران از پرورش یافتگان یا استادان دانشگاه تهران هستند؟ رئیس جمهور - بنی صدر دارای دومدرک لیسانس از دانشکده معقول و منقول و حقوق، مهندس عزت الله سحابی و مهندس علی اکبر معین فراز دانشکده فنی، دکتر شبانی از دانشکده پزشکی، مهندس مهدی بازرگان استاد دانشکده فنی و آقای حبیبی و عناوین دکترای آقایان بهشتی و باهنر نیز یادگار دوره تحصیلی شان در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است، یعنی همان نظامی که امروز "طاغوتی" می نامند، این چه نظام "طاغوتی" است که اینان را پرورش داد؟

دانشگاه و قانون اساسی

گروهی دیگر از دانشگاهیان، با اتکا به قانون اساسی میگویند: "آنچه تاکنون در مورد دانشگاهها صورت گرفته است، خلاف قانون اساسی است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، "سنگردانگاه" جایش کنار "مسجد" و "قبضه" دارد و هم ارز آنها شناخته شده است."

به گفته آنان "بند سوم اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف می کند، که تمام امکانات خود را برای آموزش رایگان و تعمیم آموزش عالی به کار گیرد و اصل سی ام باز هم دولت را مکلف میکند که وسایل تحصیلات عالی را گسترش دهد و اصل صدم قانون اساسی پیشبرد برنامه های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی را بر عهده شوراها گذاشته است. اگر این قانون اجرا شود، دولت و شوراهای شهر و روستا هستند که می توانند دست به کارهایی برای تجدید نظر در روش ها و مناسبات آموزشی فرهنگی بزنند

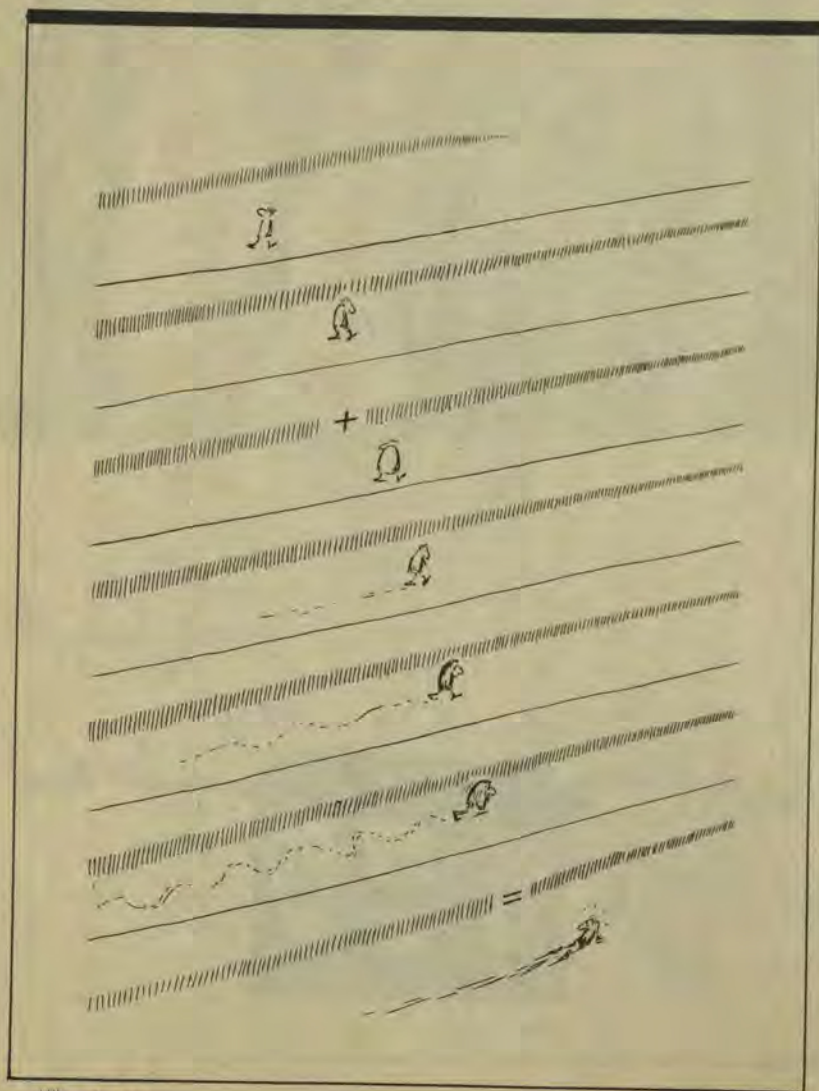
به احزاب و سازمان ها و گروههای خودسر. این اقدامات نیز باید مطابق قانون اساسی در جهت گسترش و تعمیم و تسهیل آموزش عالی باشد نه تعطیل دانشگاهها و موسسات آموزش عالی".

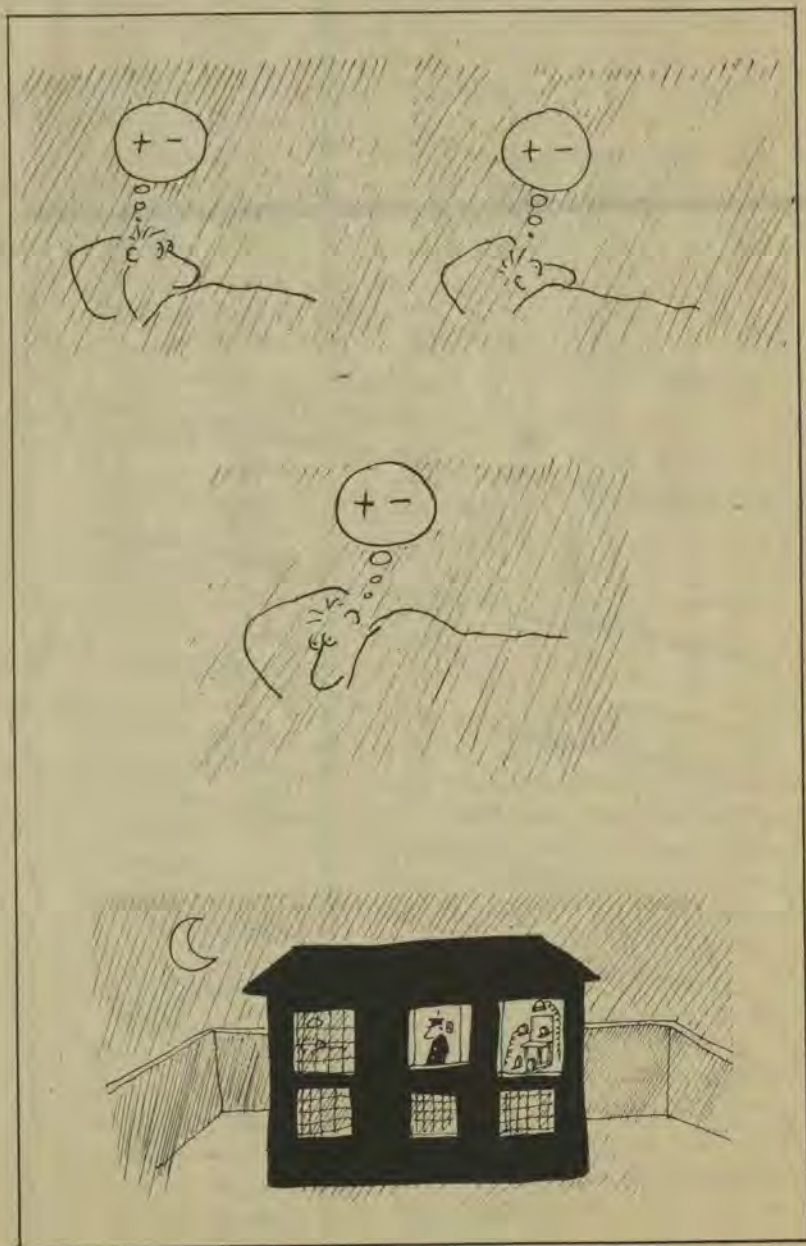
به چند اصل قانون اساسی در این باره نظر می- اندازیم. قرار سوم اصل سوم قانون اساسی میگوید: "آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی" اصل سی ام هم میگوید: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیل عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد". پس از حمله به دانشگاه مشهد که در جریان آن گروه کثیری از دانشجویان مجروح و هزاران جلد کتاب سوخته شد، طاهر احمد زاده استاندار سابق خراسان روز سی ام فروردین در نامه ای خطاب به رئیس جمهور نوشت: "بدون اینکه بخواهم وارد بحث دراصل تصمیم شورای انقلاب مبنی بر مهلت سه روزه در مورد دانشگاهها که دیروز اعلام گردید بشوم باطلاعان می رسانم که از دیروز عصر و امروز صبح (شنبه) گروههای تجهیز شده از ناحیه ۴ حزب جمهوری بمبارک دانشگاهی مشهد حمله ور شده و با چاق و جماقی بجان جوانان افتاده و جشن کتاب سوزی راه انداخته اند که هم اکنون ادامه دارد".

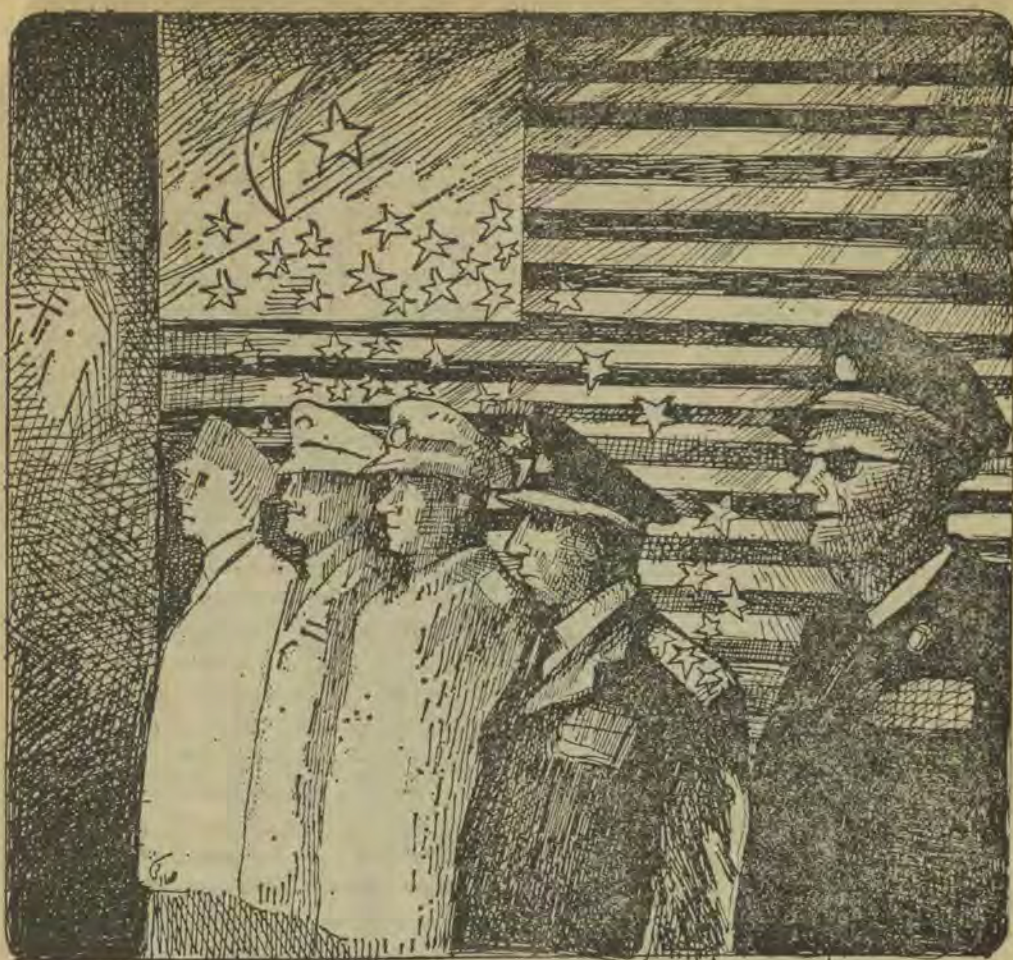
شورای دانشگاه مشهد بدنبال یورش به دانشگاه در روز ۳۱ فروردین جلسه کرد و قطعنامه ای انتشار داد که دربند اول آن آمده است: "شورای دانشگاه مشهد نهایت تأسف خود را از این که شورای انقلاب بدون هیچ مشورتی با مسئولان دانشگاههای کشور تصمیماتی این چنین خطرناک اتخاذ نموده است اعلام می دارد" دربند دوم آمده است: "... اقدامات اخیر که تحت عنوان انقلاب فرهنگی صورت میگیرد، هم از نظر زمان انتخاب شده که مبارزه ضدامپریالیستی ملت ما در اوج خود بوده و هم از جهت شیوه اجرا که موجب هتک حرمت دانشگاه ها و دانشگاهیان یعنی پیشقدمان جنبش ضد استبدادی ایران را فراهم آورده بسیار نا مطلوب است. شورا به ضرورت دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور اعتقاد دارد. این دگرگونی ها باید منحصر" به دست دانشگاهیان صورت گیرد".

شورای دانشگاه آزاد ایران نیز با شورای دانشگاه مشهد هم عقیده است. این شورا دریابانه سوم اردیبهشت ماه خود ضمن تأکید بر لزوم تغییر بنیادی نهادهای اجتماعی از جمله نظام آموزشی، این کار را تنها توسط دانشگاهیان صالح، ممکن میداند و دخالت عناصر غیر مسؤول را در بفرجام رساندن این امر از پیش محکوم میکند.

دو طرح از "رایزر"، طراح فرانسوی







طرح از روزنامه اطلاعات

ترکیه زیرسایه چکبه‌ها

گودتا "بدون خونریزی" و "بی سروصدا" انجام گرفت. آنچنان بی سروصدا که خبر آن از بیرون "درز" کرد. خبر آن را نخست وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن انتشار داد و پس از آن سفارت ترکیه در پایتخت آمریکا آن را تأیید کرد.

ترکیه، بازم زیر چکمه‌رفت. فرماندهی عالی ارتش در سحرگاه جمعه بیست و یکم شهریور، بدنبال کودتایی رسماً "اداره‌ی کشور را در دست‌گرفت تا به ادعای خودش "جمهوری را نجات دهد و حفظ کند". در بیست سال گذشته این سومین بار است که زمام امور کشور ذو حیاتین صفت ترکیه رسماً "بدست نظامیان می‌افتد

احزاب سیاسی در کار انجام اقدامات لازم و مناسب برای نجات و حفظ کشور گوناگونی وسیله انگاری کرده اند. مؤسسات آموزشی، سازمان های دولتی، نیروهای امنیتی، تشکیلات کارگری، احزاب سیاسی... هدف حمل و فشار قرار گرفته اند و کشور بدست آنها تخریب و جنگ داخلی کشیده شده است.

چهارم ۱۹

بر مبنای اینکه این اقدام ها، شورای ملی امنیت، بعنوان محسن اقدامات درمافی و "سالم سازی" خود، دولت و پارلمان را منحل کرد و طبقاً "صوتیت پارلمانی" نمایندگان را از میان برد، حکومت نظامی که آن هنگام در ۱۱ ایالت از ۶۰ ایالت ترکیه حاکم بود، بر سراسر کشور گسترش یافت، احزاب سیاسی منحل شدند و قانون اساسی به اشغال نظامیان درآمد. دو گروه سنی دیکالی عمده ای کشور (یکی طرفدار کمونیست ها و دیگری طرفدار حزب اقدام ملی) منحل و رهبران شان بازداشت شدند. اما به بزرگترین سنی دیکالی کشور بنام "تورک - این" که میانه رو است - اجازه ادامه فعالیت داده شد. همدی اینجمن ها و مؤسسات، منتهای آتشی که فایده ای عاقلان مورد ناپدید بود - مثل هلال احمر - تعطیل یا منحل شدند. حتی برخی فعالیت های همگانی، همچون مسابقات ورزشی، ممنوع شدند بطور کلی از مردم خواسته شد که با دستور بعدی از خانه بیرون نیایند.

مقارن ظهر همانروز، ژنرال "اورن" در حالی که فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و رانندگاری او را در میان گرفته بودند، یک پیام رادیو - تلویزیونی فرستاد که بیشتر کثیر خواستی بود علیه پارلمان (فلج شده)، دولت (ناخوان)، دادگستری (سهل انگار و کند) و مؤسسات آموزشی. او گفت که شورای ملی امنیت مؤسسه فوای مفتنه و مجرب را بر عهده می گیرند هنگامی که یک پارلمان و یک دولت تازه ایجاد گردد. او قول داد که اوضاع پس از تحدید نظر در قانون اساسی و قوانین مربوط به احزاب سیاسی و دستگاه انتخابات به حال عادی بازگردد. او همچنین قول انجام یک رشته اقدامات و اصلاحات اداری و نیز اصلاحات اجتماعی لازم را داد. فرماندهی رژیم نظامی تازه دلچسپی خود به دموکراسی و احترام حقوق بشر را خاطر نشان و تأکید کرد و از مردم خواست که به ارتش اعتماد کنند و مطمئن باشند که در زمان مناسب، و پیش از انتخابات، احزاب اجازه فعالیت خواهند یافت و رهبران احزاب - که در شهرهای مختلف بمنظور حفظ جانشان تحت محافظت قرار دارند - بموقع آزاد خواهند شد. نمایندگان مجلس - جز آنها که قبلاً "کارهای مخالف با قانون" انجام داده اند - نباید نگران باشند. البته در همان روز بیش از ۱۵۰ نماینده ی عضو احزاب مختلف تحت

نظامیان بحدت رسیده بیدرنگ در سراسر کشور مقررات منع عبور و مرور برقرار کردند و کنترل همه ی سازه ها، حیاتیات عمده ی شهرهای بزرگ، نقاط حیاتی تولیدی و صنعتی، و مراکز مهم کشور را در دست گرفتند. فعالیت حزب ها و هرگونه فعالیت سیاسی را ممنوع کردند و مقامات سیاسی و سران رژیم سرنگون شده و تیرمخالقان سوسناس خود را بازداشت کرده به پایگاههای نظامی فرستادند. از رهبران نامی ترکیه تنها "الباسلان نورکز"، رئیس حزب اقدام ملی یا جنبش ملی (مخالف) موفق به فرار شد. او کمی پیش از رسیدن سرایان به خانه اش، بیرون رفته بود. میانه روهای ترکیه او را مسئول آتوب های سیاسی سال های اخیر ترکیه می دانند. او سه روز بعد خود را تسلیم کرد.

در خود ترکیه، خبرگودنا یا پخش اطلاعاتی از سوی ژنرال "کفان اورن"، از رادیو، رسمیت یافت. ژنرال اورن، در مقام رئیس شورای ملی امنیت اعلام کرد که "نیروهای مسلح کنترل کشور را در دست گرفته اند تا تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور را حفظ کنند". به ادعای اورن "ارتش مجبور شده است با خطرکننده ای که کشور را تهدید می کند، مقابله کند و ما توانسته ایم کنترل کامل کشور را در دست بگیریم و اگر این مصمم تاریخی که نتیجه ی یک فاطمیت هوشارانه است گرفته نمی شد، ترکیه به بیرنگاه فاجعه ای افتاد و باید آل های کمال آنا بزرگ می توانست بحق بابد، "در اعلامیه از سرمازان خواسته می شد که سلسله مراتب نظامی را محترم بشمارند، همچون شهروندان منضبط رفتار کنند و "باج و مرج" طلبی، اقدامات جدایی طلبانه، ترور و همچنین آرمان های کمونیستی، تعصب مذهبی و فاشیسم" مبارزه کنند.

نظامیان، که باید خود را سخت پایبند قانون می دانستند و با دست کم خود را ناگزیر می دیدند که به کارهای خود صورت قانونی بدهند، در پیامی که کمی بعد برای ملت فرستادند، گفتند که "در اجرای قانون مربوط به ارتش قدرت را تصاحب کرده اند"، به ادعای آتیا این قانون وظیفه ی نجات و حفظ جمهوری و حفظ وحدت و تمامیت کشور و پیشگیری از برادرکشی و استعمار سلطه ی دولت و از میان برداشتن همه ی موانع پیشرفت امور کشور و اجرای صحیح دموکراسی را به عهده ی ارتش گذاشته است.

ارتش معتقد بود که همه ی ارگان های قانونی کشور دچار تضاد یا رکودند و کشور عرصه ی جنگ های برادرکشی میسرجم میان احزاب سیاسی شده است، و

شناسنامه (۱)

وسعت : ۷۱۵۴۰ کیلومتر مربع - جمعیت : ۴۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر - حکومت : جمهوری نظامی ، - پایتخت : آنکارا - مذهب : زبان : ترکی استانبولی - پارلمان : مجلس شورای ملی (۴۵۰ عضو) - مجلس سنا (۱۵۰ عضو) - احزاب سیاسی عمده : خلق جمهوری - عدالت - سلامت ملی - اقدام ملی - افراد گروههای مسلح : اجبی و راستی : ۲۰ هزار نفر - نیروهای مسلح : ۶۰۰/۰۰۰ نفر - بانکهای آمریکا : ۲۶ واحد - نیروی نظامی آمریکا : ۴۹۰۰ نفر - کودکان : ۱۹۶۰ ، ۱۹۷۱ ، ۱۹۸۰ - بدهی خارجی : ۱۵ هزار میلیون دلار - کسری موازنه پرداختها : ۳/۴ میلیارد دلار - تورم : ۷۰ درصد (بقولی ۱۳۰ درصد) - نیروی کارمیکار : یک پنجم کل نیروی کار (۳۱ میلیون از ۱۵ میلیون نفر) - متوسط قربانیهای خونین : ۷ نفر در روز | در ماههای اخیر ۲۵ نفر در روز)

(۱) بیشتر این ارقام تقریبی هستند

سال همدی نگویند هابی که از سیاست داخلی دولت بیسی بی کرد و درازای همه دگرگونیهای شایدهای که در شکل ظاهری اداره امور کشور پدید آورد ، هیچگونه تغییر آشکاری در سیاست خارجی نکرده و با لازم ندانست که چنین تغییراتی داده شود ، حتی شورای ملی امنیت خود را طرفدار تداوم سیاست خارجی کشور اعلام کرد و بدینرول وزارت خارجه از بعد از ظهر همان روز سفیران کشورهای بیگانه را در دستههای کوچک به دفتر کار خود فرا خواند تا این نکته را به آنها خاطر نشان کند . او ناکید کرد که ترکیه علاقمند است و قصد دارد به همه تعهدات و پیمانها و گروههایی که سه آنها بستگی دارد ، منحلله پیمان " ناتو " و شورای اروپا وفادار بماند . و نشانه این وفاداری بستگی همان ادامه مانورهای نظامی ناو در آبهای ترکیه بود ، که کمی پیش از کودتا آغاز شده بودند .

این تداوم ، که رهبران تازه ترکیه روی آن تاکید کردند ، طبعاً شامل روابط اقتصادی کشور با خارج هم شد و حکومت تازه تغییری در ترکیب هیأت سه نفری کارمندان عالی رتبه ای که بنی اقتصاد کشور را در دست داشتند ، نداد . اینان مسئولان سازمان برنامه ، معاون وزارت دارایی و رئیس بانک مرکزی یعنی مخاطبان اصلی سازمانهای اقتصادی بین المللی بودند . همچنین همه مقررات و ضوابط حاکم واردات و صادرات و هر

مهری ۷۷

نظر بر این گرفته بودند ، در روزهای بعد ، منابع مختلف ، از بارداستهای وسیع ، تماردی حشکبر بارداستی ها ، محاکمهی ریحان سیاسی ، کشف مفاد بر بادتی سلحه ، و نیز مفاوضتها و مخالفتهای برانگنده ، خبرها دادند تا کار به جایی رسید که حکومت نظامی به نیروهای خود اجازه استفاده از سلاح را داد . در شهر الازیک در شرق کشور در یک روز ۱۸۲ نفر - به ادعای دولت " تروریست " - بارداشت شدند ، موج تصفیه ادارات و مخصوصاً سپرداریها را فرا گرفت و نظامیان جای آنها را گرفتند - خبرگزاریها شماره بارداستیهای هر روز اول پس از کودتا را پنج هزار تن ذکر کردند که همگی از رهبران سیدیکانی ، اسادان داسگاه ، دانشجویان ، کارگران و مقامات سیاسی بودند . بیشتر کارگران و دانشجویان به هنگام - یا به اتهام - بحث اعلامیههای ضد دولتی بارداشت شدند .

نخستین عکس العمل گروههای مسلح - که شماره آنها بنیست هزار نفری رسد - تروریست سروان یک واحد زرهی ارتش در شهر ادا تا توسط جنگوایان بود - این افسر بیگام مداخله در درگیری دو گروه دست جیبی و دست راستی گشته خودیستال آن - شورای سینه - بدریک واکتی نشان داد و دوش به اتهام قتل بارداشت شدند و دستورهای تازه ای برای تسریع محاکمات صادر شد - نباید همین شد عملها سبب گردید که موج تروریست فروکش کند و دیگر نفس از نفس کسی در ساید ، حتی ۶۰ هزار کارگری که اعتصاب کرده بودند ، روز دوشنبه همان هفته اول کودتا ، بدستور نظامیان و به اعتبار قول آنها مبنی بر افزایش دستمزدها به کار بازگشتند .

اما نظامیان آنچنان بخود مطمئن نبودند ، که همانروز مقررات منع عبور و مرور ۲۴ ساعته را - دست کم در پایتخت - لغو کردند و به همسفریها اجازه دادند که از ساعت ۱۴ تا ۲۰ به خیابانها بریزند و مژهی آزادی نظامی را بجشنند البته مردم آنکارا ماهیاست (از اواسط سال ۱۳۵۷) که با حکومت نظامی آشنایی دارند ؛ هرب در بناه بانک سربه بالین امن بی گذارند و هر صبح چشم بر سوزنه ، بدار می شوند . اما زندگی ، بهر حال ، چهره دیگری بخود گرفت - چهره ای که خود نظامیان آن را " غیر عادی " صفت داده بودند .

گویا تارضایی نظامیان بیشتر ، و در واقع همه ، از سیاست داخلی دولت پیشین بود - زیرا رژیم تازه در

هنگامی که ژنرال اورن همدار تنیدی به احزاب داد و آنها را منظم به "نائوانی در مقابل با هرج و مرج" کرد، همه تصور کردند که ارتش خیالانی در برمی بروراند. از آن پس، این همدارها هرگاه تکرار شد و ست گودید که مردم خطر کودتای دیگر حندان حدی نگیرند و گستر بدان بقدیشند. شاید خود نظامیان هم واقعا قصد نداشتند به آن رودی دست بکار شوند. اما حوادثی که در کشور روی داد آنها را وادار به سرعت عمل کرد. حوادثی که بستر رنگ و مایه مذهبی داشت:

به گوازی خبرگزاری‌ها - که خلاصه اخبار سال در مطبوعات فارسی منعکس شد - کودتای ترکیه چهارروز پس از ترککاری "ارکین" از وزارت امور خارجه صورت گرفت. ارکین، ربر فشار حزب مسلمانان مبارز ترکیه و بدلیل دفاع از سیاست علاقمندی به بیوستی به جامعه اقتصادی اروپا و خوداری از قطع رابطه با باند صهیونیستی اتعالکر فلسطین ترککار شد، بنا بر همین گزارش‌ها، امیران کودتاجی ترکیه گفته بودند "ما پیش از این تحمل حمایت از تجدید حیات اسلام را نداریم" (اطلاعات - ۶/۲۲)

اما بسیاری از خود مردم ترکیه روی بک واقعهی دیگر انگشت می گذاشتند: پنج روز پیش از کودتا، در شهر قونیه - که کانون مذهبی کشور به شمار می رود - پنجاه هزار نفر به دعوت حزب ناسیونال اجتماع کرده بودند. این جمعیت امروزه، در آن روز در کشوری کعبه سنت‌های میهنی ملی خود سخت پایبند است. بهنگام یواحه شدن سرود ملی برپا می‌خاستند، پرچم‌های سبزی که رویشان به خط عربی نوشته شده بود برافراشته بود. شعارهایی علیه کمال آتاترک داده شد، و همه

این‌ها میبایست نظامیان را بی تفاوت نگذارد. نظامیانی که خود را "باصداران میراث مقدس مصطفی کمال" می شمارند.

اما جسم نظامیان انگیزه‌های غیر مذهبی هم داشت. ارتش به این نتیجه رسیده بود که نظام مجلسی و زندگی پارلمانی کشور به بی ست کامل رسیده است، روس‌ترین دلیل اینکه بیش از پنج ماه از پایان دوره ریاست جمهوری ژنرال کورونورک گذشته بود و مجلس پس از ۱۵۰ دور رأی‌گیری نتوانسته بود یک رئیس - جمهور تازه انتخاب کند. و بدین‌گونه فعالیت قانونگزاری تقریبا "تکلی تعطیل شده بود. هر گونه راه حل پیشنهادی برای خروج از بحران و بیست به شکست انجامیده بود: از اصلاح قانون اساسی گرفته تا انتخابات پیشرس.

البته سفارت ترکیه در تهران هم ضرورت کودتا را تشخیص داده و همان روزهای اول ضمن تماس با مطبوعات تهران (میزان - ۶/۲۶ - ص ۲) دلایل ضرورت کودتا را به این شکل بر شمرده بود:

کودتای مصادف با ارزی خارجی به حال خود باقی ماند و قرار نداشت برنامۀ اقتصادی‌ای که در اواسط رستان گذشته ریحند شده، و سرقراردادهایی که ماکتورهای سازمان‌های خارجی بسته شده، همچنان اجرا شود. بدلیل نبود که بازرگانان و سرمایه‌داران و بطور کلی محافل مالی از همار آغاز خسودی خود را از تحولات تازه یعنی وقوع کودتا ابراز می داشتند.

زمینه های کودتا

در واقع وضع با سازمان اقتصادی، آتفیکی و ترور رسد را از دیوار برای تحقق و بدین‌گونه کودتا آماده کرده بود. اقتصاد کشور عملا "فلج شده بود. اختلاف نظرهای سیاستمداران، دست‌های احزاب سیاسی، بازرگاری‌های گروهی سلکی، بوج انجام گسیختگی تروریسم گمنام - جو با آرام، آتفیک و سنگینی بدید آورده بود. کشور در بنجده ناشی، حشوت، تروریسم افراطی و درگیری‌های سلکی در آتانبه و ریکسکی قرار داشت، با بداحاکمیتول منابع سیاسی ترکیه و خم نری بحران تاریخ خود را می گذراند. تروریسم - که راسبدهی شرایط اجتماعی و سیاست نادرست رهبران و مقامات کشور بود" در ۱۰ روز ۲۰۰ نفر، در ۹ ماهه گذشته ۲۵۰۰ نفر و در سه سال اخیر بیش از ۴ هزار قربانی گرفته بود.

این وضع ناامیدار، که رهبران سیاسی کشور در بدید آمدن آن سهم و دست داشتند، از مدتها پیش نظامیان را به فکر مداخله در امور انداخته بود. حتی یک منبع بسیار آگاه به خبرنکار "لوموند" (سه شه ۱۶ سپتامبر) گفته بود که نقشه کودتا از یک سال پیش چیده شده بوده است، و انگیزی در اوایل سال جاری صبحی.

نیرو های مسلح

کل ارتش: ۵۶۶ هزار نفر - نیروی زمینی: ۴۷۰ هزار (مجهز به ۳ هزار و پانصد تانک، ۱۵۰۰ توپ، تعدادی موک آتیت و کبرا) - نیروی هوایی: ۵۱ هزار (مجهز به ۳۰۳ فروند هواپیما جنگنده) - نیروی دریایی: ۴۵ هزار (دارای ۱۳ زیردریایی، ۱۲ بدککش، ۶۰ ناوچه تندرو و ۱۰۰۰ - ژاندارمری: ۱۲ هزار نفر - بودجه نظامی: (بیش بینی شده برای سال جاری) ۲/۵۹ میلیارد دلار

بحاطر وضع جغرافیایی و سوق الحسینی خاصی است که دارد: درکنار دریای سیاه، صاحب تنگه‌های حیاتی سفرو داردانل، نزدیک به خلیج فارس، همسایگی توری و ایران و سیپاکسور آسیای - اروپایی، چنان، همسایگی مونتینی استنیایی است که آمریکادراحرای سیاست استعمارگرانه‌ی خود، و بدینسان کودنای نوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران برای ترکیه دندان بر کند و کم‌کم زیر پای رقیب استعماری خود، انگلیس را حارو کرده با نخستین کودنای نظامی تاریخ ترکیه در ۱۹۶۵ سلطه استعماری خود بر این کشور را محکم بخشد.

از آن پس، ترکیه بکمره به دامن امپریالیسم آمریکا افتاد و جز در سبیل داخلی، آنچه در حد بازی احزاب سیاسی بر سر تصاحب فلان مقام یا پیمان شماره‌گویی در پارلمان، آزادی عمل و استقلال نداشت. در عوض از لحاظ نظامی هر روز - به‌اراده - ارباب امپریالیست خود و در سایه کمک‌های حورو و جور - صاحب تسکیلات و تجهیزات تازه‌ای می‌شد تا مداحا که امروز دارای تأسیسات استراق سمع نظامی مافوق مدرن است و پس از قرار محمدرضا پهلوی از ایران، این وضع تقویت شده است.

درحال حاضر سه ایستگاه استراق سمع مافوق مدرن به حاسوسی فعالیت‌های نظامی - استراتژیکی توری مسعود و ۲۵ درصد اخباری را که آمریکا در این زمینه بدست می‌آورد، بهیبه می‌کند. البته این تا سیاست در ظاهر به "بنگاه امنیتی ملی" تعلق دارد، در سراسر سواحل دریای سیاه، دریای اژه، و دریای مدیترانه هم‌اکنون سیاست مناسبی برای مراقبت و کنترل کشتی‌های توری و فعالیت‌های دیگر این کشور وجود دارد.

ترکیه، بهیچ دلیل به یک کشور "نظامی" تبدیل شده و پس از آمریکا قدرتمندترین عضوایونید سمار می‌رود. اما از آنجا که منابع طبیعی، مالی و صنعتی جسمگیری ندارد اداره‌ی جنس ارضی بزرگی که آمریکا و متحدانش برای حفاظت از منافع خود بر دوش آن کشور گذاشته‌اند، بسیار دشوار و متضمن هزینه‌ای گزین است. برقرار اطلاع، دولت ترکیه، همواره نیکی از بودجه‌ی کشور را صرف این ارضی وابسته کرده است و همین یکی از علت‌های عمده‌ی وابستگی اقتصادی ترکیه و فقر مردم آن است.

البته روابط آمریکا و ترکیه قدیمی‌تر از اینها است، ترکیه در ۱۹۵۵ رسماً به عضویت "ناتو" در آمد و عملاً در کنار آمریکا قرار گرفت و پس از کودنای ۱۹۶۰ صورت یکی از یابک‌های عمده و اصلی آمریکا در منطقه در آمد. پس از حمله‌ی نظامی ترکیه به قبرس

۱ - وجود خطر شدید برای صلح داخلی

۲ - سقوط کامل دموکراسی

۳ - وضعی که شدیداً "حقوق و آزادی‌های فردی را به خطر افکنده بود."

سختگوی سفارت ترکیه در این گفتگو، همجنس وجود ارتباط میان برکناری وزیر خارجه دولت سلیمان دمیرل و کودنای که مطبوعات فارسی قیلاً "به آن اشاره کرده بودند، و نیز خبر باردادت رهبران سیاسی کشور را نگذیر کرده، گفته بود که "این افراد مهمانان ارشد و حامیان بی‌نیوجه در خطر نیست."

این حرف، اگر در مورد همی رهبران سیاسی ترکیه درست باشد مسلماً در مورد خود سلیمان دمیرل، نخست وزیر حزب محافظه‌کار صدق می‌کند. ناظران سیاسی در فردای کودنای گفتگو نند که "دستگیری دمیرل و حامیان او بیشتر شبهه یک بازی سیاسی است تا دستگیری مخالفان، زیرا که خود دمیرل از طرفداران سرخست غوب است" (اطلاعات - ۶/۲۳ - ص ۱۲)

ناظران سیاسی سهم عوامل خارجی را هم کم نمی‌گیرند، در این زمینه - و در پاسخ اینکه چرا کودنایملا در هفتاد و بیس یا سی‌ماه بعد صورت نگرفته؟ - به سفری که ژنرال شاهین کایه، فرمانده نیروی هوایی ترکیه، چند روز پیش از کودنای (اوایل سپتامبر) به وانستین کرده بود، اشاره و استناد می‌شود. هدف از آن سفر ظاهراً مذاکره با مقامات آمریکایی برای انجام برنامه ساخت هواپیماهای آمریکایی در ترکیه بوده است، درواقع استارخیرکودنای توسط خام می‌کاری، سختگوی وزارت خارجه آمریکا، بیش از آن گویاست که نیاز به تفسیر و تامل داشته باشد، و همین نکته است که بیدرت - بعنوان نخستین واکنش توری نسبت به کودنای - مورد بهره‌برداری مسکو قرار گرفت. چنانکه "ناس" در تفسیر حوادث ترکیه نوشت که "این ساءله که وزارت خارجه آمریکا نخستین خبرهای کودنای را انتشار داد، بسیار برمی‌آید."

دژ مقدم ناتو

اما بدون این اظهار لحنه‌های سهم هم تعیین جهت نظامیان کودنای ترکیه، ساخت انگیزه‌هایشان و ارائه هدفشان، دشوار نیست.

بقول روزنامه فرانسوی "لوپوند" ترکیه در مقدم سازمان پیمان نظامی اتلانتیک شمالی (ناتو) و "گوش بزرگ" این اتحادیه در کنار توری است - و این،

حزبای ترکیه

ترکیه ، تا پیش از کودتا ، دارای چهار حزب عمده بوده که براساس "قوانین موجود" تشکیل شده بودند ؛ "حلق جمهوری" ، عدالت ، سلامت ملی ، اقدام ملی . ترکیه همچنین دارای دو مجلس سنا و سوراملی بود . جدول زیر موقعیت احزاب را در پارلمان شکل شده نشان می دهد :

نام حزب	سنا	سورای ملی
حلق جمهوری	۶۰	۲۵۵
عدالت	۸۰	۱۹۰
سلامت ملی	۶	۲۲
اقدام ملی	۱	۱۷

حزب خلق جمهوری را خود مصطفی کمال اتاترک بنیاد گذارده و عصمت اینونو از رهبران معروف آن بوده است . رهبر کنونی آن بلند اجویت ، سیاستمدار ماعز است . حزب سلامت ملی گاهی "رنگاری ملی" و حزب اقدام ملی گاهی "جنس ملی" ترجمه شده است .

نظامی "ناتو" است . او به طرفداری از آمریکا شهرت دارد و بارها به آن کشور سفر کرده است . آخرین سفر او به آمریکا که در تابستان گذشته انجام گرفت ، مثل همیشه ، یک سفر رسمی بود و ضمن آن با مقامات وزارت دفاع آمریکا گفت و گو کرده از چند پایگاه نظامی دیدن کرد .

واکنش کشورهای غرب

کودتای ترکیه برای خیلی ها قابل پیش بینی و برای بسیاری دیگر غیر منتظره بود . کشورهای غربی ، عموماً با ابراز نارضایتی و رضایت باطنی با آن روبرو شدند و حتی در مواردی این رضایت خاطر را بر زبان آوردند . اما کشورهای شرقی با نگرانی به آن نگریستند . مقامات ایرانی عموماً آن را محکوم کردند .

— آمریکا ؛ خبر کودتا ، نخستین بار و قبل از خود ترکیه از واشنگتن درز کرد .

— آلمان غربی ؛ هلموت اشمیت صدراعظم گفت کشورش به کمک ترکیه ادامه خواهد داد ، اما امیدوار است که ترکیه به شرایط زندگی دموکراتیک عادی باز گردد .

— ایتالیا ؛ دولت نگرانی خاطر عمیق خود را از

در ۱۳۵۳ ، دولت آمریکا زیر فشار افکار عمومی داخلی و بین المللی و نیز برای زیر فشار گذاشتن دولت ترکیه ، فروش اسلحه به ترکیه را تحریم کرد . ترکیه به نشانه اعتراض به این اقدام ، آمریکا را از استفاده از پایگاه های نظامی در خاک خود ، محروم کرد . نا اینکه در سال گذشته وارن کریستوفر ، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا به آنکارا رفت ، ضمن وعده و وعیدهایی دولت ترکیه را وادار به فسخ تصمیم ضللی خود کرد . و آمریکا اجازه ای استفاده از ۲۶ پایگاه نظامی ترکیه را باز یافت .

موقعیت تازه طبعاً "ژنرال کنعان اوورن" را که حالا دیگر ریاست جمهوری هم برگزیده شده است ، سخت خوشحال می کند . مردم او را مردی "جدی و مبین" دوست و سنتگرا می دانند . اما او همچنین از طرفداران دواشته آمریکا است .

ژنرال کنعان اوورن ، در هنگام کودتا ، رئیس ستاد ارتش و رئیس شورای ملی امنیت بود . او که اکنون ۶۲ سال دارد در ۱۹۳۸ دانشکده افسری را به پایان رساند و بعنوان افسر توپخانه در رشته های مختلف خدمت کرده است . او پس از آنکه مدتها فرمانده ارتش یکم بود ریاست ستاد نیروی زمینی برگزیده شد و در این مقام در سال ۱۹۷۵ در رأس هیأتی به سوئوری سفر کرد . پس از اختلافاتی که میان ستاد ارتش و سلمان دمیرل ، نخست وزیر ، در ۱۹۷۷ در گرفت ، فرمانده نیروی زمینی کناره رفت ، ژنرال اوورن بجای او تعیین شد و مقام فرماندهی نیروی زمینی سنا " سکویی برای رسیدن به ریاست ستاد ارتش است مقامی که ژنرال اوورن در مارس ۱۹۷۸ به آن رسید اوورن قاعدتاً باید در ۳۱ مارس ۱۹۸۱ (۱۱ فروردین آینده) بازنشسته بشود .

ژنرال اوورن که طراحی و رهبری کودتا را داشته مدتها سخنگوی ارتش به شمار می رفته است . او از اواخر پائیز گذشته بارها در مورد هرج و مرج و آشفتگی اوضاع به سیاست پردازان و دست اندرکاران کشور هشدار داده بود . نخستین بار در نامه ای خطاب به رئیس جمهور از او خواسته بود که با " یک مبارزه ی بیگانه هرچه زودتر کشور را از ترور و آشفتگی نجات دهد ، " و نجات در زبان نظامیان معنای خاص خود را که همانا سرکوب و استبداد باشد ، دارد .

اوورن ، از طرفداران سرسخت آمریکا و از مقامات

واکنش اروپای شرقی

- سوئد: واکنش سوئدی نسبتاً فوری و سریع بود. خبرگزاری ناس در فردای کودتا در تفسیر آن، انتشار خبر کودتا از واسکنس را "معنی دار" خواند. ناظران سیاسی گفتند: سکوت آن می‌تواند آمریکا و نانو ترکیه را رسماً وارد جبهه‌ی ضد سوئدی کند. روزنامه‌های سوئدی از یک سال پیش آمریکا را به اجرای یک سیاست خطرناک در ترکیه متهم می‌کردند، و روزنامه "ایزوسیا"، ارگان دولت سوئدی، چهار ماه پیش صریحاً به این "خطر" اشاره کرده بود. یک ماه پیش هم روزنامه "بروادا" ترکیه را از "وسوسه‌های واسکنس" تر حدس داده و پوسه بود که ترکیه دو راه در پیش دارد: یا با همسایگان خود در صلح و صفای زندگی کند و یا با قرار دادن خود در اختیار آمریکا (در صورت بروز جنگ) به یک کورسان امنی تبدیل شود.

باید دانست که ترکیه و سوئد دو سال پیش یک قرارداد "همکاری و حسن‌همسایگی" امضا کردند. در آن هنگام ترکیه قول داد که هرگز با نگاه جاسوسی هوایی آمریکا علیه سوئدی نخواهد شد؛ بر همین اساس بود که لئونید برزوف در اوایل تابستان امسال حسن‌همسایگی میان سوئدی و ترکیه را سند و آندره کومینکو، وزیر خارجگی سوئدی، امضاء کرد که روابط دو کشور محرک تازه‌ای یافته‌است.

- مجارستان: مشکلات دولت‌های غیر نظامی ترکیه منعکس‌کننده بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری و موضع سیاسی نگرانی این کشور است و تنگنای اقتصادی ترکیه حتی بعد از عقد پیمان دفاعی اسفند گذشته میان ترکیه با آمریکا بهبود نیافت.

- چکسلواکی: کودتا از فاجعه ترکیه سرچشمه گرفته و می‌تواند بحران عمیق درونی کشور را که مابعد اجتماعی - مذهبی دارد، حل کند.

واکنش مطبوعات عرب

- عربین (سوریه): آمریکا در صدد است با ایجاد رژیم‌های فاسقسی مانند رژیم نظامی ترکیه در تمام نقاط دنیا از منافع خود دفاع کند. ... کودتا هنگامی صورت گرفت که مردم ترکیه قصد داشتند روابط خود را با رژیم صهیونیستی استالکر فلسطین قطع کرده، دولت را وادار به تعطیل کسولگری ترکیه در بیت المقدس کنند.

- السفیر (لبنان): آمریکا در ترکیه کودتا کرد. - النداء (لبنان): کودتایک مانور آمریکایی در خاورمیانه است. ... و دولت‌های عرب باید مراقب طرح‌های آمریکا برای تسلط بر خاورمیانه و آسیا باشند. - النهار (لبنان): کودتای ترکیه نتیجه‌ی

رویدادهای ترکیه بیان داشت، و برخی از مطبوعات ایتالیا نوشتند اوضاع ترکیه همان بود که هم اینک در ایتالیا حاکم است.

- انگلین: وزارت خارجه از اخطار نظر خودداری کرد. اما مطبوعات انگلیسی نوشتند که غرب با آرامش خاطر از کودتا استقبال می‌کند. حتی مطبوعات دست راستی انگلین موافقت خود را با زوال کودتاگر بیان دادند.

- بلژیک: به سبب مخالفت با کودتا، از شرکت در مانورهای مشترک نانو خودداری کرد. و این محسن بار در نارنج نانو بود که یک عضو محسنی گاری دست می‌زد.

- دانمارک: وزارت خارجه اعلام کرد که سه‌جوجه و سفارهای می‌تواند صاحب قدرت توسط نظامیان را ببندد.

- فرانسه: امبدوار است که نباید دموکراسیک (دولت، مجلس، ...) مخرجه زودتر در کشور مسفر شود.

- سوئد: کودتا به زبان دموکراسی در ترکیه است. ... نیروهای دموکراسیک باید فرصت بسازند که مشکلات کشور را حل کنند و ایمن به دموکراسی راه یابند.

- یونان: دولت تحت پیشنهاد رهبران تازه را برای ادامگی مذاکره و کرد، ولی بعداً از نظر خود عدول کرد.

- رهبران مخالفان یونان: کودتا بوطنه نانو است و دیکتاتوری نظامی موفق به حل مشکلات نخواهد شد.

تنها تبریک

تنها کسی که تحقیر کودتای ترکیه را به کارگردانان آن تبریک گفت، ژنرال صبا الحق، حکمران نظامی پاکستان بود. او در تلگرافی خطاب به رئیس هیات نظامی حاکم ترکیه که از خبرگزاری پاکستان منتشر شد - نوشت: برای من جای بسی خوشوقتی است که از سوی ملت و دولت پاکستان و خودم، انتصاب شما را به ریاست جمهوری و ریاست شورای ملی امنیت ترکیه صمیمانه تهنیت بگویم.

علیه ملت باشد و علیه منطقه ... ما اصل کودتا، آنهم
کودتای نظامی را در هر جای دنیا محکوم می‌کنیم ...
ما حکومت کودتا را تحمیلی می‌دانیم (میزان - ۶/۲۲).

- موسوی گرمارودی: اصولا کودتا با انقلاب فرقی در
اینست که دست‌ها و عوامل خارجی غالبا در آن سهم
دارند. باید دید در ترکیه دست خارجی از آستین
گدام طرف بیرون آمده است (میزان - ۶/۲۲).

- هاشمی رفسنجانی: قرائنی که تاکنون بدست
ما رسیده و همچنین تحلیل سیاسی ما از جریان
حاکمی از اینست که این کودتا، کودتایی آمریکایی
است. اینکه موافقی هم با این قدرت دیگر در کار بوده
یا نه، من فعلا در این باره نمی‌توانم اظهار نظر
کنم ... ولی این کودتا نقش تعیین کننده‌ای در کشور
ما نخواهد داشت (اطلاعات - ۶/۲۵).

بروک برین و رگسنتکی آمریکا در قرن بیستم است و قادر
به حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور نخواهد بود.
- القس (کویت): آمریکا برای جلوگیری از به
قدرت رسیدن "حمیتی ترکیه" (بجم‌الدین ارکان،
رئیس حزب سلاطین ملی) در این کشور کودتا کرد.

واکنش مقامات و نهادهای ایرانی

- مهدی بازرگان: اطلاعات دقیقی از این کودتا
ندارم. ولی این اصل کلی است (که) وقتی از آزادی
سو استفاده شده و اختلالات داخلی اضافه شده و
دعوا بر سر قدرت داشته باشند و به اداره‌ی مملکت
میرداختند و سارندگی و استبداد و مردم فراموش کردند،
طبعی است که دیکتاتوری و استبداد روی کار
می‌آید (میزان - ۶/۲۲).

- دفتر سیاسی سپاه پاسداران: ... بطور کلی -
از نظر سیاست خارجی، دولت ترکیه به نفع خود به
غرب ادامه خواهد داد و همچنان از ارتباط نزدیکتر
با کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا کزیزان خواهد شد. و
این سیاسی است که از زمان جنگ جهانی اول،
علیرغم خواست عمیق مسلمانان ترکیه، بر مردم کموری
که بیش از ۹۹/۵ درصد انباشت، مسلمان هستند،
تحمل شده است (صبح آزادگان - ۶/۲۵).

- هاشم صباغیان: با توجه به قرائن می‌توان
حدس زد که این کودتا توسط عمال امپریالیسم
جانب‌خوار آمریکا صورت گرفته است. در حلقه قرار
دادن ایران از شمال و غرب توسط آمریکا در آینده،
محاسبات سیاسی ایران را بهم خواهد زد. ولی آمریکا
کور خوانده است (میزان - ۶/۲۲).

- رضا صدر: توفیق ژنرال‌های طرفدار آمریکا
در کودتای ترکیه نشانگر بی‌نفاوینی مردم وعدم
حضورشان در صحنه است (میزان - ۶/۲۲).
- علی اکبر معین فر: از آنجا که اخیرا
نیضت‌های اسلامی در ترکیه شروع به با گرفتن کرده
بود و بنظر می‌رسد که حزب عدالت و حزب جمهوریخواه
قادر به کنترل اوضاع نباشند، ظاهرا "امپریالیسم
آمریکا بپشاپش این کودتا را در آن کشور تدارک دیده
تا بتواند اوضاع را تحت کنترل خود درآورد ... فکر
می‌کنم این کودتا حتما "یک کودتای آمریکایی باشد
(میزان - ۶/۲۲).

- موسوی اردبیلی: در این کودتا نظر دادن
فعلا "زود است. اما از قرائن چنین بنظر می‌آید که





صحنه‌ای از مذاکرات کارگران گدانسک و مقامات دولتی

لهستان

بحران کارگری یا تضاد طبقاتی؟

رویدادهای لهستان ناشی از مرضی است که میکروب آن از غرب می‌آید.
خواسته‌های کارگران اعتصابی، به جدایی میان کارگران و هیات حاکم لهستان رسمیت بخشید

از حزب - موافقت کرده، تاس و پراودا، هنوز به "عناصر ضد سوسیالیست" حمله می‌کنند و مسئولیت همه آنچه را که در لهستان می‌گذرد، بعه احتمال زیاد به همان کشور محدود نمی‌شود، به گردن آنها می‌اندازند... رویدادهای این تابستان لهستان، که به گفته بسیاری از ناظران موثق - و نه غریبی! - تازه شروع تحولی تاریخی است، درس بزرگی برای همه است. و بویژه برای رژیم‌هایی که ممکن است آگاهانه و یا ناخودآگاه، تحت تاثیر آن ظواهری که به لهستان لقب کشوری سوسیالیستی را میدهد، اسیر این وسوسه شوند که بحران لهستان را دلیلی برای حقانیت رژیم خویش و همه رژیم‌های متکی بر "دموکراسی سرمایه‌داری" - وابسته یا غیر وابسته - قلمداد کنند. در حقیقت در کنار عوامل متعدد مربوط به تضادهای و تناقض‌های داخلی سیستم اقتصادی لهستان که این کشور را که گاه دچار بحرانهای عمیق می‌کند (اعتصاب‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶)، عامل بسیار مهمی را باید برشمرد که ریشه در

در لهستان چه خبر است؟ هزاران کارگر صنایع عظیم گدانسک، ژوژسین، لوبلین و ورشو برای چه اعتصاب کردند؟ از مطالب و عکس‌های نشریات غربی - و بویژه آمریکایی - چنین بر می‌آید که همه دعوا بر سر عکس ژان پل دوم، پاپ لهستانی - کاتولیک‌های جهان است! هر چه هست، عکس کارگرانی است که در کنار عکس پاپ، به نیایش زانو زده اند و گم مانده که چنین برداشت شود که خود را می‌پرستند. مطبوعات سرمایه - داری فرانسه، در گزارش‌های طولانی و پایان ناپذیر خود از بحران لهستان - که شادمانی مزورانه‌ای از پس سطر به سطر آنها پیدا است - با لحنی از مذاکرات کارگران اعتصابی با مقامات لهستان سخن می‌گویند که پنداری از یک مسابقه بوکس گزارش می‌کنند. و به عمد فراموش می‌کنند که در همان زمان، اعتصاب ماهیگیران کشور خودشان با دخالت ارتش سرکوب می‌شود. و از آن طرف، در حالیکه دولت لهستان با تقریباً تمامی خواسته‌های کارگران اعتصابی - از جمله تاسیس سندیکاهای مستقل

غرب دارد و بر اثر نارسایی های ناشی از سیستم بوروکراتیک و "طبقاتی" لبنان - و تا اندازه ای به بهانه حل همین نارسایی ها - بیش از پیش وارد این کشور شده است. برای تأیید این ادعا همین سرکه لبنان، کشور است که بیش از هر کشور دیگر اروپای شرقی، به هی خارجی دارد و وامایی که لبنان، بخصوص برای واردات مواد غذایی، از بانک های واشنگتن، فرانکفورت، لندن و پاریس گرفته اکنون به ۱۸ تا ۳۵ میلیارد دلار میرسد که برای بازپرداخت اقساط و بهره آنها، سالانه بیش از ۶ میلیارد دلار از خزانه کشور خارج میشود و همین بدهی سالانه، معادل تمامی درآمد حاصل از صدور ذغال سنگ - مهم ترین ذخیره ملی لبنان - است.

اتکای فوق العاده لبنان به حواریار خارجی (۸ میلیون تن غله و وارداتی در سال) ناشی از عقب ماندگی سیستم کشاورزی این کشور است که مسئولیت آن مستقیماً متوجه دولت لبنان و برنامه ریزان آن است. با آنکه یک سوم زمین های زیر کشت لبنان توسط تعاونی ها و موسسات دولتی اداره میشود، دولت لبنان هرگز نظر مساعدی به بخش کشاورزی نداشته و کوششی در جهت مدرنیزه کردن آن، بعمل نیاورده است. این عقب ماندگی بویژه در کشاورزی بخش خصوصی که از مالکیت های کوچک خانوادگی (شش، هفت هکتار) تشکیل میشود، چشمگیر است.

اما بدهکاری به غرب، و وسوسه مصرف بیش از تولید که از پدیده های ویژه نظام های متعادل به سرمایه داری است که تنها یک طرف سکه بحران لبنان است. سوی دیگر این سکه، گرایش های مشخص "بورژوازی" است که در لبنان، بویژه در دوران رهبری ادوارد گریک، دبیر اول متعفی حزب کمونیست لبنان گسترش یافت.

تحت رهبری گریک، که در همین ماه شهریور، بدنبال اعتصاب کارگران و پس از ده سال حکومت کناره گرفت، لبنان هر چه بیشتر به غرب روی آورد و خصیلت های سرمایه داری در آن قوام گرفت. این گرایش آنچنان پیش رفت که حتی کنترل ارزش سرمایه های خصوصی لغو شد، یک شبکه تجارتی مخصوص قشرهای ثروتمند بوجود آمد و حتی بانکی ویژه برای سپرده های سنگین تأسیس شد. در آخرین روزهای که به اعتصاب کارگران کشتی سازی در گدانسک منتهی شد، در خیابانهای این شهر، دوصف طولانی مشاهده میشد: یکی صف کارگران در برابر قصابیه و دیگری صف نخبگان در برابر گیش "بانک خودشان".

اما میدانیم که چنین تضادهای متناقضهایی، اگر در یک جامعه سرمایه داری عادی و حتی از ویژگی های به رسمیت شناخته شده آن باشد، در یک جامعه سوسیالیستی که مدعی اتکا بر سادت کارگران است، "انحراف" و

تناقضی بنیادی است که از بحرانی عمیق و بیمارزای وخیم خبر می دهد، و درس بزرگ "لبنان لبنان" برای رژیم های سوسیالیستی در همین است. نظری حتی سطحی به خواست های ۲۱ ماده ای کارگران اعتصابی گدانسک، مشخص می کند که رابطه کارگران و هیات حاکم لبنان، تا چند طبقه ای است و تضاد میان این دو، به اشکال در پس حمله پردازیهای تفاهم آمیز موافقتنامه پنهان می ماند، مهمترین خواست کارگران - ماده یک موافقتنامه - بنیاد سندیگای کارگری مستقل از حزب و "کارفرما" مربوط میشود. سندیگایی که "نماینده" واقعی طبقه کارگر باشد و "از منافع اجتماعی و ملی کارگران دفاع کند".

همین یکی دوجمله این ماده شاق های موجود در بطن سیستم اجتماعی - سیاسی لبنان را بوضوح نشان میدهد و تضاد میان بوروکراسی حکومتی و منافع کارگران را آشکار میکند. با توجه اینکه در لبنان، و یا حداقل در مورد کارگران صنایع عظیم گشتی سازی "گدانسک" و دیگر کارخانه های اعتصابی، "کارفرما"ی خصوصی وجود ندارد، خواست کارگران به ایجاد سندیگایی مستقل از "کارفرما" مقبوضی پس بزرگتر پیدا می کند، نخستین جمله امتن موافقتنامه مربوط به ماده اول، به خوبی دلیل این خواست کارگران را می نمایاند: "فعالیت سندیگاها در لبنان نتوانسته خواست ها و آرزوهای کارگران را برآورده کند".

برای درک اینکه چرا اتحادیه دولتی سندیگای کارگری لبنان نتوانسته خواست های کارگران را برآورد نظری به ماده دیگری از خواست های ۲۱ ماده ای کارگران کافیت: در ماده ۱۳ موافقتنامه، کارگران خواهان آنند که گادراهای مدیریت بر اساس کفایت و نمراسر و بستگی به حزب - و در نتیجه دولت - انتخاب شوند، همچنین، خواسته شده که امتیازات خاص ما-موران پلیس و "امنیت" و دستگاه حزب حذف شود و کلید درک تضاد میان کارگران و دستگاه حکومت لبنان - که بویژه در و "حزب" جلوه داده میشود - در همین جاست. بیشتر از جلوه های علنی طبقاتی شدن جامعه لبنان سخن گفتیم، اکنون، با توجه به آنچه از خواست های کارگران ذکر شد، می توان به ماهیت این دو طبقه به تضاد

رسیده. یادرحال پیشرفت بسوی تضاد علنی، سخن گفت، تضادی که گادراهای مدیریت، دستگاه حزب و پلیس و بطور خلاصه، "دولت" را در برابر کارگران قرار میدهد. دولتی که گرایش های "غربی" عملگردد "بورژوازی" و نارسایی های "بوروکراتیک"، از آن طبقه حاکمی می سازد که چه بخواهد چه نخواهد، علیرغم همه حمله پردازیهای ارگان های رسمی، در



ادوارد گریک، رهبر سوسیالیستده لېسان

برابر طبقه کارگری قرار می گیرند که نام و هویت خود را از آن گرفته، اما تحت تأثیر گرایش‌های مشخص سرمایه‌داری، کم‌کم از آن فاصله گرفته و در نهایت جدا شده است. یعنی با هر چه دور شدن از ما، موریث یا هدف نمایندگی طبقه‌ای که خود را صنعت از آن میداند، هر چه بیشتر شکل و نقش "کارفرما" و یا "سرمایه‌دار" را بخود می گیرد. و اینجاست که "بحران لېستان" جایی برای خوشحالی سرمایه‌داری غروب باقی نمی‌گذارد و هر گونه مجوری را از دستگاه‌های تبلیغاتی آن برای اثبات حقانیت سرمایه‌داری و دموکراسی غربی سلب می‌کند، چرا که از آنچه گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت که بحران لېستان ناشی از مرضی است که میکروب آن از "غریبه" می‌آید.

رویدادهای دوماه اعتصاب لېستان

۹ مرداد - ادوارد گریک، دبیر اول حزب کمونیست لېستان که در سوروی سر می‌برد، با لئونید برزف مذاکره می‌کند، در این حال، در حدود ۱۰۰ کارخانه در اعتصاب هستند.

۱۶ مرداد - در حالیکه اعتصابهای پراکنده‌ای در ورسو برپا می‌شود، رفنگران ورسواعتصابی یک هفته‌ای را آغاز می‌کنند. مطبوعات رسمی سرانجام از "ناراضی‌های واقعی" که این اعتصابات را موجب شده، سخن می‌گویند.

۲۱ و ۲۰ مرداد - درانندگان اتوبوس و تاکسی ورسواعتصاب می‌کنند. گروهی از نویسندگان "رسمی" از سانسور "خت‌آوری" که توسط دولت اعمال می‌شود، و نیز از بودجه ناجیز فرهنگ شکوه می‌کنند.

۳۱ مرداد - دبیر بخش تبلیغات دفتر سیاسی حزب، خبرنگاران خارجی را به کنفرانس مطبوعاتی فرا می‌خواند و اعلام می‌دارد که "اعتصاب‌های گسترده" پایان یافته و تنها بعضی اشکالات فنی جزئی باقی مانده است.

۲۳ مرداد - ۱۷ هزار کارگر کارخانه کشتی سازی "لنن" در کدانسک، بعنوان اعتراض به سرکاری خادم والنیتینویچ، از فعالان

۱۰ و ۱۱ تیر سیدلایل افزایش قابل ملاحظه قیمت گوشتی که مستقیماً در کارخانه‌ها به کارگران فروخته می‌شود، اعتصابی در اورسوس (حومه ورسو) و ناحیه کدانسک برپا می‌شود.

۱۲ تا ۱۸ تیر - اعتصاب و بحران ادامه می‌یابد، کارگران افزایش دستمزدها و لغو افزایش قیمت گوشت را می‌خواهند. ادوارد گریک دبیر اول حزب کمونیست لېستان در سخنانی افزایش دستمزدها را عاملی برای شدید تورم می‌خواند.

۱۹ تیر - موج دومی از اعتصاب آغاز می‌شود. بیست هزار کارگر کارخانه اتومبیل سازی "وران" و نیز کارگران حدود ۳۰ کارخانه دیگر دست از کار می‌کشند.

۲۲ تا ۲۷ تیر - دفتر سیاسی حزب، در پیام سورانگیری کارگران لوبلین را که اعتصاب دوازده - شان این شهر را تلخ کرده، به نظم فرا می‌خواند، یا یادرمایی خاکبوسکی، معاون نخست‌وزیر اعتصاب پایان می‌کند.

اول مرداد - مطبوعات لېستان برای نخستین بار از "توقف کار" در کارخانه‌ها خبر می‌دهد و در این رابطه به بوروکراسی کادرهای اداری حمله می‌کند.

نظریه "سندیکای آزاد" دست از کار می‌کنند. ادوارد گیرک از شوروی بار می‌گردد.

۲۵ - سرداد - کارگران کارخانه‌های گدانسک یک "کمیته سراسری اعتصاب" تشکیل می‌دهند. این کمیته در کارخانه کشتی‌سازی "لنسن" مستقر می‌شود و شروع به تدوین ۲۱ خواست اعتصابگران می‌کند که در حدوده ۱۰ نای آن، خواسته‌های سیاسی است. ارتباط تلفنی لهستان با شهر گدانسک قطع می‌شود. یک کمیسیون دولتی به ریاست نادنوژیکا، معاون نخست‌وزیر، برای بررسی خواسته‌های کارگران تشکیل می‌شود. اعتصاب به بحث حمل و نقل عمومی گدانسک نیز کشیده می‌شود.

۲۷ - سرداد - ادوارد گیرک، که سفر خود به آلمان غربی را لغو کرده، اعلام می‌دارد که بعضی خواسته‌های مادی اعتصابگران را برآورده خواهد کرد. گیرک در سخنان خود به اوضاع ژئوپلیتیک منطقه اشاره کرده، بین کارگران "صادق" و "عناصر ضد سوسیالیست" تمایز قائل می‌شود. او می‌گوید که "بوروکراسی ردائی" سندیکاها عملی است، اما نباید حرف سندیکاها را آزاد مطرح شود.

هنگام با گسترش اعتصاب‌ها، مذاکره با مقامات دولتی لنگان لنگان پیش می‌رود. نادنوژیکا مذاکره با "کمیته سراسری اعتصاب" را نمی‌پذیرد و نمایندگان کارگران بعضی از کارخانه‌ها را به اداره پلیس فرا می‌خواند. بعضی می‌روند و بعضی دیگر نمی‌روند.

۲۹ - سرداد - در حدود ۲۰ نفر از روشنفکران معترض عضو "کمیته خودیاری اجتماعی" (که در رابطه همکاری نزدیکی با کارگران اعتصابی است) دستگیر می‌شوند.

۲۲ روشنفکر لهستانی، از جمله یک عضو حزب کمونیست، نامهای در دفاع از آزادی‌های سندیکایی خطاب به دولت منتشر می‌کنند.

شوروی شروع به فرستادن پارازیت‌بروری امواج رادیوهای بی.بی.سی و اروپای آزاد (وابسته به سیا) می‌کند.

۳۰ - سرداد - نادنوژیکا برکنار می‌شود و جاگیلسکی، معاون دیگر نخست‌وزیر بجای او منصوب می‌شود.

۳۱ - سرداد - جاگیلسکی با سه فرستاده "کمیته سراسری اعتصاب" ملاقات می‌کند و قول می‌دهد که فردا به کارخانه "لنسن" برود. مذاکرات شکست می‌خورد.

دوم شهریور - احلاس عمومی کمیته مرکزی حزب تشکیل می‌شود. نخست‌وزیر استعفا می‌دهد و جوزف بینکوفسکی بجای او منصوب می‌شود. چند تن از رهبران ارگانهای مختلف حزب عوض می‌شوند. استفان اولزوفسکی، که در اسفند گذشته از کمیته مرکزی کنار گذاشته شده بود، دوباره به کمیته برمیگردد. ادوارد گیرک تعبیراتی در سیاست اقتصادی دولت را اعلام می‌کند. اما نظریه سندیکاها را آزاد را نمی‌پذیرد و همچنان بر لزوم تحول سندیکاها رسمی پافشاری می‌کند.

گاردینال گدانسک از اعتصابگران می‌خواهد که سر کار برگردند. مطبوعات شوروی که تا آن زمان اشاره‌هایی بسیار گذرا به بحران لهستان کرده بودند، بیانات گیرک را جاب می‌کنند. مفسر تاس دخالت کشورهای غربی را در امور داخلی لهستان محکوم می‌کند.

چهارم شهریور - اعتصابگران اعلام می‌کنند که تا ارتباط تلفنی گدانسک برقرار نشود، مذاکره نمی‌کنند. این ارتباط با بقیه کشور، اما نه با خارج، برقرار می‌شود. "الجوالزا"، رهبر اعتصابگران گدانسک و گردانندگان "کمیته سراسری اعتصاب" با جاگیلسکی به مذاکره می‌نشینند. جاگیلسکی حق اعتصاب کارگران را به رسمیت می‌شناسد و مذاکرات را به بعد موکول می‌کند.

در همین زمان، مذاکراتی در بندر بزرگ "ژزین"، بین اعتصابگران و یک معاون دیگر نخست‌وزیر ادامه دارد.

اعتصابگران گدانسک، برای تدوین خواست‌های خود خواستار همکاری چند تن از روس-

فکران ورشو می‌شوند. مقامات می‌پذیرند، لحن تلویزیون لهستان نسبت به اعتصاب تغییر می‌کند، وزیر تازه دارایی، برای نخستین بار رسماً اعلام می‌کند که بدهی لهستان به کشورهای غربی به ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد. رسماً اعلام می‌شود که روشنفکران معترض دستگیر شده، هیچ سوءولیتی در برپایی اعتصابات

نداشته‌اند. شورای مرکزی سندیکاها (دولتی) بجای رئیس خود که از دفتر سیاسی حزب کنار گذاشته شده، شخص تازه‌ای را که تا آن زمان سمت مهمی نداشته انتخاب می‌کند. اسقف اعظم کلیسای کاتولیک لهستان از کارگران می‌خواهد که به اعتصاب خود پایان دهند.

۵ شهریور - در گدانسک مذاکره ادامه دارد.

۶ شهریور - اعتصاب گسترش می‌یابد و بویژه یسه کارخانه‌های فولادسازی نوواهورتا و وروکلاو کشیده می‌شود. در این دو کارخانه نیز کمیته‌های اعتصاب تشکیل می‌شود. جاگلسکی دوباره به کارخانه "لنبن" می‌رود. بحث بر سر تعیین چگونگی سندیکای آزاد، که به توصیه روشنفکران مشاور اعتصابگران "سندیکای مستقل" نام گرفته، ادامه می‌یابد.

خبرگزاری تاس برای نخستین بار "فعالیت‌های خرابکارانه عناصر ضدسوسیالیست" را که می‌کشند لهستان را از سیستم سوسیالیست دور کنند، محکوم می‌کند. یک مفسر معروف تلویزیون لهستان هشدار می‌دهد که ممکن است کشور در خطر انهدام باشد.

ارگان رسمی حزب کمونیست لهستان می‌نویسد که بحث در مورد سیستم "چندسندیکائی" جایز نیست.

در آلمان غربی، هلموت اشمیت می‌گوید که کارتر برنامه‌ای به او، موافقت خود با یکی اقتصادی به لهستان را اعلام داشته است. همچنین اعلام می‌شود که لهستان برای خرید غلماز آمریکا خواستاره ۲ درصد افزایش اعتبار از این کشور شده است. اعتصاب به شهرهای دیگر و حتی معادن مس سلیزی کشیده می‌شود.

۷ شهریور - مذاکراتی جدی در گدانسکو ژزین ادامه می‌یابد. شایع می‌شود که ادوارد گیرک استعفا کرده‌است. خبرگزاری آلمان شرقی مقاله‌ای از دبیرکل حزب کمونیست آمریکا را که غیر مستقیم از گیرک انتقاد کرده، نقل می‌کند. لئونید برژنف در

پایتخت مغولستان نطفی طولانی ابراد می‌کند بی‌آنکه کلمه‌ای از لهستان بگوید. ۸ شهریور - در ساعت ۱۱، رادیو ژزین امضای موافقتنامه‌ای بین اعتصابگران و نمایندگان دولت را اعلام می‌کند. دوساعت بعد در گدانسک اعلام می‌شود که بین کارگران اعتصابی و دولت در مورد ایجاد سندیکا - های "خودگردان" توافق شده است. کمیته مرکزی حزب، توافقات را تنقید می‌کند.

۱۹ شهریور - در حالیکه بعضی بخش‌های ژزین به اعتصاب پایان می‌دهند، درباره همه خواسته‌های کارگران اعتصابی توافق می‌شود. لجاوالزا اعلام می‌کند که "اعتصاب تمام شده است"، مقامات شروع به آزاد کردن روشنفکران دستگیر شده می‌کنند.

۱۲ شهریور - نمایندگان ۱۰۰ هزار کارگر سلیزی و نماینده دولت در مورد خواست کارگران به توافق رسیدند. به گزارش خبرگزاری - های غربی، مجارستان بعنوان اولین کشور اروپای شرقی گزارش مفصلی درباره توافقات لهستان منتشر کرد.

۱۴ شهریور - ادوارد گیرک دبیر اول حزب کمونیست لهستان کناره‌گیری می‌کند.

۱۸ تا ۲۴ شهریور - اعتصاب بصورت پراکنده در چند شهر لهستان ادامه دارد. گردانندگان سندیکاها "خودگردان" بعضی مقامات را به نقض مفاد توافق نامه‌ها متهم می‌کنند. کشورهای بلوک شرق، بویژه شوروی، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان و بلغارستان کمک‌ها و تسهیلات اقتصادی تازه‌ای را برای لهستان در نظر می‌گیرند. ۲۵ بانک آلمان غربی تصمیم به اعطای یک اعتبار ۱/۲ میلیارد مارکی به لهستان می‌گیرند. رئیس بانک تجارت خارجی لهستان برای افزایش اعتبارات مالی کشور خود در زمینه خرید مواد غذایی از آمریکا از واشنگتن دیدن می‌کند. رهبران دولتی و سندیکایی و مطبوعات کشورهای غربی، از رفتار پسندیده دوطرف درگیر در بحران کارگری لهستان تحلیل می‌کنند.

متن موافقتنامه کارگران و کمیسیون دولتی لهستان

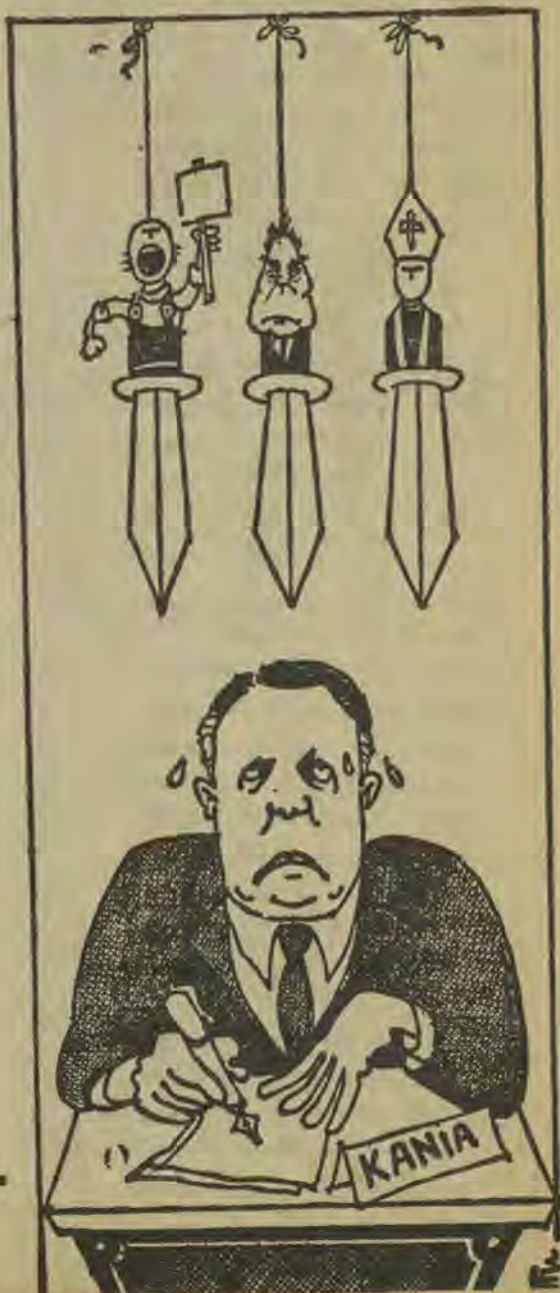
آنجہ در زیر می آید متن موافقتنامه ایست که در روز یکشنبه ۳۱ اوت ۱۹۸۰ (۹ شهریور ۵۹) در کارخانه کشتی سازی "لنیں" گدانسک، بین رهبران کارگران اعتصابی و نمایندگان دولت لهستان امضا شد. این موافقتنامه توسط سه عضو هیأت رئیسه "کمیته" سراسری اعتصاب و ۱۵ کارگر عضو آن از یکسو و ۴ عضو کمیسیون دولتی از جمله جاگیلسکی معاون نخست وزیر از سوی دیگر، امضا شده است. ۶ ماده نخستین این موافقتنامه، که به خواستهای سیاسی کارگران اعتصابی مربوط میشود و به گمان ما دارای اهمیتی اساسی است، عینا ترجمه شده و تنها قراهای کوتاهی از آن، که به جزئیات می پرداخته، حذف شده که این قسمت های حذف شده با سه نقطه میان دو پرانتز مشخص شده است.

کمیسیون دولتی و "کمیته" سراسری اعتصاب، پس از بررسی خواستهای بیست و یک ماده ای کارگران اعتصابی سواحل (بالتیک) به نتایج زیر دست یافتند:

● دربارہ ماده یک راجع به "قبول سندیکاهای آزاد و مستقل از حزب و کارفرما، براساس گوانسیون شماره ۸۷ سازمان بین المللی کار دربارہ آزادیهای سندیکایی، که به امضای لهستان رسیده" از متن خواستهای ۲۱ ماده ای - چنین توافق شد:

۱ - فعالیت سندیکاهای در لهستان خواستهای و آرزوهای کارگران را برآورده نکرده است. ایجاد سندیکاهای خودگردان تازه ای که نماینده واقعی طبقه کارگر باشند مفید بنظر میرسد. حق کارگران به ادامه عضویتشان در سندیکای قبلی محترم شمرده میشود و در آینده، امکان همکاری دوستدیکه مورد بررسی قرار می گیرد.

۲ - "کمیته" سراسری اعتصاب ضمن ایجاد سندیکاهای مستقل و خودگردان تازه اعلام میدارد که این سندیکاهای اصول مصرح در قانون اساسی لهستان را محترم می شمارند. سندیکاهای تازه از منافع اجتماعی و مادی کارگران دفاع میکند و قصد ایفای نقش یک حزب سیاسی را ندارند. این سندیکاهای بر اصل مالکیت اجتماعی ابزارهای تولید، که پایه نظام سوسیالیستی موجود در لهستان است، متکی هستند. نقش رهبری "حزب متحد کارگران" (حزب کمونیست لهستان) در کشور را به رسمیت می شناسند و با سیستم موجود اتحادهای بین المللی تعارضی ندارند (...).



کمیسیون دولتی اعلام میدارد که دولت احترام کامل به استقلال و خودگردانی سندیکاهای تازه را، چه در زمینه سازماندهی و چه در زمینه عملکرد آنها در همه سطوح فعالیت‌شان، محترم می‌شمارد و تضمین می‌کند (۱۰۰) دولت همچنین تضمین می‌کند که درباره سندیکاهای تازه هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد.

۳ - (۱۰۰) چندگانگی سندیکاهای حرفه‌ای، تغییراتی در زمینه قانونگذاری را ایجاد خواهد کرد، از این رو، دولت متعهد می‌شود که تدبیرهایی در این زمینه را، بویژه در مورد قوانین مربوط به سندیکاها، شوراهای کارگری و قوانین کار اتخاذ کند.

۴ - کمیته‌های اعتصاب این امکان را دارند که در سطح هر کارخانه، بصورت نهادهای نماینده کارگران، به شکل شورای کارگری، شورای کارگران، کمیته کارگری یا کمیته مؤسسه سندیکاهای خودگردان تازه، تغییر شکل یابند - "کمیته سراسری اعتصاب" بعنوان کمیته مؤسس این سندیکاها، این آزادی را دارد که شکل یک سندیکا یا یک اتحادیه در سطح کل سواحل (بالتیک) را برای خود انتخاب کند (۱۰۰).

۵ - سندیکاهای تازه باید این امکان را داشته باشند که در تصمیم‌گیریهای مهم مربوط به شرایط زندگی کارگران در زمینه‌های زیر دخالت کنند: اصول توزیع درآمد ملی بین مصرف و انباشت، توزیع ذخیره مصرفی اجتماعی در بخش‌های مختلف (بهداشت، آموزش، فرهنگ)، اصول اساسی تعیین و برنامه‌ریزی سیاست دستمزدها، بویژه در زمینه افزایش اتوماتیک دستمزدها به تناسب تورم، برنامه درازمدت اقتصادی، برنامه‌ریزی سیاست سرمایه‌گذاریها و تعدیل قیمت‌ها (۱۰۰).

۶ - "کمیته سراسری اعتصاب" یک مرکز پژوهش‌های اجتماعی - حرفه‌ای ایجاد خواهد کرد که هدف آن بررسی عینی موقعیت و شرایط زندگی کارگران و نحوه دفاع مناسب از منافع آنان خواهد بود. این مرکز، همچنین صلاحیت طبقه‌بندی کردن دستمزدها و قیمت‌ها را خواهد داشت و نتیجه تحقیقات خود را منتشر خواهد کرد. همچنین، سندیکاهای تازه می‌توانند نشریات خاص خود را داشته باشند.

درباره ماده ۲ راجع به "تضمین حق اعتصاب کارگران و امنیت اعتصابگران و امنیت هر کس که به آنان کمک کند" - از متن خواستهای ۲۱ ماده‌ای - چنین توافق شد:

- در قانون تازه سندیکاها حق اعتصاب کارگران تضمین خواهد شد، این قانون باید شرایط اعلام و سازماندهی اعتصابها، روش حل اختلافات و مجازاتهای

مربوط به مواردی را که از این قانون تخطی شود، تعیین کند. مواد ۵۲، ۵۳ و ۶۵ قانون فعلی کار (که اعتصاب را ممنوع می‌کند) تا زمان تصویب قانون تازه، غیرقابل اجراست. دولت امنیت شخصی و امنیت شغلی اعتصابگران و کمک‌کنندگان به آنان را تضمین میکند.

درباره ماده ۳ راجع به "احترام به آزادی بیان و نشریات مصرح در قانون اساسی لهستان و در نتیجه عدم تعرض به نشریات مستقل و تأمین دسترسی همه مذاهب به وسایل ارتباط جمعی" - از متن خواستهای ۲۱ ماده‌ای - چنین توافق شد:

۱ - دولت در عرض سه ماه لایحه‌ای درباره کنترل مطبوعات، نشریات و نمایش‌ها را به مجلس تقدیم خواهد کرد که به اصول زیر متکی خواهد بود: بانسور باید از منافع کشور حمایت کند. و این یعنی محافظت از اسرار کشور و اسرار اقتصادی که توسط قانون تعیین میشود، محافظت از امنیت کشور و منافع مهم بین‌المللی آن، حمایت از باورهای مذهبی و در عین حال حمایت از کسانی که باورهای مذهبی ندارند، و نیز جلوگیری از انتشار مطالب خلاف عفت عمومی در نشریات است.

در این لایحه حق شکایت به دیوان عالی اداری علیه تصمیمات نهادهای کنترل مطبوعات، انتشارات و نمایش‌ها گنجانده خواهد شد (۱۰۰).

۲ - دسترسی جمعیت‌های مذهبی به وسائل ارتباط جمعی در زمینه‌های خاص آنها، بویژه توافق میان این جمعیت‌ها و دولت تأمین خواهد شد (۱۰۰).

۳ - فعالیت رایو، تلویزیون، مطبوعات و سازمانهای انتشاراتی باید در خدمت بیان افکار، نقطه نظرها و عقاید گوناگون باشد (۱۰۰).

۴ - مطبوعات و مردم و سازمانهای آنها باید به اسناد عمومی، بویژه به مدارک و مصوبات اداری و طرحهای اجتماعی، اقتصادی و غیره که توسط دولت و ادارات مربوطه منتشر میشود دسترسی داشته باشند (۱۰۰).

درباره ماده ۴ راجع به "الف) احقاق حق اشخاص برگنار شده - پس از اعتصابات ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ -، دانشجویان طرد شده از آموزش عالی بدلیل اعتقاداتشان، ب) آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پ) پایان دادن به اختناق عقاید" - از متن خواستهای ۲۱ ماده‌ای - چنین توافق شد:

الف - بررسی فوری موارد برگناری پس از اعتصابات ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ و در صورت وجود تبعیضات، استخدام فوری (افرادی که بنا حق برگنار شده‌اند) با توجه به مهارت‌های تازه آنان (۱۰۰) در مورد دانشجویان نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد.

ب - ارجاع پرونده اشخاص ذکر شده "بند ب" به

وزارت دادگستری که در عرض دو هفته به پرونده آنان رسیدگی خواهد کرد و در صورت زندانی بودن اشخاص مورد نظر، حکم حبس آنان تا زمان رسیدگی دوباره، معلق خواهد ماند.

پ - بررسی دلایل دستگیری‌های موقت و آزادی اشخاص مذکور در فهرست ضمیمه.

ت - احترام کامل به آزادی بیان در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای.

درباره ماده ۵ راجع به "اعلام ایجاد کمیته سراسری اعتصاب" از طریق وسایل ارتباط جمعی و درج خواستهای آن - از متن خواستهای ۲۱ ماده‌ای - چنین توافق شد:

- در جهت ارضای این خواست، موافقتنامه خاصی از طریق وسایل ارتباط جمعی در سطح کشور منتشر خواهد شد.

درباره ماده ۶ راجع به "اقدام به فعالیتهایی واقعی که هدف آن خارج کردن کشور از وضعیت بحرانی باشد، که این کار را می‌توان با ارائه کلیه اطلاعات مربوط به موقعیت اجتماعی - اقتصادی کشور به مردم و اجازه شرکت همه محافل و گروههای اجتماعی در مباحث مربوط به یک برنامه اصلاحات، آغاز کرد" - از متن خواستهای ۲۱ ماده‌ای - چنین توافق شد:

- تسریع در تدارک اصلاحاتی اقتصادی ضروری بنظر میرسد. مقامات دولتی در ماههای آینده اصول اساسی این اصلاحات را تعیین و منتشر خواهند کرد. شرکت گسترده همگانی در مباحث مربوط به اصلاحات باید تسهیل شود. بویژه سندیگها باید در تدوین قوانین مربوط به مؤسسات سوسیالیستی و خودگردانی کارگران شرکت کنند. اصلاحات اقتصادی باید بر گسترش و خودمختاری شوراهای کارگری و شرکت فعال آنها در گرداندن مؤسسات متکی باشد (...).

تنها یک جامعه آگاه که واقعیتها را بخوبی بشناسد می‌تواند اصلاحاتی بر اقتصاد ما را تحقق بخشد. دولت به نحو قابل ملاحظه‌ای اصلاحات اجتماعی را گسترش خواهد داد و در دسترس جمعیتها و سندیگها و سازمانهای اقتصادی خواهد گذاشت.

"کمیته سراسری اعتصاب"، همچنین توصیه می‌کند که برای گسترش مالکیت‌های زراعی خانوادگی، که اساس کشاورزی لهستان است، زمینه‌های مساعدی فراهم شود و دسترسی بخش‌های زراعی (اشتراسکی و فردی) به ابزارهای تولید، از جمله زمین، گسترش یابد و شرایط لازم برای احیای تعاونی‌های خودگردان ایجاد شود.

مواد دیگر موافقتنامه میان کارگران اعتصابی گدانسک و کمیسیون دولت لهستان، به خواستهایی مربوط میشود که جنبه نسبتاً خصوصی دارد و برای ما، فاقد اهمیت ویژه است. تنها برای ارائه تصویری کامل‌تر از خواسته‌های ۲۱ ماده‌ای کارگران لهستان که به گمان ما اهمیت یک سند تاریخی را دارد، موضوع هرکدام از ماده‌ها را ذکر می‌کنیم:

ماده ۷ - پرداخت حقوق روزهای اعتصاب به کارگران اعتصابی.

ماده ۸ - افزایش دستمزدها در تناسب با افزایش قیمت‌ها.

ماده ۹ - تأمین "اشل متحرک" (تناسب دائمی میان حقوق‌ها و قیمت‌ها).

ماده ۱۰ - تأمین نیاز بازار داخلی فرآورده‌های غذایی و تنها صدور فرآورده‌های مازاد بر مصرف داخلی.

ماده ۱۱ - لغو قیمت‌های تجارتنی و لغو فروش ارزهای خارجی در بازار داخلی.

ماده ۱۲ - ایجاد کارت‌های سهمیه‌بندی برای گوشت و مشتقات آن تا زمان تعادل بازار.

ماده ۱۳ - انتخاب گادریهای مدیریت براساس صلاحیت و مهارت آنان و نه بدلیل وابستگی به حزب. لغو امتیازات افراد پلیس، "امنیت" و دستگاه حزب از طریق یکسان کردن حق اولاد و مسکن و لغو سیستم - های ویژه فروش.

ماده ۱۴ - امکان بازنشستگی برای زنان در سن ۵۵ سالگی و برای مردان در سن ۵۵ سالگی، یا پس از ۳۵ سال کار در لهستان برای زنان و ۳۵ سال کار برای مردان.

ماده ۱۵ - افزایش حقوق بازنشستگی قدیمی تا سطح حقوق بازنشستگی فعلی.

ماده ۱۶ - بهبود شرایط کار در زمینه‌های بهداشتی.

ماده ۱۷ - تأمین مهد کودک کافی برای فرزندان زنان کارگر.

ماده ۱۸ - افزایش مدت مرخصی با حقوق زنان باردار به سه سال.

ماده ۱۹ - کاهش مدت انتظار برای دریافت آپارتمان.

ماده ۲۰ - افزایش حق ایاب و ذهاب کارگران.

ماده ۲۱ - تعطیلی روز شنبه (باضافه روزیکشنبه)

اعلام میکنم

حال که هنوز چند وجبی از سرزمینم را دارم
که هنوز دانه زیتونی... دانه لیمونی
چاهی... تپالی
هنوز خاطره ای دارم
کتابخانه کوچکی
تصویر نیای مرحومم... و دیواری...

که هنوز در وطنم واژه های عربی، هست
و آوازه های مردمان

که هنوز دست نویس اشعارم هست
و داستانهای عنتره العیسی
و جنگهایی که ما را به سرزمین رمبها و خطه فارس می خواند.
که هنوز چشمانم
که هنوز لبهایم
و دستانم
که هنوز... جانم هست
اعلام می کنم

چون مثنی بر چهره دشمن، اعلام می کنم :
جنگی بی امان
به نام آزادگان شریف
به نام کارگران... دانشجویان... شاعران.
اعلام می کنم... گو سیر شوند از نان ننگ
بزدلان تپی از همه چیز... و دشمنان خورشید
اعلام می کنم
که هنوز... جانم هست
و زنده باقی خواهم ماند
و واژه هایم، همچون نان و اسلحه
در دست فرزندان انقلاب
باقی خواهد ماند

سمیح القاسم - شاعر مقاومت فلسطین

خلاق فلسطین به دام خود مختاری صهیونیستی نمی افتد



تصویری از یک اردوگاه آوارگان فلسطین

سندی از دفتر پژوهشهای فلسطینی

۹۲ پیروزی

بش از بررسی فرمولها و پیشنهادهای رهبران صهیونیست درباره خودمختاری اداری فلسطین اشغال شده و مراحل شکل‌گیری آن، ناگزیر باید مروری بر طرحها و پیشنهادهایی داشته‌باشیم که از سال ۱۹۶۷ برای حل مسئله خاورمیانه ارائه شده است. هدف از این پژوهش عمدتاً "بررسی منطقی تمامی جنبه‌های فرمولهای پیشنهادی و هدفهایی است که رهبران صهیونیست با مطرح کردن آن، تعقیب می‌کنند."

به رغم تلاشهای مشترک امریکا، اسرائیل و مصر برای پوشاندن چهره گریه خودمختاری پیشنهادی خود، با قاطعیت می‌توان گفت که هر چارچوبی برای خودمختاری اداری و با هر شکل دیگر حکومت در فلسطین اشغال شده، خارج از اراده خلق فلسطین که راه خود را شناخته است، امکانی برای تحقق نخواهد داشت. زیرا ملتی که همواره با تحولات تاریخی بین‌المللی و پیروزی جنبشهای آزادیخواهی و دموکراتیک معاصر همگام بوده است، هویت قومی و وابستگی ملی خود را به خوبی درک می‌کند و راه را بر شرطیندی روی عناصر "میاندر" یا "غیراقراطی" - آنچنان که صهیونیستها و امریکائیا توصیفشان می‌کنند - می‌بندد.

خلق فلسطین که دچار دردناک‌ترین حالت‌های آوارگی و بی‌هویتی بوده و از سال ۱۹۴۸ با سبلی از نوطه‌های امپریالیسم جهانی و صهیونیسم نژادپرست و ارتجاع عرب روبرو بوده، اینک، بی‌آنکه در جوامع دیگر مستحیل شده باشد، صاحب تصمیم و اراده خود است و جز به رهبری سیاسی خویش که استقلال تصمیم‌گیری و استقلال شخصیت فلسطینی را تحقق بخشیده، به هیچ‌رژیم عرب که در این راه ناتوانی نشان داده است، اطمینان ندارد.

خلق فلسطین هم‌اکنون در داخل و خارج از وطن اشغال شده، خشن‌ترین پاسخ انقلابی را علیه صهیونیسم رهبری می‌کند و با دست خالی در برابر عملیات قلع و قمع، سرکوب، یهودی کردن، تصرف زمینها، کوچ‌نشینی و تبعیض نژادی صهیونیسم مقاومتی با شکوه نشان می‌دهد. آنچه در الناصره و الجلیل و دیگر مناطق اشغال شده بویژه در آغاز ارائه‌شدن طرح خودمختاری اداری رخ داد، تمامی "ابتکار"های فریبکارانه و "طرح‌های تسلیم‌طلبانه" را خنثی خواهد کرد.

طرح‌های حل مسئله خاور میانه

از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ تا امروز، بسیاری از دولت‌ها و رژیمهای جهان و جمعیت‌ها و نیز شخصیتها در جهت طرح فرمولهای متعددی برای پایان دادن به کشمکش اعراب و صهیونیسم و حل بحران خاورمیانه همت گماشتند که انگیزه همه آنها، اهمیت استراتژیک منطقه و فعل و انفعالات پدید آمده در خاورمیانه از سال ۱۹۶۷ به بعد بوده است. این فعل و انفعالات امنیت و صلح جهانی را به‌مخاطره افکنده است.

به رغم این توجه فزاینده جهان به منطقه، تمامی طرحها و فرمولهای ارائه شده تاکنون بی‌نتیجه مانده و به‌سر برقراری صلح منتهی نشده است، زیرا رژیم صهیونیستی بنا به شیوه توسعه‌طلبانه و خصلت تجاوزکارانه خود، پیوسته هر پیشنهاد یا راه‌حلی را که خود مطرح نکرده و یا با هدفها و منافع و سیاستهای توسعه‌طلبانه آن کاملاً "هماهنگ نباشد رد کرده است. البته در همه این راه‌حلها گونه‌نظری مشهود بوده و علل بنیادی کشمکش، با دیدی سطحی بررسی شده است. از این رو، تمامی آنها در کل، به نفع رژیم صهیونیستی، ناشی از طرفداری از آن و یا متکی بر درک نادرست مسئله، بوده است. شاید تبلیغات شدید صهیونیستی از هنگام تاسیس در خاک فلسطین، نقش بزرگی در شکل‌گیری این درک نادرست داشته باشد، بگونه‌ای که در هیچ‌یک از این پیشنهادها، عقب‌نشینی کامل اسرائیل از سرزمینهای اشغال شده عرب و شناسایی حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت و ایجاد کشور مستقل خویش، عنوان نشده است.

سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۵ بارورترین سالها در زمینه ارائه طرحها و پیشنهادهای گوناگون در این زمینه بود. بررسی همه آنها امری مهم و ضروری است ولی ما در اینجا طرحهای مربوط به خودمختاری را که اینک در محافل بین‌المللی و عرب به عنوان تنها راه‌حل مطرح می‌شود، به بحث می‌گذاریم. هرچند طرح "راجز" و نیز قطعنامه شورای امنیت و

طرح شوروی - که از سوی آمریکا رد شد - و همچنین پیشنهادهای اعضای سازمانهای آمریکایی، برجسته‌ترین طرحها در سطح جهان معرفی شدند، طرح "ایگال الون" وزیر خارجه صهیونیست مهم‌تر و بیشتر قابل بررسی است. زیرا منعکس کننده دیدگاه بی‌برده صهیونیسم بوده و در زمان پیروزی صهیونیسم و شکست اعراب در سال ۱۹۶۷ مطرح شده است. و سرانجام روشن‌ترین شکل اندیشه نژادپرستانه و توسعه طلبانه صهیونیسم را بیان می‌کند و تلاش آشکاری برای لوث شخصیت فلسطینی به شمار می‌رود.

طرح آلون:

بلافاصله بعد از جنگ ۱۹۶۷ "ایگال الون" طرحی برای صلح با اردن در باره مناطق اشغال شده ارائه داد و بعد ها پیشنهاد هائی درباره جولان وسینا به آن افزود ... بدینگونه آلون نخستین وزیر صهیونیستی بود که برداشتی برای حل منازعات منطقه - از دیدگاه اسرائیل - ارائه می‌داد.

هرچند این طرح مطلقاً نه در حزب و نه در دولت صهیونیستی بحث گذاشته شد، اما بصورت اساس سیاست دولت "معراج" (کابینه ائتلافی به رهبری لیکود) در مناطق اشغال شده واصلی‌ترین "دستور کار" دولت درباره این مناطق و طرحهای مربوط به حل و فصل مساله درآمد.

آلون با ارائه شتابزده این طرح قصد داشت دیدگاه مورد نظر اسرائیل برای حل کشمکش اعراب - صهیونیسم را ارائه کرده باشد و ضمناً با این اعتقاد که شرایط شکست میتواند راه حل و نظرات صهیونیسم را به کشورهای عرب تحمیل کند، می‌کوشید نظر مساعد دیگر کشورها را به دیدگاههای اسرائیل جلب کند.

رئوس طرح آلون:

۱ - آلون پیشنهاد می‌کند که رودخانه اردن و خطی که تمامی طول بحرالامیت را از نیمه آن قطع می‌کند، مرزهای شرقی اسرائیل باشد و مرزهای دوران قیمومت در طول "دره عربیه" به همان صورتی که پیش از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بود، باقی بماند.

۲ - ایجاد یک سیستم دفاعی مستحکم و تحقق تمامیت ارضی کشور و تأمین آن در زمینه های جغرافیائی و استراتژیکی، بایاید مناطق

ماباید مناطق زیر را به عنوان اجزاء لاینفک حاکمیت صمیمه "کشور" کنیم:

الف: نواری تقریباً به عرض ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر در طول غور اردن تا غور بیسان، تا شمال بحریمیت ... به شرطی که حداقل ساکنان عرب در این محدوده جای بگیرند.

ب - الحاق نواری چند کیلومتری - از نزدیک ساحلی شده باشد - از شمال حاده قدس - بحرالامیت به نحوی که در نقطه‌ای به منطقه واقع در شمال حاده عطرورت - بیت حورون - اللطرون متصل شود و خود منطقه اللطرون ضمیمه آن باشد.

ج - در مورد کوه الخلیل و صحرائ یهودا باید این دو احتمال بررسی شود: الحاق کوه الخلیل با ساکنان آن یا الحاق صحرائ یهودا دست کم از حومه شرقی الخلیل تا بحریمیت و صحرائ النقب.

د - برای اجتناب از الحاق عده کثیری ساکنان عرب، باید امکان الحاق فقط صحرائ یهودا با کمترین جرح و تعدیل در مرزها، مثل "گوش عتسیون" و جنوب کوه الخلیل را بررسی کرد.

۳ - باید در مناطق یاد شده با سرعتی هرچه بیشتر یهودی نشین‌های روستائی و شهری و پایگاههای دائمی نظامی بنا به مقتضیات امنیتی، ایجاد شود.

۴ - باید در شرق بیت المقدس بخشهایی یهودی نشین ایجاد شود و هرچه زودتر محله یهودی نشین بخش قدیمی شهر یازسازی و در آن یهودیان اسکان داده شوند.

۵ - اسرائیل باید با شخصیتها و ساکنان کزانه غربی رابطه برقرار کند تا از سطح آمادگی آنها آگاه شود و آنان را به قبول خودمختاری در مناطقی که تحت حاکمیت اسرائیل نیست، تشویق کند ... و این خودمختاری می‌تواند در پیوند با اسرائیل باشد و یا فراهم آوردن: چارچوب مشترک اقتصادی، عهدنامه مشترک دفاعی، همکاری تکنیکی

وعلمی ، قراردادهای فرهنگی و ایجاد راه حل مشترک برای اسکان آوارگان نوار غزه در کرانه غربی ، برقرار شود .
... و بنا توافق بر سر همکاری کامل ، اسرائیل باید روستاهای نمونه برای آوارگان در کرانه غربی و شاید در سینا نیز ایجاد کند . این امر به دو دلیل ضروری است :

۱- به منظور تجربه اندوزی ،
۲- به منظور نشان دادن حسن نیت و اذیت این مدعا که اسرائیل متعهد به حل مشکل با توجه به شیوه های سازنده است .
۳- اسرائیل باید نوار غزه و ساکنان اصلی آن یعنی کسانی را که از پستی از سال ۱۹۴۸ در آن زندگی می کردند ، ضمیمه خود کند ، اما "آوارگانی" که به انگیزه های اقتصادی و اجتماعی و غیره جذب نوار غزه شده اند باید به دلخواه خودشان در کرانه غربی یا منطقه العریش اسکان داده شوند . سازمان ملل متحد نیز باید رسیدگی و توجه به آوارگان را ادامه دهد تا زمانی که اسرائیل رسیدگی کامل به امور ساکنان دائمی را تعهد نکند . البته اجرای این طرح نیاز به زمان دارد و لذا اسرائیل باید در این میان نوار غزه را "فانونا" ضمیمه کشور کند .

۴- حدود دقیق مرزها بعد از تعیین نظر رئیس ستاد ارتش تعیین می شود .
۵- در اسرع وقت هیاتی عالی برای رسیدگی به مشکلات مناطق تحت اختیار و نیز مشکلات آوارگان تشکیل شود .
بعد از آن به منظور تعیین آینده سیاسی کرانه غربی و نوار غزه و شبه جزیره سینا و جولان ، تغییراتی به نحو زیر در طرح خود اعمال کرد : تمامیت ارضی کشور از لحاظ جغرافیایی و استراتژیک به رسمیت شناخته شدن "یهودیت" دولت از طرف ساکنان ،

اما در مورد کرانه غربی ، آلودن به عنوان راههای ثانوی چهار پیشنهاد مطرح کرد .
۱- تحقق تمامیت ارضی "اسرائیل غربی" با اضافه ساکنان آن از طریق اعطای مقام "نازد شهروندی" به ساکنان این بخش برای مدت ده سال یا بیشتر .
۲- تحقق تمامیت ارضی "اسرائیل غربی" با اعطای حقوق کامل شهروندی به کسانی که بعد از الحاق مناطق آزاد شده ، به آن خواهند پیوست .

۳- باز یس دادن کرانه غربی به حاکمیت اردن هاشمی به حز بیت المقدس شرقی ، بعد از تخلیه سلاحهای تهاجمی از آن و بعد از حرج و بعدیل های مری مهم از لحاظ امنیتی در طول خط ترک محاصره سال ۱۹۴۹ - در مقابل عهدنامه صلح و اعلام آمادگی اردن برای جذب آوارگان نوار غزه .

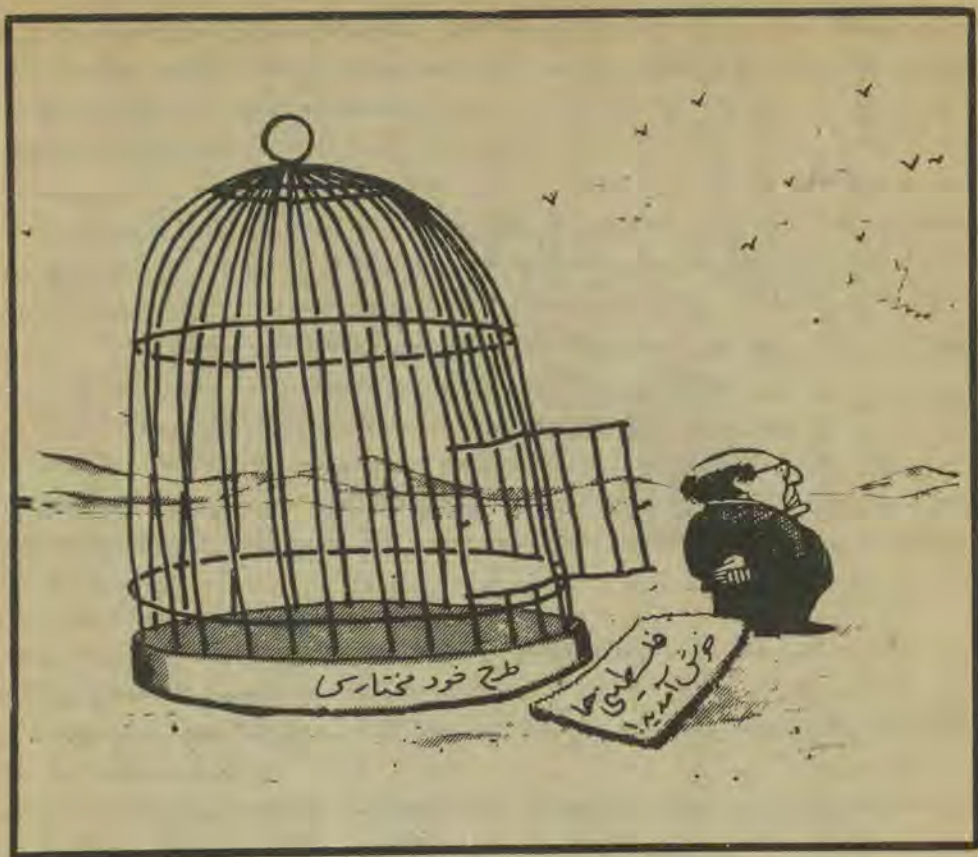
آلودن این پیشنهاد چهارم را به عنوان "راهحلی میان" بهتر از سه مورد قبلی عنوان کرده و به عقیده وی باید رود اردن و خط وسط بحرمیت ، ولو بصورت یکجانبه ، به عنوان مرز اسرائیل با اردن تعیین شود و برای آنکه این مرز به تنهایی بصورت تثبوری ، بل عملی هم باشد باید نواری به عرض ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر در طول غور اردن تا بحرمیت ضمیمه اسرائیل شود .

آلودن همچنین پیشنهاد می کند که مرزها از شمال بحرمیت به طرف غرب تا شهر اریحا به طرف محدوده شمالی بیت المقدس با الحاق جاده بحرمیت - قدس به حومه اسرائیل - و از حومه رام الله تا مرزهای غربی کشیده شود به نحوی که جاده اللطرون - حورون - بیت المقدس در اختیار اسرائیل باشد ، اما برای کوه الخلیل و صحرای یهودا ، آلودن دو قرضه ارائه می دهد :

۱- الحاق کوه الخلیل همراه با ساکنان دائمی تقریباً ۸۰ هزار نفری آن به اسرائیل از طریق دادن حقوق مدنی به آنها ، مثل ساکنان بیت المقدس شرقی ،

۲- الحاق تمامی یهودا و بخشهای خالی از سکنه کوه الخلیل همراه نواری اقلیمی در موازات غور اردن اما با عمقی بیشتر تا جنوب الظاهریه و السموع به نحوی که نوار اقلیمی اسرائیل از غور یسنان تا النقب امتداد یابد و ساکنان عرب مجتمع در کوه الخلیل بصورت کانون عربی دومی در آیند و از حق ارتباط با کانون السامره از طریق جاده یا گذرگاهی برخوردار شوند .

از لحاظ سیاسی آلودن پیشنهاد می کند که با همکاری نزدیک رهبران ، شخصیتها و نمایندگان فعال ساکنان عرب ، بخش غربی مستقلی برخوردار از خود مختاری ایجاد شود و در جارجوب اقتصادی مشترک و عهدنامه مقابل دفاعی



و قراردادهائی مبنی بر جذب آوارگان نوار غزه و کوه الخلیل - در صورت الحاق تمامی کوه به اسرائیل - و همکاری تکنیکی و فرهنگی با اسرائیل بیوند داشته باشد و چون این بخش مستقل راه به دریا ندارد ، آلود نظر میدهد که اسرائیل در بندر حیفا اسکله‌ای آزاد و نیز حق برانزیت در جاده حیفا - محدود - چنین در اختیار آن بگذارد همچنین میتوان درباره بندر اشدود ویا هر گذرگاه دیگری به دریا با همین شرایط مذاکره کرد .

۹ - آلود در طرح خود برای حل مشکل آوارگان نظرمی‌دهد که اسرائیل مسؤول بیدایش این مشکل و ادامه فاجعه آمیز آن با به امروز ، نیست (۱) . به عقیده وی کشورهای عربی بویژه مصر در یافساری و بهره‌برداری از "مشکل آوارگان" بعنوان ابزاری سیاسی علیه اسرائیل ، مسؤول این‌گناه هستند و اسرائیل نمی‌تواند به نتایجی تمامی این مشکل حتی بخش بزرگتر آن را در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی حل کند .

در طرح پیشنهادی آلود درباره آوارگانی که در کرانه غربی باقی می‌مانند یا کسانی که از شرق اردن به آنها خواهند پیوست و نیز آوارگان بسیاری از نوار غزه ، آمده است : می‌توان آنها را در کرانه غربی اسکان داد . وی تردید با گسترش کشاورزی و توسعه صنعتی و تأمین خدمات لازم برای آنها ، اسکان بخش دیگری از آوارگان در شبه جزیره سینا - حتی بدون ملاحظه نظرمصریها - امکان پذیر است و این برنامه ها را باید با هماهنگی خود آوارگان و کمتهای بین‌المللی پیاده کرد .

در مورد بلندپای جولان ، آلود پیشنهاد می‌کند : "دولت اسرائیل" باید سلطه همراه با حاکمیت کامل خود را بر آن با دست کم برخی بزرگی از آن را حفظ کند ، در عوض نباید بیشتر از آنچه لازم است بر شبه جزیره سینا یافساری کرد . آلود در این زمینه توضیح میدهد : سلطه تثبیت شده بر نقاط حیاتی خلیج ایلات و اقامت در مناطق

معینی در رقع و منطقه العوجه - الحفرکه اهمیت امنیتی دارد ، کافی است .

آلون اضافه میکند که راه حل اقلیمی در شبه جزیره سینا هرچه باشد ، باید در چارچوب یک عهدنامه صلح ، خلع سلاح مراتب شده و فعالی در سه جزیره سینا تضمین شود تا مصریها نتوانند پایگاههای هوایی و واحدهای زرهی و زمینی در آن متمرکز کنند ، زیرا بدون این پایگاهها و واحدهای زرهی و زمینی ، مصر نخواهد توانست حمله غافلگیرانه‌ای را که در آن احتمال پیروزی متصور باشد ، به اسرائیل آغاز کند . از سوی دیگر شیوه های خلع سلاح به اسرائیل اجازه خواهد داد عد حمله پیشگیرانه‌ای را پیش از آن که هجوم مصر عملاً اهمیت نظامی پیدا کند ، تدارک ببیند . آلون طرح خود را با این حمله به پایان می‌برد که : ما ملزم به توافق بر سر یک عهدنامه صلح همواره با ترتیبات امنیتی لازمی هستیم که سبب شود جنگ شش روزه (ژوئن ۱۹۶۷) آخرین جنگ میان کشورهای غربی و اسرائیل باشد .

مروری سریع بر طرح صلح آلون برای منطقه خاور میانه دونکنه ریر را ناکند می‌کند :

۱ - ساده لوحی طرف بیروز شده در جنگ که خیال می‌کند می‌تواند شرایط خود را بی‌توجه به نوع راه حلی که ارائه می‌دهد و این که نا کجا آن راه حل مناسب است ، تحمیل کند .

۲ - ادامه ذهنیت تعصب قومی و توسعه طلبی استعماری و سنیر با واقعیت از طریق تصمیم به لبوت شخصیت فلسطینی و تقدیم "هیج" به خلق فلسطین و تلاش برای الحاق اجباری آن به کشور صهیونیستی از طریق ناکند بر ادامه اشغال مناطق تسخیر شده و دادن جنبه قانونی به آن

یادآوری این نکته بی‌مناسبت نیست که با وجود گذشت زمان بر طرح آلون و علیرغم تحولات سیاسی و نظامی که منطقه از سال ۱۹۶۷ تاکنون شاهد آن بوده ، هنوز همان تاریک اندیشی رهبران رژیم صهیونیستی به قوت خود باقی است که بصورت طرح خودمختاری اداری بگین چهره کرده است . طرحی که از لحاظ تحمیل شرایط بریده جنگ و نادیده گرفتن شخصیت فلسطین و قانونی جلوه دادن اشغالگری صهیونیستی در مناطق تسخیر شده ، نقاوی با طرح آلون ندارد . پیش از بررسی طرح صلح آلون و طرح بگین که نا حدود زیادی با هم انطباق دارند ، ارائه طرح خودمختاری اداری بگین ضروری است .

طرح بگین :

مناحیم بگین در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۷۷ طی نطقی در پارلمان اسرائیل طرح صلح خود را ارائه داد و چنین گفت : بایرقراری صلح ، تشکیل خودمختاری اداری برای ساکنان عرب یهودا و السامره و نوار غزه بر اساس اصول زیر بنیستپناه خواهیم کرد :

۱ - لغو حکومت نظامی در یهودا و السامره و نوار غزه .

۲ - در یهودا و السامره و نوار غزه خودمختاری اداری برای ساکنان عرب این منطقه بوسیله افراد مقیم در آن و برای آنها برقرار می‌شود .

۳ - ساکنان یهودا و السامره و نوار غزه بر اساس اصول تعیین شده در این سند یک شورای اداری متشکل از ۱۱ عضو انتخاب می‌کنند .

۴ - هر شهروند ۱۸ ساله به بالا صرف نظر از نوع شناسنامه و بی‌توجه به این که شناسنامه دارد یا نه ، حق دارد رای خود را در انتخابات شورای اداری به صندوق اندارد .

۵ - هر شهروند ۲۵ ساله به بالا که در لیست کاندیداها ثبت نام کرده باشد ، حق دارد به عضویت شورای اداری انتخاب شود .

۶ - اعضای شورای اداری در انتخاباتی عمومی و مستقیم و با رای مخفی برگزیده می‌شوند .

۷ - دوره شورای اداری چهار سال از روز انتخاب شدن است .

۸ - مقر شورای اداری در بیت لحم است .

۹ - تمامی مسائل اداری مربوط به ساکنان عرب مناطق یهودا و السامره و نوار غزه در صلاحیت شورای اداری است .

مسئول تنظیم ترافیک و اجرای استراتژی نظامی صهیونیستی با وسایل عسری محلی است و هرگاه نیروی پلیس محلی از عهده این مهم بر نیاید، ارتش اسرائیل برای حل قطعی هر مشکلی آماده عمل است.

بگین همچنین در ماده ۱۱ در بنایی توضیحی هرگونه ابهامی را که ممکن است هنوز در ذهن بعضی رهبران صهیونیسم باقی مانده باشد برطرف کرده و می گوید: "این ارتش صهیونیستی خواهد بود که امور امنیت و نظم عمومی در مناطق خود مختار را عهده خواهد گرفت. این حق است که فقط به ارتش اسرائیل تعلق دارد."

شاید در ماده ۱۴ بهترین نمونه از سلسله تلاشهای صهیونیست ها برای لوث شخصیت فلسطینی دیده شود، آنجا که سپهوند فلسطینی را به انتخاب یکی از دو ستاسامه اردنی یا اسرائیلی وامیدارد که با داشتن یکی از آنها از امنارانی برخوردار می شود که الزاما به نابودی شخصیت مستقل فلسطینی می انجامد.

بگین در طرح خودمختاری اداری خود ضمن ارائه بعضی اختیارات جزئی اداری به خلق فلسطین که در مقایسه با "حق تعیین سرنوشت" اهمیت چندانی ندارد، بیم آن دارد که خلق فلسطین بعضی گریزگاههای قانونی را مورد بهره برداری قرار داده و اختیاراتی را به قبضه خود در آورد. لذا می بینیم به خود و به کمیته اردنی و نمایندگان حکومت خود مختار حق تعدیل برخی مواد و محدود کردن اختیارات شورای اداری در زمینه صدور قوانینی را می دهد که در اینجا برای رژیم صهیونیستی الزاما در مورد هر طرح یا قانون تصویب شده از سوی شورای اداری که احتمالا با دیدگاه رژیم صهیونیستها مغایرتی ولو کم اهمیت داشته باشد، "حق وتو" محفوظ خواهد بود.

طرح بگین همچنین به صهیونیستها حق می دهد که در کرانه غربی و نوار غزه زمین بخرند و در این مناطق اقامت کنند که در واقع نقشه ای برای گاشتن یهودیان در این مناطق و ایجاد تغییرات جمعیتی است و می تواند آغازی برای بلعیدن منطقه از طریق به اقلیت در آوردن اکثریت فلسطینی و وارد کردن گروههای بزرگی از یهودیان و گاشتن آنها در این مناطق باشد. ایجاد یهودی نشین ها که در مناطق دیگر همچنان ادامه دارد دلیل این مدعاست: سیاست پیشین صهیونیست ها که با پیاده کردن آن دگرگونی جمعیتی در کل فلسطین اشغال شده از طریق ایجاد یهودی نشین و وارد کردن یهودیان از همه کشورهای دنیا، بوجود آورده، دلیل دیگری بر این مدعاست. بنابراین، خودمختاری اداری یکی از مراحل نخست تسخیر و غارت مناطق اشغال شده عربی و الحاق قانونی آن به رژیم صهیونیستی از طریق اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی است که سرانجام جز سلب کامل حقوق خلق فلسطین، و غصب سرزمین آنان و نادیده انگاشتن حق تعیین سرنوشت و برقراری دولت مستقل خویش، مفهوم دیگری ندارد.

اسرائیل اینک می کوشد آنچه را که نتوانسته از طریق اقدامات مستقیم نظامی تحقق بخشد با تحمیل طرحهای مشکوک مورد نظر امپریالیسم جهانی و بعضی رژیمهای عرب بدست آورد. رژیم هایی که تصمیم به جداسدن از صف اعراب و کنار گذاشتن مسوولیتهای قومی و تاریخی خود نسبت به مسائل خلق عرب بویژه مساله فلسطین گرفته اند، ولی آیا آنچه از اندیشه نژادپرست صهیونیسم تراوش میکند، می تواند بر خلق فلسطین تحمیل شود؟ و آیا بوده های فلسطینی در داخل وطن اشغال شده تسلیم این نقشه های مشکوک خواهند شد؟

تاریخ طولانی مبارزات خلق فلسطین علیه دشمنی صهیونیستی و سیاست های استعماری آن، باسخی روشن و قاطع به این گونه طرح هاست.





تقویم مهر ماه

مبارزات مهرماه ۵۷

۱۵ مهرماه ۱۳۵۷
همگام با گسترش قیام
ضد سلطنتی مردم، آموزگاران
کشور اعتصاب سراسری خود را
آغاز کرده و وارد کارزار شدند.

۱۹ مهرماه ۱۳۵۷
اولین اعتصاب سیاسی
مطبوعات برای اعتراض به
حقان و تجاوز غلبن نظامیان
جلاد به مطبوعات، در تهران
آغاز شد. با ورود یک سرگرد
ارتشی به کیهان و یک سرهنگ
ارتشی به اطلاعات، که مأموریت
نظارت مستقیم بر کار این
دو روزنامه را داشتند، روزنامه
نگاران دست از کار کشیدند.
با پیوستن کارکنان مؤسسه
مطبوعاتی به این اعتصاب،
مطبوعات بصورت یکپارچه
اعتصاب کردند. بدینگونه،
روزنامه‌نگاری که حیر و سرکوب
جدیدین ساله رژیم سلطنتی را
تحمل کرده بودند، با اتکا به
جنبش عظیم مردم، در برابر
تجاوز حکومت نظامی مقاومت
کرده، خواهان آزادی خود از
ضد قیمت‌دستگاه‌های سانسور
شدند.

به شهر روانه داشت که آشوب
کنند و سیمهای تلگراف را
پاره کنند تا اخبار بدست مردم
شهرهای دیگر نرسد و خود به
باغشاه رفت. پس از به‌توب
بستن مجلس در سه‌شنبه دوم
مهرماه و دستگیری و کشتار
آزادیخواهان، زمینه حمله به
تبریز را فراهم ساخت و
عین‌الدوله خونخوار را ماه‌مور
این کار کرد. اگر چه بیس
سیاهیان استبداد و مجاهدین
تبریز جنگهای پراکنده‌ای روی
داد اما نبرد نهایی و سرنوشت
سازد سوم مهر ۱۳۵۷ اتفاق
افتاد. در این نبرد نابرابر
میان نیروی ۳۰ هزار نفری
استبداد و آزادیخواهان و
مجاهدین، شکستی خوارکننده
بر عین‌الدوله وارد آمد. آتش
آزادی دوباره شعله‌ور شد و
جنگ تبریز با قرار دولتیان
در ۲۱ مهرماه هفتمین سال‌خاتمه
یافت.

در این مرحله، استبداد
شکست خورده بود، اما با
گذشت زمان به جاهای دیگر
درآمد، مجاهدین خلع سلاح
و قتل‌عام شدند. ستارخان
به گلوله بسته شد و استبداد
استقرار یافت.

در ایران

جمعه سوم مهر ۱۳۵۷

قیام تبریز و احیای مشروطیت

مجاهدین تبریز به رهبری
ستارخان، سردار ملی، شکست
سختی را بر نیروهای استبداد
به سرکردگی عین‌الدوله وارد
کردند. استبداد به یاری
ارتجاع که مجاهدین و مبارزین
را با بی‌بی می‌خواند و فتوای
قتلشان را صادر کرده بود،
می‌کوشید تا آزادی‌های اجتماعی
و سیاسی را در سراسر ایران
تعطیل کند. اما قیام قهرمانانه
و آزادیخواهانه دلاوران تبریز،
نقشه استبداد و ارتجاع را نقش
بر آب کرد.

محمدعلی میرزا برای آنکه
رسته بستن مجلس شورای ملی
را فراهم کند روز پنجشنبه
۴ خرداد ۱۳۵۷ عده‌ای
جامه‌دار و فداپرست مسلح را



۲۲ مهر ماه ۵۷

با آنکه حکومت نظامی ، کار مطبوعات در همان شرایط بیش از اعتصاب را نیز موانع با منافع خود نمی دانست ، در برابر فشار توده های مردم و مقاومت یکپارچه جامعه مطبوعات تسلیم شد . حکومت شریف امامی ، در اعلامیه ای ، رفع سانسور از مطبوعات را اعلام کرد و اعتصاب چهار روزه مطبوعات پایان یافت .

۲۳ مهر ماه ۵۷

زندانیان سیاسی تبریز ، فرزندان مجاهد و مبارز خلق ، برای پشتیبانی از قیام مردم دست به اعتصاب غذا زدند . ۲۴ مهر ماه ۵۷ زندانیان سیاسی شیراز - اهواز و کرمانشاه برای حمایت از قیام مردم به اعتصاب غذا دست زدند .

به دعوت امام خمینی و برای ادای احترام به شهدا چهلمین روز کشتار ۱۷ شهریور در سراسر کشور اعتصاب عمومی و عزای ملی اعلام شد . جماعتداران با حمایت نیروهای مسلح شاهنشاهی به مردم کرمان در مسجد جامع حمله کرده و با آتش زدن مسجد به کشتار مردم بی دفاع پرداختند . در این حمله ۱۲ نفر شهید و صدها نفر زخمی شدند .

۲۵ مهر ماه ۱۳۱۸

شهادت فرخی یزدی ، شاعر خلق

فرخی یزدی شاعر و روزنامه نگار آزاده به جرم آزادی طلبی و بیان دردها و رنجهای مردم ، ناجوانمردانه در زندان به قتل رسید .

حقیقت جوی انگلیسی قرن سیزدهم میلادی ، بعد از ۸۲ سال زندگی درگذشت . او در ۱۱ آوریل ۱۲۱۴ میلادی متولد شده بود . مردی با اراده بود و جوهر حیات و ناموس زندگی را " اراده " می دانست . از اولین فیلسوفانی بود که بر علیه جهل حاکم بر قرون وسطی قیام کرد و به مبارزه علیه خرافات و تفتیش عقاید پرداخت

۸ مهر ماه (۳۰ سپتامبر ۱۹۴۶)

دادگاه نورنبرگ

محاکمه " نورنبرگ " یکی از معروف ترین محاکمات تاریخ بشر در شهری بهمنی نام در آلمان آغاز شد . در این دادگاه نمایندگان چهار کشور شوروی - آمریکا - انگلستان و فرانسه ، ۲۲ نفر از رجال سیاسی ، نظامی و اقتصادی آلمان نازی را با اتهام جنایات جنگی محاکمه می کردند . این محاکمه روز ۱۵ اکتبر همانسال با اعدام و حبس ۱۹ نفر از متهمان و آزادی ۳ نفر از آنها پایان یافت .

آمریکا که خود با بمباران اتمی وحشیانه ژاپن یکی از بزرگترین حمایت تاریخ بشریت را مرتکب شده بود در این دادگاه بعنوان قاضی شرکت داشت .

۱۴ مهر ماه (۶ اکتبر ۱۹۷۳)

جنگ رمضان و پایان افسانه شکست ناپذیری اسرائیل

برای اولین بار ارتش اسرائیل مورد حمله نیروهای مصر و سوریه قرار گرفت و به نبرد در دو جبهه کشانده شد .

میرزا محمد متخلص به فرخی فرزند محمد ابراهیم یزدی در سال ۱۳۰۶ هجری قمری در یزد متولد شد . به علت فقر ، تحصیلات خود را نیمه - تمام رها کرد و در ۱۶ سالگی به کارگری پرداخت . در سال ۱۳۲۷ قمری بجرم بیان حقایق توسط ضمیمه الدوله قشقائی حاکم یزد به زندان افتاد و بدستور او دهانش را با سوزن و نخ دوختند تا فریادش را خفه کنند . اما او که بیشتر از هر چیز حقیقت را دوست میداشت هیچگاه دم فرو نیست و سالها در زندان به سر برد . در ۱۳۰۰ خورشیدی روزنامه طوفان را منتشر ساخت که مرتباً " به جرم بیان حقیقت توقیف می شد ، سرانجام در زندان استیداد بدستور پزشک احمدی نوکر جیره خوار رضاخان بقتل رسید .

در جهان

سوم مهر ماه (۲۵ سپتامبر ۱۳۹۶)

مرگ راجر بیکن

" راجر بیکن " فیلسوف ، شیمیدان ، نویسنده و کشیش

در لحظات اول مورد بلیطی توسط ارتش مصر بر کاتال سوئر کشیده شد و نیروهای مونوری و بماده از آن گذشتند.

در اولین حمله ۲۷ هواپیما و ۶۰ ازامه جنگی اسرائیل در صحرای سینا نابود شد و افسانه شکست ناپذیری اسرائیل درهم شکسته شد. در روز هفتم اکتبر ۴۳ هواپیمای اسرائیل در جبهه سوریه نابود شد. و اعراب پس از ۲۵ سال شکستهای متوالی طعم بروری را چشیدند.

فدائیان فلسطینی حملات خود را شدت بخشیدند و دهکدههای اسرائیل را در زیر آتش دائم حصارهای خود قرار دادند. طی ۲۲ روز جنگ بیش از ۲۵۰ عملیات نظامی توسط فدائیان فلسطینی در فلسطین اشغال شده پیوسته پیوست.

جنگ اکتبر نشان داد که علیرغم تمام فشارها و کشتار دسته جمعی فلسطینی ها توسط ملکه حسین در سپتامبر ۷۰ و حصاران های هوایی اردوگاههای فلسطینی در لبنان و نکار و قتل مبارزان الفتح در اروپا و خاورمیانه، جنبش فلسطین رنده، قوی و قادر به سرافردن است. سرانجام در ۲۲ اکتبر شورای امنیت سازمان ملل اعلام آتش بس کرد و اسرائیل و مصر آنرا پذیرفتند. سوریه پس از ۳ روز آتش بس را قبول کرد. اما مقاومت فلسطین همچنان به عملیات نظامی ادامه داد و هرگونه توافقی را در مورد آتش بس مردود خواند.

۱۸ مهرماه (۱۵ اکتبر ۱۸۹۸)

اسپانیا، فیلیپین را به آمریکا فروخت

بموجب قراردادی میان آمریکا و اسپانیا، مجمع الجزایر فیلیپین که مستعمره اسپانیا بود، با جمعیتی در حدود ۳۰ میلیون نفر به قیمت ۲۰ میلیون دلار به آمریکا فروخته شد (که هنوز معلوم نیست این قیمت گذاری براساس نفی یک دلار بوده، و یا اینکه سرزمین فیلیپین بدون احساب مردم آن، مبادله شده است!) از زمان کشف (!) و اشغال فیلیپین و ضمیمه شدن آن به خاک اسپانیا در سال ۱۵۶۵ میلادی، تا زمان مبادله آن، یعنی به مدت ۳۳۳ سال، مردم فیلیپین همواره با اشغالگران اسپانیائی مقابله کرده و بیش از ۲۰۰ بار سرشورش برداشته بودند که یکی از نخستین قربانیان این شورشها، مارزالن، "کاشف" مجمع الجزایر بود.

پس از تسلط آمریکا، این شورشها گسترش یافت و در ۱۴ سپتامبر ۱۸۹۸ نیروهای آمریکایی بدنیال کشتاروحشیانه مردم به مانیل وارد شدند، و از آن پس، میهن پرستان قهرمانی که برای رهایی کشور خود می جنگیدند خرابکار نامیده شدند. در ۴ ژوئیه ۱۹۴۶، با تغییر سیاست های استعماری، فیلیپین استقلال یافت اما حکومت آن بدست عمال و دست نشاندهگان آمریکا سپرده شد. در سال ۱۹۶۵ فردیناند مارکوس به ریاست جمهوری رسید او در تابستان سال ۱۹۷۱ همه حزب ها را غیر-

قانونی و یکسال بعد، در برابر کشور حکومت نظامی اعمال کرد. و بدینگونه، سانسور و اختناق در کشور، که از آن بیستر نیز همواره ادامه داشت، جنبه قانونی پیدا کرد. مارکوس در ادامه حکومت استبدادی خویش، در عین شدت بخشیدن به سرکوب و حس آزادی خواهان، به اصلاحات ارضی نمایی نیز دست زد.

نیروهای عمده ای که بطور مشکل علیه دیکتاتوری مارکوس مبارزه می کنند عبارتند از: جبهه آزادیبخش ملی نورو (مسلمانان)، حزب کمونیست فیلیپین و مسیحیان آزادیخواه

۲۰ مهرماه (۱۲ اکتبر ۱۹۹۲)

«کشف آمریکا»

کریستف کلمب، کاوگزار استعمار اسپانیا، سرانجام پس از ۳۳ روز دریانوردی با سه قارهای که بعدها آمریکا نامیده شد کدشت و روزهای حوشین کشتار سرخیوسان، ساکنان اصلی این قاره آغاز شد.

در حوات سرخیوسانی که بنا به سنت خود کریستف کلمب را با خوشرویی پذیرا شده و برای او هدیه ها آورده بودند، کلمب ده تن از آنان را بعنوان نخستین برده ها به اسپانیا برد. سال بعد در (۲۵ سپتامبر ۱۴۹۳) کریستف کلمب همراه با ۱۵۰۰ نفر، سوار بر ۱۷ کشتی به "آمریکا" بازگشت و این گروه، نخستین مهاجران سفیدپوستی بودند که در جستجوی زمین های بارآور، طلا و برده به آمریکا می رفتند. سرخیوسان در برابر هجوم این عده مقاومتی

قدرت امپراتوری رم قدیم و در حقیقت بر زمینهای ازبهران شدید اقتصادی و باسو، استفاده از خواستههای ملت فقیر و جنگ زده ایتالیا در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۹ تاسیس شده بود عملاً" به قدرت رسید.

۲۴ مهر ماه (۱۶ اکتبر ۱۹۱۵)

تولد دوباره کوکلوکس کلان

سازمان مخوف ضدنژادی آمریکایی کوکلوکس کلان که مخالف آزادی اجتماعی سیاهپوستان است، فعالیت‌های خود را دوباره شروع کرد. این جمعیت مخوف که پس از جنگ‌های انفصال آمریکا تشکیل شده بود به علت جنایات بی‌شمار خود در سال ۱۸۷۷ غیرقانونی اعلام شد، هرچند که همچنان فعالیت این گروه با حمایت غیر مستقیم نیروهای دولتی ادامه داشت.

کوکلوکس کلان در سال ۱۹۱۵ دوباره توسط کشیش متعصب بنام جوزف سایمون علناً اعلام موجودیت کرد و تاکنون در اربعاب و سرکوب سیاهان فعال بوده است.

سرخپوستان کردند و بسدت سرکوب شدند. آبادیهای سرخ-پوستان غارت و به آتش کشیده شد و صدها نفر به بردگی گرفته و به اروپا برده شدند. از آن پس، سفیدپوستان بزور اسلحه و ارعاب، برای غصب زمین‌های سرخپوستان قراردادهایی را بر آنها تحمیل کردند که مالکیت زادگاه بومیان را از آنان سلب میکرد. بدینگونه، رابطه مهاجمان ازوبایی و بومیان "امریکا" از آغاز بر کینه و نفرتی آنچنان حاد استوار شد که هم اکنون نیز در فرهنگ آمریکایی (بانکی) بصورت این ضرب‌المثل تجلی می‌یابد که: "تنها سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است"

۲۲ مهر ماه (۱۴ اکتبر ۱۹۲۲)

اشغال رم و بقدرت رسیدن فاشیسم

گروه‌های فاشیستی "پیراهن سیاه"، به رهبری بنیتو موسولینی، وارد رم پایتخت ایتالیا شده، این شهر را تصرف کردند. بدینگونه، حزب فاشیست ایتالیا که براساس شعارهای عوام‌فریبانه تجدید





۳ طحار
اولان توتور



This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.